

روایت امید اشو هیشتان

متعلق به سده چهارم هجری

تدوین، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی:

دکتر نرگس صفای اصفهانی



المجلد

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

تحت

کتابهای «روایت» دسته‌ای از متون مربوط به آیین زرتشت هستند که در سده‌های اولیه‌ی اسلامی به زبان پهلوی و گاه فارسی نوشته و تدوین شده‌اند، و شامل پرسشها و پاسخهایی در مورد مسایل دینی و حقوقی و اجتماعی زرتشتیان هستند که از علمای این دین روایت شده‌اند. این متون از حیث پژوهش و بررسی تاریخی در مورد این دین و آشنایی با مسائل گوناگونی که در آن مطرح و مورد بحث بوده و عقاید و آداب و رسوم رایج در زمانهای مختلف و نیز آشنایی با متون زبان پهلوی اهمیت دارند و یکی از اهم آنها کتاب حاضر است که در سده‌ی چهارم هجری بر مبنای پاسخهای یکی از موبدان مهم زمان به پرسشهای زرتشتیان گردآوری شده و قدیمیترین نسخه‌ی خطی آن از سده‌ی دهم هجری باقی مانده است. متن شامل ۴۴ پرسش و پاسخ است که اینک برای نخستین بار ترجمه‌ی فارسی آنها همراه با آوانویسی متن پهلوی هر یک، و نیز توضیحهایی در موارد ضروری از مترجم، در دسترس پژوهندگان قرار میگیرد.



روایتِ اَمیدِ اَشَوَهیشتان



نشر مرکز

| | |
|--|-------------|
| روایت امید اشوهیشتان متعلق به سده چهارم هجری / تدوین، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی نزهت صفای اصفهانی - تهران: نشر مرکز، ۱۳۷۶. | ۲۹۵ / ۸۲ |
| یست و هشت، ۲۹۷ ص: نمونه - (نشر مرکز؛ شماره نشر ۳۳۲) کتابنامه به صورت زیر نویس. | ۷۶۲ |
| ۱. زرتشتی - احکام و قوانین ۲. ادبیات پهلوی. الف. صفای اصفهانی، نزهت، مترجم. ب. عنوان | |

2JKNN-2010
XXVI

روایت امید آسوهیشتان

متعلق به سدهٔ چهارم هجری

بیاد سرور
دکتر نزهت صفای اصفهانی
تدوین، آوانویسی و ترجمه از متن پهلوی:
دکتر نزهت صفای اصفهانی

ب. ۲۲۲



نشر مرکز

ترجمه انگلیسی این اثر همراه تدوین آوانویسی آن توسط همین مترجم
در سال ۱۹۸۰ میلادی به عنوان دومین اثر تحقیقی مرکز تحقیقات
ایران‌شناسی دانشگاه هاروارد منتشر شد.



روایت امید آشوهیستان

ترجمه نزهت صفای اصفهانی

چاپ اول اسفند ۱۳۷۶، شماره نشر ۳۳۲

۳۰۰۰ نسخه، چاپ نوبهار

کلیه حقوق محفوظ و مخصوص نشر مرکز است

نشر مرکز، تهران - صندوق پستی ۱۴۱۵۵-۵۵۴۱

ISBN : 964-305-338-5

شابک : ۹۶۴-۳۰۵-۳۳۸-۵

فهرست

| | |
|---|------------|
| یادداشت ناشر | شش |
| درباره مترجم | نه |
| پیشگفتار | یازده |
| مقدمه | دوازده |
| روایات پهلوی | چهارده |
| روایات فارسی | پانزده |
| روایت امید اشوهیشتان | شانزده |
| نکاتی درباره نسخه خطی روایت امید | بیست و دو |
| خلاصه‌ای از پرسشهای مطرح شده در روایت امید | بیست و سه |
| شرح کوتاهی بر چگونگی ترجمه زبان پهلوی | بیست و شش |
| راهنمایی بر متن کتاب | بیست و هفت |
| کوتهنوشتها | بیست و نه |
| ترجمه روایت امید اشوهیشتان | ۱ |
| مقایسه برخی از قرائتهای نسخه انکلساریا و نسخه خطی | ۲۶۸ |
| منابع | ۲۶۹ |
| واژه نامه | ۲۸۲ |

یادداشت ناشر

تاریخ ادیان بخش مهم و تعیین کننده‌ای از تاریخ فرهنگی همه‌ی جوامع انسانی است و نقش دینها در ساختار و تحول فرهنگی تمدنهای مختلف چندان عمده بوده است که نمیتوان تمدن جامعه‌ای را بدون آگاهی از گذشته و حال دینی آن بررسی کرد و شناخت.

همه‌ی ادیان از حیث مضمون و محتوا و نیز رواج و گسترش تاریخچه‌هایی پرفراز و نشیب و متلاطم و بحث‌انگیز داشته‌اند و گاه از صورت اولیه و اصیلی که به وسیله‌ی پیامبران ارائه شده دور افتاده‌اند و گاه دچار اختلافات فرقه‌ها و انشعاب و نفاق شده‌اند. زیرا همچنان که ادیان بر تحولات اجتماعی و تاریخی تاثیر می‌گذارند عوامل اجتماعی نیز باعث می‌شوند اهل دین نسبت به دین خود برداشت‌های متفاوت و گاه متعارضی داشته باشند و این بر سیر دین در جامعه تاثیر می‌گذارد. سرگذشت پرتلاطم ادیان از آنرو پرماجراتر و متحول‌تر میشود که دین در معرض تفسیرها و تأویلهای گوناگون اهل دین نیز هست که اغلب مناقشه‌ها و بحثهایی پرحرارت پدید می‌آورند. به هر تقدیر برای شناخت فرهنگها و اقوام مختلف به طور عام، و نیز در بررسی انفرادی هر یک از ادیان، اطلاع از این گذشته و تحولاتی ملازم آن ضروری است.

متنی که در صفحات آینده به خوانندگان عرضه میشود از همین حیث دارای اهمیت و ارزش تاریخی است و گوشه‌ای از مسایل مطرح در یکی از ادیان مهم جهان را که از سرزمین ما ایران برخاسته است در معرض اطلاع و ارزیابی و تحلیل قرار میدهد. البته درباره‌ی دین زرتشت تاکنون پژوهشهای فراوانی به وسیله‌ی ایرانیان و زرتشتیان و همچنین پژوهشگران غربی انجام

شده است و اهمیتی که این دین در گذشته‌ی تاریخی ایران داشته باعث شده در مطالعات مربوط به ایران باستان همیشه بخش مهمی به تحقیق درباره‌ی دین زرتشتی اختصاص یابد. ناگفته نماند بیشتر این پژوهشها به وضعیت این دین در دوره‌ی پیش از اسلام پرداخته‌اند.

کتاب حاضر میتواند در روشن کردن سیر بعدی دین زرتشتی در ایران و هند و تحولات آن و رابطه‌اش با جامعه‌ی اسلام و وضع آن پس از حاکمیت یافتن اسلام نقش مفیدی داشته باشد و در عین حال یکی از متنهای شناخته شده‌ی زبان پهلوی را که حکایت از زنده ماندن آن زبان تا حدود سده‌ی هفدهم میلادی میکند در اختیار علاقه‌مندان و محققان قرار دهد.

اما در برخورد با این گونه متنها باید توجه داشت که در مسایل دینی همیشه دیدگاههای متفاوت و مختلف وجود داشته است و در واقع جز خود کتب مقدس، که حتا برخی از آنها هم گاه دارای روایتهای متفاوت هستند، کمتر متنی هست که از هر نظر مورد پذیرش و قبول همه‌ی اهل دین اعم از مراجع و پیروان و مردم عادی باشد. متن حاضر نیز، گرچه یک متن شناخته شده‌ی پهلوی و منسوب به موبد موبدان فارس و کرمان در قرن نهم میلادی است، از این وضع معاف و مستثنا نیست و نمیتوان انتظار داشت همه‌ی مفاد آن از تایید زرتشتیان زمانهای بعدی و علمای این دین برخوردار باشند. این متن مربوط به دوره‌ای است که دین زرتشتی در ایران در مقابل اسلام قدرت و موقعیت خود را از دست داده و دیگر از موضع برتر و رواج عام برخوردار نبود. این کتاب کوششی بوده است برای این که برخی از تکالیف عملی پیروان این دین در محیطی که در آن به صورت یک اقلیت درآمده‌اند معلوم و معین شود. لیکن باید توجه داشت متن *روایت امید آشتو هشتان* گرچه در اصل متعلق به سده‌های نهم و دهم میلادی است اما قدیمیترین نسخه‌ای که از آن در دست هست مربوط به سده‌ی هفدهم میلادی است و خیلی‌ها معتقدند همین امر یعنی گذشت هفت هشت سده باعث شده نکته‌هایی چون ازدواج با محارم و تطهیر با ادرار گاو و مرگ ارزان و ... در آن وارد شود که در اصل جزو

اعتقادات زرتشتیان نبود و امروز نیز متبوع و مورد قبول پیروان زرتشت نیست و اصلاً به آنها عمل نمی‌شود. و به هر حال در این گونه مسائل تشخیص آنچه معتبر است و آنچه نیست بر عهده‌ی مراجع و علمای محترم دین زرتشتی است. نکته‌ی دیگر آن است که کتب "روایت"، که مواردی چند از آنها در ادبیات پهلوی و زرتشتی هست دربردارنده‌ی مطالبی هستند که پارسیان هند از موبدان و زرتشتیان ایران نقل و "روایت" کرده‌اند و مانند هر روایتی احتمال دگرگونی و تحریف در آن هست. و در واقع آثار باورها و آئین‌های اقوام هند (از قبیل تطهیر با ادرار گاو) در این کتاب قابل تشخیص است. در دین اسلام نیز تشخیص و تمیز روایات صحیح از سقیم خود مبحثی دامنه‌دار است که موضوع یکی از علوم دینی را تشکیل می‌دهد. این نکته نیز شایان یادآوری است که چون این کتاب مجموعه‌ای از دستورها است، طبیعی است که هر دستور تا اندازه‌ی زیادی بستگی به استنباط خاص دستوردهنده از اصول دین دارد و دستورهای مراجع مختلف گاه تفاوت‌های عمده‌ای با یکدیگر دارند و چه بسا برخی از آنها از نظر دیگر صاحب‌نظران مقبول و سنجیده نباشد و حتا در مواردی بدعت یا انحراف به شمار آیند.

به هر رو، این گونه متن‌ها اهمیتی که دارند بیشتر از حیث اطلاع از سیر تحول و دگرگونی‌ها و مباحث مطرح در ادیان مختلف است، و مسلماً هیچگاه جای خود کتب مقدس ادیان را که در مسایل اعتقادی دارای مرجعیت اصلی و نهایی هستند نمی‌گیرند. اما برای اطلاع از گذشته‌ی ادیان و مباحث و مسایل عمده‌ی مورد بحث در آنها مفید و ضروری هستند. در واقع با توجه به آن که خود این مسائل مربوط به دوره‌های دیگرند و امروز بعضاً مصداق خود را از دست داده‌اند، این گونه متن‌ها بیشتر از حیث تاریخی و متن‌شناسی اهمیت دارند.

با توجه به این نکات، متن حاضر می‌تواند برای همه‌ی پژوهشگران علاقه‌مند به مسائل تاریخ ادیان و به ویژه دین زرتشتی مفید و قابل استفاده باشد.

درباره مترجم

دکتر نزهت صفای اصفهانی پس از خاتمه دوره دکتری دانشگاه تهران در رشته فرهنگ و زبانهای ایران باستان و تدریس در همان دانشگاه، در سال ۱۳۵۳ بنا به دعوت دانشگاه کلمبیا برای استفاده از بورس جکسن آن دانشگاه عازم نیویورک شد. پس از اخذ دکتری از دانشگاه کلمبیا در رشته ایران شناسی، در سال ۱۳۵۸ با دعوت دانشگاه هاروارد به عنوان پژوهشگر مدعو (Visiting Scholar) برای تحقیقات و مطالعات فوق دکتری در ادیان تطبیقی در دانشکده الهیات و مرکز تحقیق ادیان دانشگاه هاروارد به مطالعه و تحقیق پرداخت که نتیجه آن علاوه بر ارائه سخنرانی‌ها و مقالات متعدد، پایه‌گذاری کار تحقیقی بزرگ ایشان: کتاب مرجع برای مفاهیم مشترک در ادیان کتابدار است که جلد اول آن شامل ادیان ابراهیمی و جلد دوم محتوی ادیان هند و ایرانی است. پس از خاتمه بخش اسلام آن و تبادل نظر با اسلام شناسانی چون پرفسور کنتول اسمیت، ویلیام گراهام، محسن مهدی، جین اسمیت و استاد صبرا در دانشگاه هاروارد، برای تهیه و تدوین بخش مسیحیت آن کتاب و استفاده از راهنماییهای استاد پل رمزی در سال ۱۳۶۱ به دانشگاه پرینستون دعوت شد و سپس در سال ۱۳۶۲ برای تدوین بخش یهودیت همان کتاب، به پیشنهاد دانشگاه ییل (Yale) به مرکز تحقیقات یهودی آن دانشگاه رفت و تا سال ۱۳۷۰ علاوه بر کار تحقیقی مذکور کرسی فرهنگ و زبان ایران را نیز در دانشگاه ییل بنیان نهاد و امر تدریس آن را نیز بر عهده داشت. در سال ۱۳۷۰ بعنوان Research Associate به دانشگاه برکلی

رفت که تا سال ۱۳۷۳ که به ایران بازگشت مشغول تدوین جلد دوم کتاب مرجع مذکور بود.

در خلال این چند سال، سمینارها، مقالات و سخنرانی‌های متعدد ایشان در دانشگاه‌های فوق مضبوط است.

کتاب *مانی و تعلیمات او* اثر گشوویدن‌گرن شرقشناس و ایرانشناس نامی سوئدی به ترجمه ایشان نیز توسط نشر مرکز منتشر شده است.

ناشر

پیشگفتار

پیچیدگی‌های کتابت زبان پهلوی و اشکالات عدیده در امر خواندن و برگرداندن آن به زبان دیگر، باعث نگردید که نگارنده از صرف وقت سالیان متمادی و کوشش پی‌گیر در ترجمه و تدوین یکی از مشکل‌ترین متون حقوقی زبان پهلوی دوران ساسانی صرف‌نظر نماید. کتاب حاضر، پس از بررسی و تجدید نظرهای مکرر نگارنده، توسط استادان گرانقدر دانشگاه کلمبیا: پرفسور دیل بیشاپ و کریستفر برونر مورد مذاقه قرار گرفت. سپس جهت بررسی و نظرخواهی از استاد شهیر دکتر دستور هرزدیاریامیرزا: مؤبد آتشکده بمبی و استاد دانشگاه، و ریاست کتابخانه ملا فیروز بمبی، به حضور ایشان برده شد و با نقدی که از آن فرمودند مورد عنایت ایشان قرار گرفت. مضافاً پس از بازگشتم از بمبی به دانشگاه هاروارد، استاد دستور فیروز کوتوال که در آن زمان به دعوت مرکز تحقیقات ادیان جهان در هاروارد، به آنجا آمده بودند و افتخار همکاری و کسب فیض از محضرشان را داشتم این کتاب را با توجه خاص حرفه‌ای‌شان نقد و بررسی فرمودند. از این استادان گرانقدر و صاحب‌نظران به حق، که چنین علاقه‌مندانه و مدقانه این ترجمه و تدوین را از نظر موشکافانه خود گذرانده‌اند صمیمانه سپاسگزارم. مع‌ذالک هر گاه اشتباه یا نقصی مشاهده یا استنباط گردد مسئولیت بر عهده اینجانب می‌باشد و موجب امتنان و سرافرازیم خواهد بود که صاحب‌نظران نقد یا قرائت‌های متفاوتی را پیشنهاد فرمایند.

نزهت صفای اصفهانی

مقدمه

کتاب حاضر اولین ترجمه، با آوانوشت کامل از کتاب *روایت امید/اشوهیشتان* یا توضیح المسائل امیدبن آشوهیشت می‌باشد. این اثر متعلق به قرن چهارم هجری و مجموعه‌ای از قوانین دینی، اجتماعی و مدنی مربوط به زرتشتیان است که به صورت پرسش و پاسخ تدوین یافته و نمایانگر اعتقادات، فقه، اصول و عرف‌های دین زرتشتی است که در دوران ساسانی (۲۴۴ تا ۶۴۰ میلادی) در ایران متداول و حکمفرما بوده. این قوانین که از امید اشوهیشت از موبدان مهم این دوران روایت شده برای ایجاد نظم و هماهنگی در جامعه‌ی زرتشتی آن زمان تدوین شده. در عین حال اعتقاد بر این بوده که اجرای این قوانین رستگاری روح را در دنیای دیگر نیز تضمین می‌نماید.

مفهوم «قانون» در سنت زرتشتی از اولین دوران ظهور آن، از مقام و اهمیت خاصی برخوردار بوده حتی اولین سلسله اسطوره‌ای امپراطوری ایران در اوستا، به زبان اوستائی *Paradāta* ذکر گردیده که بعداً در زبان پهلوی *Pēšdād* شده که به معنی «قانون‌گزار کهن» می‌باشد. یک سوم متون دین زرتشتی را قوانین یا مشتقات قانونی تشکیل می‌دهد. نص قانون در دین زرتشتی به قدر خود اوستا قدمت دارد. نام اولین شخصی که در دین زرتشتی به عنوان واضع قانون آمده اوروخش *urvaxšya* برادر کرشاسپ (*Keresāspa*)

1. Y.9.sec.10 *yat he puōra US.zayōiē urvāxšayō kərəsaspasča;tkaešo anyō dātō.razōāat anyō..."

یعنی: «دو پسر برای او [فریدون] دنیا آمد اوروخش و کرشاسپ، یکی [اولی] مقلّم و قانون‌گزار و دومى ...» یسن ۹- فصل ۱۰

و پسر فریدون (fraētaona) است که از اولاد جمشید اولین فرمانروای اسطوره‌ای ایران زمین می‌باشد.

کتاب دینکرد که یک دایرةالمعارف فارسی میانه زرتشتی است و به زبان پهلوی نوشته شده محتویات کتاب اوستا را چنین خلاصه می‌نماید:

«مجموعه وحی‌های الهی برای مزداپرستان، بر سه بخش است: گاهانی که والاترین دانش روحانی و تکلیف دینی است. دادی (حقوقی) که بیشتر دانش و تکالیف دنیایی است و هادامانسریگ است که بیشتر مربوط به اطلاعات راجع به دو بخش قبلی است.»

همچنین کتاب دینکرد به شرح بخش‌های فرعی از بخش‌های اصلی می‌پردازد. یکی از بخش‌های فرعی از بخش حقوقی، کتاب وندیداد است که با تفسیر مفصلی به زبان پهلوی، قسمتی از اوستا محسوب می‌شود.

اولین کتاب قانون (به معنی اخص آن) به زبان پهلوی کتاب مادیان هزار دادستان (کتاب هزار قضاوت) است که در دوران پادشاهی خسرو اول (۵۷۹-۵۳۱ میلادی) توسط فرخ مرد بهرام تدوین یافته بود. عقیده صاحب‌نظران بر این بوده است که کتاب مزبور که به تفصیل به شرح و بسط قوانین زرتشتی پرداخته، پاسخی به روزافزونی رسوخ عقاید رافضی آن زمان بوده است.

کتاب مادیان هزار دادستان^۴ نمایانگر واقعی قوانین اجتماعی و اخلاقی

۱. کتاب دینکرد مشتمل است بر ۲۱ نسک (بخش) که منطبق با همان ۲۱ کلمه دعای «اهونور» (یکی از اصلی‌ترین دعا‌های زرتشتی) می‌باشد. اولین گردآوری این دایرةالمعارف دینی زرتشتی در اوایل قرن ۹ میلادی توسط آتور فرنیغ فرخزادان انجام پذیرفت و سپس در اوایل قرن ۱۰ میلادی توسط آتورپاد، فرزند امید [تکمیل یافت].

۲. دینکرد، کتاب هشتم، فصل ۱ بخش ۵

۳. وندیداد (Vandīdād) در واقع تلفظ ناصحیحی است از vidēvdād که برابر است با اوستائی vi+daēva+dāta که به معنی «قوانین در زد ارواح شیطانی» است

۴. این کتاب توسط دانشمند پارسی س. ج. بلسارا (S.J. Bulsara) تحت عنوان قوانین

ایرانیان در دوران ساسانی است که فاصله زمانی بین سالهای ۳۹۹ تا ۶۲۸ میلادی را دربردارد.

کتاب دیگری که شامل موضوعات دینی و حقوقی است و به زبان پهلوی تدوین یافته کتاب *دادستان دینیک* [قضاوت های دینی] می باشد. این کتاب محتوی پاسخ های مؤبد منوچهر، مؤبد موبدان فارس و کرمان (در نیمه آخر قرن ۹ میلادی) به ۹۲ پرسشی است که هم کیشانش مطرح کرده اند. در این کتاب موضوعات مختلف از قبیل اصول عقاید، اخلاق، فلسفه نظام جهان، حق شرعی و تکالیف مؤبدان به تفصیل آمده. همچنین موارد مختلف اجتماعی و حقوقی را بررسی نموده. این اثر نمایانگر افول قدرت و ثروت جوامع زرتشتی آن زمان است.

بعد از دو کتاب مزبور کتب *روایات* (هم به زبان فارسی و هم پهلوی) از کتب عمده آن دوران می باشند.

روایات پهلوی

لفظ روایت در متون پهلوی نیامده و چنین به نظر می رسد این کلمه به متونی که در قرون متأخرتر به زبان پهلوی تدوین یافته اطلاق شده باشد. این روایات در اواخر قرن ۹ یا اوایل قرن ۱۰ میلادی گردآوری یا نگاشته شده. همه آنها بر

→ *ایران باستان مدون در کتاب ماتیکان هزار دادستان*، بمبی ۱۹۳۷ به زبان انگلیسی ترجمه شده. دانشمند روسی ارمنی الاصل دانشگاه لنینگراد آ. پریخانیان (A.Perikhanian) آن را به زبان روسی ترجمه نموده که ترجمه انگلیسی از آن نیز توسط استاد ن. گاروسیان (N.Garsoian) دانشگاه پرینستون انجام یافته ولی تاکنون انتشار نیافته. دانشمند معروف بارتولمه بخش هایی از آن را تحت عنوان «نکاتی از حقوق دوران ساسانی» در یک سلسله مقالات مفصلاً شرح داده که توسط استاد ل. بوگدانف (L.Bogdanov) ترجمه و در مجله *Cama Oriental Institute Publication* بمبی ۶۷-۱۹۳۱ انتشار یافته است.

۱. ترجمه کامل این کتاب به زبان انگلیسی توسط وست (E.W.West) در جلد ۱۸ سری کتاب های SBE موجود است.

مبنای ترجمه‌های پهلوی از کتاب *اوستا* یا سایر کتب دینی زرتشتی به زبان پهلوی در آن دوران است. مجموعه این روایات که در حال حاضر ما از آنها اطلاع دقیق داریم و توسط مؤلفین مختلف نوشته شده‌اند به قرار زیراند:

— روایت ضمیمه (نسخه خطی) *دادستان دینیک*

— روایت *امید آشوهیستان*

— روایت *آتور فرنیغ و فرنیغ سروش*

— روایت *بر مبنای وندیداد*، که عبارتست از یک متن به زبان پهلوی مشتمل

بر پرسش‌ها و پاسخ‌ها راجع به مطالب مختلف مذهبی، مستند به وندیداد پهلوی.

روایات فارسی

در فاصله زمانی مابین قرن‌های ۱۵ و ۱۶ میلادی مؤبدان پارسی هندوستان نمایندگانی به ایران می‌فرستادند تا با مؤبدان ایران در مسائل گوناگون دینی، آداب نیایشی، کتاب مقدس *اوستا* و آداب و رسوم فرعی و اصلی دیگر تبادل نظر نمایند. از این رو پاسخ‌های مشروح و مفصل هر چند گاهی به هندوستان فرستاده می‌شد. از آن زمان اصطلاح «روایت» به این گونه متونی که شامل پرسش و پاسخ‌های دینی بود اطلاق گردید. اولین «روایت» در سال ۱۴۷۸ میلادی توسط نریمان هوشنگ که ساکن شهر Broach بود فرستاده شد و به *روایت نریمان هوشنگ* عنوان یافت. همچنین سایر روایات نیز به اسنم آورنده‌های آنها معروف شده‌اند. بعضی روایات هم هستند که عنوان مشخصی ندارند زیرا نام آورنده آنها معلوم نیست. در طی دوران سه قرن (۱۵ تا ۱۷ میلادی) حدود ۲۱ روایت گردآوری و برحسب موضوع طبقه‌بندی گردید.

۱. اهمیت وندیداد پهلوی از این نظر است که نه تنها ترجمه اصلی از وندیداد اوستایی است بلکه شامل تفسیرهای مفصلی است که آن را از دیدگاه حقوقی معتبرتر و مستندتر می‌سازد.

این گردآورندگان عبارت بودند از: هرمزدیار فرامرز، داراب هرمزدیار و برزو کامدین (همه آنها افرادی ارجمند، دانشمند و از خانواده معتبر روحانی بودند). این روایات طبقه‌بندی شده به صورت مجموعه‌ای توسط م. ر. اونوالا (Unvala) تنظیم یافت که پس از فوت او در سال ۱۹۲۲ به صورت چاپ سنگی توسط ج.ج. مودی انتشار یافت. ترجمه کاملی از این مجموعه توأم با مقدمه کامل و حاشیه نویسی بسیار مفصل در سال ۱۹۳۲ توسط ب. ن. دهابهار انتشار یافت و به عنوان *روایات فارسی هرمزدیار، فرامرز و دیگران* معروف گردید. ما از طریق *روایات فارسی* نه تنها به سنن و آداب دین زرتشتی آگاهی می‌یابیم بلکه از تاریخ دین زرتشتی در دوران بعد از اسلام نیز باخبر می‌شویم.

روایتِ امید اَشوهیشتان

در میان روایات پهلوی که در فوق به آنها اشاره نمودیم، روایتِ امید اَشوهیشتان که همین کتاب حاضر است دارای اهمیت خاصی است. امید فرزند اَشوهیشت از خانواده دانشمند و روحانی زرتشتی است که در قرن ۹ میلادی شهرت زیادی یافت. در متون ادبی پهلوی زروان داد، منوچهر، زاداسپرم، فرنیغ و امید به عنوان شخصیت‌های برجسته ادبی و پیشوایان دینی نام برده شده‌اند و لقب آنها «*pēsopāy-i dēn*» (رهبر دینی) بوده. شجره نامه امید به تفصیل توسط ب. ت. انکلساریا در کتاب *گزیده‌های زاداسپرم* که در ۱۹۶۴ میلادی در بمبئی انتشار یافت آمده و آن را در مقدمه کتاب مزبور در صفحه ۱۵ و در BTE صفحه ۳ و همچنین در مقدمه R.F.Š^۲ صفحه ۲۱ می‌توان یافت. نویسندگان عرب قرن ۱۲ م او را امیدبن اشوشت و ملقب به موبدان موبد ذکر نموده‌اند.^۳

1. H.K Mirza OPH pp.301 & 310

۲. روایت فرنیغ سروش

۳- «موبدان موبد امیدبن اشوشت از حمزه اصفهانی» عنوان مقاله‌ای است از ج.ج. مودی در:

هر چند همه روایات به مسائل فقهی دین زرتشتی و اصول متداول آن در دوران ساسانی ایران می‌پردازند، روایتِ امید از چندین نظر تفاوت عمده با آنها دارد. یکی اینکه مانند اغلب روایات با یک مقدمه مفصل رساله‌وار آغاز نمی‌شود. دیگر اینکه سبک مُغلق و مفروضاتی که متداول روایات است در این روایت بکار نرفته. گوییِ امید مؤبد موبدان فارس و کرمان (قرن ۹ میلادی) بیشتر به وعظ بی‌تکلف و به صراحت شناساندن مسائل فقهی و اصول دینی توجه خاص و عاجل داشته تا به رعایت صناعت بدیع و توضیحات عالمانه و تاملات در علوم الهی.

روایتِ امید در حدود قرن ۱۰ میلادی تدوین یافته (قدیمترین نسخه خطی موجود از آن متعلق به قرن ۱۷ میلادی است) و آن دورانی بود که دین زرتشتی به علت تغییر مذهب پیروانش به سایر ادیان، علی‌الخصوص اسلام، چه از روی اجبار و چه دلخواه، سخت رو به افول می‌نمود. به این جهت روایتِ امید هم در سبک و هم در فحوی، ضرورت تقویت و گسترش قوانین و تکالیف دین زرتشتی و آداب و رسوم آن را در برابر هجوم فرهنگی - دینی اسلام، اعلام و هشدار می‌دهد.

محدودیت تمرکز سئوالات مطروحه در روایتِ امید که به مشکلات اوضاع اجتماعی - دینی، ارث، حقوق شرعی، و روابط خانوادگی میان آن عده که ترک دین نموده‌اند، می‌رساند که مسائل کلی تری که در سایر روایات قبلی به شرح و تفصیل آمده بوده در آن برهه زمانی که خطر از هم پاشیدگی جامعه زرتشتی و ارکان دین زرتشتی را تهدید می‌نمود از نظر امید دیگر کار ساز نمی‌نمود. چهل و چهار پرسش و پاسخ که کتاب روایتِ امید را تشکیل می‌دهند، الحق آن را با دو کتاب مستطاب حقوقی پهلوی دیگر که مادیان هزار دادستان و دادستان دینیک می‌باشد هم‌تراز می‌سازد. در این کتاب عیناً مانند دو کتاب مزبور قوانین حقوقی - اجتماعی، و حقوق شرعی و تکالیف موبدان به وجهی جامع و قاطع آمده. در زیر گزیده‌هایی از دو کتاب فوق‌الذکر، نکته مورد بحث را روشن می‌سازد.

فصل نهایی [از مادیان هزار دادستان نسخه انکلساریا عکس برداری شده

۱۹۱۲ بمبئی، ص ۸۸ جمله ۵]

ud ān-ē guft kū pasēmāl tā dādestān az
rāyēnišn mānēd pad guft dādestān pēšēmāl
hamēmālīh kardan nē pādixsā.abāg ān-ē
guft kū ka andar rāyēnišn-i dādestān pus
purnāy bawēd dūdag sālār dādestān
rāyēnīdan nē tuwān ud pasēmāl pādixsā ka
dūdag sālār az rāyēnišn be ne hilēd ud
ham pačēn stānēd ud pad wad xwāh andar
dūdag sālār nū nē pēšēmāl andar dūdag
sālār ēd dādestān az rāyēnišn mānēd.

[شرط] دیگر چنین آمده که هر گاه در موردی حقوقی، مطرح در محکمه ای می بایست تصمیمی اتخاذ شود، در آن دورانی که هنوز رای بر آن تصمیم صادر نشده، مدعی علیه نمی تواند به عنوان دعوی مقابل خود را شاکی قلمداد نموده دادخواهی نماید. همچنین [شرط] دیگر تصریح می نماید که مادام که رسیدگی به دعوی حقوقی ای در جریان است اگر فرزند ذکور خانواده به حد بلوغ برسد دیگر قَیم خانواده شاکی نمی تواند جریان محاکمه را تعقیب نماید و مدافع قانوناً می تواند که محاکمه را ملغی و کلیه مدارک را پس گرفته و دادخواستی علیه قَیم [در صورتی که هنوز پی گیر پرونده بوده باشد] تسلیم دادگاه نماید زیرا آن قَیم دیگر قانوناً شاکی شناخته نمی شود و بالطبع پرونده در این مرحله بسته تلقی خواهد شد.

1. nohom pursišn ān i pursēd kū waxš-i kirbag-ē az ān-i ka kirbag ēstēd tā ān-i ka zindag čand abzāyēd.
2. passox ēd kū az ān-i ke kirbag be ō rawāgīh rasēd waxš andar ō abzāyišn jahēd tā ka zindag.bē ka-s ān-ē kirbag us be ačārēhēd tā waxš-i waxš abāz nē ēstēd.ēdōn waxšēd čiyōn frazand andar askamb-i mādarān abzāyēd bawēd.

۱- در نهمین پرسش این نکته مطرح است که اثر و برکت عمل ثواب تا چه زمان در طی حیات ثوابکار ادامه می یابد؟

۲- پاسخ این پرسش چنین است: از لحظه ای که عمل خیری صورت پذیرد اثرات و برکات آن همچنان در طی حیات ثوابکار شامل حال او خواهد بود و حتی افزونی نیز خواهد یافت. به علاوه حتی اگر آن عمل ثواب باعث ناراحتی هایی برای ثوابکار گردد شمول برکت روزافزون آن منقطع نخواهد گردید و دائماً رو به رشد خواهد بود، همانند رشدی که جنین در رحم مادر می نماید.

تنها اختلاف بین دو کتاب مادیان هزار دادستان و دادستان دینیک و کتاب روایتِ امید آشوهیستان این است که دو کتاب مزبور در دورانی پیشین تر (در ۵۹۶ و ۸۸۱ میلادی به ترتیب) تدوین یافته اند و شمول مسائل فقهی و حقوقی بیشتری دارند زیرا طبیعتاً در طی دورانی که گسترش اجتماع و مسائل مبتلا به آن پیچیده تر گردیده بود به بحث و فحص مفصل تر نیاز بود. بالاخص این امر در مورد مادیان که سبک ادیبانه و نحوه اطناب وار رسیدگی اش به مسائل، در تضاد با کوتاه و مقطع بودن بحث در روایتِ امید که حاکی از ضرورت رسیدگی عاجل به ۴۴ مسئله قاطع مطروحه اجتماع آن زمان است، چشم گیر می باشد. سبک کتاب روایتِ امید مستقیم و موجز است. پرسش ها اصولی و قاطع اند نه تلویحی و کنایه ای و پاسخ ها نیز دقیق و کوتاه، با تذکر و توجه خاص به نکات حساسی که غفلت از آنها اثر مستقیم بر جامعه زرتشتی و دستورات مذهبی می گذاشت و بالمآل به سلب حرمت و عدم رعایت آداب و احکام دین می انجامید. قوانین مطروحه در روایتِ امید احکام عملی دینی می باشد که تکیه بر آزادی عقیده افراد دارد. دینی که بر مبنای پندار نیک، گفتار نیک و رفتار نیک بنیاد گرفته، دینی که راهنمایی های عملی اجتماعی، حکومتی و روحانی را برای پیروانش ارائه نموده.

نکته شایان توجه این است که کتاب *روایتِ امید* و تعداد دیگری از متون پهلوی در اوایل قرن ۹ میلادی تدوین یافته مع‌ذالک در یکی از بخش‌های *روایات فارسی* اثر نریمان هوشنگ (اواخر قرن ۱۵ میلادی) می‌خوانیم که زبان پهلوی هنوز (قرن ۱۵) زبان دینی پیشوایان زرتشتی ایرانی بوده و هنوز هیربدانی در قید حیات بودند که به زبان پهلوی تسلط داشتند و تبخّر در زبان پهلوی یک امر الزامی مطلق برای هر مجتهد زرتشتی بوده زیرا کتب و متون و آداب نیایشی همگی (سوای زبان اوستا) به زبان پهلوی بودند. این مطلب نشانگر این اصل است که حتی تا ۹ قرن پس از سلطه اعراب بر ایران هنوز زبان پهلوی که زبان رسمی ایرانیان دوران ساسانی بود در مراسم نیایشی و موقعیت‌های مذهبی زبان متداول زرتشتیان ایران بوده‌است.

سبک سئوال و جواب کتاب *روایتِ امید* سبک سستی است که از دوران *گاتاه‌ها* (سرودهای زرتشت) ادامه داشته. نمونه‌های چندی از آن را در یسن‌های ۲۹، ۳۱، ۳۴، ۴۳، ۴۴ می‌بینیم. در یسن ۴۴ زرتشت ۱۹ بار جمله «ای اهورامزدا آنچه را که از تو می‌پرسم هر چه زودتر پاسخم ده» را تکرار نموده، پاسخ آن پرسشها را به ترتیب یا از طریق وحی و یا به طور مستقیم دریافت داشته. در یسن ۴۳ زرتشت به کزات می‌گوید که از طریق و هومن (عقل الهی) به شهود اهورامزدا نائل آمده و با او در مسائل دنیوی و روحانی گفتگو نموده. زرتشت همچنین می‌گوید که این ارتباط انحصاری نیست و هر کس می‌تواند از طریق مراقبه برای حل هر مسئله‌ای با اهورامزدا ارتباط حاصل نماید و از او راهنمایی دریافت دارد. در *وندیداد* (فصل ۱۸ بخش ۱۳) این مطلب آمده که اهورامزدا خطاب به زرتشت می‌گوید: «از من که خالق و برکت دهنده و دانای کلّ و پاسخ دهنده به سئوالات هستم پرسش نما. بهره‌مندی تو خواهد بود که از من پرسش‌نمایی. با سئوالاتی که از من بنمایی بر دانش تو افزوده خواهد شد.»

شرح کامل ملاقات زرتشت با اهورامزدا (آن طور که در یسن ۴۳ آمده) و تمامی صحبت‌هایشان به تفصیل در *زرتشت نامه* آمده.

آنچه در فوق گذشت نمونه‌ای بود از سبک گاتاها، همین روش نیز در وندیداد مشاهده می‌شود.

«وندیداد از خیلی لحاظ با کتاب موسی مقایسه می‌شود اما در واقع در تورات گفتگو مابین خداوند و حضرت موسی (ع) صورت نمی‌گیرد بلکه قوانین از جانب خداوند نازل می‌گردد بدون هم سخنی حضرت موسی. در آنجا خداوند فرمان می‌دهد نه پاسخ. اما در وندیداد راز و نیاز بشر (زرتشت) است نه خواست مطلق خداوندی که مسبب اصلی وحی است. انسان باید از اهورامزدا که دانای کل است راهنمایی بخواهد و او هم با خشنودی پاسخ می‌دهد. در اینجا «قانون» همانا سؤال از اهورا است. Ahuri frašno.»

اقتباس این سبک پرسش و پاسخی، در کتب دینی زرتشتی که به زبان پهلوی نوشته شده بسیار متداول بوده. کتاب‌های پهلوی به این سبک عبارتند از:

— دادستان دینیک که شرح آن در فوق آمد.

— یوشت فریان که یک متن دینی است که به عنوان مجموعه‌ای از معماهای حکیمانه شناخته شده. محتوی کتاب عبارتست از معماهایی که توسط اخت (AXT) جادوگر نامی آن زمان، برای یوشت که یکی از متقیان زمان خود و در حل معماها معروف بوده، مطرح شده.

— درخت آسوریک یک متن حکیمانه است که بر مبنای مفاهیم دینی، به صورت پرسش و پاسخ بین یک درخت خرما و یک بز تدوین شده است.

— مینوی خرد (حکم بر مبنای روح خرد) در این کتاب سؤال‌کننده می‌کوشد تا حقیقت دین زرتشتی را دریابد و روح خرد به او پاسخ می‌گوید.

— نامه‌های منوچهر. نویسنده آن همان مؤلف کتاب دادستان دینیک است.

این کتاب نمونه دیگری از متون پهلوی قرون ۹-۷ میلادی است که به سبک پرسش و پاسخ تدوین یافته. روایات پهلوی و فارسی قرون متأخرتر (۱۴ تا ۱۷ میلادی) نیز از این الگوی سؤال و جوابی پیروی کرده‌اند.

نکاتی درباره نسخه خطی روایتِ امید

دست نوشته کتاب روایتِ امید بخشی از مجموعه دست نوشته‌هایی به زبان پهلوی است که توسط فریدون مرزبان، حدود سال ۱۶۲۹ میلادی کتابت یافته و از متعلقات کتابخانه ب. ت. انکلساریا است. این مجموعه متون پهلوی شامل متون زیرین است:

— پند هشتم (۲ تا ۱۲۲)

— چند بیت شعر فارسی (ورق ۱۲۲)

— روایتِ امید (اوراق ۱۶۳-۱۲۳)

۱. این کتاب برای اولین بار در سال ۱۹۶۲ توسط ج. س. تاراپور بنابه درخواست خانم م. ب. انکلساریا و با اجازه از دانشگاه بمبی، جهت کتابخانه کامااوریتال انستیتوی بمبی، انتشار یافت. متن پهلوی تهیه شده توسط ب. ت. انکلساریا به عنوان مقاله ممتاز دانشگاه بمبی در سال ۱۹۲۸ شناخته شد. دانشگاه مصمم گردید که متن پهلوی را توأم با ترجمه انگلیسی و آوانویسی انتشار دهد اما به علت مشکلات عدیده، این برنامه در زمان حیات انکلساریا صورت نپذیرفت. در سال ۱۹۴۵، در حالی که متن پهلوی کتاب در مطبعه Printing Press Fort بمبی زیر چاپ بود آتش سوزی شدیدی همه نسخ را سوزاند. صورت فتوکپی آن که اکنون در دست است توسط انکلساریا به عنوان جلد اول کتاب با حاشیه و تصحیحات و برخی آوانویسی کلمات در حاشیه، انتشار یافت ولی ترجمه کتاب با حاشیه‌نویسی‌های مفصل که قرار بود به عنوان جلد دوم انتشار یابد هرگز صورت نپذیرفت. انکلساریا متن مزبور را از نسخه خطی متعلق به پدرش ت. د. انکلساریا تهیه نمود. ن. ب. ده‌بهار از نسخه خطی دیگری از این متن آگاهی می‌دهد که خود او در کتابخانه ملا فیروز بمبی که اکنون بخشی از کامااوریتال انستیتو گردیده پیدا کرده بود. ده‌بهار در صفحه ۳۵ از کاتالوگ کتابخانه مذکور می‌نویسد «نسخه بی‌عیبی از دست نوشته قدیمی روایت متعلق به ت. د. انکلساریا اما قسمت آخر آن ناتمام است و توسط دستور مهر جیرانا کتابت یافته». ده‌بهار اضافه می‌نماید که نسخه کامل این متن کمیاب توسط دستور ایرج تهیه گردیده که در کتابخانه نوساری (Navsari) حفاظت می‌گردد. تاکنون فقط اوراق پراکنده‌ای از این متن توسط ایران شناسانی چون دمناز (De menasce)،

- ۱۴۷ سوال از آتور فرننخ فرخ زادان (اوراق ۲۰۳-۱۶۳)
- ۴ سوال از فرننخ سروش بهرام با تاریخ تدوین آن (اوراق ۲۰۶-۲۰۳)
- ۳۰ سوال از مؤبدان موبد (۲۱۲-۲۰۶)
- شرح اجمالی از آداب تطهیر (اوراق ۲۱۳-۲۱۲)
- گزیده‌های دین به مزدیسنان (اوراق ۲۱۸-۲۱۳)
- تفسیری بر وندیداد (اوراق ۳۲۷-۲۱۸)
- سنوالات (اوراق ۳۵۴-۳۲۷)
- یک صفحه خاتمه‌ای (کولوفن) به زبان پهلوی (ورق ۳۵۴)
- متن اوستا - پهلوی آفرین زرتشت. (ورق ۳۵۹-۳۵۴)
- لغت‌نامه ناکامل پهلوی - پازند (اوراق ۳۵۹ الی آخر)

خلاصه‌ای از پرسشهای مطرح شده در روایت امید

- پرسش ۱: وضع اجتماعی زن شوهرداری که برادرش به اسلام گراییده‌باشد.
- پرسش ۲: اگر مسلمان شدن او در وضع اجتماعی خواهر شوهردارش تأثیر بگذارد آیا آن وضعیت شامل حال فرزندان آن زن هم می‌شود؟
- پرسش ۳: حقوق مسلمة مادر خانواده پس از مرگ شوهر و اختیارات او در مورد ثروتی که از شوهرش بجامانده.
- پرسش ۴: چگونگی اجرای قانون ارث در مورد فرزند ذکوری که تغییر مذهب داده‌باشد.
- پرسش ۵: انواع قیمومیت فامیلی
- پرسش ۶: شرایط لازم برای قیمومیت فامیل چیست؟ و مراحل انتصاب قیم چگونه است؟

پرسش ۷: هر گاه مردی همسرش را از ارث محروم سازد وضع قانونی آن زن چگونه خواهد بود. وضع «زوجه قراردادی» چگونه است؟

پرسش ۸: آیا مرد می تواند مانع تعیین قیم برای خانواده اش بشود؟

پرسش ۹: هر گاه یک روحانی زرتشتی وظایف خود را به طور صحیح انجام ندهد، وضع او چه خواهد شد؟

پرسش ۱۰: آیا یک روحانی می تواند خدمت سربازی انجام دهد؟

پرسش ۱۱: اگر یک روحانی به خدمت نظام در آید آیا می تواند پس از آن به وظیفه روحانی خود ادامه دهد؟

پرسش ۱۲: اگر یک روحانی قبل از آن که شرعاً واجد انجام مراسم تطهیر باشد، معذالک آنرا انجام دهد حکم شرعی درباره او چیست؟

پرسش ۱۳: هر گاه دسترسی به یک تطهیرکننده نباشد، چه باید کرد؟

پرسش ۱۴: در دهی که به روحانی آزموده دسترسی نباشد مراسم تطهیر آب و پیشاب گاو چه خواهد شد؟

پرسش ۱۵: توضیح آلودگی مستقیم و غیر مستقیم.

پرسش ۱۶: انواع آلودگی های انساج مختلف.

پرسش ۱۷: جنبه های مختلف احسان

پرسش ۱۸: قیم و هزینه های در اختیارش

پرسش ۱۹: وظایف زرتشتیان در مورد استفاده از حمام های مسلمانان.

پرسش ۲۰: آلودگی هایی که در اثر زخم های دهان ایجاد می شود.

پرسش ۲۱: وضع روحانی که وظایف خود را به نحو اکمل انجام نداده باشد.

پرسش ۲۲: ازدواج با خواهر

پرسش ۲۳: ارث «زوجه قراردادی»

پرسش ۲۴: هر گاه تعهد ازدواج با خواهر برآورده نگردد، حکم قانونی چه خواهد بود؟

پرسش ۲۵: تمول یک زرتشتی پس از اسلام آوردن او چه خواهد شد؟

روایت امید آشوبه‌یشتان بیست و پنج

پرسش ۲۶: وضع یک زرتشتی که از دین خود برگشته و وضع یک غیر زرتشتی که زرتشتی شده.

پرسش ۲۷: ازدواج محارم با واسطه.

پرسش ۲۸: ثواب ازدواج با مادر یا خواهر، هرگاه فرزندان آنها از طریق شوهر بیگانه مطلقاً منتفی باشد.

پرسش ۲۹: مجازات کسی که پس از انجام ازدواج با محرم مرتکب لواط گردد.

پرسش ۳۰: هرگاه به علت کبر سن شخص نتواند در ازدواج با محرم از عهده همخوابگی برآید، حکم دینی چیست؟

پرسش ۳۱: حکم دینی درباره مردی که ندانسته با یک «چگرزن» ازدواج کند چیست؟ اصطلاح «ایوکن» و «بی اسپان» به چه کسی اطلاق می‌گردد؟

پرسش ۳۲: غسل زن

پرسش ۳۳: ایضاً

پرسش ۳۴: غسل مرد

پرسش ۳۵: غسل بعد از زایمان

پرسش ۳۶: حکم دینی در مورد چاه آب متعلق به مسلمانی که به علت زخم و خون ایجاد شده از بدن مقتنی زرتشتی ای هنگامی که آن چاه را تنقیه کرده و آب آن آلوده گردیده

پرسش ۳۷: تردید در آلودگی نان

پرسش ۳۸: تردید در آلودگی آرد

پرسش ۳۹: این بخش شامل ۸ سؤال اشتقاقی است در مورد روح پس از مرگ.

پرسش ۴۰: این بخش شامل ۶ سؤال اشتقاقی است در مورد آزادی عمل و جبر.

پرسش ۴۱: کفار لواط و انحراف جنسی.

پرسش ۴۲: زنا و رابطه نامشروع با زن غیرزرتشتی.

پرسش ۴۳: تفاوت همسر «ایوکن» و «خوسرای».

پرسش ۴۴: انواع ایوکنی

شرح کوتاهی بر چگونگی ترجمه زبان پهلوی

در دوران ساسانی، پهلوی زبان رسمی ایران بود. از لحاظ جغرافیایی منشاء آن در جنوب غربی ایران و از شاخه‌های گروه زبان‌های ایرانی است. از آنجا که الفبای آن مشتق از الفبای آرامی است و فقط صامت و مصوت‌های کشیده مشخص‌اند، از این رو قرائت و جداسازی حروف بسیار دشوار و مستلزم دقت فراوان است. متون اوستائی که به خط پیوسته پهلوی است شامل تعدادی از حروف‌اند که هر یک معرّف بیش از یک صدا می‌باشد و این زمینه لغزنده‌ایست برای قرائت ناصحیح، مگر این که قرائت کننده آگاهی کامل از متن و بافت زبان پهلوی داشته باشد. با اینکه پهلوی یک زبان اصیل ایرانی است اما صورت کتابت آن شامل تعداد زیادی هزوارش (heterogram) های آرامی و صور نامأنوسی است که باوجود حفظ صورت آرامی فقط به مثابه نشانه برای برابرهای ایرانی‌شان بکار می‌روند، مثلاً "مصدر مردن در پهلوی به صورت آرامی mytwn-tn نوشته می‌شود (پسوند دن که در پهلوی تن نوشته می‌شود پسوند مصدری فارسی است) ولی مردن (murdan) قرائت می‌گردد. این همانند علایم viz یا 1b که صورت‌های اختصاری لاتین است و به عنوان نشانه در زبان انگلیسی بکار می‌رود، نمی‌باشد. زیرا viz صورت اختصاری قراردادی برای کلمه لاتین Vide licit و lb. برای libra که دوازده اونس یا یک پوند است وضع گردیده. و حال آن که هزوارش‌های آرامی که در پهلوی بکار رفته‌اند با صورت کامل آرامی عیناً همان گونه که در آرامی بکار رفته در پهلوی هم آمده است. همچنین لازم به تذکر است که تفاوت فاحشی در به کار بردن کلمات سامی قبل از اسلام و کلمات سامی بعد از اسلام در زبان پهلوی - فارسی به چشم می‌خورد. کلمات سامی قبل از اسلام هرگز با زبان

پهلوی عجین و جزیی از آن نگر دید. در صورتی که کلمات سامی بعد از اسلام که در زبان فارسی به کار می‌روند جزیی از زبان شده‌اند. آنها تلفظ اصلی سامی‌شان را سوای اندک تعدیل‌هایی بر وفق تلفظ فارسی حفظ نموده‌اند. در واقع کلّ اصطلاحات و لغات دینی امروزه در زبان فارسی، کلمات سامی هستند که هر گاه آنها را از متن خارج ساخته و با کلمات فارسی جانشین سازیم مطلب بی‌محتوی می‌گردد.

پیچیدگی زبان پهلوی مانع از آن گردیده که متون بیشتری از زبان پهلوی به زبان دیگری ترجمه شوند. اغلب آنهایی هم که ترجمه شده‌اند یا به جهت سهولت درک مطلب، مترجم ترجمه بسیار آزادی کرده و یا در برخی دیگر هم برای فهم مطلب ترجمه شده، همان اندازه اشکال خواهد بود که فهمیدن زبان پهلوی برای ناآشنایان. در ترجمه حاضر کوشش بسیار بکار برده‌ام تا اصالت متن، حتی در ترتیب جملات حفظ و در عین حال اصطلاحات صحیح و دقیق فارسی کنونی جایگزین برابره‌های پهلوی گردد.

اگر در بعضی قسمت‌های متن به تناقض‌هایی برخورد کرده‌ام، قابل قبول‌ترین بدیل را ارائه نموده‌ام و صورت اصلی آنرا در حاشیه آورده‌ام. مثلاً در پاسخ شماره ۱ بخش ۴ و پاسخ شماره ۷ بخش ۸ در مورد ۱۱۲۱۹۹۱ که انکلساریا viptan خوانده، من کلمه nigextan به معنی آشکار نمودن، ظاهر ساختن را پیشنهاد نموده‌ام.

راهنمایی بر متن کتاب

در تمامی موارد در طول کتاب اصول نوشتاری و آوانویسی زبان پهلوی بر مبنای قواعد شناخته شده بین‌المللی د.ن. مکنزی که در کتاب *لغت‌نامه پهلوی* او آمده، رعایت شده مگر عنوان کتاب و نام مؤلف آن. سبب این عدول این است که تنها نسخه انتشار یافته این کتاب از روی نسخه خطی متعلق به ب.ت.

انکلساریا است که او خود دانشمند برجسته و صاحب نظر در زبان و ادبیات پهلوی بوده. در آن نسخه نام مؤلف و عنوان کتاب با تلفظ و نگارش سنتی زبان پهلوی است. به علاوه در کارت کاتالوگ‌های کتابخانه‌های معتبر، نام مؤلف و کتاب بر حسب همین املاء ضبط است.

در اینجا به علاقه‌مندان چگونگی خط پهلوی توصیه می‌نمایم به مقاله مکنزی تحت عنوان "Notes on the transcription of Pahlavi" در مجله BSOAS سال ۱۹۶۷ جلد ۳۰ بخش ۱ صفحات ۱۷ تا ۱۹ مراجعه فرمایند.

برای تسهیل ارجاع علاقه‌مندان به اصل متن پهلوی، کتاب حاضر طوری تدوین یافته که در هر صفحه آوانویسی همان قسمت از ترجمه، در صفحه مقابل قرار گرفته است و تا آنجا که قواعد نحوی دو زبان اجازه می‌داده ترتیب جملات بر یک روال رعایت گردیده است.

کوته‌نوشتها

- ANK. Anklesaria (B.T Anklesaria)
- Av. *Avesta*
- Bd. *Bundahšn*
- B.P. Bahman Punjā
- BSOAS. *Bulletin of the School of Oriental and African Studies*,
London
- BTE. B.T.Anklesaria's edition of *Rivāyat-i Hēmūt Ašawahūstān*
- DB. Dhabhar
- Dd. *Dādestān-i Denīg*
- DK. *Dēnkard*
- DK.M. *Dēnkard Madan*
- D.BZ. Dastur Barzu
- ES. A.Christensen, *L'Empire des Sassanids* , (Kobenhaven,
1907)
- FS. Farnbag Srōš (his Rivāyat, ed. Anklesaria)
- KB. kama Bohra
- K.J. Kaikhusroo M.Jamasp Asa
- KK. Kaus Kama
- Men. Jean De Menasce
- MK. Mackenzie *Pahlavi Dictionary*
- Mh.D. *Mādayān-i Hazar Dādestān*
- Mh.D.S.J.B.

The Laws of the Ancient Persians as Found in the Mātikān-i Hazār Dādestān, translated by S. J. Bulsara, (Fort Printing Publication, Bombay ,1937)

- MS. Manuscript TD2
- NY. Nyāyīšn
- NSL. A.Bartholomae, "Notes on Sassanian Law" *Cama oriental Institute Publications* , translation by L.Bogdanov, Bombay, 1931-67.
- OPH. H.k.Mirza, *Outlines of Parsi History*, Bombay , 1974
- Pah. Pahlavi
- R. *Rivāyat*
- R.HF. *Persian Rivāyats of Hormazdyār Farāmarz*, translated by Dhabhar (Bombay, 1932)
- SBE *Sacred Books of the East*, ed. F. Max Muller, Oxford, 1887.
- Sd.Bd. *Saddar Bundihisn*
- ŠKW. *Škand-i gumānig wīzar*
- Vd. *Vendidād*
- Y. *Yasna*
- Yt. *Yāst*

Rivāyat-i Hēmīt-i Ašavahištān

- 0) pad nām-i dēdār-i veh-i abzōnīg-i kirbakkar.
- 1) ēn pursišnīhē-ē čand az hūfraward Hēmīt -i Ašavahištān
pursēd man Ādur Gušnasp-i Mihr Ātaxš-i Ādur Gušnasp. andar
farroxih mēn-i varzāwand ātaxš.
- 2) kašēd az pačēn-i anōšag-i farrox.
- 3) hūdahišn bavād.

روایتِ امیدِ اشوهیشتان

𐬵𐬀𐬯𐬀𐬎𐬌

- ۵- به نام پروردگار خجسته و بخشنده و نیکوکار.
- ۱- این چند پرسش از روحانی اعظم، امید اشوهیشتان، توسط این بنده،
آتورگشنسپ مهرآتور گشنسپ، در ساحت مقدس آتشکده ورجاوند
پرسیده شد.
- ۲- [پرسشها] اقتباس از نسخه جاودان [کتاب] مقدس است.
- ۳- باشد که این [گردآوری] نیکو اثر باشد.^۱

۱. دو جمله آخر را می توان به ترتیب دیگری تقسیم نمود:

الف- پرسشها مقتبس اند از کتاب مقدس (اوستا)

ب- باشد که [امید] جاودان، کامکار، در پرتو عنایت الهی قرار گیرد. در این صورت پهلوی

pursišn 1

- 1) mard-ē būd.uš zan-ē būd i pādixša.pus dō.duxt do ō
dād-i pānzdah sāl rasēd hēnd.pus ēk ō ōh gyāg bēgānagih
šud.ēk az āvām šud.ušān duxt ō šōy dād.pas az sāl
dranāy duxt kē-š šōy kard būd az-š pus-ē sād būd.āgāhīh
mad ku ān mard kē pad bēgānagih būd.pēš az be dādan im
duxt ō šōy.az dād-i veh dēnīh ō dād-i akdēnīh šud būd.
- 2) nūn dādestān-i im duxt cē.pad pādixšā sanīh-i im mard
i šōy hast.ayāb ayōkēn stūr-i dūdag hast.

۱۱۱

→ آن به ترتیب زیر خواهد بود.

الف. kašēd az pačēn

ب. i anōšag-i farrox hudahišn bawād.

جمله آخر که فاعل آن امید [که مسائل را با پاسخ هایش روشن ساخته] می باشد یک جمله تعارفی بسیار متداول متون پهلوی است که پس از ذکر نام بزرگان متوفی می آید.

پرسش اول

- ۱- مردی بود که پادشا^۱ زنی داشت با دو پسر و دو دختر که به سن پانزده سالگی رسیده بودند. یکی از پسران به دیار بیگانه مسافرت نمود و پسر دیگر فوت کرد. در این ضمن والدین هم دخترشان را شوهر دادند. پس از گذشت یک سال، دختر شوهر کرده پسری بدنیا آورد. ضمناً خبر رسید پسری که به مسافرت رفته بود، قبل از ازدواج خواهرش، از دین زرتشتی^۲ به اسلام^۳ گرویده است.
- ۲- اکنون وضع این خانم شوهر کرده چیست؟ آیا باز هم به عنوان پادشازن برای شوهرش باقی می ماند یا تحت شرایط موجود [تغییر مذهب برادرش] به منزلت ایوکن^۴ ستوری^۵ خانواده اش درخواهد آمد.

۱. پادشازنی در سنت زرتشتی به معنی استقلال تام و حقوق کامل در مورد فرزندان می باشد و تنهادر مورد تأمین غذا و لباس پادشازن به شوهر متکی است. چنین زنی پس از فوت شوهرش قیم خانواده خواهد شد. برای اطلاعات بیشتر به R.FS ترجمه انکلساریا صفحه ۴۲ و R.HF. ص ۱۹۷ و ۱۹۵ و ۵۶۴ و همچنین بندهشن فصل ۸۷ رجوع فرمایید.

۲. در اصطلاح اوستایی، دین زرتشتی «وه دین» نامیده می شود.

۳. در دین زرتشتی به اسلام «اک دین» می گویند. به مقاله Men. تحت عنوان «روایت امید آشوهیستان» در *Revue de l'histoire des Religions* چاپ پاریس ۱۹۶۲ ص ۷۶ رجوع فرمایید. همچنین به ملحقات همین بخش که در پی خواهد آمد راجع به «اک دینی» که توسط دستور میرزا تفسیر گردیده رجوع نمایید.

۴. زنی که پدر یا برادر نداشته باشد. برای اطلاعات بیشتر به R.FS. ترجمه انکلساریا ص ۴۴ و R.HF. ص ۱۹۵ و ۱۹۸ و همچنین به پرسش ۳۱ حاشیه ۸ همین کتاب رجوع نمایید.

۵. مقصود قیم یا سرپرست می باشد، همچنین به پسر خوانده هم اطلاق می شود. رجوع شود به R.HF. ص ۱۷۹ و ۱۸۶ مقاله بارتولمه در NSL سال ۱۹۳۱ جلد ۱۸ ص ۲۱ و مقاله پریخانیان تحت عنوان "On Some Pahlavi Legal Terms" در *W.B.Henning memorial letter of tansar* vol. ۱۹۷۰ ص ۵۷ - ۳۵۳ و همچنین مقاله خانم مری بویس در

passox 1

- 3) agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar, brād.kē az āwām
 šud.rāy zan ud frazand pādixšā ayāb pus-i padīraftag
 ēk stūr-i kard hast.im duxt pad pādixšā zanīh-i im šōy
 ēstēd.uš ayōkēnīh stūrīh-i any kas nēst.aganš zan ud
 frazand pādixšāīhā.pus padīraftag ud stūr-i kardag ayāb
 gumārdag nēst.im duxt pad ayōkēnīh stūr-i brād ēstēd.uš
 padixšā zanīh im šōy nēst.pus i-š az-š zād andar dūdag-i
 im brād zād bawēd.
- 4) agar im mard.kē-š šōy hast.sahēd kū im zan pad zanīh
 dārēd.ēg-š pad ayōkēnīh brād zan abāyēd kardan.nigēzidan¹
 pad zanīh šōyīh dēnīgīhā xūb bawēd.ka juttar ēg nē xūb.
 čē.im mard im zan pad pādixšāīhā zanīh dāštan nē pādixšāīhā.

۱- در BTE / ۱۰۰۰۳ هست. انکلساریان را Viptan خوانده. برای اطلاع از این کلمه
 در نسخه خطی رک: صفحه مقایسه نسخه‌های خطی. همچنین رک. یادداشت ۳
 ترجمه همین قسمت.

→ انتشارات یونسکو - رم سال ۱۹۶۸ ص ۴۶. همچنین مقاله منصور شاکی تحت عنوان:
 "Concept of Obligated Successorship in Madian-i Hazar Dādistān" در *momentum*
 H.S.Nyberg انتشارات اکتاایرانیکا سال ۱۹۷۵ ص ۲۲۷ و ۲۴۲.

پاسخ ۱

۳- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد [پاسخ چنین است]: هرگاه برادری فوت نماید که از او پادشازن یا فرزند یا پسرخوانده و یا «ستور^۱ کرده» باقی مانده باشد حکم شرعی درباره آن خانم این است که ایشان همچنان در منزلت پادشازنی برای شوهر خود باقی می‌مانند و به منزلت «ایوکنی» هیچ کس درنخواهند آمد. اگر برای متوفی، پادشازن یا فرزند یا پسرخوانده یا «ستور کرده» و یا «گمارده»^۲ باقی نمانده باشد، آن وقت این خانم [خواهر ازدواج کرده] به عنوان «ایوکن ستور» برادرش در خواهد آمد و در آن صورت از پادشازنی شوهرش خارج خواهد شد و فرزندی که به دنیا آورده به شجره فامیلی برادرش در خواهد آمد.

۴- اگر شوهر فعلی خانم هنوز هم بخواهد که ایشان در همان مقام زنی او باقی بماند و در عین حال ایشان ایوکن برادر خود نیز باشند، شوهر می‌بایست رسماً ایوکنی را در رابطه ازدواجی با ایشان، طبق موازین و مقررات قانون رابطه زن و شوهر اعلام^۳ نماید. در غیر این صورت ازدواج آنها قانونی نخواهد بود زیرا او نمی‌تواند ایشان را به عنوان پادشازن به همسری خود نگاه دارد.

۱. Stur-i Kardag: ترک. یادداشت متعاقب درباره قِیم و فرزندخواندگی.

۲. Stur-i gumardag: ترک. همانجا

۳. ترک. یادداشت ۱ ترجمه پاسخ ۷ بند ۸

passox 1, cont'd

- 5) ud agar dānēd kū pad pādixšāihā zanīh dāštan nē
dastvarīhā.uš pad pādixšāihā dārēd pad gyāg tanāpuhl
wināh.ud pad sāl dranāy margarzān.
- 6) hamē ka be dānēd kū-š pādixšāihā zanīh dāštan nē
dastvarīhā.uš pad zanīh abāyišnīg.ēg-š zamānīg pad
ayōkēnī-i brād ud čagarzanīh san kunišn.uš pad ayōkēnī-i
brād dārišn.az wināh abarnibišt abēzār.

ادامه پاسخ ۱

۵. اگر شوهر با علم به این که همسری ایشان با او به عنوان پادشازنی غیرقانونی است مع ذالک به آن رابطه ادامه دهد مرتکب گناه «تناپوهل»^۱ خواهد شد. و اگر تا مدت یک سال در آن گناه باقی بماند، آن وقت به گناه «مرگ ارزان»^۲ مرتکب شده است.

۶. اگر بداند که ایشان را به عنوان پادشازن نمی تواند نگاه دارد، اما بخواهد که همچنان به همسری با ایشان ادامه دهد، در آن صورت باید تا زمانی که خانم تحت شرایط «ایوکنی» برادرش است تنها به روابط «چگرزنی»^۳ اکتفا نماید. در این صورت از گناهان مزبور مبرا خواهد بود.

۱. گناه *tanāpuhl*: گناهی است که در صورت ارتکاب گناهکار نمی تواند از پهل *cinwad* بگذرد. و کفاره آن ۳۰۰ *stirs* (واحد پولی آن زمان) است. پهل چینوت پلی است که در روز قیامت متقیان از آن عبور نموده به بهشت وارد میشوند. R.HF. ص ۲۸۹

۲. *margarzān* گناهی است که هیچ کفاره ای آنرا بر طرف نمی سازد و مرگ تنها مجازات آن می باشد.

۳. *čagar* زن: هرگاه زن شوهرداری شوهرش فوت نماید و او ازدواج مجدد نماید در آن صورت او چگرزن شوهر قبلی اش می شود و در آن دنیا متعلق به شوهر قبلی اش خواهد بود و او [شوهر قبلی] نیز سهمی از فرزندی که او [زن ازدواج کرده] از شوهر فعلی دارد، خواهد داشت. R.HF. ص ۱۹۵ و مقاله "Collateral Wife" از بارتولمه در مجله NSL جلد ۱۸ ص ۳۶

یادداشت: *Guardianship and adoption*: در دین زرتشتی سه نوع قیمومیت وجود دارد: قیمومیت «بوده - کرده - گمارده» برای توضیحات بیشتر به R.HF. صفحات ۸۷ - ۱۸۶ رجوع فرمائید.

- دو نوع قیمومیت وجود دارد، گمارده و بوده. قیم گمارده خانواده نمی تواند، آن گونه که قیم بوده می تواند، زن یا دختری از خانواده را شوهر دهد. قیم بوده اختیار کامل دارد که زن یا دختری از خانواده تحت کفالتش را شوهر دهد و یا او را کفیل مستقل خودش سازد. برای تفصیل مطلب رک به R.FS. ترجمه انکلساریا ص ۳۹ - ۳۸. همچنین پاسخ ۵ بندهای ۲-۳

ضمیمه‌ای بر پرسش ۱

توضیح دستور دکتر هـ.ک میرزا در مورد کلمه «اک دین»:

در نسخه خطی TD2 و G توسط ت.د. انکلساریا در روایت پهلوی آتور فرنیغ

آتور سروش در صفحات ۲۵ تا ۳۱ چنین آمده:

— Juddēn (جُددین): کسی که مذهبی جدا از دین زرتشتی داشته باشد.

— anēr (اَنِر): غیر ایرانی، معمولاً مقصود عرب می‌باشد.

— anērīh (اَنِرِیه): غیر ایرانی، معمولاً برای مذهب اعراب (اسلام) بکار

می‌رود.

— akdēn (اک دین): کسی که دین ناصوابی را اختیار کرده باشد و معمولاً به

زرتشتی‌هایی که اسلام آورده‌اند اطلاق می‌گردد.

در اوستا، در بخش ونیداد فصل ۱۸ بخش ۹، کلمه *anādaēna* «دین بد» ذکر

شده. بنابر توضیحات در این بخش اوستا، بد دین به کسی اطلاق می‌گردد که

«نوار مقدس» بر تن ندارد، و نمازهای واجب را طبق قوانین شرعی زرتشتی

برگزار نمی‌نماید. بنابراین زرتشتی‌ای که از رعایت شعایر دینی خود سرپیچی

نماید و آن روش را به دیگران هم القا نماید «بد دین» نامیده می‌شود. مضافاً در

ونیداد ۳- بخش ۴۰ کلمه اوستایی *anāstutō* که پهلوی آن "an-astavān"

است (شخص بی‌اعتقاد به دین زرتشت) آمده که در لغت‌نامه برابر «اک دین»

درج گردیده. این نکات ونیداد برابر است با بخشی از دینکرد گردآورده د.م.

مدن ص ۲۰۱ سطور ۸ تا ۱۰ که ذیلاً آمده:

«عدم عبادت دین زرتشتی معمولاً دو وجه دارد یکی شیطانی

(ahrmanic) و دیگری بد دینی (اک دینی). وجه اول زمانی است که

شخص اصلاً دین را کان لم یکن بداند. اما وجه دوم این است که دین

زرتشتی را دین بحقی نشناسد.»

در اینجا عدم اعتقاد به دین (هر دینی) شیطانی است ولی آن کسی که به دین

زرتشتی اعتقاد نداشته باشد ولی دین دیگری را برای خود انتخاب نماید،

بددین محسوب می شود. در اینجا کاملاً "روشن است که کلمه اک دین پهلوی عطف به زرتشتی است که به دین اسلام گراییده است.

pursišn 2

- 1) agar im duxt ayōkēn stūr-i¹ dūdag hast. pad rāh-i
ayōkēnīh ud stūrīh-i dūdag. xwāstag i andar im dūdag be
ō duxt frazand rasēd ayāb nē.

۱- در BTE نیست، همچنین در نسخه خطی.

پرسش ۲

- ۱- هرگاه این خانم [مطروحه در پرسش ۱] ایوکن خانواده، طبق قوانین «ایوکن ستوری» باقی بماند آیا در این خانواده ارثی بر او تعلق می گیرد یا خیر؟

passox 2

- 2) agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.brād-i veh dēn-i²
 az āwām šudag.rāy san ud frazand pādixšāh.pus-i
 padīraftag.stūr kardag. ayōk-iz nēst.az im čim.dādestanīh-i
 im xvahar hast kū pad ayōkēnīh brādar ēstēd.xīr ud
 xwāstag pad xwēšīh im brād ēstēd.hamāg pad ayōkēnīh-i
 brād bē ō im xvahar rasēd.uš pad ayōkēnīh ud stūrīh brād
 dārišn.ēdōn-iz abārīg xwāstag andar im dūdag-iz.

۲- در BTE نیست، همچنین در نسخه خطی.

پاسخ ۲

۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، هر گاه برادر متوفی پیرو دین زرتشتی بوده اما پادشازن یا فرزند و یا فرزند خوانده و یا شخص امین و یا ایوکنی نداشته، در آن صورت طبق موازین شرعی، آن خواهر، تحت ایوکنی برادر درخواهد آمد. بنابراین ثروت و املاک متعلق به برادر است. اما چون این خانم ایوکن برادر گشته، الزاماً پس از مرگ برادر همه ثروت به خواهر می‌رسد و مایملک حق ایشان می‌شود زیرا که ایوکن و ستور برادر خود شده است. این قانون همچنین در مورد سایر ثروت‌های موجود در خانواده مجری می‌باشد.

pursiēn 3

- 1) Agar ān zan dūdag kadag bānūg būd ud mādar-i im
frazandān bud. čiš-ē čiyōn payrāyag-i tan ud bahrpā.i-š
az šoy rasēd. eg-š ō duxt dād. pad duxt pādixšā būd ayāb
nē.

پرسش ۳

- ۱- فرض کنیم که خانمی صاحب اختیار^۱ خانواده خویش می باشد و دارای
فرزندانی نیز هست. هر گاه شوهر این خانم فوت کند و مقداری زیور
آلات برای او باقی گذارد آیا آن خانم حق دارد هر مقدار از آن را که
بخواهد به دختر خود هدیه دهد؟ در این صورت آیا آن دختر قانوناً حق
تصاحب آنها را دارد؟

۱. Lady of the House (خانم خانه) منزلتی است شبیه به پادشاهانی.

passox 3

- 2) ka čiš andar nēst ān rāy juttar.ka kadag xvadāy
widardag stūr ne¹ hamē gumārd zamānag dādan-i² dūdag
kadag bānūg ō har kas ke xwāhēd dahēd.ravāg.
- 3) pas.ka ēd kū dādestan be ō ān rasēd kū kadag xvadāy
stūr abāyēd gumārdan.andar dūdag.kē stūr pad-š šāyēd
gumardan.jud az ān i dūdag kadag bānūg [be dādan³]
nēst.ān i dūdag kadagbānūg be dād. ō har kē-š dād.us
xwāstag sē stūr-i barōmand abāz āvarīšn.kadag xvadāy
stūr pad-š gumārīšn.

۱- در BTE، rū هست. رک: صفحه مقایسه نسخه‌های خطی

۲- انکلساریا "dāt" خوانده. رک: صفحه مقایسه نسخه‌های خطی

۳- به نظر من این bēdāden که در ابرو گذاشته‌ام تحریف نوشتاری یا درج بیگانه است.

پاسخ ۳

- ۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، هرگاه مرد خانواده بدرود حیات گوید و در «موعد معین»^۱ قِیم معین انتخاب نشده باشد، خانم خانواده قانوناً و شرعاً می تواند هر چیزی که خواست، به هر کس که صلاح دید بدهد.
- ۳- هرگاه شرایط قانونی بجایی رسید که مستلزم این بود که حتماً می بایست قِیمی برای آن خانواده تعیین می شد که در آن صورت هم (آن قِیم) کسی جز خانم خانه^۲ نمی توانست باشد، بنابر این بالمآل آن خانم حق قانونی دارد که هرچه خواست، به هر کس که صلاح دید بدهد، اما [در صورت اخیر] آن خانم می بایست مبلغ سه ستیر^۳ باریج آن را که در هر صورت مرد خانواده می بایست برای تعیین قِیم^۴ مصرف نماید، برگرداند.

۱. zamānag (موعد معین) - تعیین حد اکثر باید در حین یکسال صورت پذیرد. رک:

Dd ترجمه Dh.R.HF ص ۱۸۶

۲. Dd فصل ۵۳ بند ۹ ترجمه R.HF ص ۱۹۰

۳. «وزن ۶/۵ درهم است. هر درهم یک سکه نقره است که حدود دو پنس استرلینک ارزش دارد» ص ۵۶. R.HF «حقوق ماهیانه یک قِیم بطور متوسط ۴ ستیر است. همانجا

ص ۱۸۷

۴. رک: پاسخ ۱۸ بند ۷

passox 3, cont'd.

- 4) agar kadag xvadāy rāy stūr nē hamē abāyēd gumārd. ayāb
dūdāg xwāstag-i kē stūr pad-š šāyēd gumārdan. az ān
gumārīšn ān i dūdāg kadag bānūgīg pad xwešīh ō duxt ayāb
any kas dād. čiyōn-š dād šud. abāz nē āvarišn. pad ōy kē
aviš dād be ēstēd.
- 5) agar pas dādestān-i im duxt ōwōn bavēd kū-š stūrīh
dūdāg be ō duxt dād. abārīg čē andar dūdāg hast. hamāg be
ō duxt rasēd uš pad stūrīh-i dūdāg dārīšn.

ادامه پاسخ ۳

۴- هر گاه برای بزرگ خانواده و یا ثروت و مایملک او که معمولاً قیمی تعیین می شود بنا به عللی نیاز به تعیین چنین قیمی نباشد، در آن صورت امور تصدی اموال، به عهده خانم خانواده خواهد بود و ایشان مجاز خواهند بود که هر چه را که می خواهد به دختر خود یا هر کس دیگری بدهد. اما به محض این که آن را داد دیگر نمی تواند پس بگیرد و از آن لحظه آن مال در تملک کسی قرار خواهد داشت که به وی داده شده [مثلاً دختر]

۵- اگر بعدها موقعیت آن دختر ایجاب کرد که قانوناً ملزم به قیمومیت فامیل گردد در آن صورت [آن مقدار که توسط مادر به وی داده شده بود به علاوه] بقیه اموال خانواده متعلق به وی می گردد و او موظف است که آن را در تصدی خویش نگاه دارد.

pursišn 4

- 1) pus akdēn.har ān ī-š az pīdar ud mādar pad veh dēnīh
rasēd.ēg-š pad akdēnīh bavēd ayāb nē.

پرسش ۴

- ۱- بر فرض که فرزند ذکوری به اسلام گرایید، آیا حق تملک اموالی که او از والدینش در زمان زرتشتی بودنش دریافت کرده اکنون پس از تغییر مذهبش هنوز معتبر خواهد بود؟

passox 4

- 2) mard kē az veh dēnīh ō akdēnīh šavēd.ud pad akdēnīh be rasēd.pad gyāg tanāpuhl-ē wināh.ka andar sāl dranāy pad rāh-i veh dēn hilēd margarzān.
- 3) agar-š pad handām drōš.i čīyōn akdēnān pad kardag dārēnd.kunēd.ud ān i-š az handām burēnd.ō āb ud ātaxš. andar zamīg nihānīh.rasēd.ēg kamest margarzān wināh bavēd.¹
- 4) agar-š xwēstag-ē.hamāg pad paoiryāi dāmanam ēstēd.
- 5) paoiryāi dāmanam vizārišn ēn kū.az vēh dēnān har kē ān xwēstag fradom abar gīrēd.ēg-š xwēš-ravišnīh pad-š pādixšāfhā.
- 6) andar ēn avām.ēn ēvēnag kardan dušwār.ka šāyēd kardan.az pēš ravēd.kardan dastvarīhā.čē ēn nē čīyōn ōy kē-š akdēnīh az abarmand.

۱- به نظر من ترتیب کلمات بعد از کلمه *akdēn* تا کلمه *ēg* باید به نحو زیر اصلاح گردد:

Pad Kardag Kunēd. ud ān i-š az handām burēnd andar zamīg nihānīh dārēnd. ōāb ud ātax rasēd.

که به همین روال هم ترجمه نموده‌ام.

پاسخ ۴

- ۲- هرگاه مردی از دین زرتشتی به اسلام گرایید و مسلمان باقی ماند، در دم به عنوان گناهکار تَناپوهِل محسوب خواهد شد. اگر در عرض یک سال همچنان به اسلام پایبند بماند در آن صورت گناهش مرگ ارزان خواهد شد.
- ۳- اگر به عضوی از اعضای بدن او ضایعه‌ای وارد آید (چنانچه رسم مسلمانان است بر بخش خاصی از بدن) و آنچه که از بدن او بریده شده در زمین بیاندازند و در زیر خاک، دور از چشم قرار گیرد و در نهایت به آتش و آب راه یافته باعث آلودگی آنها گردد، در آن صورت کمترین حدّ گناه او مرگ ارزان خواهد بود.
- ۴- اگر صاحب اموالی باشد، قانون «انسانهای بدوی» درباره‌اش مجری خواهد شد.
- ۵- قانون «انسانهای بدوی» این است که از میان زرتشتیان هرکسی که زودتر از دیگران به آن اموال دست یافت، آن اموال متعلق به وی خواهد شد.
- ۶- در عصر ما اجرای این قانون بسیار دشوار است. هرگاه شرایط ایجاب نماید که این اقدام صورت پذیرد، و اجرای آن موفقیت‌آمیز باشد، عملی قانونی محسوب می‌شود. زیرا وضع او با شخصی که اجدادش مسلمان بوده‌اند متفاوت است.

passox 4, cont'd.

- 7) pus-i akdēn ka sāl dranāy pad akdēnīh ēstēd.uš abāz
nē¹ dārēd. andar dūdag-i pidar xwāstag hast. kē ān akdēn
bahr az-š nē stad ēstēd. ēg-š im xwāstag hamāg appār. ud
pad ān gōnag ēsted abar nibišt. im xwāstag-i wehdēn. ka-šān
tuvān kū bahr-ē ōy-i akdēn pad paoiryāi dāmanam girēnd.
pad xwēšīh-i xwēš dārēnd. ud ō akdēn nē dahēnd. pādixšā hēnd
ušān stāndan dastvarīhā.
- 8) ud agar im ēvēnag karden pad xēvstan dāštān. nē tuvān,
aviš dahend juttarīh-ē pad-š nēst. ušān ēdōn abāz abāyēd
rāyēnēd čiyōn pahrēzōmandīhātar kamziyānīhātar.

ادامه پاسخ ۴

۷- اگر فرزند ذکور مسلمان شده در همان اک دینی (اسلام) باقی بماند و در طی یک سال، انصراف خود را اعلام ننماید هیچ گونه حَقّی از مایملک فامیلی نخواهد داشت. به عبارت دیگر تمام اموال متعلق به او به روشی که قبلاً ذکر شد [قانون انسانهای بدوی] از وی گرفته خواهد شد. یعنی از جمع ثروتی که متعلق به فامیل زرتشتی او بوده اگر بتوانند سهم آن اک دین را طبق قانون مزبور ضبط نمایند و برای خود نگه دارند عملی است کاملاً قانونی و مجاز.

۸- اگر امکان انجام این عمل میسر نبود و هیچ کس نتوانست اموال آن اک دین را به نفع خویش تصاحب نماید در آن صورت چاره‌ای نیست و اموال در ید اک دین باقی خواهد ماند. بنابراین نهایت توجه را باید داشت که هر گاه قرار بود این عمل مجری گردد باید به طرزی عاقلانه و دور از هرگونه خطر و بی احتیاطی انجام گیرد.

pursišn 5

- 1) pursišn kū dūdag sālārīh kār čiyōn hast.čiyōn bawēd.ka
dūdag sālār bawēd.uš čiyōn abāyēd pahikārdan ud az kē
abāyēd pahikārdan.agar andar sāl drānāy pahikārēd.čiyōn
bawēd.agar pas az sāl drānāy pahikārēd.dādestān čē.uš
gumārd-i radān ayāb vehān pad kār abāyēd ayāb nē.agar
pad bēgānagīh bawēd.uš pad dūdag sālārīh ud rāyēnīdārīh
rāy.ō kas-ē andar šahr andar¹ nibēsēd.šāyēd ayāb nē.

۱- BTE حذف نموده در صورتی که در موارد مشابه بکار بردن andar قبل از فعل به کزات
در متون پهلوی دیده شده: andar šud ,andar peš hīlēd ,andar dwārest ,andar در ایادگار
زوریران، تدوین جاماسپ آسانا، ص ۱۰-۱؛ همچنین būd ,andar framūd kardan ,andar در همان منبع ص ۲۰-۱۸؛ DK-7 andar raft ēstēd در کتاب *A Manual of Pahlavi* از
نیبرگ (Wiesbaden: Otto Harrassowitz, 1974) ۴۴ و II.

پرسش ۵

۱- سنوال این است: حدود وظایف و مسئولیت یک قِیم خانواده از چه قرار است و پس از اینکه شخصی به این سمت گمارده شد چگونه باید رسالت خود را انجام دهد. حق قِیمومیت را چگونه می‌توان بدست آورد؟ از چه کس یا کسانی می‌توان بدست آورد؟ هر گاه این ادعای طی یک سال صورت گیرد جریان امر چگونه خواهد بود. هر گاه بعد از یکسال ادعای قِیمومیت شود حکم شرعی درباره آن چگونه خواهد بود. آیا تعیین فردی به این سمت از طرف نمایندگان و پیشوایان دینی، کافی و معتبر خواهد بود یا نه؟ هر گاه شخص مورد نظر در خارج از شهر باشد و تقاضای قِیمومیت خود را کتباً ابلاغ نماید، کافی و مجاز شناخته خواهد شد؟

passox 5

- 2) agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.dūdag sālārīh sē
ēvēnag bavēd.kardag, būdag, gumārdag.
- 3) ān-i kardag ān bavēd kadag xvadāy.andar xvēš zindagīh
sālārīh-i dūdag i hudādestān awiš kuṇēd.uš dūdag
sālārīh kardagīhā.
- 4) ēwāz¹ mard-ē ōšyār-i pānzdah sālag.pad sālārīh šāyēd.
pad pūsarīh padīrēd.enyā pad pašn-i xvēš gīrēd.
- 5) ud ān-i būdag ān ka kadag xvadāy az āvām be šavēd.ēg-š
pus-i tanīgzād-i ōšyār-i pānzdah sālag hast.im pus dūdag
sālārīh būdagīhā.

پاسخ ۵

۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، قیومیت فامیلی^۱ سه نوع است: معین، موجود، منصوب.^۲

۳- نوع معین آن است که پدر خانواده در زمان حیات خود فردی را که واجد شرایط باشد طبق موازین شرعی، به قیومیت فامیل خود بگمارد. این قیومیت معین نامیده می‌شود.

۴- شخص واجد شرایط این نوع قیومیت می‌بایست عضو ذکور خانواده، با عقل سالم و حداقل به سن بلوغ ۱۵ سالگی رسیده باشد تا بتواند به این سمت برگزیده شود. در این گزینش فرزند ذکور بودن و رضایت او شرط اساسی است.

۵- نوع موجود آن است که هر گاه پدر خانواده درگذشت، فرزند حقیقی ذکور وی که به سن بلوغ ۱۵ سالگی رسیده و از عقل سالم برخوردار است به قیومیت فامیل انتخاب شود. این فرزند، قیم موجود خانواده لقب دارد.

۱. قیم در اینجا به جای لغت پهلوی دوده سالار بکار رفته. شمول آن عبارتست از:
الف) بزرگ خانواده بودن. ب) حق تصمیم‌گیری برای و به نام پدر خانواده در صورت عدم حضور وی. کاربرد این حق کاملاً مشابه حقوق وصی می‌باشد.
۲. برای اطلاع مفصل از این تقسیم‌بندی سه گانه به دادستان دینیک فصل ۵۸ رجوع فرمایید.

passox 5, cont'd.

- 6) ān-i gumārdag ān i frāz az widarišnīh-i kadag xwadāy
pad dūdag sālārīh sazāgtar.ud uš āwām sālārēn gumārēnd.
uš dādestān gumārdagiḥā.

- 7) dūdag sālārīh pad ān zamān bavēd ka mard-ē i veh dēn
az gētīg bē šawēd.zan ud frazand aburnāyag ud ātaxš-i
wahrām pad dūdag.ka-iz ēk az ēn sē hast.ēg-iz ōh abāyēd
uš brād-i hambāz ud pus-i burnāy ud dūdag sālār ud
stūr-i kardag ud pus-i padīraftag nēst.ēg-š kas-ē.
sazāgtar.pad dūdag sālārīh be gumārišn.

- 8) ōy pad dūdag sālārīh sazāgtar kē ō ōy i widardag nazdīk
payvandtar.

- 9) hamē ōy i nabānazdištār pad dūdagsālārīh ōy i widardag
pahikāridan xwāstan frēzbānīg.

- 10) ka rad ayāb mowbed ayāb dastwar mad ēstēd.ēg-š
pahikārišnīh pad xwāhišn stānišnīh dūdag sālārīh ō ēk
az-išān kunišn.gumārdan-i pad dūdag sālārīh az-š xwāhišn
stānišn.

ادامه پاسخ ۵

- ۶- نوع منصوب آن است که پس از درگذشت پدر خانواده، کسی که بیش از همه در خانواده واجد شرایط باشد انتخاب می‌گردد. انتخاب چنین شخصی باید به تصویب و صلاح‌دید صاحب‌نظران شرعی و فامیلی صورت گیرد. سمت قانونی چنین شخصی قِیم منصوب خواهد بود.
- ۷- لزوم قِیم فامیلی زمانی است که یک زرتشتی معتقد که دارای زن و فرزند صغیر است و آتش مقدس در خانواده‌اش هست بدرود حیات گوید. در هریک از سه مورد مذکور، انتصاب قِیم خانواده ضروری است. هرگاه شخص متوفی دارای برادر حقیقی یا فرزند ذکور بالغ و یا قِیم معین و یا فرزندخوانده ذکوری نباشد در آن صورت لازم است که شخص واجد شرایط برای قِیمومیت فامیل او انتخاب شود.
- ۸- نزدیک‌ترین فرد از لحاظ ارتباط فامیلی با شخص متوفی، واجد شرط‌ترین قِیم محسوب می‌شود.
- ۹- این مسؤولیت و وظیفه نزدیک‌ترین فرد فامیل شخص متوفی است که پس از درگذشت وی اعلام تقبل قِیمومیت فامیل را بنماید.
- ۱۰- اگر یک روحانی، پیشوا و یا یک نماینده شرعی حضور داشته باشد [حضور این صاحب‌نظران شرع، جهت انتخاب قِیم منصوب ضروری است] در آن صورت درخواست تقبل قِیمومیت فامیل باید به یکی از آن مشرّعین رسماً اعلام گردد.

passox 5, cont'd.

- 11) agar rad mowbed dastwar ēk-iz nē mad ēstēd. ātaxš-i
wahrām pad šahr nazdīkīh hast. ēn pahikārišn ōy ātaxš
madār-i ān ātaxš kunišn.
- 12) agar-iz ān nēst ud mard-i āsrōn hāwišt pēšag hast. kē
dādestān āgāhīhā tohm hast. ō ōy pahikārišn.
- 13) agar ān-iz nē mad ēstēd. ō mard-ē wehdēn. i andar šahr
ud gyāg meh ud čašmagtar ud husrowtar ud pad ruwān
dōstīh ud šnāxtārīh paydāgtar. ō ōy pahikārišn.

ادامه پاسخ ۵

۱۱- هرگاه میسر نبود هیچ یک از متشرعین مزبور که عبارتند از یک روحانی یا پیشوا و یا یک نماینده شرعی، حضور بهم رسانند اما یک آتش مقدس در آن حول و حوش، و یا در آن شهر وجود داشته باشد، در آن صورت می باید تقبل آن به یک زیارت کننده همیشگی آن آتشکده اعلام گردد.

۱۲- اگر آن هم میسر نبود (اعلام به یک زیارت کننده آتشکده)، یک فرد متقی که پیرو مجتهدی باشد و خانواده او هم به دانش و پای بندی مذهبی مشهور باشد، تقبل رسمی قیمومیت می بایست به وی اعلام گردد.

۱۳- هرگاه آن هم ممکن نگردید، هر زرتشتی سالخورده، خوش نام و معروف آن شهر که حرمت گذاری وی به ارواح و معرفت دینی او بیش از سایرین محک خورده باشد اعلام تقبل رسمی قیمومیت می بایست به وی ابراز گردد.

passox 5, cont'd.

- 14) ka čiyōn mad ēstēd ud pahikārišn kardan gumardan-i¹
 dudagsālārīh pad ān i mad ēstēd. čiyōn veh šāyēd.
 avestvārān pad gumārdan nāmag setānēnd. ēg-š mādagvartar
 xvēškārīh-ē kū rāyēnīdārīh-i kār-i dūdag pad dūdag
 sūdōmandihātar ud vehdēn dādestānīhātar. kardan
 rāyēnīdan. ud tuvān sāmānīhā kār-i dūdag ēdōn rāyēnīdan.
 čiyōn ka kadag xvadāy zīndag būd. ēg-š kār-i zan ud
 aburnāyag-i andar dūdag ōy ōwōn rāyēnišn čiyōn ān-i
 xvad frāztar.
- 15) ud ka im dūdag-sālārīh dēnigīhā² ud xūb rāyēnēd ēg-š. az
 xwāstag andar im dūdag hast. pad mizd-i dūdag-sālārīh
 sīnag-masāy ud bāzā-masāy ud vastarag-ē³ vahāg rāy. har
 rōzag šabān-ē. sē panj ēk-i drāhm-ē pad⁴ xvēšēnēd.
- 16) uš kirbag-iz i az xūb rāyēnīdārīh frazandān-i andar
 dūdag. parvarīšnīh-i ačār⁵. ōh bavēd.

۱- در BTE. و در نسخه خطی نیامده است.

۲- در BTE آمده ۱۵۰/۱۵۱. انکلساریا خوانده sūkīhā با یک علامت سوال. مناژ
 میبایست sūdīhā خوانده باشد زیرا در کتابش *Feux et Fondations Pieuses dans le droit Sassanide*, (paris, 1964) ص ۳۸؛ به معنی سودمند ترجمه نموده، او هم با یک
 علامت سوال. به نظر من این کلمه تحریفی است از ۱۵۰/۱۵۱، dēnīgīhā،
 اینکه کاتب کلمه dādestānīnā را در نظر داشته که در هر دو صورت مفید معنی
 "قانونی، مشروع" می باشد. رک. صفحه مقایسه نسخه های خطی.

۳- در BTE ۱۵۰/۱۵۱ آمده. انکلساریا آن را Vastargin آورده که به نظر صحیح

- نمیاید. ممکن هم هست که تحریفی از دو کلمه *adma* و *sd* باشد.
- ۴- همانجا *Al* آمده، مناز در کتاب فوق صفحه ۳۸ «کامل» ترجمه نموده. انکلساریا آن را *pār* خوانده. من فکر می‌کنم تحریف نوشتاری *Al* باشد.
- ۵- همانجا، انکلساریا آن را *aburnaġ* ترجمه کرده است.

ادامه پاسخ ۵

- ۱۴- زمانی که جریان انتخاب صورت گرفت بدین معنی که اعلام تقبل شخص مورد نظر و تصویب آن از طرف اشخاص صاحب نظر خاتمه یافت، می‌بایست طی گزارش رسمی و کتبی توسط علمای شرع توشیح و ضبط شود. از آن زمان به بعد مهمترین مسؤلیت شخص منتخب، رتق و فتق امور خانوادگی‌اش خواهد بود به بهترین وجه ممکنه و با حداکثر سود و بهره‌وری برای خانواده‌اش. این وظایف می‌بایست منطبق بانص قوانین شرع باشد عیناً همان‌گونه که اگر پدر خانواده در قید حیات بود. بنابراین مهمترین وظیفه وی توجه و انجام خدمات مربوط به امور زن و فرزندان متوفی خواهد بود.
- ۱۵- هرگاه او وظایف قیمومیتی خود را به نحو احسن و طبق موازین شرعی انجام دهد آن وقت می‌تواند که از ثروت خانواده «حقوق مکفی»^۱ و همچنین مخارج پوشاکی خویش را بردارد که من حیث المجموع روزانه حدود ۳/۵ درهم^۲ خواهد بود.
- ۱۶- [علاوه بر دستمزد مزبور] او به مناسبت سرپرستی و تربیت فرزندان که بر عهده دارد، پاداش اخروی نیز خواهد داشت.

۱. کلمه پهلوی *Bāzā masāy, sinag masāy* ترجمه لغت اوستائی *Bāzu stavaghem va sraoni masanghem* می‌باشد که در وندیداد فصل ۶ بند ۲۰ آمده و ست ایرانشناس معروف ترجمه آزادی از این اصطلاح را که در زبان انگلیسی متداول است و شبیه اصطلاح «بخور و نمیر» زبان فارسی خودمان است در ترجمه‌هایش آورده. R.H.F. ص ۱۸۷، یادداشت ۳

۲. رک به پاسخ ۳ یادداشت ۳

passox 5, cont'd.

- 17) uš im dūdagsālārīh tā ān hangām pad-š.kadagxvadāy rāy
pus-ē i ōšyār ō burnāīh rasēd.
- 18) ka-š pus ō burnāīh mad.im dūdagsālār az dūdagsālārīh
gohrīg.ud dūdagsālār ān pus bavēd.ēdōn-iz ka dūdagsālār
xānag.ud ēn-iz kū im čiyōn kadag xvadāy az^ī frāz ravēd.
- 19) ōy kē pad dūdagsālārīšn sazāgtar.ka pad im gyāg mad
ēstēd.uš pad sālārīh-i dūdag pahikārdan tuvān.ōg-š
zamānīg pad dūdagsālārīh be pahikārīšn.
- 20) ka-š pahikārdan.tuvān.nē pahikārēd.gumard pad-š nē
stānēd ēg-š zamānīg tanāpuhl wināh. ud zyān-iz i andar
dūdag bavēd.ōg-š ō bun.
- 21) ka.pad im ēvēnag. az-š sāl dranāy pad-š vīdarēd.abar
dūdagsālārīh ne pahikārēd.gumārd pad-š nē stānēd.uš
bōzišn bōzagīhā ud čimōmandīhā nēst.pas az sāl dranāy.
andar dūdag ē margarzān.uš dūdagsālārīh ačār.ud ō ōy
kas ravēd kē.pas az ōy.ān nabānazdištār ud sazāgtar.

ادامه پاسخ ۵

۱۷- این سرپرستی همچنان ادامه می‌یابد تا این که از پدر متوفی فرزند ذکوری که از عقل سالم برخوردار باشد به سن بلوغ برسد.

۱۸- زمانی که آن پسر به سن بلوغ رسید سرپرستی مزبور به وی محوّل می‌گردد و از آن پس او سرپرست خانواده محسوب می‌شود مضافاً بر این که رسالت «مرد خانه» بودن، از وظایف او خواهد بود عیناً همان گونه که پدرش در زمان حیات آن رسالت را انجام می‌داده.

۱۹- در این گونه مواقع کسی که واجد شرط سرپرستی است و به سن بلوغ رسیده است باید فوراً اعلام قبول سرپرستی بنماید.

۲۰- هرگاه کسی واجد شرط باشد اما اعلام سرپرستی ننماید و سرپرستی را به عهده نگیرد در آن صورت از همان زمان به گناه «تنابوهل» اقدام ورزیده، بنابراین هرگونه ضرر و زیانی که به آن خانواده وارد آید اثرات آن به روح او آزار خواهد رساند.

۲۱- اگر یک سال بگذرد و او تقبّل مسؤلیت سرپرستی فامیل را اعلام نکند و منتخب بودنش را قبول نکرده و عذرخواهی توبه وار و ندامت‌آمیز ننماید در آن صورت گناهش مرگ ارزان خواهد بود و بالطبع شروط سرپرستی او ملغی و به شخص دیگری محوّل خواهد شد که از حیث قرابت خونی نزدیکترین شخص و واجد شایستگی کامل باشد.

passox 5, cont'd.

- 22) ōy.ka awiš mad. dādestān ham čiyōn ān i pēš rāy nibišt.
- 23) ka sāl dranāy.pad ān ēvēnag.be ravēd.pas az sāl dranāy.
ān-iz i pas dādestān čiyōn ān-i pēš. ud pas az ōy.ō ōy
ravēd kē.pas az ān nabāzištār ud sazāgtar.
- 24) agar.pas az be widarišnīh-i kadag xvadāy.pēš kū kas i
sazāg pad dūdagsālārīh gumārd.ud gumārd setānēd. dūdag
kadagbānūg gādār-ē frāz gīrēd. padixšā.
- 25) ka dūdagsālār nē gumārd.dūdag kadag bānūg gādār be frāz
gīrēd.dūdagsālārīh pad gādār be hilišn.
- 26) dūdag kadagbānūg gādār griftan pad āgāhīhā ud dānišn-i
āvām sālārān hast.ka ōh gīrēd.

ادامه پاسخ ۵

۲۲- زمانی که مسؤولیت به شخص منتخب اخیر محوّل گردید شرایط همانی خواهد بود که در بندهای فوق ذکر شد.

۲۳- [اگر در مورد شخص اخیر] همچنان یک سال بگذرد و او هم اعلام تقبل نکند شرایط او نیز عیناً همانند شخص اوّل که ذکر او قبلاً آمده، خواهد بود. بنابراین مسؤولیت سرپرستی به نفر سوّم که نزدیکترین قرابت خونی و بیشترین شایستگی را داشته باشد، محوّل خواهد گردید.

۲۴- زمانی که پدر خانواده بدروود حیات می‌گوید، قبل از این که شخص واجد شرایط برای سرپرستی خانواده انتخاب شود و قبل از این که او این مسؤولیت را تقبل بنماید، اگر خانم خانه، همسر موقّتی^۱ برای خود انتخاب کند شرعی و قانونی خواهد بود.

۲۵- اگر هنوز سرپرستی منصوب نشده و در ضمن خانم هم همسر موقّتی انتخاب نموده باشد در آن صورت مسؤولیت سرپرستی به آن همسر موقّت محوّل می‌گردد.

۲۶- بنابراین اقدام خانم خانواده برای انتخاب همسر موقّت با آگاهی و صلاحدید بزرگترها و صاحب نظران خانواده می‌بایست باشد.

۱. در مورد ترجمه کلمه پهلوی gādār به فارسی متداول امروزه نیاز به شرح فیلولوژیکی بوده که شرح آن در بخش ضمیمه همین پاسخ در زیر آمده است.

passox 5, cont'd.

27. dūdagsālārīh kardag.ān-iz i gumārdag.ka dūdagsālārīh
nē xūb rāyēnēd.ud pad xwāstag ē sē stīr andar dūdag
hamē nigeriśnīgīhā zyān kunēd.ēg-š dūdagsālārīh ačār
ō bavēd.
28. ān-i kardag.ka be tōzēd.ā-š dūdagsālārīh abāz rasēd.
29. ān-i gumārdag ka be tōzēd.ēg-š gumārdagīh andar abāyēd
abāz gumāriśn.
30. agar ōy.kē pad dūdagsālārīh sazāg.pad bēgānagīh bavēd.
ka-š āgāhīh rasēd.ānōh kū pad bēgānagīh.raft.rad dastwar
ayāb abārīg i čiyōn abar nibišt hast.ka be pahikārēd.
wispy¹ i pad pahikāriśn i-š rad ayāb ōy kē ānōh mad ēstēd
pad dūdagsālārīh pad-š be setānēd.tā pad bēgānagīh.
ka-š xvad ō dūdagsālārīh āmadan tuvān.ō kas.āvestvārīh
sazēd.nibēsēd.kū-š pad abāyīstīh im dūdagsālārīh rāyēnēd.
ud ōy.kē awiś tā ka-š nibēsēd.hamgōnag rāyēnīdan padīrēd
ud kunēd.šāyēd xūb.

ادامه پاسخ ۵

۲۷- و اما در مورد سرپرست «معین». شرایط همانی است که در مورد سرپرست «منصوب» ذکر گردید. هرگاه او [سرپرست معین] از عهده مسئولیت به خوبی برنیايد و به طور وضوح باعث ضرر و زیان خانواده حتی به ارزش سه ستیر شده باشد، در آن صورت فاقد صلاحیت سرپرستی محسوب می شود.

۲۸- اما هرگاه چنین موردی پیش آمد و سرپرست معین از خطایی که کرده بود پوزش طلبید و آن را اصلاح نمود در آن صورت مسئولیت سرپرستی دوباره به او محول خواهد گشت.

۲۹- و اما در مورد سرپرست منصوب، هرگاه او [باعث ضرر و زیانی شد] و از خطای خود پوزش طلبید و در مقام جبران برآمد و مجدداً شایستگی انجام وظیفه را داشت در آن صورت باید تمام تشریفات انتخاب شدن، همانند اول اجرا گردد.

۳۰- هرگاه شخصی که واجد شرایط سرپرستی است در شهر دیگری باشد، پس از این که ابلاغ سرپرستی را دریافت کرد باید به مرجع شرعی یا مسؤول و یا هر مقام مربوطه شرعی در آن شهر، چنانچه قبلاً به تفصیل شرح آن آمد، رجوع کند و قبول سرپرستی را طبق موازین، در حضور مرجع شرعی یا هر شخص ذی صلاح دیگری اعلام نماید. پس از آن او رسماً مسؤول سرپرستی شناخته خواهد شد. اگر لازم است که او هنوز در آن شهر باشد ولی خود را واجد شرایط تقبل سرپرستی می داند، چنانچه موازین شرعی ایجاب می نماید، او باید کتباً به شخص ذی صلاحی تقبل خود را اعلام کند. در این ضمن شخص ذی صلاحی که او کتباً به وی تقبل خود را اعلام داشته می بایست موقتاً تا حضور سرپرست آینده وظایف سرپرستی آن خانواده را انجام دهد. این است روش صحیح و دستور شرعی.

ضمیمه پاسخ ۵

در مورد کلمه پهلوی *𐭮𐭥𐭥𐭥* . «گادار» مکنزی آن را در زبان انگلیسی «شوهر» ترجمه کرده اما مصدر آن را به آرامی *ܡܕܘܪ* که در زبان انگلیسی بمعنی «جفت گیری» است، آورده. دمنائز در کتاب آتش و بنیاد آن در صفحه ۳۹ این مطلب را چنین ترجمه نموده «اگر خانم خانه یک شوهر اختیار نماید قانونی خواهد بود» اما در همان صفحه در یادداشت شماره ۵ می گوید «این کلمه همان اصطلاح معمولی که به معنی «شوهر» می باشد نیست بلکه ظاهراً لفظ نامحجوبی است اما به اعتبار املایی آن از ریشه سامی و معنی آن به آن زبان، می توان آن را به کلمه «معشوق» ترجمه نمود.

به کار رفتن این اصطلاح در یک متن حقوقی شایان توجه است. در کلیه لغت نامه های^۱ به زبان پهلوی که در اختیار داشته ام کلمه *𐭮𐭥𐭥𐭥* همیشه «داتار» خوانده شده و در معنی خاص متداول آن از قبیل خالق، دهنده، تهیه کننده به کار رفته است. اما زمانی که منظور هم خوابگی و یا جفت گیری است لغت آرامی *ܡܕܘܪ* «سلیتوتن» به صورت مصدری یا وجه امری و یا دوم شخص مفرد آمده. تنها در لغت نامه مکنزی است که به صورت اسم مصدری به کار رفته. نکته مورد نظر این است که در این متن صورت غیر آرامی آن آمده و یقیناً «شوهر» منظور نظر نبوده. در وندیداد ۱۸ و ۶۱ حضرت زرتشت از اهورامزدا می پرسد: «چه کسی تو را با اندوهگین ترین اندوه،

1. H.S. Nyberg. *Manual of Pahlavi*. Abrahamian, *Pahlavi Dictionary*. Junker, *Farhang-i Pahlavi*.

Harlez, *Pahlavi Grammar*. Salemann, *pahlavi Grammar*. Faravashi, *Farhang-i Pahlavi*.

J.Mashkoor, *Pahlavi Huzvāršn Dictionary*. Dhabhār. *Glossary of Pahlavi yasna*. Kāpādia, *Glossary of Pahlavi Vendidad*.

اندوه‌گین می‌سازد؟ اهورامزدا پاسخ می‌دهد: «زن بدکاره‌ای که در پی بدکاره‌ای بدنبال مؤمن و نامؤمن، پرستندگان مزدا و دیوپرستان، متقیان و شروران می‌گردد». در همان فصل بخش ۶۲ یادداشت ۲ چنین تفسیر آمده که: «چه خودش را به مردی پاکدامن و چه غیر پاکدامن عرضه نماید گناهش همسان خواهد بود و هر گاه با سه مرد رابطه نامشروع داشته باشد مجازاتش مرگ خواهد بود.» در اینجا تصریح نشده که آیا رابطه با تعدادی کمتر از سه مرد جایز است یا نه. در کتاب R.HF صفحه ۲۰۸ این مسئله از دو پیشوای جلیل‌الشأن دینی آن عصر، دستور کاما بوهر و دستور کاوس کاما پرسش شده که: «هر گاه مردی زنش را با مرد دیگری در روابط نامشروع دید حکم شرعی چه خواهد بود؟» پاسخ چنین آمده: «هر زنی که خلاف شرع، خود را چهار بار در اختیار مرد دیگری قرار دهد فاحشه محسوب می‌گردد و باید وادارش نمود که توبه نماید. و به منظور پیش‌گیری از سرپیچی وی از توبه‌ای که نموده ضروری است که همسرش او را تحت نظر داشته باشد تا از وسوسه‌های مجدد جلوگیری شود». در کتاب SD.B فصل ۱۴ و در کتاب R.HF صفحه ۵۱۴ ذکر شده که: «هر زنی که خود را در عرض یک‌ماه در اختیار دو مرد قرار دهد از لحاظ دینی «روسپی» محسوب می‌گردد و هر گاه زنی خود را در یک روز در اختیار دو مرد قرار دهد از لحاظ دینی «جه» به شمار خواهد رفت.»

علت ارجاع به این چند عطف اوستایی و فارسی میانه، مطرح کردن نظریه دمنار در ترجمه کلمه «گادار» به «همسر موقت» یا «دوست مرد» می‌باشد زیرا نه «جه» نه «روسپی» با خانم خانواده منطبق نمی‌باشد. مضافاً دو اصطلاح «روسپی و جه» به صراحت انگیزه و مبنای شهوت را در رابطه زن و مرد می‌رساند. ولی منظور از به کار بردن کلمه «گادار» شاید القای این مفهوم باشد که تحت شرایط موجود [از دست دادن همسر] یک خانم شرعاً مجاز است که «دوست مردی» داشته باشد.

ایضاً عطف دیگری به همین اصطلاح در همان مفهوم «دوست مرد» در

پاسخ ۳۱ بندهای ۱۴/۱۳/۱۲ و همچنین پاسخ ۴۲ بند ۴ آمده.

نکته شایان توجه این است که بنابر محتوی بندهای فوق الذکر حتی برای خانم‌هایی که بدون تأیید و رضایت خانواده برای خود مردی را انتخاب می‌نمایند اصطلاح خاص «بی اسپان» و یا «خود رأی» ذکر شده که با مفهوم «جه» و یا روسپی کاملاً متفاوت است.

رک . R.HF. ص ۲۰۰ و همچنین مقاله الف - پریخانیان تحت عنوان «درباره چند اصطلاح حقوقی» در کتاب *Henning mem .vol.* لندن ۱۹۷۰ ص ۳۵۱.

pursiṣn 6

1. pursiṣn ēn kū.pad dūdagsālārīh kē sazāgtar.ud kē abāyēd
gumārdan.agar andar im gyāg rad ud dastwar nē bavēd.
dādestān čē ud čiyōn.

پرسش ۶

- ۱- سؤال این است: چه کسی بیش از همه واجد شرط سرپرستی خانواده خواهد بود و چه کسی را باید برای این مسئولیت تعیین نمود. هرگاه مرجع شرعی یا پیشوای دینی در دسترس نباشد حکم دینی و فقهی چگونه خواهد بود؟

passox 6

2. pad dūdagsālārīh ōy sazāgtar nazdīk payvandtar ud ōšyār.
ōy pad-š abāyēd gumārdan.
3. ka rad dastvar nē mad ēstēd.čiyōn azabar.andar dar-i
pēš az ēn.kē hast ān-i panjōmdar.kunišn.

پاسخ ۶

- ۲- کسی که نزدیک‌ترین همبستگی خونی را داشته باشد و از عقل سالم برخوردار باشد واجد شرط سرپرستی خانواده می‌باشد.
- ۳- هرگاه مرجع شرعی یا پیشوای دینی در دسترس نباشد مواردی که در فصل پنجم، در فوق آمده باید اجرا شود.

pursiśn 7

1. mard-i kē-š zañ-ē i pādixšā bavēd.mard widarān bavēd.ud
pad handarz nāmag gōvēd.kū ēn zan az zanīh ud stūrīh
man abēzār.az ān xwāstag kē-š bē ō pādixšāīhā-i im mard
burd būd.abāg im zan dādan frāmōšēd.¹
2. im mard. čiyōn ān-i azabar nibišt.wināh-ē ō bun bavēd
ayāb nē.
3. ud agar zan.pas az be widarišnīh-i mard. gōvēd.kū-m.nē
dēnist ku.pad handarz nāmag čē nibišt ēstēd.agar sālārīh
abāz nē padīrēd.ud az sālārīh-i im mard bē nē ēstēd.ēg-š
pādixšā bavēd ayāb nē.
4. ud agar mard.pad andarz nāmag.bahr -ē az xwāstag-i xwēš.
pad ahlawdād.be kas-ē dahēd.zan agar čagar.bavēd čis-iz
duš-pahikārišnīh pad-š kardan šāyēd ayāb nē.

۱- انکلساریا آن را framāyed خوانده. رک. صفحه مقایسه نسخه‌های خطی.

پرسش ۷

- ۱- هرگاه مردی که پادشازنی دارد در حین احتضار به صراحت در وصیت نامه‌اش ذکر نماید که «این زن از همسری من ساقط و بالطبع قیمومیت خانواده‌ام از او سلب است» ولی فراموش کند که راجع به ثروت و اموالی که او به عنوان پادشازن به خانه او آورده و می‌بایست از جمع اموال کسر و به وی عودت داده شود مطلبی ذکر نماید.
- ۲- بنا به وجه فوق الذکر آیا چنین مردی مرتکب گناهی گردیده که روحش را مبتلا سازد یا خیر؟
- ۳- هرگاه این زن، پس از فوت همسرش بگوید: «من از مفاد وصیت‌نامه آگاهی نداشته‌ام» و حاضر به سلب سرپرستی نگردد آیا هنوز هم واجد مزایای پادشازنی خواهد بود یا خیر؟
- ۴- و اگر این مرد در وصیت نامه‌اش قسمتی از اموال خود را به کس دیگری به عنوان خیریه^۱ منتقل نموده باشد و اگر همسرش در مقام «چگرنی» باشد آیا باید به مثابه زیردست با وی رفتار شود؟

۱. «أَهْلُوا دَاؤَکَ» امروز مؤبدان و زرتشتیان هندوستان آنرا «اشوداد» تلفظ می‌نمایند عبارتست از مقرری که یا به صورت نقد و یا جنس از طرف اشخاص به پیشوایان دینی جهت تأمین هزینه زندگی داده می‌شود تا آنها بتوانند مراسم دینی و وظائف شرعی را فارغ البال انجام دهند و جهت امرار معاش به شغل دیگری رو نیاورند که موجب صرف وقت و توجه ایشان در جهات دیگر گردد.

passox 7

5. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.az ān čiyōn.
 abēzārīh-i san pādixšāīhā.ud az šōy pādixšāīhā.bē pad
 hamdādestānīh-i har dō.ayāb az im san wināhkārīhā-š
 i švarīgīhā paydāgīhēd.i šōy.abē hamdādestānīh-i
 ziyānag.az zanīh be hištan.padixšā.čiyōn hištan-i¹jēhīh.
 ayāb jādūgīh.ayāb aburdframānīh i pad ān i-š frēzvānīg
 kardan.ayāb tan az ham wastargīh šōy-i xwēš wināhkārīhā
 abāz dāštan.daštānmāh abāg wizārdan nē hištan.ayāb pad
 daštān ō stūrīh-i šōy šudan.ayāb daštān nihān kardan.
 ud tan ō any mard dādan.ayāb-š any vināh i margarzān
 jastan.ayāb pad any vināh paydāg būdan.kē wizend-i tan
 ud ruvān az-š šāyēd būdan.enyā mard apādixšāīhā² san-i
 xwēš abēhamdādestānīh i ziyānag az zanīh be hištan nē
 pādixšā.ud ka-š pad abārīg vināh-kārīh-ē i čiyōn
 abarnibišt.i švarīhā.az zanīh hēlēd³ govēd.ziyānag pad-š
 nē hunsand.ud hēlēd⁴ ō xwēš nē padīrēd pādixšā.
6. ud pad gōvišnīh.mard san az zanīh-i im mard hilēd.nē
 bavēd.ka-š avināhīhā ud akāmāgīhā az zanīh hilēd.ka-š
 ziyānag pad-š hunsand.ēg-š vināh bavēd pāyag tanāpuhl.

۱- در BTE حذف شده

۲- همانجا padexšāīhā.

۳- همانجا hištan.

۴- همانجا hištan.

پاسخ ۷

۵- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، سنوال این است که طلاق زن، چه به خواست مطلق شوهر و چه با توافق زوجین، آیا شرعاً مجاز است یا خیر؟ طلاق زن به علت گناه محرز گواهی شده‌ای بدون رضایت او جایز است. همان گونه که در مورد فحشا، جادوگری، یا عدم تمکین، حکم شرعی چنین خواهد بود. همچنین هرگاه زنی گناهوار از همخوابگی با شوهرش امتناع ورزد و یا در دوران حیض از همخوابگی امتناع نورزد و یا در دوران حیض به «ستوری» شوهری درآید و یا حیض خود را مخفی بدارد و یا خود را در اختیار مرد دیگری قرار دهد و یا مرتکب هر گناه دانسته دیگری که موجب عقوبت روح و جسم می‌شود، گردد، از حکم فوق‌الذکر مستثنی نخواهد بود. از طرف دیگر اگر مردی بدون استحقاق، همسرش را بدون رضایت وی، طلاق گوید آن نیز خلاف شرع خواهد بود. اما اگر بر مبنای هریک از گناهان عمدی فوق‌الذکر مردی همسرش را طلاق گوید و رسماً اعلام نماید که از وی راضی نیست و علاقه‌مند به نگاهداری و همسری او نیست، در آن صورت طلاق وی شرعی و قانونی خواهد بود.

۶- مثلاً، اگر مردی همسرش را علی‌رغم خواست و رضایت وی طلاق گوید و همسر از ادامه زندگی با شوهرش راضی و خشنود باشد، در آن صورت گناه مرد برابر گناه «تناپوهل» خواهد بود.

passox 7, cont'd.

7. ka-iz sindag. ayāb ka-iz frāz az šōy. ziyānag pad hilištārīh
ham dādestān nē bavēd. ēg-š dādestān ēn kū pad padixšāīhā
zanīh-i im mard ēstēd.
8. xwāstag i andar dārišnīh-i ziyānag. bē agar andar nigēxtan¹
pad zanīh any. pašn ud hastīšn abar xwāstag-ē kard ēstēd.
ān rāy juttar. enyā-š pad dūdag-i šōy i pādixšāīhā dārišn.
9. ud agasē xvarišn dārišn nihuft paymōxt. andčand-š pāyag
passasagiā abāyišnīg. uš andar āyēd xūb. uš ōh kunišn. uš
ō any hištan šōy rāh nēst. agar vēš. az-š ne setānišn. če-š
šōy bē aviš dādan framūd. ud agar kam hišt i-š šōy bunīg
kunišn.
10. ud agar-iz-š. pad ahlawdād. ō any kas dād ēstēd. uš andčand
bunīgīh uzēnag-i im zan rāy abāyišnīg. abāz dārišn. ud
xvarišn ud dārišn-i zan i pādixšāīhā bunīg kunišn.

ادامه پاسخ ۷

۷- هر گاه شوهر در قید حیات باشد، و یا پس از درگذشت وی، زنش به چنین طلاق غیر عادلانه‌ای تن در ندهد در آن صورت قانون او را در پادشازنی ابقا خواهد نمود.

۸- و اما در مورد مایملکی که در اختیار آن زن قرار داشته؛ اگر در زمان اعلام^۱ ازدواج قول و قرارهایی راجع به دارایی متعهد شده باشند وضع فرق خواهد کرد وگرنه قانوناً آن اموال در تصرف خانواده شوهر باقی خواهد ماند.

۹- هر گاه آن خانم غذا، مایحتاج و یا البسه‌ای را به صورت پنهانی نگه داشته باشد، پسندیده خواهد بود آنچه را که در شأن اجتماعی اوست به او داده شود. این روش پسندیده باید اعمال گردد.

اگر بیشتر [از آنچه که شایستگی آن را دارد] داشته باشد نباید از او پس گرفته شود زیرا [یقیناً] همسرش به او داده بوده و اگر کمتر [از شایستگی شأنش] داشته باشد تحمیل و تعقیدی به روح همسرش خواهد بود.

۱۰- اگر بخشی از آن [کُل مایملک] به صورت اهلوداد داده شده است کُل مخارج زن باید از آنچه که باقی مانده منظور گردد.

۱. کلمه *negiz* را انکلساریا با تردید خوانده. همین کلمه در پاسخ ۱ بند ۴ مورد تردید انکلساریا قرار گرفته. در هر دو مورد به نظر من خطای نوشتاری در کتابت کلمه *negizišn* و یا *nigēxtan* ۱۱۵۱ و ۱۱۵۲ می باشد که هر دو به معنای اعلام کردن، افشامودن است.

passox 7, cont'd.

11. ud agar zan-ē čagar.ēg-š.frāz az xvēš.pad abēčārīh i
zan i čagar.uš gōvišn-ē nē hamē abāyēd.če-š xvād az-š
abēčār.
12. bē agar-šān pašn-ē ud astišn-ē mayān hast.ēg-š zan-i
čagar.ka šōy čagar az avām šud.ēg-š sālārīh pad
pahikārīšn-i ō xvāstāg az hilišn-i šōy čagar nēst.nē-iz
ō xvarišn ud dārīšn-i az hištan-i šōy čagar nēst.nē-iz
ō xvarišn ud dārīšn az hištan-i šōy čagar.

ادامه پاسخ ۷

- ۱۱- هرگاه زنی در منزلت چکرزنی باشد متأسفانه از مزایای حقوقی
همسری بی بهره خواهد بود. بنابراین این مطلب را نباید به روی او آورد
زیرا فعلاً او به اندازه کافی خوار شده است.
- ۱۲- جز در موارد خاصی که قول و قرارهایی رسماً بین ایشان برقرار بوده،
معمولاً پس از فوت شوهر، چکرزن از آنچه که از شوهرش باقی مانده
از اموال گرفته تا غذا و سایر مایحتاج، فاقد هرگونه حقی است.

pursiān 8

1. mard-ē.kē govēd.kū.stūr-i man mard mā gumārēd.ēg-š
vināh ō bun bavēd ayāb nē? agar-š bavēd.čand bavēd?

پرسش ۸

- ۱- هرگاه مردی اعلام نماید که مایل نیست پس از فوتش سرپرستی برای خانواده اش تعیین گردد، آیا گناهی که باعث عذاب روحش شود مرتکب گردیده؟ و اگر چنین است میزان آن گناه تا چه حد است؟

passox 8

2. mard ka ān-i čiyōn abarnibišt govēd.hamgōnag gōvišn rāy.
ēg-š wināh-ē ō bun nē bavēd.bē-š ān-iz kirbag i pad
pusarīh stūr kunišnīh ud gumārīšnīh ud nāmḡānīh i pad
gētīg aviš ne rasēd.
3. čē mard kā-š frazand-i tanīgẓād nēst.az kas pad pusarīh
padīrēd.
4. ud stūr ud nāmḡānīh i pad gētīg hištan wuzurg sūd-i tan
ud ruvān.
5. ēd-rāy.andar veh dēn.kār-i pus-i padīraftag ud stūr ōvōn
saxt guft ēstēd.ōvōn kū.ka xvad.kas nē paydāḡīnēd ēg-š stūr-ē
be gumārīšn.

پاسخ ۸

- ۲- هر گاه مردی مطلب فوق الذکر را اعلام نماید الزاماً گناهی که باعث عذاب روحش شود مرتکب نگردیده ولی خود را از مزایای دنیوی که تعیین سرپرست یا قَیم می‌توانست در برقراری اسم و رسم خانواده دربرداشته باشد محروم ساخته است.
- ۳- به این جهت است که مردی که وابسته خونی نداشته باشد پسر خوانده به فرزندی قبول می‌نماید.
- ۴- تعیین سرپرست و کوشش در این که اسم و رسم خانواده در دنیا باقی بماند برکت و ثواب روحی و جسمی را دربر خواهد داشت.
- ۵- از این روست که در دین زرتشتی مسئله فرزند خواندگی و تعیین قَیم یا سرپرست این چنین با اَهمِیت تلقی می‌گردد. آن وظایف دینی و اخروی را که شخص خود قادر به انجام کامل آنها نبوده است سرپرست و یا قَیم موظف به انجام و پی‌گیری آنها خواهد بود.

پرسش ۹

- ۱- فرضاً مجتهدی^۱ با اظهارات دروغین، که فی حد ذاته گناه محسوب می شود، حوزه^۲ دینی ای را برای خود ادعا نماید،
- ۲- در آن صورت مراجع دینی و مؤبدان به الزام توبه او تصمیم می گیرند.
- ۳- ولی او توبه نمی نماید و از گناه خود بر نمی گردد.
- ۴- آیا در چنین موقعیتی او شایستگی مقام هیربدی را دارا خواهد بود و آیا واجد شروط برگزاری مراسم تطهیر می باشد؟

۱. هیربد [مقام دینی کمتر از مؤبد]

۲. الزاماً هر ۱۵ سال یک بار هیربدان باید حوزه دینی خود را از طریق قرعه کشی بین خود تقسیم نمایند و تصویب قضائی آن را از مرجع عالی قضائی بدست آورند و به نسبت منزلت هیربدی شان [سابقه و جمعیت تحت مسؤولیت] سهمیه دریافت دارند. این جریان در اصطلاح پهلوی ۳۳۳۳ یا ۳۳۳۳ آمده. R.D.BZ. در R.HF صفحه ۴۲۱ این توضیح آمده که: مقام و عایدی هیربد به نسبت وسعت جمعیت حوزه اش می باشد.

passox 9

5. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.kār hērbēdīh
yojđahrgarīh hast dō kār i mādīg.
6. ēn-iz dō nām-i abēzag dēn āgāhān i rāst gōwišnān šān
hamēšag handēšēd.¹
7. mard pad ēn ēvēnag ēg-š pad ēč gōnag nām-iz hērbēdīh
yojđahrgarīh pad-š nē sazāg.uš gōr ud mar-i druvand ud
ahlomōg-i anahlav ud jahīg.i pad im dō kār i mādagvar
rāyēnīdārīh.bē pad-iz dudīgar kār az uskārīšn veh dēn
nē šāyēd.ka-iz pad-š frahixt.ēg-iz pad im kār avestvār
nē dārišn.aviš nē framāyišn.pad-iz nīrmad az-š nē
arzānīg.az hamkārān nidan² ud abāz dāštan mahist kirbag.

۱- در BTE ۱۳۵۳۳ آمده. انکلساریا آن را hū-sahēt خوانده. ک. ج در
Monumentum H.S., (Acta Iranica, Brill, Leiden, 1975) در "Ēmēt i Ašvahištān"
Nyberg ص ۶-۴۳۵ xvēsihēt خوانده. به نظر من کلمه handēšed است که معنایی
مشابه خواندن انکلساریا دارد که صحیح تر هم هست. به یادداشت انتهای همین
صفحه توجه فرمایید.

۲- در BTE ۱۳۵۳۳ آمده. انکلساریا به ۱۳۵۳۳ اصلاح کرده و vizutan
خوانده اما اگر آن را تحریف هزوارش ۱۳۵۳۳ بداتیم مفید معنی صحیح تری
خواهد بود. ک. ج در کتاب فوق ص ۴۳۶ آن را kašitan خوانده است.
یادداشت: پس از رجوع به نسخه خطی، خواندن انکلساریا را تأیید مینمایم زیرا به طور
واضح husahēd نوشته شده نه آن که در BTE آمده. رک: صفحه مقایسه نسخ خطی.

پاسخ ۹

- ۵- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، نکته شایان توجه این است که مقام هیربدی و واجد شرط بودن انجام مراسم تطهیر دو امر بسیار مهم دینی است.
- ۶- به این علت است که این دو مسؤولیت مقدّس همواره از لحاظ مراجع شرعی دینِ کلام حقّ [زرتشتی] سخت مورد دقّت می باشد.
- ۷- مردی با چنین ذاتی هرگز شایسته مقام هیربدی و یا تصدّی امور تطهیر نمی باشد. او مانند یک قاطر چموش، یک رذل فرومایه، یک کافر گناهکار و مفسدی است که به هیچ وجه برازنده این دو مقام برجسته دینی نیست. همچنین چنین فردی لایق هیچ گونه سمت مذهبی نخواهد بود هرچند که در آن به مقام اجتهاد رسیده باشد او حتی لیاقت سهمیه [دینی] را هم نخواهد داشت.
- طرد و دور نگه داشتن او از حوزه، پرتوابعترین عمل خواهد بود.

pursišn 10

1. mard-ē.kē hērbēd yōj dahrgar hast.ō kārezār duzān
dušmenān šavēd.
2. ēg-š abāyēd šud ayāb nē.
3. agar griftār bavēd.uš dāg ud drōš abar nihēnd.ud
ka-sān dāg sē abar nihād būd.ēg-š ō dušmenān guft.
kū.agar pad sē nē hamdādestān hēd.ēk-ē dudīgar abar
nihēd.ušān cāhār abar nihād hē.
4. im mard.pad im dar.čiyōn hast.uš xwēškārīh būd.šudan
ayāb nē.ud kār-i hērbēdīh ud yōj dahrgarīh šāyēd ayāb nē.

پرسش ۱۰

- ۱- کسی که مقام هیربدی دارد و همچنین مجری مراسم طهارتی است به جبهه می‌رود تا علیه دشمنان و یاغیان مصاف نماید.
- ۲- در چنین وضعی آیا او باید به جبهه رهسپار شود یا خیر؟
- ۳- بر فرض که او اسیر شود. دشمن او را داغ خواهد نمود. بر فرض که او را سه داغ کنند و او به ایشان بگوید: «اگر این سه داغ راضی‌تان نکرد چهارمین داغ را هم بزنید» و آنها هم همان کار را بکنند و چهارمین داغ را هم بر وی بنهند.
- ۴- حکم شرعی در چنین موردی چگونه خواهد بود. آیا رفتن او به جبهه فضیلتی محسوب می‌شود یا خیر؟ آیا او هنوز صلاحیت هیربدی و اجرای مراسم تطهیر را خواهد داشت یا خیر؟

passox 10

5. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.mard kē pēšag
āsrōih.nāmčist ān kār hērbēdih ud yōj dahrgarīh-iz.
xwēškāmagih ō kārezār dušmenān šudan axwēškārīha.ud
har ān wizend ud rēš ud anāgih.iš az dušmenān abar
rasēd.grān wināhīhā ō bun.
6. ud ka xwadhāmagihā ud axwēškārīhā šawēd.andar sēn
xast griftārīhēd.uš anāgih.pad ēn ēwēnag azabar nibišt
pad-š kunēnd.ušān abāg-iz stēzēd.aš stēz rāy.drōš wēš
pad-š kunēnd.ēg-š dādestān azēr bad.čē-š grān wināh
čiyōn margarzān.i kō-iz nasā ō ātaxš barēd.tan rēman-iz
pad-š šāyēd būdan.
7. mard.pad ēn ēwēnag.pad kār-i hērbēdih ud yōj dahrgarīh
nē šāyēd.ēzišn kunēd ō dēvyazišnīh nazdik.rēman-iz
šōstan¹ hil.² kū nē yōj dahrinēd rēmantar be kunēd.

۱- در Soyut, BTE, آمده همین طور ک. ج در پیشگفته ص ۴۳۷.

۲- همانجا ر ۱۹۱ آمده. انکلساریا آن را jahik میخواند. همچنین ک. ج در کتاب
فوق. به نظر من کلمه قبل باید در مصدر نگه داشته شود نه سوم شخص مفرد ماضی
چنانچه این دو استاد خوانده اند. کلمه دوم hil هست که صورت دیگری از hištan
است. رک: صفحه مقایسه نسخ خطی.

پاسخ ۱۰

۵- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد [حکم شرعی از این قرار خواهد بود]. اگر شغل کسی پیشوای دینی بودن است علی الخصوص در مقام هیربدی و یا اجرای مراسم طهارتی، به جبهه رفتن داوطلبانه او که علیه دشمن بجنگند وظیفه ثوابی محسوب نمی شود. بنابراین هرگونه آزار، جراحت و یا گزند که از جانب دشمن بر او وارد آید گناه بزرگی بر او محسوب خواهد شد که موجب عذاب روحش خواهد گردید.

۶- اگر با اصرار و از روی وظیفه شناسی به جبهه برود و اسیر گردد و دشمن او را مجروح سازد و طبق گفتار بالا شکنجه ببندد و در حین شکنجه حتی زبان درازی نماید و در نتیجه دچار شکنجه بیشتری گردد در آن صورت [شرعاً] وضع بسیار بدی خواهد داشت زیرا گناه او گناه مرگ ارزان محسوب می شود و همانند کسی که نعشی را به آتش بیاندازد او [هیربد وظیفه شناس] نیز وجودش نجس محسوب می شود.

۷- چنین کسی صلاحیت مقام هیربدی و یا اجرای مراسم طهارتی را نخواهد داشت مراسم نیایشی او مانند ابلیس خواهد بود. مراسم غسل دادن رابه کلی باید ترک گوید زیرا نه تنها آلودگی را زایل نخواهد ساخت بلکه موجب آلودگی بیشتر طرف خواهد شد.

pursišn 11

1. agar im mard čiyōn ān.az nang.xwēškārīh-i xwēš hilēd.
ēg-š ō lašgarīgīh ud spāhīgīh šawēd.pad drayāān
jumbišnīh dīdārag bavēd.
2. agar.pas az ān.abāz āyēd.nē pad rāh-i pašēmānīh-i az
im¹ kār.pad kār-i hērbēdīh ud yōjđahrgarīh šāyēd ayāb
nē.ud agar.pad pašēmānīh ud tan wīrāstan.pad hamkārīh
šāyēd ayāb nē.

۱- ک.ج آن را hamkār خوانده و همکار و همدست ترجمه نموده: پیشگفته، ص ۴۳۸.

پرسش ۱۱

- ۱- هرگاه مرد فوق الذکر وظیفه هیربدی اش را شرم آورانه ترک نماید و در خدمت نظام درآید و در یک سفر^۱ دریایی دیده شود،
- ۲- پس از آن مراجعت نماید اما از آنچه که کرده توبه نکند آیا هنوز واجد شرط هیربدی و اجرای مراسم طهارتی خواهد بود یا خیر؟ و اگر توبه نموده خود را اصلاح نماید صلاحیت مسئولیت های حوزه ای را خواهد داشت؟

۱. طبق قوانین شرعی، هیربدها از سفرهای آبی ممنوع می باشند. R.HF. ص ۶۰۴

passox 11

3. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.ēn axvēškārīh.ēg-š
wināh-iz i margarzān pad-š šāyēd raft būd.
4. kār-i hērbēdīh ud yōjdahrgarīh dō kār i abēr nāzug.
nāmčīšt kār-i yōjdahrgarīh.mard-i hū-xēm ud mard-i abēzag
i kamwināh abāyēd kardan.ān i pad vad-xēm i pad-iz
wināh-i margarzān varōmand nē šāyēd ka kunēd.
5. mard.ka ēk jār.pad wināh i pad ēvēnag i abarnibišt.
paydāg būd ēstēd.pad im¹ kār ān nē šāyēd.
6. pas az ān.ka-iz was pašēmānīh ud petītīgīh kunēd.ēg-š
pad im kār kunišnīh pad ašāyastag dārišn.abāz.ō im kār
kunišnīh.nē hilišn awiš nē framāyišn.az har dō kār
akār dārišn.

۱- در BTE، ۵ و ۱۳ آمده. انکلساریا آن را به ۵ و ۱۳ تصحیح نموده.
ک. ج. در پیشگفته، ص ۴۳۹ آن را همکاران خوانده و ترجمه نموده: "او مناسب برای
همکاران نیست". من فکر میکنم کاملاً بجا خواهد بود اگر همان گونه که به وضوح در
پهلوی آمده خوانده شود. (یعنی im kār).

پاسخ ۱۱

- ۳- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، چنین رفتاری وظیفه‌شناسی محسوب خواهد شد و گناه آن گناه مرگ ارزان است.
- ۴- مسؤولیت هیربدی مانند مسؤولیت مراسم طهارت، مسؤولیتی بسیار دقیق و قاطع است علی‌الخصوص آن طهارت. مجری آن می‌بایست یک مرد کاملاً متقی، با ذاتی متعالی و حداقل گناه باشد. شخص فرومایه و مستعد گناه مرگ ارزان، هرگز صلاحیت چنین مسؤولیتی را نخواهد داشت.
- ۵- کسی که یک‌بار مرتکب گناه فوق‌الذکر گردید دیگر شایسته عهده‌دار شدن چنین مسؤولیتی نخواهد بود.
- ۶- حتی اگر پس از ارتکاب به چنین گناهی چندین بار توبه نماید و به شکنجه جسمانی هم برای بخشیده شدن گناه، تن در دهد باز هم لیاقت چنین مسؤولیتی را نخواهد داشت و برای تصدی آن نباید انتخاب گردد. باید از هر دو مسؤولیت برکنار گردد.

pursišn 12

1. mard-ē hērbēd.ka gōvēd.kū.ka yōj dahrgarīh dānēm.uš
hamkār pasand-ē ud gumārd-ē abāg nēst.šavēd.mard-ē.
kē rāy az rōmanīh xwāhēd kū be šōyēd.uš nē xūb šōyēd.
če-az kēš-i fratom ō abāxtar-rōnag kašēd.nē ō
rapiθvintar nēmag.uš nē dānist kū-š xūb kard ayāb nē.
ud ān ka.pas az ān.any kas pad yōj dahrgarīh ē šōyēd.
im mard.kē pēš pad ēn hērbēd šust būd.dīd.uš guft.kū
man nē xūb šust hēm.uš ō any mard guft.kū-t nē xūb
šust hēm.ud im hērbēd guft.kū rāst.če-m nē xūb šust
hē.
2. uš.az nōg.abāz šustan.andar ham gyāg.yōj dahrgar-ē
gumardag būd hēnd.
3. pēš az šustan-i ēn hērbēd im mard.ud pas-iz hērbēd
dādestān čē.ud pad yazišn-i yazdān šāyēd ayāb nē.

پرسش ۱۲

۱- بر فرض که هیریدی ادعا نماید که آداب طهارت را کاملاً^۱ می داند اما یک دستیار تأیید شده از مقامات شرعی ندارد مع ذالک به انجام اعمال تطهیر مبادرت ورزد. او شستن مرد ناپاک را آغاز می نماید اما آن طور که بایسته است او را غسل نمی دهد زیرا از همان ابتدا اولین شیار زمین را به جای رو به جنوب، رو به شمال می کشد.^۱ و تازه یقین ندارد که آیا آن را صحیح انجام داده یا نه. بعد شخص دیگری توسط استاد طهارت دیگری غسل داده می شود. شخصی که توسط هیرید ناوارد تطهیر یافته با مشاهده مراسم طهارت او می گوید: «به من مطابق آداب غسل داده نشده». آن وقت به آن هیرید ناوارد می گوید: «شما مطابق موازین من را مطهر نساخته ای» و هیرید می گوید: «حق با شماست من به شما غسل صحیح نداده ام».

۲- «شما باید از نو تطهیر گردی». سپس در همان مکان استاد طهارت دیگری برای غسل دادن مجدداً به او تعیین می گردد.

۳- حکم شرعی در مورد این هیرید چگونه خواهد بود چه قبل از انجام و چه بعد از انجام طهارت ناقصی که داده. آیا صلاحیت انجام آداب نیایشی ایزدان^۲ را خواهد داشت؟

۱. برای تفصیل آداب غسل و طهارت که «بر شنوم» نامیده می شود رجوع کنید به R.HF صفحات ۷۱-۳۷۰. همچنین کتاب ج مودی *Religious Ceremonies of the Parsees* چاپ بمبی ۱۹۲۲ صفحات ۴۸-۱۰۲

۲. در مورد کلمه ایزدان که مفهوم متفاوتی با یزدان مطلق دارد به مقاله K.J تحت عنوان "Emet-i Ašawahīštān" در *یادنامه نییگ* در Acta Iranica, Brill, Leiden, 1975, P441 رجوع نماید.

pursišn 12, cont'd.

4. uš tōzišn kardan abāyēd ayāb nē.agarš abāyēd kardan.
ēn čiyōn abāyēd kardan.
5. agar mard.kē-š šust.rēman bavēd.ēg-š dādestān čiyōn
6. ka-šān az im hērbēd pursēd.kū.čē rāy.ka-t nē dānist
kardan.ēg-t kard.uš pad bōzišn guft.kū.kū-m pad
dastvarīh wāhmān rad kard. ka vizohišn pad-š kard.im
rad čis-iz pad ān ēvēnag nē guft būd.

ادامه پرسش ۱۲

- ۴- آیا او ملزم به کفاره دادن است؟ اگر چنین است، کفاره چگونه خواهد بود؟
- ۵- اگر شخصی که مراسم تطهیر بر او انجام گرفته هنوز طاهر کامل نشده باشد حکم شرعی در مورد او چه خواهد بود؟
- ۶- اگر از این هیربد پرسند که «چرا چنین کاری را کردی در صورتی که روش صحیح آن را نمی دانستی؟» و او بر سبیل تبرئه خود بگوید «من از روش فلان مرجع دینی تبعیت نمودم». پس از این که تحقیقات لازم بعمل آید، معلوم گردد که آن مرجع دینی هرگز سخنی درباره چنان روشی ابراز نداشته است.

passox 12

7. agar-š čiš andar nēst.i ān rāy juttar.ka yōj dahrgar-ē
pad pasand gumārdag andar šahr ud gyāg būd.im mard.kē
kār-i yōj dahrgarīh nē kard ēstēd.abē pasand-i frahixtān
gumārdag-i dēn dastvarān.kār-i yōj dahrgarīh kardan
axvēškārīhā bavēd.¹
8. ān kē nērang ud yōj dahrgarīh bunīgīhā nē danēd.ēg-š
yōj dahrgarīh kardan nē dastvarīhā.ud ka kunēd.grān
wināhīhā.
9. ud agar-š nērang-i yōj dahrgarīh āmōxt ēstēd.dānēd kardan.
nē pad nigerišn.bē pad sūdagīh.čīš-ē az-š juttar kunēd
az ān-i abāyēd kardan.ēg-iz wināh.pad sūdagīh.wināh
xvārtar.
10. uš tōzišn andar ōy kunišn kē-š šust.
11. ud ka-š im mardōm pad-š hilēd.ahlawdād kunēd.ēg-š wināh
az bun bē šawēd.

پاسخ ۱۲

- ۷- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، اگر در آن شهر و یا آن حوالی، استاد تأیید و تعیین شده برای ادای مراسم طهارت وجود داشته، آن کسی که بدون اطلاع کافی و داشتن تجربه قبلی و بدون مجوز مراجع شرعی دست به چنین اقدامی زده کاری بس ناشایست و ناصواب کرده است.
- ۸- کسی که آداب اورادخوانی و طهارت را به خوبی نداند با این حال اقدام به انجام آن نماید، غسل و تطهیر او غیر شرعی خواهد بود و با این عمل مرتکب گناه عظیمی گردیده است.
- ۹- اما اگر به رموز اورادخوانی و آداب طهارت وارد باشد و دقیقاً بداند که چگونه باید آن را انجام دهد ولی سهواً و غیر عمد، عملی غیر از آنچه که باید انجام می‌داده انجام داده باشد در آن صورت گناه او سبک تر و فقط گناه عدم توجه محسوب خواهد شد.
- ۱۰- او باید کفاره مقتضی از جانب کسی که به او غسل ناصحیح داده، بپردازد.
- ۱۱- و پس از این که مردم او را بخشیدند و او هم صدقه داد آن وقت گناهش پاک خواهد شد.

passox 12, cont'd.

12. uš yazišn-i yazdān kardan. uš nē appār.
13. ud ka pas. az xūb nērangihā. ud rāstihā. abāz šōyēd. ē
ka-š im mard ayāb any mard dēn nērangihā šōyēd. šāyēd.
14. ud ka ān-i rēman nē xūb šōyēd. grāntar kū ān-i kē apāk-
ihēd. ¹ tā ka xūb nērangihā. pad yōj dahrgarīh-i xūb
pasand abāz šōyēd. rēman. har ān vināh i-š andar āb ud
ātaz ud zamīg ud abārīg spenāg mēnōg dām az-š rawēd.
hamāg ān yōj dahrgar ēdōn ō bun ē bavēd čiyōn kā-š xwēs
nigerišnīhā kard hē. uš andar ōy kē-š nē xūb šust. wināhkār.
čīs-iz i-š uš abar ārest. varišt ² i-š abar abganēd. āb-iz
i-š abar rēxt. ēn hamāg adādhā. ud kamest sē sad stīr
ēvkardagihā bavēd.

۱- سرو و سرو ۱۱ را انکلساریا pāk šoyed خوانده. همین گونه ک. ج. در پیشگفته، ص ۴۴۰ از آنجا که اگر چنین قرائت شود معنی مبهم خواهد بود. خیال می‌کنم این کلمه تحریفی از سرو و سرو ۱۱ از صفت a-pāk به معنی ناپاک باشد و به همان گونه هم ترجمه نموده‌ام. برای کلمه a-pāk به کتاب نیبرگ *Manual of Pahlavi* ص ۲۱ مراجعه فرمایید.

۲- برای اطلاع بیشتر از این کلمه به کتاب *وندیداد* ۵:۵۱ و همچنین مقاله دستور میرزادر *J.J. Zarathoshti Madrassa Centenary Vol Bombay, 1967* صفحه ۴۳ بخش ۵ و همچنین کتاب شایست نه شایست بند ۴۹.

ادامه پاسخ ۱۲

۱۲- پس از آن دیگر برایش انجام آداب نیایش ایزدان بلامانع خواهد بود.
 ۱۳- اگر بعداً با آداب لازم اورادخوانی و روش صحیح، همان مرد یا مرد دیگری را طبق اصول شرعی و اورادخوانی تطهیر نماید شرعاً قابل قبول خواهد بود.

۱۴- اگر او ناپاکی‌ها را کاملاً^۱ زایل نگردانیده باشد، گناه او بیش از گناه کسی است که ناپاک گردیده بود^۱ و تا زمانی که کاملاً^۲ و از روی آداب صحیح اورادخوانی و موازین طهارتی او را طاهر ننماید، او [شخص ناپاک] همچنان ناپاک خواهد ماند. و هر گناهی که او [شخص طاهر نگردیده] مرتکب شود که باعث آلودگی آب، آتش، زمین و یا هر مخلوق دیگر اهورایی^۲ شود به حساب آن مجری ناوارد به آداب طهارت محسوب خواهد شد، همانگونه که او آن گناهان را عمداً مرتکب شده باشد. او در برابر کسی که طهارتش بدست او ناقص مانده مقصر خواهد بود. هر عملی را که او انجام داده از قبیل پاشیدن خاکستر^۳ و یا ریختن آب و امثالهم همگی غیر شرعی بوده. کمترین مجازات او سیصد ستیر "Stir" خواهد بود.

۱. رک به یادداشت ۱، همین پاسخ در صفحه مقابل (آوانوشته)

۲. کلمه پهلوی *Sepanāg-menōg* بمعنی نیروی خلاقه جهان است در تضاد با کلمه *ganāg-menog* که نیروی مخرب جهان می باشد.

۳. رک به بخش آوانوشته یادداشت ۲ در صفحه مقابل. این خاکسترها از آتش بهرام است که تجلی درخشش آسمانی در روی زمین است و نیرومندترین درهم شکننده قدرت شیطانی است.

passox 12, cont'd.

15. yōj dahrgar.kē pad nigerišnīh nērang-ē juttar kunēd kū
ān az veh dēn pad-š paydāg.margarzān.
16. ēn kār-ē hast.pad dānišnīhā ud rāstīhā ud pasand az
šnāxtārān dastvarān dēn.abāyēd kardan.
17. kē avahāgīhā ud harzagīha kunēd.jēhīg pad yōj dahrgarīh.
bē pad-iz yazišn-i yazdān kardan nē šāyēd.

ادامه پاسخ ۱۲

- ۱۵- هر مجری مراسم تطهیر که تعمداً آن آداب را غیر از آنی که در دین زرتشتی به وحی آمده انجام دهد کیفرش مرگ خواهد بود.
- ۱۶- این مراسم، آدابی هستند که باید با مهارت، تقوی، و تأیید مراجع شرعی دین زرتشتی صورت پذیرد.
- ۱۷- کسی که آن اعمال را به طور جدی و مطابق موازین انجام ندهد و به طور سرسری برگزار نماید، به مثابه ملوث شدن آداب طهارت به دست زن بدکاره خواهد بود. علاوه بر این چنین فردی حتی شایستگی انجام آداب نیایش ایزدان را هم نخواهد داشت:

pursišn 13

1. šahr-ē kē-š mard i yōjđahrgar pad-š nē bavēd.uš kas
andar rēman bavēd.uš yojđahrgar az any šahr āwurdan nē
tuvān.uš. andar sē hāθra yōjđahrgar nē bavēd.ēg-š čē
abāyēd kardan.ud dādestān-i mard ud zan pad ēn pursišn.
ēk hast ayāb nē.ud ēd kū hāθra čē ud čand paymānag
bavēd.ud meh ud keh bavēd ayāb nē.

پرسش ۱۳

- ۱- هرگاه در شهری مجری آداب تطهیر وجود نداشته باشد و شخص دچار ناپاکی گردد. در ضمن این امکان نیز موجود نباشد که بتوانند مجری طهارت را از شهر دیگری بیاورند. همچنین هیچ مجری طهارتی تا حدود سه «هاسرا» در دسترس نباشد. تحت این شرایط چه باید کرد؟ آیا اجرای قوانین شرعی تحت این شرایط به خصوص، برای زن و مرد یکسان است؟ هاسرا چیست؟ چه واحد اندازه‌ای را می‌رساند؟ آیا اندازه معینی است یا قراردادی است؟

passox 13

2. ōy kē pad any nasā rēman būd ēstēd.ēg-š bovandag
yōj dahrgarīh az rēmanīh ēdōn bavēd kū wehdēn
nērangiā pad baršnūm šōyēd.
3. ka yōj dahrgar.kē pad baršnūm soyēd.andar šahr nēst.uš
az any šahr ō xvēš āvurdan nē tuvān.xvad ō nazdik
yōj dahrgar-ē barēd.
4. uš aviš šudan.ayāb-š ō xvēš āvurdan.xvēštan az rēmanīh
yōj dahrēnīdan tuvān sāmāniā čē frēzbānīg.
5. hāθra.vāz-ē abestāīg.pad ēvāz-i pārsīg frasang xwānēnd.
6. haθra.meh dwāzdah hazār gām.ud ān i mayānag dah hazār.
ud ān i keh šās tā hašt hazār gām bēd.

پاسخ ۱۳

- ۲- کسی که در اثر تماس با جسد مرده ناپاک گردیده باشد، تطهیر کامل او از آن ناپاکی فقط در صورتی خواهد بود که طبق موازین برشوم^۱ و بر حسب آداب دین زرتشتی انجام پذیرد.
- ۳- اگر مجری مراسم طهارت که بتواند طبق موازین برشوم آن را انجام دهد در آن شهر نباشد و امکان نداشته باشد که بتوانند او را از شهر دیگری بیاورند در این صورت شخص ناپاک باید خود به محلی که مجری طهارت وجود دارد برود.
- ۴- رفتن به محل او، و یا آوردن او به محل، برای انجام مراسم تطهیر، از وظایف کبیره کسی است که به ناپاکی گرفتار گردیده است.
- ۵- و اما راجع به هاسرا، این یک اصطلاح اوستایی است که در لهجه پارسی، فرسنگ می باشد.
- ۶- هاسرا حداکثر دوازده هزار قدم و حداقل شش تا هشت هزار قدم است. ده هزار قدم حد متداول است.

۱. برشوم عبارت از حمام کردن آئینی، طهارت طبق مراسم دینی است. رک: R.HF. صفحات ۷۱-۳۷۰. همچنین کتاب:

J.Modi, *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, Bombay, 1922, PP,97-168

pursišn 14

1. šahr-ē kēš hērbed dō pad-š hēnd bavēnd. ēk yōj dahrgar
ud ēk nē. ušān har dō juddēvdād varm. ud āb dastšōy
nēst.
2. pad yaštan-i āb ud gōmēz čiyōn abāyēd kardan.

پرسش ۱۴

- ۱- فرض کنیم که در شهری دو هیرید است. یکی از آنها استاد آداب تطهیر است اما دیگری نیست. هر دوی آنها کتاب مقدس وندیداد^۱ را از بر می‌دانند. اما در آن شهر نه آب^۲ پیدا می‌شود نه دستشوی^۳.
- ۲- در چنین وضعی برای مقدس و متبرک نمودن آب و ادرار گاو چه باید کرد؟

۱. کلمه Vendidad از اصل اوستائی آن که Vi-daēva-dāta و بمعنی قانون دفع شر [یا ارواح شیطانی] است، بخشی از اوستا را تشکیل می‌دهد. در این بخش خاص اوستاست که شرح وظائف شرعی به تفصیل آمده است.

۲. مقصود آب مقدس است که برای مراسم دینی بکار می‌رود.

۳. دستشوی یک اصطلاح دینی است برای آداب غسل با ادرار گاو.

passox 14

3. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.ka-šān har dō gumān
ēd kū pad tan rēmanīh nēst.čiyōn hēnd mad ēstēd.yaštān
ēk abāg did abāz wirāyēnd.ud ōwōn kunēnd i-šān yašt[-i]
wirāst dārišn.ud āb ud dastšōy.veh dēn nērangīhā.be
yazēnd.ud dēn nērangīhā kār framāyēnd.šāyēd.pad hamāg
yōj dahrgarīhā.bē ān-i pad yazišn-i pad sīh gām.čē.
yazišn-i pad sīh gām ēdōn šāyēd kū pad āb ud dastšōy i
pad sīh gām yašt ēstēd.

پاسخ ۱۴

۳- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، هر گاه هیچ ناپاکی جسمانی در هیچ یک از آن دو هیربد مشاهده نگردد، چنانچه به نظر می‌رسد که مورد هیربدهای مذکور از آن زمره باشد، آنها می‌توانند ترتیبات مراسم نیایشی^۱ را بین خود تقسیم نمایند مشروط بر این که عیناً با موازین «یشت ویراست»^۲ یکی باشد. آن وقت می‌توانند آب و ادرار گاو را طبق آیین شرعی متبرک نمایند. سپس آنها باید صیغه‌های آداب نیایشی را به صورت ذکر، ادا نموده و آداب را عملاً^۳ انجام دهند.

در هر صورت، همهٔ مجریان مراسم تطهیر باید «اصل ۳۰ قدم»^۴ را برای تبرک نمودن دقیقاً رعایت نمایند زیرا این اصل ۳۰ قدم از مهمترین آداب متبرک ساختن آب و ادرار گاو است.

۱. کلمه پهلوی Yastan (نیایش) موارد استعمال متعددی دارد مانند: دعا کردن، پرستش نمودن، تبرک کردن، ذکر اوراد، سرودن سرودهای دینی و حرمت گذاری به شاعر دینی.
 ۲. یشت ویراست [پرستش با آداب و ترتیب] در مقابل یشت گمانی [پرستش با شک و تردید] عبارتست از یکی از آداب نیایشی [شامل سروده‌ای از زرتشت] که قبل از انجام مراسم، پیشوایان دین جهت آماده ساختن خود برای ادای بهتر مراسم «خوب» آنرا به جا می‌آورند. ر.ک. ص ۱۵-۴۱۰. R.FH. دو نوع مراسم «خوب» هست: خوب مفصل و خوب مختصر. مرجع دینی که خوب مفصل را بتواند انجام دهد کسی است که آداب نیایشی و نماز را با جزئیات کامل آن بخوبی می‌داند. برای توضیحات بیشتر رجوع فرمایید به کتاب ج. مودی Ceremonies of the Parsees چاپ بمبی ص ۱۴۷.

۳. برای اطلاع بیشتر از اصل ۳۰ قدم: ر.ک. به کتاب وندیده فصل ۳ بند ۱۷ و فصل ۷ بند ۶۳ و فصل ۸ بند ۷ ترجمه دارمستر جلد چهارم SBE.

pursiṣn 15

1. ham-raēθva¹.kadār paiti-raēθva².kadār bavēd.

۱- برابر اوستایی برای پهلوی hamrēd

۲- برابر اوستایی برای پهلوی padrēd

پرسش ۱۵

- ۱- آلودگی مستقیم کدام است و آلودگی غیر مستقیم کدام؟

passox 15

2. hamrēd hamkarzagīh-i tan-i mard abāg nasā.ud ayāb
nasā abāg jāmag[-i] tan-i mard.ayāb jāmag abāg nasā.
3. padrēd ān i ka.mayān-i nasā ud tan-i mard.any-iz čīš
hast.čīyōn gyānvar.any-iz čīš pad ēd paywand jumbīnēd.

پاسخ ۱۵

- ۲- آلودگی مستقیم عبارتست از آلوده شدن جسم شخص در اثر تماس با جسد مرده و یا آلوده شدن شخص در اثر تماس با البسه مرده و یا آلوده شدن البسه در اثر تماس با مرده.
- ۳- آلودگی غیر مستقیم زمانی است که یک واسطه دیگری در میان بوده باشد مثلاً یک حیوان. همچنین زمانی که آلودگی در اثر حرکت چیزهای متحرک ایجاد شده باشد آلودگی غیر مستقیم محسوب می شود.

pursišn 16

1. jāmag-i pambagēn kē-š hixr-i murgagān pad-š bavēd.
ēg-š dādestān čiyōn.
2. pambagēn mōyēn ud pašmēn.har sē ēk ayāb nē.
3. ud agar abāg nasā hamkaržag bavēd.ān gyāg kūš nasā
hamkaržag bavēd.ān gyāg kū-š nasā pad-š abāz ēstēd.
ēvar šnasēd¹ uš az-š burēd.ān-i dudīgar pad kār šāyēd
ayāb nē.
4. uš čiš-iz meh sūdīh pad akār nē kardan hast ayāb nē.
5. ud agar ān jāmag pad pardāxtan-i nasā jumbīnēd.čiš
juttarīh az ān ka nē jumbīnēd hast ayāb nē.

۱- در BTE، ب ۲۵۱۲ آمده. انکلساریا آن را به ۲۵۱۲ // اصلاح نموده و
میخواند snākhta. ک.ج در مقاله "on Emet i Ašavahištan" در Cama Oriental
Institute Golden Jubilee Vol (Bombay, 1969) در صفحه ۴۱ آن را šnāyēt خوانده.
رک صفحه مقایسه نسخه های خطی.

پرسش ۱۶

- ۱- حکم شرعی در مورد البسه نخ‌ی که حاوی فضولات^۱ بدنی شخص وفات یافته است چیست؟
- ۲- آیا حکم شرعی در این باره، شامل نسوج پنبه‌ای، مویی و پشمی نیز خواهد بود؟
- ۳- هرگاه لباسی آلوده گردد و قسمت آلوده شده کاملاً مشخص باشد و بتوان آن را کاملاً از بقیه بریده و مجزاً ساخت آیا قسمت باقی مانده قابل مصرف هست یا خیر؟
- ۴- آیا در بی مصرف نگذاشتن آن [لباسی که بخشی از آن آلوده شده] مزیت بیشتری خواهد بود؟
- ۵- آیا مورد پارچه‌ای که بتوان با تکان دادن، مواد مرده را از آن پاک ساخت با پارچه‌ای که قابل تکان دادن نباشد یکی است؟

۱. کلمه پهلوی hixr شامل هر چیز جداشدنی از بدن می‌باشد که شامل استخوان، گوشت، پوست، خون، چرک، مو، ناخن، نطفه و ترشحات تناسلی و عرق می‌باشد. برای اطلاع بیشتر به کتاب K.J. ص ۴۲ که در صفحه آوانویسی مقابل آمده رجوع فرمایید.

passox 16

6. wistargīg ud wistarag jāmag-i pambagēn mōyēn ud pašmēn.
pad rēmanīh-i az hīxr ud nasā har sē ēk.
7. ān kē hīxr-i murdagān pad-š.ud ō nasā-i murdagān nē
pahikōft ēstēd.ān and gyāg.kū-š hīxr-i murdagān pad-š.
be burišn.abārīg pāk.
8. ud ān kē-š hīxr-i murdagān pad-š.ud ō-iz nasā-i murdagān
pahikōft ēstēd.ān and gyāg.kū-š hīxr-i murdagān pad-š be
burišn.abārīg pad xāvaš mənghō¹ šōyēd.
9. ān-i pad xāvaš mənghō abāyēd šustan.ka nē pad gōmēz-i
gāv ēdōn šōyēd čiyōn andar veh dēn guft ēstēd.pāk nē
bawēd.

۱- مردود در ۶ سطر می‌آوستایی برابر رسم به کمره "شش ماه" پهلوی است

وندیداد ۱۵:۷.

پاسخ ۱۶

- ۶- حکم شرعی در مورد منسوجاتی که در تماس با فضولات بدن آلوده گردیده خواه پنبه‌ای خواه پشمی و یا مویی یکسان می‌باشد.
- ۷- در مورد فضولات بدنی شخص مرده بر روی پارچه: آن قسمت که به طور مستقیم با جسد مرده تماس نداشته و فقط قسمتی که در اثر فضولات آلوده شده کاملاً بریده و جدا شود. آنچه که باقی مانده، پاک و قابل مصرف است.
- ۸- آن قسمت از پارچه که در اثر فضولات و تماس با جسد آلوده گردیده باید بریده و مجزا گردد سپس قسمت باقی مانده می‌بایست طبق موازین «مرحله ۶ ماهه^۱» شسته شود.
- ۹- در مورد آن بخشی که باید طبق موازین «مرحله ۶ ماهه» شسته شود اگر طبق دستورات دین زرتشتی با ادرار گاو شسته و تطهیر نگردد، پاک محسوب نخواهد شد.

۱. برای اطلاع بیشتر به کتاب *وندیداد* فصل ۷ بند ۱۵ رجوع فرمایید.

passox 16, cont'd.

10. ud har wistargīg jāmag ayāb wistarg-i abāg nasā-i
murdagān hamkarzag bavēd. šustan dastvarīhā, andčand
ēvkardag hamāg rēman. pad xšvaš mənghō šuyišn. čiyōn
sarband-ē ka dārišn. ayāb vēš ud kam. and čand hast.
ka-š tēx hambun-iz ō nasā-i murdagān pahikōft hamāg
rēman. ēdōn ān-i čiyōn pērāhan-ē ud kap-ē ud šalwār-e
i dōxtag. ka-š tēx hambun-iz ō nasā-i murdagān pahikōft
hamāg rēman.¹ ēdon-iz šādurwān-ē ud parik-ē ud abārīg-ē
az ēn ēwēnag. ka-š tēx hambun-iz ō nasā-i murdagān pahikōft.
hamāg rēman.
11. har ān i-š šōyišn kār. pad xšvaš mənghō. šōyišn.
12. rēmanīh-i jāmag pad hamkarzagīh nē. pad jumbišn pad
hamkarzagīh-i nasā i mardōmān ud sag sardagān ō bavēd.

۱- کلماتی که زیر آنها خط کشیده شده در نسخه خطی افتاده، انکلساریادر BTE آنها را
جانشین ساخته.

ادامه پاسخ ۱۶

۱۰- شستشوی کامل هر نوع لوازم رختخواب و یا البسه‌ای که به علت فضولات و جراحات مرده آلوده شده باشد یک وظیفه شرعی است. قطع نظر از این که چه اندازه از آن در معرض آلودگی قرار گرفته، تمامی آن آلوده محسوب می‌شود و باید طبق موازین «مرحله ۶ ماهه» شسته شود. در مورد سربند هم (اگر مورد مصرف قرار گرفته بوده) حکم شرعی همین است. هر اندازه، کم یا زیاد حتی اگر به اندازه یک سر سوزن هم به فضولات و جراحات مرده آلوده شده باشد تمامی آن آلوده محسوب می‌گردد. همین حکم در مورد لباس دوخته، کلاه و یا شلوار باید رعایت شود. حتی یک سر سوزن از آلودگی باعث آلودگی کل آن خواهد شد. همچنین فرش و پرده و یا چیزهایی شبیه آنها اگر به اندازه سر سوزنی در اثر تماس با فضولات و جراحات مرده آلوده شده باشند، کل آنها آلوده به حساب می‌آید.

۱۱- هر چیز که نیاز به شستن شرعی دارد باید طبق مقررات «مرحله ۶ ماهه» شسته شود.

۱۲- آلودگی پارچه و البسه تنها از تماس مستقیم صورت نمی‌گیرد بلکه به صورت انتقال غیرمستقیم از اجساد انسان و انواع سگ نیز صورت می‌پذیرد.

passox 16, cont'd.

13. pad-iz ēn rēman ōh bavēd ka mard andar hangām-ē ka pad
any nasā rēman bavēd.ēg-š wistarg-ē.ayāb wistarīg
jāmag abāg tan hamkarzag.pad hamkarzagih rēman bavēd.
pad xšvaš manghō.šuyišn.ān i pad akār dārišn.ud pad akār
be abganišn.uš šeyišn nēst.pad čiš-iz kār framūdan nē
dastvarihā.ka kār framāyēnd grān wināh.

ادامه پاسخ ۱۶

۱۳- همچنین ممکن است آلودگی زمانی رخ دهد که بدن شخصی که آلوده به فضولات و جراحات است با رختخواب یا البسه‌ای تماس حاصل نموده باشد. از آنجا که چنین تماسی مستلزم آلودگی آن البسه و یا رختخواب خواهد بود لهذا ضروری است که آن البسه و یا رختخواب طبق موازین «مرحله ۶ ماهه» شسته و طاهر گردند.

و اما در مورد بی مصرف انگاشتن و به دور انداختن آنچه که آلوده محسوب می شود، هرگاه شیء آلوده، قابل شستشو طبق موازین شرعی نباشد، مورد مصرف قرار دادن آن خلاف و گناه کبیره خواهد بود.

pursišn 17

1. puhl-ē.kē abar pad rāh-i rōstag bast ēstēd.abar hušk¹
rōd-ē.kē hangām bewēd ka widār pad-š kardan.bīm pad
tan xwāstag rāy.nē tuwān.uš pad any hangām pad-š raftan
widardan saxt dušwār.ud ōbastag ud awēran hast.
2. uš uzēnag-i az nōg abāz kardan meh sūdihātar.ayāb ka
ēn drahm pad any kirbag uzēnag kunēd.²
3. ud agar pad any kirbag meh sūdihātar.ēn kū ān kirbag
čē hast framāyēd.
4. ēg paydāgēnēd kirbag-i puhl abar rōd-ē nāydāg bastan
čand.

۱- به ضمیمه‌ای که در پی آمده رجوع فرمایید.

۲- انکلساریا در BTE خوانده kunēd. همچنین ک.ج در مقاله "Aspects of Kirpag" در
Mémorial Jean De Menasce, (Imprimerie Orientaliste, Louvain, 1974) ۲۴۰ ص

پرسش ۱۷

- ۱- در جاذبه‌ای روستایی، پلی روی بستر رودخانه^۱ خشکی (که برحسب فصل، خشک می‌گردد) ساخته شده بوده. گاهی اوقات این پل قابل عبور نیست زیرا هنگام عبور مردم و حمل محموله‌هایشان ترس از خطر شکسته شدن پل و ریزش آن مانع استفاده از آن می‌شود و گاهی هم که اشخاص چاره‌ای جز عبور ندارند با ترس و لرز بسیار از آن عبور می‌نمایند. پل مزبور خراب و در شرف از هم پاشیدن است.
- ۲- آیا اگر پولی صرف بازسازی این پل شود ثواب بیشتری دربرخواهد داشت یا این که اگر صرف امور خیریه دیگری شود؟
- ۳- اگر صرف آن پول برای مصرف امور خیریه دیگر ثواب بیشتری خواهد داشت لطفاً ما را از کم و کیف آن امور آگاه سازید.
- ۴- همچنین توضیح فرمایید که ثواب ساختن پل بر روی آب راهی که قابل استفاده برای حمل و نقل آبی باشد تا چه اندازه خواهد بود؟

ضمیمه پرسش ۱۷

این کلمه را انکلساریا «خشک» خوانده. همچنین K.J. در مقاله «وجوه مختلف ثواب» در یادنامه ژان دومناژ در *Imprimerie. Oeritalist. Louvin, 1974, P.240* به رغم توافق استادان ایرانشناسی دانشگاه کلمبیا بر صحت خواندن انکلساریا و K.J. در مورد کلمه «بستر رودخانه خشک»، عقیده و پیشنهاد من بر این است که کلمه مذکور صورت تحریف شده کلمه پهلوی 𐭮𐭥𐭥𐭥 (رودخانه پرجریان) است. ساختن پل روی رودخانه‌ای فعال به نظر ضروری‌تر و ثمرتر خواهد بود تا ساختن پلی روی رودخانه‌ای که چند صباحی در سال بر حسب شدت و ضعف بارندگی ممکن است قابل عبور نباشد. در وندیداد ۱۶-۱۴ از گناه خاصی نام می‌برد که کفاره آن ساختن پل روی ۷ رودخانه 𐭮𐭥𐭥𐭥 (rod) است. همچنین در وندیداد ۷۴-۱۸ عطف دیگری است به ساختن پل روی ۳۰ رودخانه قابل حمل و نقل آبی 𐭮𐭥𐭥𐭥𐭥𐭥 (naydag) جهت کفاره گناه خاصی. همین دو عطف در بخش ۲۶ پاسخ همین متن آمده که می‌گوید: «و اما راجع به ساختن پل روی بستر رود 𐭮𐭥𐭥𐭥 و که بالاخص در آن باره نوشته شده است» این ذکر «بالاخص نوشته شده است» به نظر می‌رسد منظور ذکر کفاره‌های شاخصی است که به تفصیل در وندیداد آمده که دوفقره آنها در فوق مذکور افتاد. با توجه به نکات مشروحه بعید به نظر می‌رسد که در این کتاب که تلخیص و تکرار نکات بارز قوانین دینی زرتشتی است مفهوم یک مورد خاص استثنایی که عبارت از ساختن پل روی «بستر رود خشک» باشد از خاطر امید آشوهیستان خطور کرده باشد و آن را به عنوان کفاره واجب قلمداد نموده باشد.

به علاوه حرف 𐭮 «d» در نسخه خطی دارای زاویه مشخصی است که با سایر 𐭮 «ḏ» در همان نسخه تفاوت فاحشی دارد؛ لهذا حدس دستورمیرزا بر این است که کاتب یقیناً تلفظ (دال) «d» را با تلفظ (ت) «ṭ» یعنی داک بجای تاک که تا به امروز هم نزد پارسیان متداول است به اشتباه گرفته. راجع به عدم

تکرار این کلمه در متون مشابه پهلوی ، دستور میرزا تأیید می نماید که در متون پهلوی اغلب فقط یک بار به کلمه ای بر می خوریم که دیگر هرگز تکرار نگردیده.

توضیح: در اینجا تأکید توجه بر شباهت کتابت حرف d و Š در زبان پهلوی است.

passox 17

5. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.saxvan-i pad in rāyēnišn drang.uš gōšag-ē ēdar paydāgēnēd payrāst. dānāgān uš hangōšīdag kardan.amā pad xvēš xūb xradīh ud drust ānāsīh pad-š činaggarīh¹ kardan.čiyōn veh vēnēd ravāgēnīdan čimīgkārīhā.
6. ēd dānēd kū kirbag hamē ān mādagvartar i andar hangām mādagtar.ud andar ān i mādagtar ān i meh dādestāntar. andar ān i meh dādestantar ān i meh sūditar.andar ān i meh dādestantar ān i meh sūditar.andar ān i vuzurg sūdīh ān i zamānīg frayādišnīgtar.
7. ud hangird ēn kū pad ōy.kē-š kirbag kāmēd kardan.ān sūdīgtar ud veh kū hamē kirbag mad ēstēd ud be šāyēd kardan be kunēd.

۱- در BTE، ۲۷ و ۲۸ آمده که انکلساریا آن را ۲۲۹ در بلویر اصلاح نموده. ک. ج. در مقاله پیشگفته، ص ۲۴۰ آن را Vicēnākgarīh خوانده.

پاسخ ۱۷

- ۵- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، شرح هرگونه توضیحی بر این مطلب الزاماً به طول خواهد انجامید: در این مقام به یک جنبه آن اشاره کرده و سپس به تفصیل به آن خواهیم پرداخت. خردمندان را انتظار می‌رود که خود قیاس‌های مربوطه را مبذول دارند. ما به اعتبار استدلال کافی و تشخیص شافی خود، آنچه را صلاح و صواب می‌دانیم ارائه می‌نماییم بر شماست که آن را سودمندانه به کاربرید.
- ۶- بدانید که بارزترین ثواب آن خواهد بود که در موارد حسّاس، شفاعت‌کننده‌تر باشد و در آن موارد حسّاس شفاعت‌کننده‌ترین ثواب آنی خواهد بود که بیشتر مطابق موازین دینی بوده باشد و آنی بیشتر مطابق موازین دینی خواهد بود که ثمره آن بیشتر باشد و آنی ثمره‌اش بیشتر خواهد بود که در موقعیت به خصوص، مورد نیازتر و پرفایده‌تر باشد.
- ۷- خلاصه این که هر فردی که آرزوی انجام عمل خیری را دارد، بهترین و پرثمرترین راه این است که هر زمان که فرصت انجام عمل خیری پیش آمد و انجام آن ضرورت داشت، آن را انجام دهد.

passox 17, cont'd.

8. ān rāy nē spōzēd kū ma agar ēn meh veh bavād frāz rasēd.
 ān kunēd.čē.bavēd kū.spōz rāy.ān i mad ēstēd akard frāz
 mānēd.ān i meh ud veh kardan nē rasēd.čē.ān i xwārtar
 kirbag.ka kard.ō meh pāyagih ud meh frayādih madan
 ēmēdwārtar kū ān i vuzurg kirbag kē nē kunīhēd.uš
 hambun-iz absīhenīdan kirbag.
9. ud was ēvēnag sūdih i az-š nē ētōm.¹ čē hast iš meh
 sūdih andar ēvāzīgihā.ud hast i amaragānīh.ud hast i
 vēš kirbagtar.ud hast i har dō pad-š.ham amaragānīg ud
 ham ēvāzīg.

ادامه پاسخ ۱۷

- ۸- هرگز نباید انجام عمل خیری را به تعویق انداخت به این فکر که شاید بعداً مورد ضروری‌تر و حساس‌تری پیش آید. اشاره به این نکته به این جهت است که تجربه نشان داده که در موارد بسیاری به علّت تأمل و دودلی، کاری که می‌توانسته انجام یابد، انجام نیافته و آن ثواب ضروری‌تر و حساس‌تری را که در انتظار وقوعش بوده‌اند هرگز به وقوع نپیوسته است. بنابراین انجام هر عمل خیر هرچند که کوچک باشد ثواب متقن‌تری را دربردارد تا عمل خیر بزرگتری که هرگز انجام نیافته و نتیجه حاصله‌اش عدم احسان بوده باشد.
- ۹- اعمال خیر کبیره دارای وجوه مختلفی می‌باشند که همه آنها یکسان نیستند. بنابراین تعدادی از آنها ثمرات خاصی را دربردارند و تعدادی دیگر ثمراتی عام. بعضی از آنها مزیت بیشتری دارند و برخی از آنها شامل هر دو خصوصیت خاص و عام می‌باشند.

passox 17, cont'd.

10. ud ān i amarazānīg vēšsūdih.čiyōn šahristān diz ud
drubustih.pad gyāg ēstīšnīg sazēd.virāstan.ātaxš-i
vahram nišāstan.rōd kahā ud jōy az vēš āb ō kam āb
gyāg rāyēnīdan.puhl abar rōd-i nāydag ud abārīg-iz
widārag-i ābān.nāmčist ān-i dušwidārag.bastan.ud
zamīg ud gyāg avērān ābādān kardan.asp zēn ud tōšag
ō ōy kē anērān az wināhišn pad ērānag kardan abāz
dārēd.dādan.ēn ō avestvārān andar abāyēd.ēn hangām kam
dānišnīh rāy.ēn ēvēnag pad pahrēxtar abāyēd kardan.
jōrdā abārīg-iz urvar i xvarišnbar kištan.visigān¹
pahrēxtan wuzurg kirbag.az ēn hamāg mādagvartar.dūdag
i vehān frarōrān paydāg.kē vadzamānagih ud asazāg
āwāmih ēstēd.ayārēnīdan.abāz ō farraxih ud padēxih
ud huzivišnīh zāmēnīdan ud abrāsēnīdan.ud abartar
ud abērtar ān āsrō pēšagān.andar āsrō pēšagān ān i
abēzag menišn dēn burdārān.ān kē vēš kardārīh ud vēš
dānišnīh pad veh dēn rāy.sazāgihā ud arzānīgihā ān i
dēnbedih ud dastvarih čimīgihā ud xvēšīg.

۱- انکلساریا خوانده sāyakan ک.ج در همان مقاله "Aspects of Kirpak" در ص ۲۴۱
و ص ۲۴۵ میخواند sahikan و ترجمه کرده "سزوار، شایسته". رک صفحه مقایسه
نسخ خطی. دستور میرزا کلمه wēšagān را (که همان پیشه‌زار، یعنی جنگل فارسی
نوین است) توصیه مینماید.

ادامه پاسخ ۱۷

۱۰- عمل خیری که جنبه عام داشته باشد دارای مزیت بیشتری خواهد بود. مانند: ساختن سنگر برای شهر و ساختن پایگاه‌هایی که بتوان بر روی آنها سنگر سازی نمود، تأسیس آتشکده بهرام، تهیه کانال برای رودخانه‌ها و ساختن آبراه‌هایی که آب را از مناطق پرآب‌تر به مناطق کم‌آب‌تر برساند، ایجاد پل برای رودخانه‌هایی که قابل انجام حمل و نقل آبی می‌باشند و همچنین پلهایی بر روی آب راه‌های مختلف مخصوصاً آنهایی که عبور از آنها ایجاد اشکال می‌نماید، مزروعی ساختن زمین‌های بایر، تهیه زین‌افزار و لوازم برای کسانی که ایرانیان را در برابر آزار و زیان‌رسانی غیرایرانی‌ها حفظ و حراست نمایند. این‌ها لازمه و وظیفه شرعی هر زرتشتی است.

در این برهه از زمان، به علت مشوب بودن اخبار و آگاهی‌ها، عمل خیر اخیر الذکر باید در نهایت احتیاط و در عین اطلاع کافی اجرا گردد. کاشتن ذرت و سایر بوته‌های مثمر‌تر، همچنین حفظ و حراست آبادی‌ها و بیشه‌زارها از اعمال خیر کبیره محسوب می‌شود. مهم‌تر از همه این‌ها اینست که در تعالی و خشنودی فراهم آوردن زندگی بهتری برای اعقاب متقیان، راستکاران و خانواده‌های آزاده‌ای که فضیلت و آزادمنشی آنان محرز اما سختی و نامساعدی چرخ زمانه برایشان خواری و رنج و بدکامی آورده علی‌الخصوص باز ماندگان نسل پیشوایان دین بالاخص شارعین شرع و همه مقدّسین، منزّهین و نگاهدارندگان دین که به اعتبار فضیلت اقدامات و دانش دینی‌شان، چه منطقاً و چه براساس حق ویژه اجدادیشان کفایت و استحقاق رهبری و فقاہت دارند باید کوشش فراوان به عمل آید.

۱. این کلمه را انکلساریا «sāyakan» خوانده K.J. در «Aspects of Kirpak» در یادنامه ژان دمنائو ۱۹۷۴. Louvain, *Imprimerie Orientaliste*, PP. 241, 245 آن را Sahikan خوانده و «بارزش» ترجمه کرده، به صفحه ۲۹۱ همین کتاب به نمودارهای دست نوشته‌ها رجوع فرماید. دستور میرزا این کلمه را Wēsagān خوانده که بمعنی جنگل‌زار و دارو درخت در فارسی امروز «بیشه» می‌باشد.

passox 17, cont'd.

11. ēn hamāg ān kirbag hast kē abartarīh ud wuzurg mādagīh
rāy paymān handāzag. ud čand-s yazdān pad wisp āgāhīh
tuvān dānēstan. pad ān i mardōmān xrad dānišn anāyāb.

ادامه پاسخ ۱۷

۱۱- اینها همه اعمال خیری هستند که نسبت، اندازه و اعتبار آنها را فقط ایزدان^۱ از همه چیز آگاه می‌دانند. دانش و علم بشر از تشخیص و تعیین آن عاجز است.

۱. اینکه کلمه «Yazdān» را باید وجه جمع از مفرد «Yazad» گرفت و یا اینکه مفرد بالنفسه دانست مورد اختلاف عقاید قرار گرفته. در ترجمه حاضر صورت جمع آن در سرتاسر کتاب بکار رفته زیرا به اعتقاد من کاربرد این وجه القاکننده صحیح و دقیق این مفهوم در دین زرتشتی است. با اینکه اعتقاد یکتاپرستی (اهورای مطلق) و ثنویت انگرمینو و اسپندمینو خصوصیت خاص دین زرتشتی است معذالک نیایش ایزدانی چون میترا، هوم، سروش، و غیره از فرائض دینی زرتشتی بشمار می‌آید. همچنین با اینکه اهورامزدا یگانه «دانای کل» (harvispāgāh) ذکر می‌گردد معذالک ایزدان هم از امتیازات الهی و فوق بشری‌ای برخوردار بوده‌اند که دال بر گستره دانش آنها و رای قدرت و درک بشری است. به چند نمونه زیر توجه فرمایید.

a- در یسن ۱۰ بند ۶: «به میترا قوه ادراک خاصی عطا گردیده»

a-I. Gershevitch, *Hymn to Mithra* (Cambridge University Press, 1959)

ایضاً بند ۷۴: «میترا فناپذیر است»

ایضاً بند ۸۴: «میترا همه آگاه است»

→

ایضاً بند ۱۰۷: «قدرت دَراکه هیچ انسانی به پای نیروی دَراکه خارق العاده میترا نمی‌رسد».

b- در یشت ۱۱ بند ۱۸: «سروش صورت مجسم کلمه بود» b-SBE, XXIII, tr. Darmesteter
ایضاً بندهای ۱۱-۱۳: «سروش خواب ندارد و هوشیارانه خلقت اهورامزدا را پاسداری می‌نماید».

c- در یشت ۱۲ بند ۷: «رشن دوراندیش‌ترین، داناترین و از غیب آگاه‌ترین است» c-Ibid
d- یشت ۱۷ بند ۲: «آش خرد ملکوتی را در اختیار دارد» d-Ibid
ایضاً ۱۷ بند ۲۳: «آش از عقل کامل برخوردار است»

e- در یسن ۹ بند ۲: «هوم مرگ را مانع می‌گردد» e-J. Unvala, *Neryosangh's sankrit version of Hōm yašt* (Bombay, 1924)

ایضاً بند ۱۷: «هوم علم جامع عطا می‌نماید»

ایضاً بند ۱۹: «هوم رفاه مطلق ارزانی می‌دارد»

با توجه به نمونه‌های فوق و تقدّس و حرمت این فرشتگان و مظاهر ربّانی در الهیات زرتشتی، به نظر صحیح‌تر می‌رسد که در متون زرتشتی کلمه یزدان را در مفهوم جمع بکار ببریم. عبارت دیگر «ان» را پسوند جمع از مفرد Yazad محسوب داریم و از ابهام دستوری که در این مورد خاص، در دوران اسلامی چه در شاهنامه، چه در برهان قاطع و فرهنگ معین بوجود آمده و کلمه Yazdān را وجه مفرد انگاشته اجتناب ورزیم.

passox 17, cont'd.

12. ud hangirdīg and dānistan šāyēd.kū tā ān hangām ka meh
sūdīh ud frayādišn mardōm abārīg spenāg mēnōg dām az-š
hamē bēd.kirbag az-š hamē rawēd.nōg nōg ēk abar did hamē
waxšēd ud abšāyēd.
13. ēn ān hast i.bē xwadān xwadā pāyagān¹ enyā kardan kam
tuwān.
14. ēn kū.ka andar āwām-ē dō ayāb sē mad ēstēd.i kardan meh
sūdīh.ud ēk šāyēd.xūbīh be nigerišn.ān i meh dādestāntar
kunišn.čē-š framān-iz-i veh dēn pad-š

۱-۳۳۳ م س س س را انکلساریا khvatāe tāigān خوانده. همچنین ک. ج در همان مقاله
به نظر من اولین حرف کلمه دوم تحریفی از حرف ع است. در تأیید نظریه من
دستور میرزا کلمه اوستایی haōānaēpata را مثال آورده که پهلوی آن س س س است
که به گونه س س س م س هم آمده (ص ۴۴. DH. 7-3, pahlavi. Y.)

ادامه پاسخ ۱۷

۱۲- خلاصه این که همین قدر کافی است که بدانیم تا زمانی که برکات و احسان بیکران بخشنده لایزال^۱ به انسان‌ها و سایر مخلوقات می‌رسد، اعمال خیر یکی پس از دیگری و به کرات از آن ساطع و فزاینده خواهند بود.

۱۳- قدر مسلم این است که سوای متمولین و دولتمندان، مردم عادی کمتر می‌توانند متحمل [هزینه] اعمال نیکوکارانه شوند.

۱۴- توضیح این که، هرگاه انجام دو یا سه عمل خیر با هم تداخل نماید اصلح است که انجام یکی را انتخاب نماییم و در آن صورت باید با دقت و تأمل کامل سنجید که انجام کدام یک شرعی‌تر خواهد بود زیرا رعایت این نکته یک حکم دین زرتشتی است.

۱. کلمه پهلوی *spenāg-mēnōg* نیروی خلاقه جهان است در برابر *ganāg-mēmōg* که نیروی مخربه است قرار دارد.

passox 17, cont'd.

15. kirbag kē-š ewāzīgīh frāy.ud ān-iz har dō pad-š
pādixšā.veh dēn framānīh wēš kirbagīh.paydāgīgtar
andar āstwānīh pad veh dēn.nōg nāvar yazišnīh.xvēdōdah
warzišnīh.hamāg abestāg pad padisār yazišnīh.gāhānbār
ī hamāg¹ sāl pad gāh xvēš yazišnīh.ud sāzišnīh
xvarišnīh ud dahišnīh.ud andar im rōzgārān zōhr ō
ātaxš-i wahrām dahišnīh.ud ka yazišn-i dvāzdah-hōmāst
wēš kirbagtar.ud amahrspandān šnāyišn az-š abērtar.ud
abārīg frēzbān wizārīšnīh ī andar rōzgār ud mähīgānvār
ud sālvar.kē hamāg kirbag ōvōn frayādišn-i ruvān az-š
vas mēnōgīhā.kū rōzan ud bōp² pad-š gētīgīha.ōvōn bē
andar vehdēn.andāzag-ē ud paymān-ē paydāgīnēd ēstēnd.
ayāb-š pad dānišnīh gētīgān and-iz šāyēd.

- ۱- K.J. در همان مقاله آن را xēm خوانده و "طبیعت و سرشت" ترجمه نموده. رک. صفحه مقایسه نسخ خطی و همچنین یادداشت آخر همین صفحه.
- ۲- به قرائت ک. ج در ص ۲۴۲ کتاب فوق رجوع فرمایید.
- یادداشت: پس از مطالعه نسخه خطی، خیال می‌کنم تحریف ۲۴۲ به معنی "همان" باشد.

ادامه پاسخ ۱۷

۱۵- اعمال نیک اختصاصی عبارتند از اعمالی که هم احکام دینی را دربر داشته باشد و هم کاربرد بیشتری از خدمات نیکوکارانه را طبق موازین شرعی. و به وضوح ایمان و اعتقاد دینی را متجلی سازد. انجام آداب نوگ نوار^۱، انجام ازدواج با محارم^۲، آداب خواندن تمامی اوستا از اول [الی آخر]، انجام آداب گاهان بار^۳ در تمامی سال در رأس زمان‌های معین، آداب تهیه غذا و قربانی [نه الزاماً ذبح حیوان]، قربانی و اهداء به پیشگاه آتش مقدس در هنگام روز، و انجام آداب دوازده هوماست^۴ که فضیلت بسیار دارد، بزرگداشت ارواح جاودان^۵ که دارای فضیلت بیشتری است، همچنین انجام مرتب فرائض دینی روزانه، ماهانه و سالانه. اینها همه اعمال نیکی هستند که ثواب انجام آنها باعث نجات روح می‌گردد. کیفیت و اثر روحانی این اعمال برای زندگی آن دنیا عیناً همانند کیفیت مادی پنجره و فرش است برای زندگانی این دنیا. در این مقام تعدادی معیار و موازین دینی مشروح افتاد. انتظار می‌رود که افراد، با بصیرتی روشن هر اندازه که مقدورشان هست رعایت نمایند.

۱. مراسم تشرف به مقام روحانیت. ر.ک به: K.J. "Aspects of kirpak" Memorial Jean

De Menasce, louvain, 1974 p.246, note 5.

۲. در دین باستانی زرتشتی ازدواج با نزدیکان فضیلت خاصی داشته. از فلسفه و ثواب آن در پرسش ۲۲ در کتاب حاضر سخن رفته است.

۳. در اعتقاد زرتشتی سال به شش قسمت تقسیم گردیده که پنج روز آخر هر قسمت را یک جشن نیایشی پنج روزه برپا می‌دارند.

۴. مراسمی که جهت بزرگداشت زنان خواه متوفی خواه در قید حیات برپا می‌دارند. ر.ک به:

Modi, *The Religious ceremonies of parsees*, (Bombay, 1922) PP.431-33

۵. شش فرشته در دین زرتشتی به نام‌های بهمن، اردیبهشت، شهریور، سپندارمذ (فرشته موکل زمین)، خرداد، مرداد

passox 17, cont'd.

16. andar-iz ēn.hast har kas kardan nē tuvān.
17. hamē andar mardōm.ōy pad huxrad dārišn.kē.pad hangām
i xvēštan.bunīg nigerišniha.andar āmār dārēd.menišnīgihā.
kirbag-i frēzbānīg.wināh dušmenihā ud ruvān az-š
bōzenitārīh.pad avizfrišnīgih.kirbag i ul frēzbānīg.
mēnōgān dōšaramihā.kirbag handōxtārīh.ud ruvān abartar
gāh winārdārīh ud kirbag frāxwinārdārīh wināh
vigārišn kāmagihā rāy.tuvān sāmānihā kunēd.
18. ēd hast.andar gētīg ud mēnōg.frayādištom.yazdān kām
kunišn.ēn-iz hast.š ruvān ayārīh ud tan husravīh.wuzurg
sūd.
19. kē.ruvān dōšāram rāy.az wināh pahrēzēd.nē kunēd.pad
dušhumat dušhūxt dušhuvaršt.andar mēnōgān ud gētīgān
any yazdān xvēš ruvān gētīgīg zāhagān zāgān hamtōhmagān
ud hamahlān¹ ēraxtag ud druxtag hamēmālōmand nē.
20. ud pad hamāg menišnīgihā.abaxšihā paydāg.gōvišn andčand
šāyēd.pad-iz kunišn.wināh wizārdār būdan.

۱- انکلساریا خوانده hamiyāran.ک.ج در مقاله پیشگفته آن را hambrātān خوانده. رک.

صفحه مقایسه نسخ خطی.

ادامه پاسخ ۱۷

۱۶- مع‌ذالک، در بعضی اعمال، ثوابی هست که قابلِ اعمال برای همه کس نیست.

۱۷- همیشه آن کسی عاقل زمان خود محسوب می‌گردد که با تفکر عمیق انجام اعمال نیک دینی را خجسته دانسته، اعمال نماید و از ارتکاب گناه سرسختانه دوری ورزیده تا نجات روح خود را تأمین سازد. آن کسی عاقل خواهد بود که در حد امکاناتش با رضا و به رغبت، خیرات شرعی را برای خشنودی ارواح انجام دهد تا از ثواب آنها بهره‌ور گردیده و مقام روحش را تعالی بخشد و با امید و آرزوی پاک گرداندن گناهانش حداکثر اعمال خیر را انجام دهد.

۱۸- فراهم ساختن رضای ایزدان بزرگترین پشتیبان در دو دنیای مادی و معنوی خواهد بود. همچنین در نجات روح نقش عظیمی خواهد داشت مضافاً بر اینکه موجب سلامتی جسم هم می‌باشد.

۱۹- کسی که بخاطر احترام به روح با خودداری از افکار پلید، الفاظ زشت و اعمال ناشایست نسبت به ایزدان و موجودات معنوی و مادی و نسبت به روح خود و نسبت به چهار عنصر طبیعت^۱ و مشتقات آنها و نسبت به خویشان و آشنایان از ارتکاب گناه اجتناب ورزد دچار مصیبت و اغفال و دشمنی نخواهد شد.

۲۰- شرط اصلی بخشوده شدن و پاک گردیدن گناه، توبه خالصانه قلبی است که می‌بایست از الفاظ و اعمال انسان [همیشه] نمایان باشد.

passox 17, cont'd.

21. ēn gyāg.nigerēd kū.har ēn kirbag.i pad gētīg xīr
 xwēšēnīdan šāyēd.andcand xwēšēnēd az gētīg xīr.veh ud
 mādagōmandtar ud pādāyīšnīgtar.čē gētīg xīr.ka-iz
 vas andar iz diz-i ōstwār dārīhēd.hamāg sazišnīg
 hanjafišnīg ud wišufišnīg.ō xwēšan ud axwēšān rasišnīg.
 kāmāgōmandīhā ud akāmāgihā.uš ō mēnōg ud ganj-i yazdān
 šawēd.anōh.frayādag.ō vehān arzānīgān.rādīhā ud ahlāyīhā
 dōšāramīhā.dahīhēd.ayāb.abar ān-i spenagmēnōg gētīg-dām.
 uš meh sūdīh uzīhēd.čē ān i jāwēdānīgīhā asazišn.
22. ōwōn saxwan varzīdār nē judāgīhēd.ud kas-iz az-š judāg
 kardan nē tuwān. uš hamē pad xwēšīh estišnīg pad
 winārišnīg.
23. ud ēn xīr gētīg.az ahlāyīh ud ruwān dōšāram rāy.dahīhēd.
 ōwōn abāyēd dādan kū-š abēzagīhā.xwēš gētīgīhā.mēnōgīhā.
 kas-iz pad-š nē hamemālōmand.ud az awizīrišnīg frēzbān
 wizārišnīh i-š dēnīgīhā.i ō-iz ōy frayād ēstēd.čē.ēn-iz.
 abāg awizīrišnīg ud frēzbānīg wizārišnīh.abardom kirbag.

ادامه پاسخ ۱۷

۲۱- در این مقام، توجه فرمایید که هر اندازه که بتوانید با چیزهای دنیایی برای خود اعمال نیک تأمین نمایید با چیزهایی که بهترین، شرعی ترین، و پردوام ترین خواهند بود. زیرا اگر هم بتوانید ثروت مادی خود را در محکمترین دژها نگاه دارید باز آسیب پذیر، متناهی و از بین رفتنی است. خواه به دست اقوام رسد، خواه به دست غیراقوام، چه با طیب خاطر و چه غیر آن، در نهایت به ارواح و گنجینه ایزدان خواهد رفت. آنجا به عنوان کمک به مردم خوب با استحقاق به وجهی سخاوتمندانه و نیکوکارانه داده خواهد شد. و از آن طریق ثمره بسیاری به آفریده‌های جهان مادی سپناگ مینو (نیروی خلاقه جهان) خواهد رسید.

[ثواب] آن ثمرات مداوم و فناپذیر خواهد بود.

۲۲- کسی که طبق تذکرات فوق رفتار نماید نه از ثروت مادی خود جدا شده است و نه کسی قادر خواهد بود که آن را از او بستاند و طبق قانون طبیعت همیشه متعلق به او باقی می ماند.

۲۳- و این ثروت مادی که با نیت نیکوکاری جهت حرمت [و خشنودی] روح اهدا می شود باید با تقدّس، و از ثروت مادی و معنوی شخص، بی آنکه کسی با آن مخالفتی ورزد اعطا گردد. از طریق انجام این فرایض الزامی و غیرقابل اجتناب دینی است که شخص [مجری ثواب‌های فوق‌الذکر] تأمین می یابد. زیرا به جا آوردن فرایض نیکوکاری بالاترین ثواب‌ها را دربردارد.

passox 17, cont'd.

24. mardom ēn-iz āmārēnīdan sazēd kū mard.hast pad hangām kū
pādixšā.kū bahr-i tan-i xvēš.ruvān dōšāram rāy.bē ō any
abārīg.dahēd.nē padixšā kū.ān frēzbān dahišn i ōy kē-s
frēzbānīg.ō-iz ōy awizīrīšnīgihā abāyišnīg.be ō anē ēd
arzānīgtar dahēd.az ān čē.frēzbānīg ō-iz ōy.uš frēzbānīgih
dēn framānihā.čē.ka dahēd.wināh vēš kū kirbag.ka ān.dahišn
rāy.dēnīg frezbānīg wizārišnīh rāy.šāyēd kardan.
25. ud ēn i-mān azabar uzwārd.hangird paydāgenīdārīh ēd i
abar frēzbānīg ud afrēzbānīg-iz kirbag warzidārīh.kē
dānāgān was hangōšīdag handāzag.i pad ahlāyīh varzīdārīh
abāyišnīg.uš āvurdan dānistan šāyēd pad yazdān ayārīh.
26. ud ān-i abar virāstan-i puhl-ē abar hušk rōd-ē.pad
nāmčist.nibišt.šnāxtan ēn.čīyōn-tān kirbag-ē.i wuzurg
mādag ud purr frayād-i amaragān sūd.mad ēstēd.kunēd.
27. tā ka hast mardōmān.az-s frayādišn.ud kirbag az-s
ravišnīg.ud a-s dahišn abēr mādagōmandtar frayādišnīgтар
kū dō hazār wināh pādīrān.i ān pādīrānīh rāy.frēzbān
wizārišnīh.ēd rāy.pargūd ēstēd.enyā.ka-s.ān pādīrānīh
nē any frēzbān wizārišnīh pargūd ēstēd.saxvan pad-s
juttar.

ادامه پاسخ ۱۷

۲۴- باید توجه داشت که در مواردی، حرمت و خشنودسازی روح ایجاب می‌نماید که فردی بخشی از ثروت شخصی خویش را به فرد خاص مستحق اعطا نماید. اما در عین حال خلاف شرع خواهد بود که آن خیرات الزامی که به عهده اوست به فرد نیازمندتری بدهد زیرا شرعاً مکلف است که آن را به آن شخص خاص بدهد و این حکم دین است. هرگاه غیر از این رفتار نماید گناه او بیش از ثوابش خواهد بود. این یک وظیفه شرعی است که باید به صورت هدیه اعطا گردد.

۲۵- آنچه در فوق به آن اشاره نموده‌ایم شرح مختصری از کارهای خیر واجب و همچنین کارهای خیر مستحب می‌باشد که انتظار می‌رود شخص خردمند با روش و معیارهای مشابه، با نیت نیکوکاری، آنها را انجام دهد. ذکر و اعتراف نوع احسان که واجب و یا مستحب است [هنگام انجام آن] ضروری می‌باشد. به یاری ایزدان

۲۶- و اما راجع به احداث پل بر روی رودخانه‌ای با بستر خشک^۱ که بالاخص راجع به آن تذکر داده شد. لازمست که آن را فرصت خوبی برای انجام عمل خیر پرثمری محسوب دارید. فرصت بسیار میمونی است که برای کمک و خدمت به عامه پیش آمده است.

۲۷- تازمانی که بشر می‌زید مردم از آن پل استفاده خواهند برد و ثواب آن همچنان مداوم خواهد بود. این عمل خیر [احداث پل] مهم‌تر و مفیدتر از ۲۰۰۰ امتناع از گناه است که می‌تواند انسان را از انجام فرایض بخشوده سازد. البته هرگاه کفاره فرایض مسلم، با پرهیز از گناه، بخشودنی نباشد حکم نحوه دیگری خواهد داشت.

۱. در فهرست کفاره‌هایی که باید شخص در مورد قتل کسی (وندیداد بخش ۱۴:۱۶) یا در مورد برقرار کردن رابطه جنسی با زنی که در دوران قاعدگی‌اش باشد (وندیداد ۱۸:۷۴) بپردازد، احداث پل روی رودخانه یا آب‌راه ذکر شده

passox 17, cont'd.

28. čē puh1-i pad ēn ēvēnag.ka-iz amaragān sūd.abar xvadāyān
frēzbānīg.ud ušān kardan niyābagtar awišān kunišnīgтар
ud pad sazāgtar.

29. pas az xvadāyān ō abārīg amaragānīgān kunišnīgтар.ka-šān
abāyēd kardan.pad hamēh kardan čimīg kārīhātar.

30. amaragān mardōm ān amaragānīg kār ēwtāgīhā ōvōn kunišn.
kū-s im kunišn rāy.ān 1-s dēnīg.pad kardan abar frēzbānīg.
uš pargūd nē bēd.az-iz zyān az uzvāhīgīh ud avērānišn 1
pad-s šāyēd būdan. xwēštan abēzārenitan tuvān.

31. ō-iz veh dēn mardom.andar puh1 anīg āvām.hamāg kirbag 1
mardōm kunēnd.meh ud keh.ud amaragānīg ēvāzīg.frēzbānīg
ud afrēzbānīg.ān pāhlom ud nēktom ud frayādišnīgtom.1
ruvān hambrādagīhā ud ahlāyīhā frēhīhā.pad sūd ud
abartargāhīh ud purr urvahnīh-i ruvān.kunīhēd.ayāb kirbag
dōšāram rāy.1 hast ān pāhlom ud ān abēzagtar.1 ō
fradāyīšn-i ruvān rasišnīgтар pad srōšdārīh.pad dastvarīh-1
abēzag dēn dastvarān kunēnd.

ادامه پاسخ ۱۷

۲۸- از آنجا که احداث پلی با چنین کیفیتی [مذکور در بندهای ۲۶ و ۲۷] رفاه عامه را دربر خواهد داشت از این رو جزء وظایف واجب دولتمندان است و شایسته و صحیح‌تر خواهد بود که توسط آنها انجام پذیرد.

۲۹- بعد از دولتمندان این وظیفه سایر اشخاص عادی خواهد بود که کفایت انجام آن را داشته باشند. که در آن صورت کار گروهی بهترین نحوه خواهد بود.

۳۰- جامعه انسان‌ها باید در کارهای عام‌المنفعه به طور انفرادی شرکت نمایند زیرا از این طریق برای کار خیری که فریضه است و باید انجام پذیرد او [هر فرد از کل جامعه] از سهم بودن در برآورده شدن آن بی‌بهره نمی‌ماند و در نتیجه این اشتراک مساعی، او خود را از چه بسا زیان‌ها و خسارت‌های احتمالی نجات می‌دهد.

۳۱- همچنین برای جمیع پیروان دین زرتشتی، در این عصر شوم مجازات، از تمام اعمال نیکویی که مردم می‌کنند چه کوچک چه بزرگ، عمومی یا خصوصی، واجب یا مستحب، از همه بهتر، متعالی‌تر و سودمندتر آن خواهد بود که با ارتباط روحی و حداکثر پرهیزکاری و با نیت سودرسانی و احترام و شادسازی روح انجام پذیرد. و یا این که به خاطر عشق ثوابکاری، که آن نیز مقدس و متعالی و آرام بخش روح است، از مراجع روحانی دین مقدس [زرتشتی] مطیعانه و طبق شرایع پیروی نماید.

passox 17, cont'd.

32. rad dastwar pad rad dastwar menēd ud dārēd.ud rad dastwar
menišnīgihā dāstan pad dād dārēd.uš menišnīgihā dāstan
pad dād dārēd.uš menišnīgihā ed-iz pad dād dāšt ēstēd
kū.ka rad dastwar pad rad dastwar nē dārēd.šāyēd.ēg-š
kirbag i kunēd.pad rāh-i asrōīhdārīh¹.pad mēnōgān ō
frayād nē rasēd.ka-š was-iz kard ēstēd.ēg-š az-š ēdōn
dūr bēd.čiyōn ka andar gētīg čīš-iz kirbag nē kard ēstēd.
33. pad abestāg gugāhīh.nē kas ān i āsrōīhdār mard. kē dastwar
nē dārēd.uš dād-iz ē kū nē abāyēd dāstan.ēg nē rasēd ō
ān i pāhlom axwān.nē ka ōy ān and abar ōšmārīšnīh hē.
kū-šān kār ud kirbag ān and kard ēstēd.čand spīg-i
urwarān.kē pad vahār frāz waxšēd ēstēd.kē-š dād was spīg
Ohrmazd.

۱- انکلساریا وک. ج آن را asrōīhdār خوانده‌اند. همان مقاله، ص ۲۴۳.

ادامه پاسخ ۱۷

۳۲- احترام به روحانیت و مراجع دینی را وظیفه‌ای واجب محسوب دارید. زیرا اگر این حرمت‌گزاری را رعایت ننمایید و تصوّر نمایید که خلاف شرع نخواهد بود آن وقت هر عمل خیری را که به نیت رضایت و خشنودی، یک روحانی برایتان انجام دهد بی‌فایده خواهد بود. حتی اگر تعداد بسیاری از اعمال خیر را که در فوق مذکور افتاد انجام دهد نتایج آنها چنان از شما دور خواهد ماند که گویی هرگز عمل خیری در این دنیا انجام نداده‌اید.

۳۳- بنابر استندهای اوستایی کسی که مراجع دینی را محترم بشمارد شایسته انجام اعمال خیر محسوب نمی‌شود. کسی که به احترام گذاشتن به مراجع دینی معتقد نباشد هرگز زندگی شریفی نخواهد داشت حتی اگر به تعداد گیاهانی که در بهار می‌روید، همان گیاهانی که اهورامزدا به هر یک از آنها این همه جوانه عطا فرموده، کار ثواب انجام داده باشد.

passox 17, cont'd.

34. ēn-iz guft hē.nē kas ān i ¹ āsrōīhdan kē dastwar nē dārēd.
 aš ahlāyīh ān i ō ruvān tōzišn wānēd.² kū kirbag vināh
 nē kanēd uš nē-iz mustkārīh ō hamdārēd.kū-š az dušox nē
 bōzēd.

۱- انکلساریا به سددلم ۱۱۲۷۷ asrušt اصلاح نموده.

۲- انکلساریا آن را kunēt خوانده.

ادامه پاسخ ۱۷

۳۴- [باید توجه داشت] این کلام و قانون شرعی است که اگر کسی به مراجع دینی حرمت نگذارد شایستگی انجام اعمال خیر را نخواهد داشت. پرهیزکاری و تقوای چنین شخصی جبران این گناهش را نمی‌کند. به عبارت دیگر کارهای ثواب او قصوراتش را خنثی نخواهد کرد و قدر مسلم، گریزی از این نخواهد داشت. یعنی از آتش جهنم رهایی ندارد.

pursišn 18

1. mard-ē.kē stūr padīruft xwāstag pad im stūrīh stānēd.
čiyōn andar dēn paydāg.
2. im mard pādixšā ka im xwāstag uzēnag kunēd.ayāb uš az
nīrmad uzēnag kardan abāyēd.agar-š nīrmad nē bavēd.
čiyōn abāyēd kardan.
3. agar frazand.kē stūr bavēd.nē zāyēd.mard dah sāl kam ud
vēš.pad har kār tuxšīšn kunēd.uš frazand nē zāyēd.ān
drahm kē stad abāz pas abāyēd dādan ayāb nē.

پرسش ۱۸

- ۱- هرگاه کسی مسؤولیت «ستوری»^۱ ای قبول نمود، حکم شرعی درباره پولی^۲ که به عنوان سپرده دریافت می نماید چیست؟
- ۲- آیا چنین شخصی مجاز خواهد بود که آن پول را مصرف نماید و یا می بایست از بهره آن استفاده کند. اگر بهره ای به آن پول تعلق نگیرد در آن صورت وضع چه خواهد بود؟
- ۳- هرگاه فرزندی که تقبل ستوری نموده خود صاحب فرزندی نباشد و حدود ۱۰ سال، کمتر یا بیشتر، برای تولید نسل بهترین سعی را بنماید با این حال فرزندی پیدا ننماید؟ آیا باید آن پول را پس بدهد یا خیر؟

۱. توضیحات راجع به این کلمه در پرسش ۱ یادداشت ۵ آمده چه به صورت اسمی (Stur) و چه صفتی (Sturih). همچنین یادداشتهای ۱ و ۲ پاسخ ۱ و همچنین در بخش یادداشت پاسخ ۱ صفحه ۸ توضیحات بیشتری در همین مطلب مذکور افتاده است. در اینجا هم بخاطر سهولت امر اجمالاً توضیح مجددی می دهم.

کلمه «ستور» در متون پهلوی شامل وجوه مختلفی از سرپرستی و قیمومیت است و تعبیرات گوناگونی توسط ایران شناسان مغرب زمین داده شده که در فوق آمده. علمای پارسی [زرتشتی] معانی مختلفی بر حسب چگونگی موقعیت برای این کلمه قائل شده اند. شمول اطلاق کلمه ستور یا ستوری متعدّد است. در متن حاضر هر جا این کلمه با تلفظ پهلوی آن بکار رفته [نه ترجمه آن] مقصود همان وجه خاص کلمه است که بمعنی فرزند خوانده [اعم از دختر یا پسر] می باشد که علاوه بر مسؤولیت تولید مثل بخاطر حفظ نسب و دودمان نقش قیم را هم جهت تهیّه و تحصیل و ازدیاد سرمایه خانواده دارا می باشد.

۲. کلمه پهلوی «Xwastag» در اصطلاح فقهی معمولاً به اشیاء اطلاق می شود ولی در اغلب موارد همان معنی متداول «پول» را می رساند. رک به :

pursišn 18, cont'd.

4. ud agar mard zan widarān šavēnd dādestān-i ān stūr
čē.
5. ud ēn mard kē stūrīh rāyēnīdan padīruft aš čiš-iz mizd
nīrmad bavēd ayāb nē.agar bavēd.ān sturīh drahm¹ az
kē stāndan.
6. ka abāz bē dah sāl-iz tā az kū gyāg.agar farzand zāyēd.
ō dād pānzdah sālag nē rasēd.dādestān-i im drahm ud
mard čē.ud agar rasēd.pas widarān šavēd.pid ud mād az
stūrīh abēzār bavēnd.ayāb-šān dādestān čē.

۱- برای این که عبارت معنی صحیح پیدا نماید باید هزوارش هم بمعنی "از" را اضافه
نمائیم وگرنه مفهوم بهلوی آن روشن نمی گردد. چنانچه دمناز در *Feux et Fondations*
Pieuses dans le droit Sassanide آن را بدون "از" معنی نموده و بنظر صحیح
نمی رسد. ص ۴۰ (Paris, 1964)

ادامه پرسش ۱۸

۴- هرگاه زن و مرد [زن و شوهری که این «ستور» را تعیین نموده‌اند] هر دو بدرود حیات گویند حکم شرعی در مورد این «ستور» چگونه خواهد بود؟

۵- تحت شرط فوق آیا مقرری و یا بهره دیگری به این کسی که مسئولیت ستوری آنها را تقبل نموده، تعلق خواهد گرفت یا نه؟ اگر حقوقی تعلق می‌گیرد از چه کسی باید مطالبه شود؟

۶- هرگاه بعدها، مثلاً در خلال ۱۰ سال از آن تاریخ، فرزندی برای آن «ستور» به دنیا آید اما تا قبل از ۱۵ سالگی فوت کند حکم شرعی درباره آن پول و آن شخص چه خواهد بود؟ و اگر آن فرزند به سن ۱۵ سالگی برسد ولی پس از آن فوت نماید آیا والدین آن فرزند از ستوری منفصل می‌گردند؟ از لحاظ شرعی — قانونی موقعیت اجتماعی آنها چه خواهد بود؟

passox 18

7. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.hangirdīg ēn kū.
xwāstag-i stūrīh.kē hamāg be nigāh ud pad gyāg dāštan.
ōwōn ku-š čiš-e-iz kamīh pad-š andar nē āyēd.sē stīr
drahm hast.ān veh ka barōmand bavēd.
8. az sē stīr i pad bun xwāstag-i stūrīh uzēnīdan ud
kāstan nē pādixšā ud tuwān sāmānīhā barōmand dārišn.
9. ān i az sē stīr vēš.pad čār ud tuwān ōwōn kunišn kū
barōmand bavēd.az bar uzēnag kunēd.

پاسخ ۱۸

- ۷- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، ذیلاً^۱ به اجمال به توضیح آن می‌پردازیم. حداقل پولی که به عنوان سپرده است و همیشه باید از آن مراقبت به عمل آید و هرگز کم و کاست نگردد، عبارت خواهد بود از سه ستیر^۱ درهم، و مرجّه آن است که به آن بهره تعلق گیرد.
- ۸- از مجموع آن پول که در سپرده است هیچ نوع خرج یا کسری جایز نیست و شخص موظف است که در حدّ امکان آنرا بارور سازد.
- ۹- هر گاه از آن حدّ اقل، سپرده بیشتر بود شخص موظف است که نهایت کوشش را مبذول دارد که بر باروری آن بیفزاید. هزینه‌های مربوطه باید از بهره آن سپرده پرداخت شود.

passox 18, cont'd.

10. agar-š bar pad uzēnag avizīrišnīg nē bunīg.tā abāz ō
sē stīr āyēd.pad ān i avizīrišnīg.az xīr.pādixšā uzēnēd.
i az-š¹ pad uzēnag-i rōzgārīg im stūrīh rāyēnīdan.
sīnag-masāy ud bāzā-masāy vastargīg wahāg.čiyōn ān i
dūdagsālār rāy nibišt.xvēšīhēd.
11. ān-iz xwāstag-i pad stūrīh stad ēstēd.ka-iz abēr was
pad bun.pahrēzōmandīhā barōmand dārišn.
12. uš and čand sīnag-masāy ud bāzā -masāy vastargīg wahāg
i-š xvēš uzēnag kunišn.
13. uš xwāstag-i sturīh.zīndagīh dranāy.ō dārišn.

ادامه پاسخ ۱۸

- ۱۰- هرگاه بهره مطلقاً کفاف هزینه‌های مربوطه را ندهد، در این مورد خاص و ضروری، جایز خواهد بود که از اصل پول تا حد سه ستیر برداشته شود که از آن باید روزانه حد معینی جهت پرداخت روزانه این تصدّی منظور گردد^۱. یعنی پرداخت روزانه حقوق قِیم، در ازای اداره کردن آن پول که در تعهد دارد. و این در همان حد «حقوق مکفی» خواهد بود که در فصل مربوط به سرپرستی خانواده توضیح داده شده.^۲
- ۱۱- و اما راجع به اصل پولی که در سپرده است، حتی اگر مبلغ قابل ملاحظه‌ای باشد باید با مراقبت کامل حداکثر سوددهی از آن، حراست شود.
- ۱۲- و قِیم می‌بایست برای نیازهای شخصی در همان حد «حقوق مکفی» از آن استفاده نماید.
- ۱۳- همچنین قِیم ملزم است که در تمامی دوران عمرش از آن سپرده که در امانت دارد حفاظت نماید.

۱. «Stūth» رک: 70, XXX, (1936), C.Bartholomae, NSL.

۲. رک: پاسخ ۵ بند ۱۵ یادداشت ۱

passox 18, cont'd.

14. agar zan pad im stūrīh gīrēd.ud az-š frazand zāyēd.agar
pus.stūrīg pus i ōy kē-š stūrīh az-š padīruft ēstēd.
15. ka pus ō dād-i pānzdah sālag mad.ēg-š rāyēnīdan-i im
stūrīh bowandagīnīdan ud xwāstag-i stūrīh be ō im pus
rasēd.pad xwēšīh be aviš abespārišn.
16. agar im pus.pas az dād-i pānzdah sālagīh frāz ravēd.uš
xwāstag hast.stūr abāyēd gumārdan.ud stūrīh ān i¹ tā pus
gumārišn.ud² ān pus gumārd.stūrīh-iz ān pēš andar-š.

۱- انکلساریا آن را به oy اصلاح نموده.

۲- انکلساریا آن را به ta اصلاح نموده.

ادامه پاسخ ۱۸

۱۴- اگر آن «ستور» در دوران^۱ ستوری اش زنی اختیار نماید و فرزندی پیدا کند اگر آن فرزند پسر باشد آیا ستوری این فرزند برمی گردد به عهده شخصی که پدر این فرزند، ستوری او را تقبل کرده؟ به عبارت دیگر آیا پسر اول این زوج متعلق به آن شخصی خواهد بود که پدر این فرزند جدیدالولاده را به عنوان فرزند خوانده [ستور] انتخاب نموده بوده؟ فلسفه ابقاء دودمان در همین نکته نهفته است.

۱۵- هرگاه این فرزند به سن ۱۵ سالگی برسد آن وقت بر او واجب است که اداره امور سپرده را به عهده گیرد و پولی که در سپرده هست به او برمی گردد. آن پول باید به عنوان ثروت شخصی او عیناً به او تحویل داده شود.

۱۶- در صورتی که این پسر پس از سن ۱۵ سالگی فوت نماید و مایملکی را هم دارا بوده باشد می بایست قیمی برای او معین شود و تا فرزند خوانده ای برای آن متوفی تعیین نگردد این قیمومیت همچنان ادامه می یابد. وقتی فرزندخوانده تعیین شد مسؤولیت ستوری قبلی [شخص در گذشته] به عهده او محول می گردد.

۱. دمناز در کتاب *Feux et Fondations Pieuses Dans le Droit Sassanide*, Paris 1964. در صفحه ۴۱ جمله فوق را چنین ترجمه نمود: «هرگاه شخص زنی اختیار نماید که آن زن در ستوری باشد» که به نظر صحیح نمی رسد.

passox 18, cont'd.

17. ud agar-š pus nē bē duxt.zāyēd.stūrīh nē pad raft dārišn.
pad im ēvēnag.pad im mard ud zan be ēstēd.
18. agar har dō farāz ravēnd.uš ān frazand ēvāz ān duxt hast.
i ayōkēn-i ōy.kē-š stūrīh az-š padīruft ēstēd.bavēd.
xwāstag-i im stūrīh hamāg be aviš rasēd.
19. agar pus ud duxt-ē čand bavēnd ka ēk az pūsarān ō pānzda
sālagīh mad.dūdagsālārīh ōy-šān pus duxt bavēd.ušān
xwāstag-i stūrīh pusīhā ud duxtīhā xwēšīhēd.
20. ud ka pus hast.duxt ayōkēn nē bavēd.
21. ud ka pus nēst.duxt wēš kū ēk.ušān ēk ayōkēn.ān i pad
ayōkēnīh be ēstēd.az im xwāstag.pusīhā.ud abārīg duxtīhā.
stānišn.

ادامه پاسخ ۱۸

۱۷- اگر فرزند جدیدالولاده آن «ستور» پسر نبود بلکه دختر باشد، در آن صورت ستوری به او برنمی‌گردد. یعنی دختر مانند پسر در این مورد حق ستوری ندارد بلکه مسؤولیت به عهده زن و شوهر [یعنی والدین دختر] باقی خواهد ماند.

۱۸- هرگاه زن و شوهر هر دو بدرود حیات گویند و تنها فرزند آنها همان دختر باشد در آن صورت او «ایوکن» شخصی خواهد شد که قِیم والدینش بوده و بنابراین مایملک و پول سپرده، کلاً به عهده آن قِیم درخواهد آمد.

۱۹- هرگاه چندین پسر و چندین دختر باشند وقتی که یکی از پسرها به سن ۱۵ سالگی رسید او سرپرست خانواده و سایر خواهر و برادرها خواهد شد و در نتیجه کلّ دارایی و پول سپرده جمعاً متعلق به او خواهد شد.

۲۰- اگر فرزند پسری وجود داشته باشد دختر «ایوکن» نخواهد شد.

۲۱- هرگاه پسری وجود نداشته باشد اما تعداد دخترها بیش از یکی باشد. فقط یکی از آنها «ایوکن» می‌شود. و آن کسی که «ایوکن» شده مانند پسر از مایملک سهم می‌برد ولی بقیه دخترها همچنان سهم دختری می‌برند.

passox 18, cont'd.

22. bē ān i pad ayōkēnīh be ēstēd.ēnyā abārīg pādixšaihā
zan bavēd.
23. kē-š zan gīrēd.agar-šān zindagīh dranāy frazand nē
bavēd.tā ēk az-šān zindag.stūrīh pad ōy i zindag
hastišnīg.
24. ka har dō widarān bavēnd.ušān frazand nēst.xvāstag-i
stūrīh be ō ōy rasēd.kē andar dūdāg-i ōy kē stūrīh ōy
rāy bavēd.i-š nazdīk payvandtar ud sazāgtar pad stūrīh
ōy.uš pad stūrīh ōy dārišn.

ادامه پاسخ ۱۸

۲۲- سوای آن یک دختر که «ایوکن» شده دختر دیگر از حق «پادشازنی» برخوردار است.

۲۳- هر گاه او [آن که حق «پادشازنی» دارد] ازدواج نماید ولی در دوران حیاتش صاحب فرزندی نشود مادام که یکی از آنها [زوج مزدوج] در قید حیات باشد تصدی و حراست [مایملک و سپرده خانواده] به عهده او که زنده است می باشد.

۲۴- هر گاه هر دوی آنها بدرود حیات گویند آن حراست به کسی تعلق می گیرد که در خانواده ایشان [زوج متوفی] واجد مقام قیمومیت باشد. شخص واجد شرط کسی است که از بستگان نزدیک بوده و شایستگی آن مقام را داشته باشد. در آن صورت به ستوری منسوب خواهد شد.

pursišn 19

1. garmābag-i akdēnān.kē-š šōyišn i āb az-š be āb i rawāg
būd.agar mard-i veh dēn andar awiš šawēd.a-š čiš pad-š
be wardēd ayāb nē.
2. agar be zamīg višād šawēd.kē-š xvaršēd abar tābēd.čiyōn
bawēd.
3. agar nē šāyēd.ka mard wēmār bawēd ud bizešk hamē gōwēd
kū be garmābag šaw.šāyēd ka šawēd ayāb nē.

پرسش ۱۹

- ۱- اگر زرتشتی ای^۱ جهت استحمام به حمام مسلمان ها^۲ که آب آن از طریق
آب روان تعبیه می شود برود اشکالی دارد یا خیر؟
- ۲- اگر پس از آن او در هوای آزادی که آفتاب به زمین تابیده برود از لحاظ
شرعی چگونه خواهد بود؟
- ۳- اگر شرعی نیست در آن صورت هرگاه پزشکی جهت درمان به مریضی
توصیه نماید که به حمام برود حکم شرعی چه خواهد بود. آیا باید برود
یا نه؟

۱. رک به: پرسش ۱ یادداشت ۲

۲. رک به: پرسش ۱ یادداشت ۳

pursiṣn 19, cont'd.

4. agar nē šāyēd ud rawēd. āb awiṣ be barēnd¹ ud azēr-i pāy
be abganēnd tā-š gyān abar lab jahēd². āb pad tan frāz nē
hilēd. šāyēd ayāb nē.

۱- رک. سطر ۹ یادداشت ۲ ترجمه برای اصطلاح "āb awiṣ burdan".

۲- در BTE ۱۳۴۷ آمده. انکلساریا آن را šet خوانده. به نظر من تحریف نوشتاری ۱۳۴۷ است. رک. صفحه مقایسه نسخ خطی.

ادامه پرسش ۱۹

- ۴- اگر شرعاً جایز نیست که به حمام مسلمان‌ها برود مع ذالک او برود نه با
نیت استحمام کردن بلکه فقط برای بهره‌بردن از گرمای حمام [جهت
دردهای استخوانی و عضلانی] و شخصی از خزینه حمام ظرف پر از
آبی بیاورد و با اصرار آن را بر روی او خالی نماید طوری که آب زیر
پایش بایستد و او در عین حال سخت ممانعت ورزد تا جایی که جانش
به لب برسد^۱ آیا این عمل او قابل بخشش خواهد بود یا خیر^۲؟

۱. گویا این «جان ابر لب جستن» همین جان به لب رسیدن فارسی امروزه باشد که حاکی
از درگیر گرفتاری شدیدی بودن است.

۲. برای تجسم بهتر این بخش بر ای نسل امروزی و یا مغرب‌زمینی‌های ناآشنا به سنت قدیمی
حمام‌های عمومی ایران که حتی تا چند دهه قبل متداول بود، توضیح زیر مفید خواهد بود:
حمام عمومی عبارت بود از یک محفظه نسبتاً بزرگ سونا ماندنی که در وسط یا کنار
این محفظه دو حوض مانند که یکی دارای آب سرد و دیگری آب گرم تعبیه شده بود. مخزن
هیزی یا ذغالی‌ای در زیر این حوض آب گرم بود که از خارج تغذیه می‌شد و نه تنها آب

passox 19

5. garmābag-i akdēnān.har čiyōn kunēd.āb ō har kū šawēd.
pad hixrōmand ēwar ud pad nasā pāsīh warōmand.čē ōysān
pahrēz-i hixr ud nasā az āb ud ātaxs pad kēs nēst.
6. weh dēn ō garmābag-i akdēnān šudan.kirb pad-š šustan.
ne dastwarīhā.
7. kē kunēd.ud agar-iz wēmārīh rāy hē.eg-š tan pad rēman
dārīšn ud pad pēsag šōyišn.
8. wehdēnān ka-šān garmābag čīs-ē hast avizīrīšnīgīhā pad
kār abāyēd.xwad rāy ē wirāyēnd.čē.garmābag čīs-ē hast kē
nē ēn akdēnān ō dīdan āwurd.ušān az kardag-i pēsēnīgān
frāz gīrift.
9. andar buxwadāyīh hangām.pad nazdīkīh-i ātaxsghāhīhā ud
gāhānbār kadagīhā.garmābag wirāst ēstēd.

→ حوض را گرم نگه می داشت بلکه از طریق کانال کشی های زیرین، هوا و محوطه آن سونا مانند را هم گرم نگه می داشت. در هر حمامی اشخاصی در استخدام صاحب حمام بودند که شغل آنها این بود که سطل آبی که به نسبت سرد و گرم کرده از آن حوض ها بیاورند و در اختیار اشخاصی که جهت استحمام آمده بودند قرار دهند تا خودشان را بشویند و هرگاه آب سطل تمام می شد مجدداً آنها را پر می کردند. این سطل ها معمولاً از طرف حمام دار در اختیار مشتری ها قرار می گرفت ولی بعضی اشخاص سطل و لوازم شستشوی خودشان را می بردند. پس از اینکه شستشو در داخل این محوطه تمام می شد اطاق مجاور و وجود داشت که اشخاص برای خشک کردن خود و لباس پوشیدن به آنجا می رفتند. اغلب اوقات اشخاص فقط به منظور گرم کردن بدن خود و نه به منظور شستشو به این حمام های سونا مانند می رفتند علی الخصوص برای دردهای مفاصل که امری بسیار متداول بوده.

پاسخ ۱۹

- ۵- حمام مسلمانان به هر طریق که دایر باشد و کار کند و از هر جاکه آب آن تعبیه شود به علت عدم رعایت‌های لازم از بابت مواد ناپاک، به طور قطع آلوده و ناپاک است. زیرا در دین آنها [مسلمانان] قوانین شرعی جهت حفظ و حراست آب و آتش از مدفوع و مواد ناپاک منظور نگردیده است.
- ۶- رفتن به حمام مسلمان‌ها و استحمام در آن حمام‌ها برای زرتشتیان جایز نیست.
- ۷- هر کس اقدام به چنین کاری نماید حتی اگر به منظور معالجه باشد، تن او آلوده محسوب می‌گردد و باید طبق موازین شرعی^۱ تطهیر گردد.
- ۸- اگر ضرورت مطلق ایجاب نماید که زرتشتی‌ها حمام داشته باشند باید خودشان ترتیب آن را بدهند زیرا حمام چیزی نیست که مسلمانان مبتکر آن بوده باشند.
- ۹- در دوران خجسته^۲ طلایی، ساختن حمام نزدیک آتشکده و مکان‌های گاهان بار امر متداولی بوده است.

۱. تطهیر این مورد خاص که با چوب‌های گره‌دار انجام می‌پذیرد، در پهلوی اصطلاحاً Pad pēšaṣ ūstan که شستن حرفه‌ای نام دارد، بکار می‌رود. برای اطلاع بیشتر به توضیح اصطلاحات که در آخر کتاب آمده رجوع فرمایید.

۲. اصطلاح andar huxwadāyih «در دوران فرمانروایی خجسته» عطف به دوران ساسانیان است و اصطلاح متداولی است که در متون پهلوی زیاد به چشم می‌خورد.

passox 19, cont'd.

10. andar veh dēn paydāg kū ōy kē yazīšn-i yazdān kāmēd
kardan.fradom xvēštan andar garmābag ē šōyēd.xvēštan
andar garmābag āb yōjdahr ē kūnēd.ud čīyōn pākīzagīhātar
hubōytar ō yazīšn-i yazdān franāvēd.

ادامه پاسخ ۱۹

- ۱۰- کسی که برای نیایش ایزدان خود را آماده می‌سازد، بنابر اصول دینی، باید
اول به حمام برود و خود را با آب تمیز بشوید تا بتواند با وضعی مطهر و
خوش‌بو به نیایش بپردازد.

pursišn 20

1. mard-ē kē xvarišn-i garm andar dahān nihēd.uš dahān be sōzēd.xvarēd.
2. paymānag-i sōzišn kē-š rēmanīh az-š bavēd čiyōn.
3. paymānag-i nasā sōzēd pad handām čiyōn.

پرسش ۲۰

- ۱- شخصی لقمه داغی را در دهان می‌گذارد و دهانش می‌سوزد، مع ذالک آن را فرو می‌دهد.
- ۲- تا چه درجه از سوختگی دهان می‌تواند باعث آلودگی آن لقمه گردد؟
- ۳- تا چه درجه و میزان تاولهای خارجی پوستی می‌توانند آلودگی ایجاد نمایند؟

passox 20

4. andāzag-i dahān andarōn.kē-š rēmanīh pad-š bavēd.ān i
ka.ān gyāg kū sōzēd.xōn pad-š abar āyēd.xvarīšn kē-š
sōzišn pad-š bavēd.ka hamē ōbārēd.ēn ōbārīšn rāy.ēg-š
tan rēman.
5. uzvān abārīg gyāg andar dahān pad ēn dar rāy hamāg ēwtom.
6. ka xōn nē paydāyīhēd.ābilag gīrēd.ka-iz pas huškābēd
hīxr xvarīšnīh bavēd.rēman nē¹ kunēd.
7. pad abārīg handām.sōzišn-i pad ātaxš kē tan rēman kunēd.
ka abāg sōzišn xōn abar āyēd rēman ōh kunēd.

۱- به نظر من nē اشتباه کتابتی است. در ترجمه آن را حذف نموده‌ام.

پاسخ ۲۰

- ۴- نسبت میزان سوختگی بستگی دارد به حجم زخم در دهانی که آلودگی رخ داده به این معنی که نقطه‌ای که سوخته خون خواهد افتاد، هر گاه آن خون بلعیده شود همان باعث آلودگی تن می‌شود.
- ۵- این حکم در مورد زخم بر روی زبان یا جاهای دیگر دهان نیز صادق است.
- ۶- اگر خون نیاید در آن صورت تاولی ایجاد خواهد شد و وقتی که تاول خشک شد پوسته مخاط مرده [ندانسته] بلعیده خواهد شد و همان باعث آلودگی تن می‌شود.
- ۷- در مورد سایر قسمت‌های خارجی بدن، هر گاه سوختگی ایجاد شود همان باعث آلودگی تن می‌گردد به این معنی که سوختگی باعث خون آمدن می‌گردد و در نتیجه آلودگی ایجاد می‌نماید.

pursišn 21

1. rad kē wizīr-ē kunēd. ān i nē rēman rēman kunēd. ān govēd
kū.ka az any dastvar pursēd. juttar gōvēd. pad dastvar
dārišn ayāb nē. ud tōzišn čē abāyēd kardan. wizīrīnīdan
framāyēd pad yazdēn kām.

پرسش ۲۱

۱- فرضاً قاضی روحانی‌ای حکم بر آلودگی چیزی صادر نماید در حالی که آن چیز آلوده نباشد و ادعا نماید که آن حکم را با مشورت قاضی دیگری انجام داده و آن قاضی گفته او را تأیید ننماید. آیا در این صورت هنوز او مصدر قضاوت بشمار می‌آید یا نه؟ و اگر نه، جهت کفاره حکم ناصوابش چه باید بکند؟

به خواست ایزدان، لطفاً نظرات خود را برای ما مشروح فرماید.^۱

passox 21

2. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar; ān kē kas i pad har
sē čāštag nē rēman.pad rēmanīh vizīr pad-š kunēd.pad
dastvar nē šāyēd.
3. ud agar.pad ēk az sē čāštag rēman.ud pad ān čāštag vizīr
kunēd juttarīh ē pad-š nēst.
4. ān rad.kē kas i nē rēman pad rēmanīh vizīr pad-š kunēd.
ēg-š zamānīg vīnāh bavēd tanāpuhl-ē.

پاسخ ۲۱

- ۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، مسئله این است که کسی که سه بار در مورد چیزی که آلوده نیست قضاوت خلاف نماید شایستگی قاضی بودن را ندارد.
- ۳- اگر یکی از آن سه بار صحیح از آب درآمد مع ذالک در عدم صلاحیت او برای شغل قضاوت تغییری نخواهد کرد.
- ۴- مرجع روحانیتی که در مورد شخصی که آلوده نیست قضاوت خلاف نماید در همان لحظه قضاوت، مرتکب گناه تناپوهل شده است.

passox 21, cont'd.

5. har wizend ud rēš zyān.az im wizīr.pad im kas bawēd.ō
bun-i im wizīr.uš ō ān mard tōzišn.
6. ān i ka gōwēd.kū-m az im dastwar pursēd.juttar gōwēd.
nigerišn pad-š.čē agar.jud čāštag rāy.pad-š juttar.abāg
čāštag-ē i az sē čāštag rāst andāzagīhā.ud agar.nē jud
čāštagīha bē drō wizīrīh rā ō bun.pad andāzag-i wizīr
i-š kard.

ادامه پاسخ ۲۱

۵- هر خسارت، صدمه و یازبانی که به علت قضاوت خلاف بر آن شخص وارد آید روح آن قاضی را به عذاب گرفتار خواهد ساخت و باید به آن مرد کفاره پردازد.

۶- آنچه را که او [قاضی نالایق] بگوید باید دقیقاً بررسی شود زیرا اگر مسئله وجوه مختلف از تعبیر و تفسیر اصول و تعالیم دینی باشد مطلب با یک مورد از سه بار قضاوتی که قبلاً" مشروح افتاد کاملاً" متفاوت خواهد بود و اگر هم مسئله ناصحیح بودن قضاوت نیست، باز قضیه متفاوت می‌شود. در مورد اخیر، گناه قضاوت ناصحیح باعث عذاب روح خواهد شد و شدت و ضعف آن عذاب، بستگی به اهمیت مورد قضاوت دارد.

pursišn 22

1. mard-ē kē-š xvahar-ē hast.uš andar hangām ēd guft būd.
 kū.xvahar pad zanīh gīrēm.¹ayāb-š az mēdar ud pīdar
 padīraft būd.kū.xvahar pad zanīh gīrēd.²pas nē gīrēd.
 vihanag-ē rāy rōzgār pad-š be wīdarēd.pas.mard-ē ēn
 mard frāz gīrēd ud gōwēd.kū.xvahar ēn pad kirbag-i man.
 pad zanīh gīr tā tān drahm aviš dahēm.gīrēd.drahm frāz
 gīrēd.
2. ēn mard kē brād drahm dād.uš kirbag-i xwēdōdah bavēd
 ayāb nē.čiyōn.agar ēn guft.i pēš būd nē dānēd.mard nē
 govēd.kū-m.az padīrišn ēd kardag hast.ēg-š dādestān be
 vardēd ayāb nē.

۱- انکلساریا آن را kunom خوانده.

۲- انکلساریا آن را kunom خوانده.

پرسش ۲۲

۱- مردی خواهری داشت. او یک بار چنین گفت: «من با این خواهر ازدواج خواهم کرد» و والدین او با این ازدواج توافق داشتند. ولی بعداً از انجام آن سرباز زد. و روزها همچنان سپری شد. تا اینکه روزی شخصی به او گفت که «بخاطر ثوابکاری حاضر هستم که به تو پولی پرداخت نمایم تا با خواهرت ازدواج نمائی». آن برادر این پیشنهاد را قبول کرد و وجه را دریافت نمود.

۲- آیا سهمی از ثواب «ازدواج^۱ با محرم» برای این مرد خواهد بود که داوطلب شد به آن برادر پول پرداخت نماید تا عمل خیر ازدواج با محارم صورت پذیرد؟ اگر شخصی که پول را پرداخت کرده از گفته آن برادر درباره ازدواج با خواهرش اطلاعی نداشته و آن برادر هم چیزی به او نگفته بوده که چنین تصمیمی داشته، در این صورت از نظر شرعی وضع چه خواهد بود؟

۱. اصطلاح Xwēdodāh در پهلوی همانند اصل اوستایی آن به معنی ازدواج با خواهر یا مادر آمده.

passox 22

3. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.ēdōn paydāg kū ān
pēš gōvēšnīh padīriftārīh ēd i raftagīhā būd.ka-š.andar
ān hangām.xvēdōdāh pad kunišn nē rāyēnēd.uš.pas.pad ham
kirbagīh-i ēn mār.d.kē-š drahm awiš dād.be rāyēnēd.ān
saxvan padīrišn i pēš raft būd rāy.ka gōvēd.ka-iz nē.
ēg-š juttarīh ēd pad-š nēst.

4. im xvēdōdāh.im kirbag rāyēnēd bavēd.ud rāyēnīdār ud
drahm dādār āgenēn¹ ham-kirbag hēnd.ōy-šān har dōān
kirbag-i xvēdōdāh varzišnīh bunīgīhā xvēš.

پاسخ ۲۲

۳- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، واضح است که قبولی لفظی گذشته دیگر اعتباری ندارد زیرا در آن مدت و زمان، عمل ازدواج با محارم صورت نپذیرفته. بعداً با اشتراک کار خیر آن مرد که پول را پرداخت کرد عمل ازدواج انجام یافته. بنابراین قبولی لفظی که قبلاً ابراز شده بود چه [به آن مرد] گفته شده چه نه، تغییری در قضایا نمی‌دهد.

۴- انجام این ازدواج موجب عمل خیری گردیده. کسی که عملاً ازدواج نموده و کسی که پول را پرداخت کرده، سهمی از آن عمل خیر را دارا خواهند بود و هر دوی آنها از ثواب این ازدواج برخوردار خواهند شد.

pursišn 23

1. mard-ē kē zan-ē i čagar pad zanīh gīrēd. agar zan
vidarān bavēd. mard andar xwāstag-i zan kē-š būd. pēš
az ān kū ō zanīh-i im mard mad. bahr bavēd ayāb nē.
zan az mard bavēd ayāb nē. ud frazand kē-šān mayān
zāyēd az xwāstag-i pidar čand. ud ān-i mādar čand.
rasēd. agar mard az zan pad zanīh gīrēd. paymān nē
kunēd ku-m az sīnag-masāy ud bāzā-masāy be hišt hēd.
pas az čand sāl xwāhēd. pad xwāstan pādixšāy bavēd
ayāb nē. agar pādixšā. čand rasēd.

پرسش ۲۳

۱- مردی با «چگرزنی»^۱ ازدواج می‌نماید اگر زن فوت نماید آیا سهمی از مایملک این زن که قبل از ازدواجش داشته به این شوهر تعلق می‌گیرد؟ و در صورت فوت^۲ مرد، آیا این زن سهمی از مال آن مرد خواهد داشت؟ فرزندی که از این زوج باقی می‌ماند چه سهمی از مال پدر و چه سهمی از مال مادر خواهند داشت. اگر مرد سرمایه زن را به عنوان حق زوجیت بردارد اما تعهد ننماید که از آنچه به او واگذار می‌شود فقط «به اندازه حقوق مکفی»^۳ [که حق مجاز برای نگهداری سپرده‌ای است که در امانت کسی گذاشته می‌شود]^۴ از آن استفاده نماید و پس از چندین سال آن را مطالبه کند - آیا او حق چنین مطالبه‌ای دارد؟ اگر چنین است مقدار آن چه قدر خواهد بود.

۱. باید توجه داشت که کلمه «چگر» که به کزات در این بخش بکار رفته شمول گسترده‌ای در متون پهلوی دارد مانند: نامادری یا ناپدری، دختر یا پسر، زن غیر عقدی، بیوه زن یا مرد، دختری که در موقع ازدواج پدر یا برادر نداشته باشد. حتی پدری که صاحب فرزندی باشد سوای آنها که از پادشازن دارد، «چگر» پدر خواهد بود. چنین به نظر می‌رسد که ارتباط فامیلی که اصل نباشد و به نوعی بدل و جایگزین باشد در مقوله «چگر» محسوب می‌شود.

۲. هر چند ترجمه این جمله بخصوص به پیشنهاد استاد دانشگاه کلمبیا آقای بیشاپ در این جا عیناً آمده من معتقدم که ترجمه لغوی جمله که «آیا آن زن متعلق به مرد خواهد بود یا نه؟» نیز صحیح خواهد بود زیرا در اعتقاد زرتشتی زن چگر در آن دنیا متعلق به شوهر قبلی‌اش خواهد بود. R.HF ص ۱۹۵.

۳. رک به: یادداشت ۱ پاسخ ۵ بند ۱۵

۴. رک به: پاسخ ۱۸ بند ۱۲

passox 23

2. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.hangirdīg ēn
kū.pad ān i abāz ō xīr-i xwāstag.i-šān pad dārišn ud
xwēšīh har dō ēstēd.gīrēd.
3. ēn ku xwāstag-i zan-i čagar ō šōy čagar.ān i šōy
čagar ō zan-i čagar pad bē widarišn ēk az i-šān ō ōy
did nē rāsēd.bē pad pašn hastišn bahr ud dād tā
frārāst.
4. ka-šān frazand mayān bavēd.ān pašn hastišn juttarih
pad-š kam-iz nēst.ud frazand i-šān mayān zād.ān az
abāz hišt ziyānag gīrēd.
5. ka ziyānag vidarān.agar frazand ēk.hamāg ō ān ēk.
agar pus.pad xwēšīh.ud agar duxt.pad syōkēnīh.i mard
i pādixšāhā rasēd.

پاسخ ۲۳

- ۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، توضیح اجمالی به قرار زیر است: آنها نسبت به سرمایه یکدیگر حق برداشت دارند.
- ۳- مایملک زن چگر یا شوهر چگر در صورت فوت هر کدام، از یکی به دیگری انتقال نمی‌یابد اما بر اساس آیین قراردادی موجود، مقدار یک سهم و یا هبه‌ای که تا حد یک «فراراست»^۱ می‌شود به هریک اعطا شود.
- ۴- هرگاه فرزندی برایشان تولد یابد باز حکم موجود همان خواهد بود و هیچ‌گونه تغییری نخواهد کرد. با توجه به فرزندی که تولد یافته‌اند، زن غیر عقدی^۲ سهم خود را از آنچه از شوهر متوفی^۳ باقی مانده دریافت خواهد داشت.
- ۵- هرگاه این زن غیر عقدی فوت نماید اگر از او فقط یک فرزند باقی مانده باشد همه اموالش به آن یک فرزند می‌رسد. اگر آن فرزند پسر باشد کل اموال مستقیماً در اختیار او قرار خواهد گرفت. اگر دختر باشد آن اموال در اختیار مردی قرار خواهد گرفت که «ایوکنی»^۴ او را تقبل نماید.

۱. «Frarast» را هنیگ برابر یک «Cubit» که واحد طولی (باندازه دو وجب یا از آرنج تا نوک انگشت) است گرفته:

W.H Henning, "An Astronomical Chapter of *Bundahisn*," *Journal of the Royal Asiatic Society*. London, 1942, P. 236

۲. رک: C.Bartholomae, NSL, (1936), XXX, 6.

۳. رک: R.HF, P. 203

۴. رک به: پرسش ۱ یادداشت ۴

passox 23, cont'd.

6. agar vēš kū ēk pus duxt hēnd.and-čand hišt mādar.
mayān-šān pusihā ud duxtihā baxšīšn.
7. agar pus ēk-iz nēst.duxt dō hast.ēk az i-šān
ayōkēnīh pid pādixšāihā.
8. bē agar ān i mēh nē xwāhēd.pad ān i kēh frāz hilēd.
andar ušān ān i mēh pad-š sazāgtar.
9. ud ayōkēnīh pad har kē az-i-šān be ēstēd.ayōkēnīh rāy.
az sē bahr dō bahr be stānēd.ān i did sē ēk-ē.
10. agar šōy nē kunēd.ud uš pid-iz čagar frāz rawēd.uš
stūr abāyēd gumārdan.
11. ēn duxt-i čagar pad sturīh pidar čagar sazāgtar.pad-š
be gumārīšn.

ادامه پاسخ ۲۳

- ۶- اگر تعداد فرزندان بیش از یک پسر و یا دختر باشد در آن صورت اموال مادر متوفی باید بین آنها طبق موازین ارثی دختری و پسری تقسیم گردد.
- ۷- اگر فرزند پسری نباشد اما دو دختر از او باقی مانده باشد در آن صورت یکی از دخترها حق دارد که «ایوکن» پدر گردد.
- ۸- اما اگر دختر بزرگتر ایوکنی پدرش را نخواهد، دختر کوچکتر واجد شرط می‌شود ولی در چنین مواقعی ارجح این است که دختر بزرگتر به عرف متداول عمل نماید.
- ۹- در هر صورت هر کدام از دخترها که «ایوکن» پدر شوند دو سهم از سه سهم را خواهد داشت و دختر دیگر یک سهم باقی را.
- ۱۰- هر گاه او هنوز ازدواج نکرده باشد و پدرش بدو حیات گوید در آن صورت ضروری است که قیمی برای او تعیین شود.
- ۱۱- این دختر «چگر» [دختر ازدواج نکرده بدون پدر و مادر] مناسب‌ترین فرد برای ستوری^۱ پدرش خواهد بود و لازم است که به آن گمارده شود.

۱. رک به: پرسش ۱۸، یادداشت ۱

passox 23, cont'd.

12. agar.pēš kū-š pidar i čagar be widarēd.šōy kūnēd.
pādixšā zan-i im šōy bawēd.pas pidar i čagar be frāz
ravēd.uš stūr abāyēd gumardan.ān duxt i šōy kardag.
nē rasēd.ud hišt-i pidar-i čagar.ēg-š xwēšrāyišn ¹
pad-š veh.
13. ēn pad-š nigerišn kū frazand az zan-i čagar pad puserīh
ud duxtīh padīrift ēstēd ayāb nē.ēn-iz kū-š zan frazand
pādixšāihā hast ayāb nē.
14. čē.agar-š frazand az zan-i čagar.pus pad puserīh ud
duxt pad duxtīh padīrift ēstēnd.uš zan ud frazand
padixšāihā hast.baxšišn i-š abar xīr-ē xwāstag abar
frazandān pādixšāihā.pus zan-iz i pādixšāihā abāg-šān
ham-bahr čiyōn pus-ē.

۱- انکلساریا آن را ausrāyišn خوانده، پریخانیان xwasrāyišn خوانده.

ادامه پاسخ ۲۳

۱۲- اگر آن دختر قبل از فوت پدرش ازدواج نماید در آن صورت «پادشازن»^۱ شوهرش خواهد بود و پس از وفات پدرش قیمتی برای خانواده باید تعیین شود. به دختر شوهردار قیمومیت تعلق نمی‌گیرد. در این صورت مایملکی که از پدر باقی مانده [پدری که در قید حیاتش همسرش فوت کرده بود] اصلح است که به صورت سپرده^۲ بهره‌ور نگهداشته شود.

۱۳- این مسئله که آیا هیچ یک از فرزندان این زن غیر عقدی^۳ پسر خوانده یا دختر خوانده بوده‌اند یا خیر باید دقیقاً روشن شود همچنین باید دقت لازم به عمل آید که آیا زن اصلی^۴ و فرزندی از او نیز وجود دارند یا خیر.

۱۴- زیرا اگر فرزندی از این زن غیر عقدی به صورت فرزند خوانده اختیار شده و همچنین اگر زن اصلی و فرزندی از او نیز وجود داشته باشد در آن صورت به همه آن فرزندان سهمی از ماترک [سرمایه و ملک] خواهد رسید. حتی آن فرزندی که به فرزندی گرفته شده بود بنا بر حق پسری و دختری سهمی از آن ارث خواهد برد. همچنین پسری که از زن اصلی باشد همانند آن فرزندان سهم می‌برد.

۱. رک: پرسش ۱ یادداشت ۱.

۲. بخش آخرین این بند چندان روشن نیست مگر آنکه با پاسخ ۱۸ بند ۷ مقایسه شود. همچنین، هر چند که پریخانیان در مقاله «چند اصطلاح حقوقی - شرعی در زبان پهلوی» در کتاب *Henning Mimorial volume*, (London 1970) P.351 عطف به این کلمه و مورد خاص در این بند می‌نماید در حالی که در همانجا به توضیح و تفسیر اصطلاحی ازدواج خوشرانه «*oxwāsrāy*» می‌پردازد. به نظر من این لغت مورد دختر را دربر نمی‌گیرد بلکه مورد ماترک منظور نظر است.

۳. رک: C.Bartholomae, NSL, 1931, XVIII, 36.

۴. رک: پادشازن، پرسش ۱ یادداشت ۱ و همچنین در کتاب فوق‌الذکر بار توله ص ۳۶

passox 23, cont'd.

15. agar-š frazand az zan-i čagar.pus pad puserih.duxt
 pad duxtarih.nē padīrift ēstēd.uš zan frazand pādixšāihā
 hast.ō ān i čagar rāy nē rasēd.

16. ēg-š zan frazand pādixšāihā nēst.ān-i az zan-i čagar.
 pus pad puserih duxt pad duxtarih.padīrift ēstēd.
 pusihā duxtihā ō frazand zan i čagar rasēd.

17. agar-š frazand az zan-i čagar pad puserih ud duxtarih
 nē padīrift ēstēd.ēg-š xwāstag hamāg pad stūrih ēstēd.
 ēk-ē az frazandān-i az zan-i čagar pad-š sazāgtar.ud
 ka hamāg ēwdom hēnd vizēn-i pad-š fradom pad pus-i
 mēh pad sturih-i pid-i čagar be gumārišn.uš hamāg
 xwāstag-i pid-i čagar pad rāh-i stūrih be awiš rasēd.

18. agar ān i mēh pad sturih nē šāyēd.any pus hast šāyēd.
 bē ō ān i pas az ān i mehtar rasēd pad stūrih gumārdagīhā.

ادامه پاسخ ۲۳

۱۵- اگر هیچ یک از فرزندان زن غیر عقدی به عنوان پسر یا دختر خوانده نبوده و در عین حال یک همسر اصلی با فرزندانش وجود دارد، ارثیه به فرزندان زن غیر عقدی که پسر یا دختر خوانده نبوده‌اند تعلق نمی‌گیرد. ۱۶- اگر او زن اصلی و فرزندان از آن زن اصلی نمی‌داشت ارثیه به فرزندان زن غیر عقدی که دختر یا پسر خوانده او بوده‌اند تعلق می‌گیرد و این بر مبنای قانون سهم پسر و دختری باید اجرا شود.

۱۷- اگر فرزندان زن غیر عقدی پسر یا دختر خوانده نبوده‌اند در آن صورت کلّ ماترک در سپرده^۱ باید نگهداری شود. [اصولاً] یکی از فرزندان زن غیر عقدی باید مناسب [حفظ آن سپرده] باشد. اگر همه آن فرزندان کم و بیش در یک شرط قرار دارند در آن صورت ارجحیت با پسر بزرگتر است و او باید برای نگهداری ماترک چگر پدرش تعیین شود. بنابراین کلّ ماترک چگر پدر طبق موازین امانت و طبق سپرده‌داری به او تحویل می‌گردد.

۱۸- اگر پسر بزرگتر مناسب این مسئولیت نبود و پسر دیگری هم وجود دارد، این تصدّی باید به فرد بزرگتر بعدی محوّل شود.

۱. در متن کلمه ستوری بکار رفته که در اینجا من آن را به سپرده برگردانده‌ام.

passox 23, cont'd.

19. agar pus nēst. ayāb ān i hast pad stūrīh nē šāyēd.
duxt ēčand hēnd. az i-šān ēk ayōkēnīh ud sturīh pidar-i
čagar. ud pad-š be gumārīšn.
20. uš xwāstag-i pidar-i čagar hamāg pad rāh-i stūrīh-i
pidar-i čagar be aviš rasēd. stūr dūdag kadag bānūg-i
pidar-i čagar bavēd.
21. agar az zan čagar švāz ēk duxt hast. ēg saxwan pad-š
dō švēnag. ēk ān i ka-š mādar zīndag. ēk ān i ka-š
mādar nē zīndag.
22. čē agar-š mādar zīndag ān ēk duxt ēg-š ayōkēnīh ud
sturīh-i pidar-i čagar gumārdagiā be aviš rasēd.
abāg hamāg xwāstag-i pidar-i čagar.
23. ud pas. ka-š pidar frāz ravēd. uš any frazand pad jud
az ēn duxt-ē kē pad ayōkēnīh sturīh pidar-i čagar
gumārd ēstēd. nēst. xwāstag im zan be hilēd. pad sturīh
i-š šōy pādixšāīh ēstēd. ō ōy ravēd kē andar dūdag i
ōy nazdik payvandīgtar ud sazāgtar.

ادامه پاسخ ۲۳

۱۹- اگر پسری نداشته، یا پسری که هست لیافت آن تصدی را ندارد اما در عوض چند دختر دارد، در آن صورت یکی از آن دخترها باید به عنوان «ایوکن» و قَیم چگر پدرش تعیین گردد.

۲۰- در چنین موقعیتی، کَل ماترک چگر پدر به آن دختر می‌رسد که طبق موازین سپرده‌داری باید رفتار نماید.

۲۱- اگر فقط یک دختر از زن غیر عقدی بوده باشد جریان^۱ دو صورت پیدا خواهد کرد. یکی اینکه مادر هنوز در قید حیات است و دیگر این که وفات یافته.

۲۲- اگر مادر در قید حیات باشد ایوکنی و امانت و سپرده‌داری چگر پدر به دختر تعلق می‌گیرد.

۲۳- سپس زمانی که پدر بدرود حیات گوید و فرزند دیگری جز آن دختر که برای ایوکنی و سپرده‌داری تعیین گردیده بوده نداشته باشد آن وقت اداره کَل آن ماترک به عهده همسر قانونی آن دختر درخواهد آمد. به عبارت دیگر این تصدی به مردی محول می‌شود که نزدیک‌ترین و واجد شرط‌ترین وابسته اوست.

۱. در متن پهلوی کلمه Saxwan (سخن) بکار رفته. این کلمه علاوه بر معنی متداول، در مفاهیم حقوقی به معنی جریان قانونی حقوقی بکار می‌رود.

passox 23, cont'd.

24. ud agar mādar-i im duxt nē zindag.im ēk duxt ayōkēn-i
pīdar i pādixšāihā bavēd.uš xwāstag-i mādar hamāg bē
aviš rasēd.sturīh-i pīd-i čagar be ō ōy rasēd kē-š
andar dūdag nabānazdištar.

25. agar-š ēn duxt-i zan-i čagar pad duxtarīh padīrift
ēstēd.uš xwāstg vēš kū xwāstag-i sturīh kamīh ēd andar
nē āyēd.

26. ud agar mād hēšt ēstēd vēš kū xwāstag-i stūrīh ē nēst
im xwāstag hamāg be ō sturīh šavēd.ō duxt čīs-iz nē
rasēd.

27. agar im xwāstag vēš kū stūrīh ēd hast.ān i vēš ud kam
kū bahr-i duxt-i be ō duxt dahišn.

28. agar vēš kū bahr-i duxt.bahr-i duxt duxtīhā 'bē dahišn.
abārīg abar xwāstag-i stūrīh be abzāyišn.

ادامه پاسخ ۲۳

۲۴- اگر مادر این دختر در قید حیات نباشد دختر قانوناً «ایوکن» پدرش می‌باشد و کلّ ماترک مادر به او می‌رسد. اما تصدّی سپرده‌داری ماترک چگر پدر به نزدیک‌ترین فرد خانواده محوّل می‌شود.

۲۵- اگر دختر زن غیر عقدی به عنوان دختر خوانده بوده است و ماترک بیش از حدّ اقل مجاز در «سپرده‌گذاری»^۱ است در آن صورت از آن نباید هیچ کسر شود.

۲۶- اگر ماترک مادر بیش از «حد سپرده‌گذاری» نیست کلّ آن باید به سپرده گذاشته شود و به دختر تحویل نخواهد گردید.

۲۷- اگر بیش از حد سپرده‌گذاری است آن مقدار اضافی در صورتی که کمتر از سهم دختر باشد باید به او داده شود.

۲۸- اگر آن مقدار اضافی بیش از سهم قانونی دختر است: سهم دختر باید داده شود و آنچه باقی می‌ماند باید به مقدار سپرده اضافه شود.

passox 23, cont'd.

29. ān-i sinag-masāy ud bāzā-masāy rāy nibišt.kē-š nē hīšt
 ēstēd.hamē ka-š abāyēd pādixšāīhā xwāst stānēd.
30. andāzag ān sinag-masāy bāzā-masāy pad rāh-i dūdagsālārīh.
 ān-īz i sturīh-i dēnīg.har rōz šabān rāy.sē panj ēk-i
 drahm-ē purr.az-š¹ vastargān vahāg-iz pad-š dūdagsālārīh
 dēnīg.ēg-š ēdōn ast[-ē]² xvēšdīh ast[-ē]³ kaš kār-i
 dūdagsālārīh dēnīgīhā rāyēnēd.

۱- انکلساریا آن را uš خوانده.

۲- انکلساریا آن را hast خوانده. رک. یادداشت ۲ همان بخش ترجمه

۳- انکلساریا آن را به ēdōn اصلاح نموده. در نسخه خطی ast میباشد.

ادامه پاسخ ۲۳

۲۹- و اما راجع به آن حداقل «حقوق مکفی» مزد سپرده‌داری که قبلاً مشروح^۱ افتاد: هر گاه پرداخت نشود شخص ذیحق می‌تواند مطالبه قانونی نماید.

۳۰- مبلغ قانونی آن حداقل مزد سپرده‌داری چه در رابطه با سرپرستی خانواده و چه در مورد امانت‌داری ماترک، عبارت از ۳/۵ درهم در روز است که از آن مبلغ هزینه پوشاک سرپرست قانوناً تأمین می‌شود. بنابراین مقداری^۲ در اختیار خود خانواده قرار می‌گیرد و مقداری هم به شخصی که رسماً سرپرستی خانواده را تقبل نموده می‌رسد.

۱. رک به: پاسخ ۵ بند ۱۵

۲. اصطلاح ast-e پهلوی در موارد حقوقی بمعنی «بخشی» آمده. رک به:

pursišn 24

1. mard-ē.kē-š xvahar-ē bavēd.az pidar ud mādar.pad
hamdādestānīh-i xvahar. frāz padīrēd.kū.xvahar pad
zanīh gīrēm.¹ud pēš az ān ku gugāy abar gīrēd.uš be
sālārīh rasēd.mard-ē rasēd.uš abēdastvarīh-i pidar
mādar ud brādar.pad zanīh gīrēd.uš wināhkārīh tā čē
sāmānag.

۱- انکلساریا آن را kunōm خوانده.

پرسش ۲۴

۱- فرضاً مردی با رضایت خواهر تنی که از یک پدر و مادر هستند، تقبّل نماید که با او ازدواج نماید اما قبل از اینکه این تصمیم را رسماً اعلام کند و قبل از اینکه از طرف خانواده صاحب اختیار شناخته شود، مردی بدون مجوّز^۱ یا نمایندگی پدر یا مادر و یا برادر دختر بیاید و با او ازدواج نماید. میزان گناه او تا چه اندازه است؟

۱. dastwarīh «دستوری» در پهلوی که مرادف صاحب نظری و اختیارداری فارسی امروزه است در اصطلاح حقوقی در متون پهلوی مترادف Yātakgōw آمده که به معنی نماینده می باشد. رک: C.Bartholomae, NSL, (1967) XII, 93.

passox 24

2. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar; wināh i pad ēn
ēvēnag andar pāyag-i zan apparīh.ud zan apparīh andar
pāyag-i margarzānīh.us ēn-iz andar kū grān wināh-i
xwēdōdāh škenišnīh pad-š
3. andar veh dēn.ēdōn paydāg.kū.kē xwēdōdāh ēd be škenēd.
ōvōn ku ān xwēdōdāh ō kardan nē āyēd.ēg-š ō ān i pāhlom
axwān nē rasēd.mayān ōy ud pāhlom axwān tanišn-ē čand
zamīg pahnāy ud zofāy be ēstēd.us ō ān-i pāhlom axwān
nē helēnd.

پاسخ ۲۴

- ۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، میزان چنین گناهی برابر با گناه زن دزدی است و گناه زن دزدی سزایش مرگ است. در این مورد خاص گناه کبیره برهم زدن عمل ثواب ازدواج با محرم هم به آن اضافه می گردد.
- ۳- در دین زرتشتی به صراحت آمده که کسی که باعث برهم زدن ازدواج با محرم شود طوری که آن ازدواج هرگز صورت نگیرد آن شخص برهم زننده هرگز در ملکوت نخواهد زیست. بین او و ملکوت فاصله ای به پهنا و اعماق زمین خواهد بود. او هرگز به حیطه نیکوزیستی راه نخواهد یافت.

pursišn 25

1. mard-ē.kē az dād-i veh-dēn ō dād-i akdēnīh šavēd.
xvāstag čīš andar veh dēnīh būd.pad-š akdēnīh bavēd
ayāb nē.agar kas stānēd.pādixšā ayāb nē.ud agar nē
pādixšā.kū abāyēd burdan.

پرسش ۲۵

- ۱- مردی که از دین زرتشتی به اسلام^۱ تغییر مذهب دهد آیا مایملکی که در دورانی که دین زرتشتی داشت و به او متعلق بود اکنون هم که مسلمان شده به او تعلق می‌گیرد یا خیر؟ اگر کسی آن اموال را غصب کند آیا قانونی خواهد بود؟ اگر نه، آن اموال به کدام مرجع باید ارجاع شود.

۱. رجوع کنید به: De Menasce, "la Rivāyat d.Emēt Ašavahištān" *Revue l'Histoire de des Religion*, Presses Universitaire de France, Paris 1962, P.76

همچنین به نظریه دستور میرزا در ضمیمه پرسش ۱ رجوع فرمایید.

passox 25

2. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.kas-ē kē dād
vehdēnīh ō dād akdēnīh šawēd.zamānīg pad gyāg tanāpuhl
vināh.
3. ka.andar sāl dranāy.abāz ō vehdēnīh nē āyēd.pas az
sāl dranāy margarzān.
4. uš xir ud xwāstag-ē pad xwēšīh ēstēd ud windišn-iz
kē-š pad veh dēnīh xwēš būd.pad paoiryāi dāmanam
ēstēd.
5. Paoiryāi dāmanam.kē.
6. ka ān kū har kē az veh dēnān ān xir ud xwāstag fradom
abar gīrēd.pad xwēšīh-i xwēš dārēd.pādīxšā.
7. agar-š andar dārišn tuvān kū abāz ō akdēn nē dahēd.
pad xwēšīh dāstan pādīxšā.
8. agar-š nē tuvān kū pad xwēš dārēd.ō ōy dahēd kē.ka veh
dēn būd.a-š xwēš būd.

پاسخ ۲۵

- ۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، کسی که دینش را تغییر داده و از زرتشتی به اسلام گراییده، در دم مرتکب گناه تناپوهل شده است.
- ۳- اگر در دوران یک سال به دین اصلی اش «زرتشتی» برنگردد به مجرد خاتمه سال سزایش مرگ خواهد بود.
- ۴- هر مال و ثروت و درآمدی که در زمان زرتشتی بودنش داشته تابع «قانون انسانهای بدوی» می‌گردد.
- ۵- قانون انسانهای بدوی این است که:
- ۶- هر زرتشتی که به آن اموال قبل از همه دست یافت، صاحب آن خواهد شد.
- ۷- اگر برای شخص غاصب این امکان باشد که آن را در تصاحب خود نگاه دارد و به آن مسلمان شده پس ندهد، غاصب محق است که آن را برای خود نگاه دارد.
- ۸- اگر غاصب قادر نباشد که آن را برای خود نگاه دارد باید آن را به کسی که در زمان زرتشتی بودنش صاحب آن بوده پس بدهد.

pursišn 26

1. mard-ē kē pad ō akdēnīh rasēd.pas pašēmān bavēd.pad
petīt bavēd.kirbag varzīdārīh ēd kunēd.pas az widardagīh
ruvān abāyēd yaštān ayāb nē.ud agar xwad pad akdēnīh
zāyēd.kirbag varzīdār ud pad veh dēn ēstēd.uš dādestān
čē.ud dahīšn ahlawdād abāyēd dādan ayāb nē.

پرسش ۲۶

- ۱- فرضاً زرتشتی‌ای مسلمان شود. بعداً پشیمان شده توبه نماید و چند عمل ثواب به این منظور انجام دهد. پس از درگذشتش آیا مراسم بزرگداشت روح را می‌توان برای او بجا آورد یا خیر؟ اگر فردی مسلمان بدنیا آمده باشد اما تمام اعمال نیک [زرتشتی] را بجا آورد و به دین زرتشتی درآید، حکم شرعی درباره او چیست؟
آیا خیریه اهلوداد «سهم روحانیت» به او تعلق می‌گیرد یا نه؟

passox 26

2. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.kē andar sāl dranāy.
pašēmān.pad petīt bavēd.kirbag.andar veh dēn kirbag.tuvān
sāmānīhā.varzēd.az wināh.andar veh dēn pad wināh.tuvān
sāmānīhā pahrēzēd.ka vidarān bavēd.ēg-š ruvān.čiyōn ān i
vehdēnān.yāstan abāyēd.
3. agar.pas az sāl dranāy.pad petīt bavēd.kirbag warzīdār
ud az wināh pahrēzdār.pad ān ēwēnag kū abar nibīšt.andar
astīšnīh im ēwēnag petītigīh vidarēd.ēg-š petītigīh rāy
rūwan az dušox bōzihēd.čē.petītigīh be rāh i ō dušox nēst.
4. uš.rōz-i čahārum stōš bun kunišn.abārīg čiyōn ān i veh
dēnān.
5. hamē ka pad petītigīh az āvām šavēd.kirbag wināh ī-š kard
ēstēd hamāg pad stōš hamāl pad-š bavēd.

پاسخ ۲۶

۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، کسی که در حین یک سال توبه نماید و در حد امکان کارهای ثوابی که در دین زرتشتی به آنها اعتقاد است انجام دهد و از ارتکاب گناهان دین زرتشتی امتناع ورزد، در آن صورت وقتی فوت نمود مراسم نیایش روح را برای او باید انجام داد همان گونه که برای هر زرتشتی انجام می‌گیرد.

۳- اگر بعد از یک سال توبه نمود و اعمال ثواب بجا آورد و از گناه دوری جست، طبق گفته بالا باید با او رفتار شود. اگر تازنده است چنین توبه‌ای نمود، به خاطر همان توبه روحش نجات خواهد یافت و از جهنم رهایی می‌یابد زیرا توبه راه تباهی را سد می‌نماید.

۴- در روز چهارم پس از فوتش مراسم «ستوش»^۱ را علاوه بر سایر مراسمی که در دین زرتشتی آمده باید برای روح او انجام داد.

۵- همین قدر که تائب از دنیا برود در مراسم ستوش اعمال ثوابش کفّه گناهانش را تعدیل خواهد نمود.

۱. صبح روز چهارم پس از مرگ از نظر زرتشتی وقتی است که قضاوت درباره اعمال اشخاص صورت می‌گیرد. بنابراین استغاثه اقوام و دوستان متوفی بدرگاه خداوند و طلب مغفرت و برکت توسط ایشان، فضل الهی را شامل حال او خواهد ساخت.

passox 26, cont'd.

6. ka-š pad stōš tōzišn ud pādifrāh wizārd.gyāg ān-š ruwān
pad mēnōgān.čiyōn-š az kirbag varzišnīh xvēšīnēd ēstēd.
pad hammistagān pāyag ayāb abartar.
7. ud ān-i hamgōnag.ka andar stōš be ō saxtīh rasēd.ēg-š
tišn ud suy ud sarmāg ud garmāg az-š abāz dāštan
frēzbānīg.ud ka nē kunēnd.¹ wināh.
8. ud abāz-iz.akdēnān kē-šān akdēnīh az abarmānd.ne az
xvadih āškārāg akdēnān kard ud šud hēnd.ud hamē ka ēr
barišnīh az wināh.i andar veh dēn wināh.pahrēzēd.kirbag.
i pad veh dēn kirbag.tuvān sāmānīhā varzēd.pad-iz dahišn
ahlawdād čimīg ud nē wināh.

ادامه پاسخ ۲۶

- ۶- هرگاه در مراسم ستوش توبه و کفاره گناهانش صورت گرفت روح او به ملکوت خواهد رفت زیرا اعمال ثوابی که به نیابت از او بازماندگانش انجام داده‌اند او را به «هم استگان»^۱ و شاید بالاتر هم خواهد رساند.
- ۷- بنابراین کسی که از سختی کوره آزمایش ستوش بگذرد وظیفه شرعی بازماندگان اوست که پس از آن باید تشنگی، گرسنگی، سرما و گرمایی را که او تحمل نموده از او رفع نمایند. اگر بازماندگان و آشنایان او در این امر [رفع تشنگی و گرسنگی و سرما و گرما] از طریق نیایش و انجام مراسم بزرگداشت روح او اقدام ننمایند مرتکب گناه شده‌اند.
- ۸- نکته دیگر: کسی که مسلمان به دنیا آمده نه اینکه با خواست و اراده خود به آن دین پیوسته بوده باشد، همین قدر که با رفتار شریف و آزادگی از ارتکاب به گناهی که در دین زرتشتی آمده اجتناب ورزد و ثواب‌هایی که در دین زرتشتی مورد اعتقاد است در حد امکاناتش بجا آورد، شایسته خواهد بود که به نیابت از او خیریه سهم روحانیت داده شود. گناه محسوب نمی‌شود.

۱. جایگاهی است مابین ملکوت و دوزخ

pursiśn 27

1. mard-ē.kē pad drahm xwēdōdāh framāyēd.kirbag ān rāy
hamē kunēd.ud agar ēdōn kū har dō bavēd.paydāgēnēd
kū ēk ēk kirbag čand.

پرسش ۲۷

- ۱- هر گاه مردی با دریافت مبلغی به «ازدواج با محرم» حاضر شد. آیا ثواب آن به کسی می‌رسد که پول را پرداخت کرده یا به کسی که عملاً آن را انجام داده؟
- اگر ثواب آن به هر دو می‌رسد لطفاً روشن فرمایید سهم هر یک چه میزان خواهد بود؟

passox 27

2. agar-š čiš andar nēst ān rāy juttar.ka ōy kē xwēdōdāh
hamē.pad hamkirbagīh-i ōy kē drahm dahēd.rāyēnēd.ēg-šān
xwēdōdāh har dō hast ēwdom rāst.bē.ōy kē xwēdōdāh pad
tan-i xwēš rāyēnēd ēstēd.pad mēnōgān frāyīh-ē hast.i
ōy rāy.kē pad tan-i xwēš nē kard ēstēd.nēst.
3. ēn hast.kū agar wahištīg.ēg-š ruwān gāh wuzurgīhātār.ud
agar dušoxīg.ēg-š ruwān mēnōg xwēdōdāh pīm ud hanbasānīh¹
dušox az-š abāz dārēd.čiyōn frasp-ē ud drubušīh i
pērāmōn ruwān-i ān kē xwēdōdāh pad tan-i xwēš varzēd
bawēd.
4. agar xēwōdāh nē pad hamkirbagīh ōy kunēd drahm dādār bawēd.
ōy i drahm dādār kirbag kam bawēd kū ōy i xwēdōdāh
rāyēnīdār.

۱- در BTE سروا آمده. انکلساریا آن را akhvasih خوانده. به نظر من
تحریف نوشتاری کلمه hanbasānīh است. زیرا حرف ح "م" در این کلمه در
تلفظهای بعدی در زبان پهلوی تبدیل به n گردیده چنان که همین کلمه در MK با تلفظ
m آمده ولی با املاء n. رک صفحه مقایسه نسخ خطی.

پاسخ ۲۷

۲- اگر در پرسش مطروحه نکته تلویحی دیگری نهفته نیست که مستلزم پاسخ دیگری باشد، هر گاه کسی بر مینا و نیت ثواب مشترک با کسی که برای اقدام «ازدواج با محرم» به او پولی پرداخت نماید به چنین ازدواجی رضایت دهد، ثواب هر دوی آنها عیناً برابر خواهد بود. اما آن کسی که عملاً آن را صورت داده امتیاز بیشتری در عالم ملکوت خواهد داشت و کسی که در انجام اصل عمل نقشی نداشته، از آن امتیاز اضافی ملکوتی برخوردار نخواهد بود.

۳- قدر مسلم این است که اگر عامل عمل این ازدواج، از قبل هم از ثوابکاران بهشت رفتنی بوده باشد با این عمل خیر حتی مقام والاتری را هم کسب خواهد نمود و اگر احیاناً علی القاعده دوزخ رفتنی باشد در آن صورت ثواب این ازدواج او را از رنج و عذاب دوزخ دور نگاه خواهد داشت. کسی که شخصاً و عملاً به «ازدواج با محرم» اقدام نماید ثواب آن مانند دیوار و حصاری روح او را از هر طرف مراقبت و پاسداری خواهد نمود.

۴- اگر «ازدواج با محرم» بر مبنای ثواب مشترک^۱ با کسی که موجبات مادی آن را فراهم آورده نباشد، در آن صورت ثواب کسی که فقط پول را پرداخت نموده کمتر از کسی خواهد بود که عمل ازدواج را انجام داده.

۱. شاید منظور از (بر مبنای ثواب مشترک نبودن) اینست که در عین حالی که در فراهم آوردن و موجبات مادی کمک و یاری شده اما هدف اجرای «ازدواج با محرم» نبوده ولی در نهایت به آن انجامیده است

pursišn 28

1. xwēdōdāh kē abāg mādar ud xwāhar kunēd.kē-sān ēmēd-i
frazand zāyīšn az-š nēst.kirbag-i xwēdōdāh bowandag bavēd
ayāb čiyōn.kirbag-i xwēdōdāh hamāg ēk ayāb ast-ē vēš
kirbagtar.

پرسش ۲۸

۱- اگر «ازدواج با محرم» با مادر یا خواهری باشد که امید به بچه‌دار شدن آنها نیست، آیا این یک «ازدواج با محرم» کامل محسوب می‌شود و اصولاً حکم بر چنین ازدواجی چگونه خواهد بود؟ آیا ثواب هر «ازدواج با محرم» یکسان است یا بخش‌هایی^۱ از آن دارای مزیت بیشتری خواهند بود.

۱. رک: پاسخ ۲۳، یادداشت ۲، بند ۳۰

passox 28

2. xwēdōdāh.abāg har sē.pad har dād i hēnd.ka kunēnd.
 kirbag-i xwēdōdāh bovandagihā.ud ēd rāy ka-s frazand
 az-s nē bavēd kamīh-ē abar kirbag-i xwēdōdāh andar nē
 āyēd.

پاسخ ۲۸

- ۱- «ازدواج با محرم» با هر یک از سه^۱، قطع نظر از سن، ازدواج کامل
 محسوب می‌شود به این جهت اگر هم فرزندی به وجود نیاید ثواب این
 ازدواج کاهش نمی‌پذیرد.

۱. رقم سه در اینجا بنظر می‌رسد منظور مادر، خواهر و دختر باشد.

pursišn 29

1. kē xwēdōdāh kunēd. i uš az xwēdōdāh f h kūn-marzīhēd
ēg-iz kunēd. ēg-š dādestān čē. kē-š pēš kūn-marz kard
bavēd. pas xwēdōdāh. dādestān čē.

پرسش ۲۹

- ۱- کسی که «ازدواج با محرم» می‌نماید و سپس مرتکب لواط می‌گردد و دوباره به تعهد ازدواجی خود باز می‌گردد حکم شرعی درباره چنین کسی چگونه است؟
همچنین حکم شرعی در مورد کسی که قبلاً به لواط می‌پرداخته و بعداً به «ازدواج با محرم» تعهد بسته، چه خواهد بود؟

passox 29

2. har kē kūn-marz kunēd margarzēn.
3. ēn wināh ōwōn grān kū-š kirbag-iz-i xwēdōdāh az-š
appār be kunēd.
4. bē agar pēš radān māndag griyēd menišnīhā az im wināh
pad petīt bawēd. tan ō pādīfrāh-i tōzišn abespārēd.
agar-š pad sar pādīfrāh gīrēd. ēg-š gētīgīha wizārd.
5. agar nē. az gētīg apētītīgīhā be šawēd. ēg-š pad mēnōgān.
az xwēdōdāh pad tan-i xwēš warzišnīh. ān ēwēnag ēd sūd
bawēd. čiyōn ōy i xwēdōdāh pad tan-i xwēš warzidār ēstēd
rāy andar dušox.
6. ka andar gētīg pad petīt bawēd. uš nē ozanēnd. petītīgīhā
az āwām šawēd. ēg-š pad stōš āmār tōzišn abar kunēnd.¹
7. ka-š pad stōš wizārd. ēg-š hamāg kirbag abāg-iz ān-i
xwēdōdāh abāz awiš dahēnd.

پاسخ ۲۹

- ۲- هرکس مرتکب لواط گردد سزایش مرگ ارزان است.
- ۳- این گناه آن چنان کبیره است که حتی ثواب ازدواج با محرم، آن گناه را پاک نخواهد ساخت.
- ۴- اما اگر این شخص گناهکار در برابر مقام روحانی‌ای از ته دل اظهار تأسف نموده و توبه نماید و خودش را برای مجازات و کفاره گناهش تسلیم [حکم شرع] قرار دهد و اگر مجازاتش به سرحد اعلی^۱ کیفری برسد، در آن صورت در این دنیا آمرزیده محسوب خواهد شد.
- ۵- اگر توبه نکرده این دارفانی را وداع گوید در آن دنیا به خاطر ثواب عمل ازدواج با محرمی که انجام داده مانند همه کسانی که به خاطر ثواب عمل ازدواج با محرم از آتش جهنم مصون می‌مانند او هم از این امتیاز بهره‌مند خواهد بود.
- ۶- اگر در این دنیا توبه نماید و به خاطر گناهی که کرده به کفاره مرگ ارزان کشته نشده باشد و توبه کرده از این دنیا برود در آن صورت در روز ستوش کفاره او ملاحظه خواهد گردید.
- ۷- اگر در حین مراسم ستوش گناهش پاک گردیده باشد، آن وقت ثواب همه اعمال نیکی که در عمرش انجام داده توأم با ثواب عمل ازدواجش با محرم تماماً به او برخواهد گشت.

۱. دمناز کلمه «Pad sar» را به معنی سرش را از دست دادن، گرفته و چنین ترجمه نموده: «اگر مجازات شخص از دست دادن سرش باشد» به نظر من در اینجا Pad sar همان مفهوم متداول «تاسر» رسیدن را دارد که اشاره به حداکثر و کامل پیمانه است که در مفاهیم مجازی هم بکار می‌رود. برای ترجمه دمنازک به:

passox 29, cont'd.

8. kūn-marz.wěš grāyih rāy.ēd i pēs ēd i pas ēvdom.

ادامه پاسخ ۲۹

۸- عمل لواط به خاطر حداکثر کبیره بودن گنااهش، چه قبل و چه بعد از عمل «ازدواج با محرم» باشد فرقی نمی‌کند و گناهی نابخشودنی است.

pursišn 30

1. nard-ē kē-š menišn pad xwēdōdāh bavēd. ān kē-š abāg
āyēd kardan pad wistarag dārēd. pad kāmāg' wīzardan
atuvānīg. dādmēh ayāb wēmārīh rāy. ēg-š kirbag-i
xwēdōdāh bavēd ayāb nē.

پرسش ۳۰

- ۱- مردی با نیتِ عمل «ازدواج با محرم» با محرم موردنظرش هم بستر می‌شود اما یا به علت کِهولت و یا به علت ناخوشی و مرض موفق نمی‌شود که نیتش را برآورده سازد. در چنین صورتی آیا می‌توان آن را عمل ثواب «ازدواج با محرم» محسوب دانست؟

passox_30

2. kirbag-i xwēdōdāh ēdōn bawēd.ka-iz pad kunīšn kard.ka-s
 meniśnīhā.uš kardan nē tuvān.ka-iz atuvānīgīh rāy.ō
 kardan nē rasēd ān-iz kirbag.i pad kunīšn bowandagīhā nē
 kunīhēd.nē pad kard hangārišn.bē-s ēg-iz meniśnīgīhā
 rāy.wuzurg ruwān frayād ō bawēd.

پاسخ ۳۰

۲- ثواب عمل «ازدواج با محرم» مسلماً محرز خواهد ماند چه عملاً صورت پذیرد و چه نیت به وقوع نپیوسته‌ای باشد. اگر به علت ناتوانی صورت نپذیرفته باشد باز هم ثواب آن اثرش را خواهد داشت. آن ازدواج با محرمی که کما هو حقّه انجام نپذیرد نمی‌توان آن را صورت کامل آن ازدواج دانست، اما به خاطر نیت خیری که انگیزه آن بوده، موجب آمرزش فراوان روح خواهد بود.

pursišn 31

1. mard-ē kē zan-ē čagar pad zanih girēd.nē dānēd.ēg-š
vināh bavēd ayāb nē.ud agar-š bavēd.čand bavēd.
2. duxt-i ayōkēn kadār.ud ān-i bayaspān kadār.

پرسش ۳۱

- ۱- مردی که «چگرزنی» را به همسری اختیار می کند و بی خبر از چگر بودن او است، آیا گناهی مرتکب گردیده یا خیر؟ و اگر گناه محسوب می شود میزان آن تا چه حد است؟
- ۲- دختر «ایوکن» به چه کسی اطلاق می شود و «بی اسپان»^۱ به چه کسی؟

۱. بنابر نظریه خانم پریخانیان کلمه bayaspān مترادف xwāsrāy می باشد که هر دو کلمه به زن خود مختار، حق تام ازدواج اطلاق می شود. رک:

A.Perikhanian, "On Some Pahlavi Legal Terms", *W.B.Henning Mem.vol*, London, 1970, PP. 349-51

passox 31

3. agar im mard ên zan-i čagar pad čagarîh zanîh zan kunêd
xûb.vinâh-ê nê bavêd.agar juttar.zan kardan kâr-ê hast
frašgirdîg.pad čintar abâyêd kardan.ud dō êvênag bavêd.
êk pādixšā ud êk čagar.
4. ōy kê zan-ê pad zanîh kāmêd kardan pêš az zan kardan.
az zan āgāh be abâyêd būdan kû pādixšā zan hast ayāb
čagar.
5. ud ka-iz ōd āgāhîhā zan kunêd.eg-š zanîh nê xûb kard
bavêd.ō frazand ō ruvān-iz vizāyišnîg.
6. čē.agar čagar hast ud dānêd kû čagar.uš pad pādixšāzanîhā
zanîh dārêd.pad gyāg tanāpuhl.ud pad sāl dranāy margarsān.
7. agar pādixšāîhā.uš pad čagar zanîh girêd dārêd.ān zanîh
ud šōyîh nê xûb.višōbišnîg abāyišn.

پاسخ ۳۱

- ۳- کاملاً جایز خواهد بود که مردی با وجود چگر بودن زنی او را به همسری اختیار نماید و هرگز گناهی در این امر نیست. از طرف دیگر همسر اختیار کردن مسئله‌ای است که تا روز قیامت باید دوام داشته باشد. به این جهت ضروری است که این اقدام با توجه و مداقه بسیار صورت گیرد. عقد ازدواج برای خانم‌ها به دو صورت می‌باشد یکی به صورت «پادشازنی»^۱ و دیگری به صورت «چگرزنی»^۲.
- ۴- کسی که قصد ازدواج با خانمی را دارد باید قبلاً «کاملاً» مطمئن شود که آیا او «پادشازن» است یا «چگرزن».
- ۵- حتی اگر با اطمینان از این امر، ازدواج نمود ولی بعداً معلوم گردید که واقعیت غیر از آن بوده، مسلماً موجب لطمه به فرزندان و آزار روح خواهد بود.
- ۶- زیرا اگر آن خانم در موقعیت «چگرزنی» بوده و آن مرد دانسته و مخفیانه او را به عنوان «پادشازن» اختیار نموده در دم مرتکب گناه تنابوهل شده، گناهی که در عرض یک سال (در صورت عدم توبه) مبدل به گناه مرگ ارزان می‌شود.
- ۷- اگر «پادشازن» بوده و او را همانند «چگرزن» نگاه دارد ازدواج صحیحی شناخته نمی‌شود و باید ملغی گردد.

۱. و ۲. برای یادآوری از چگونگی پادشازنی و چگرزنی علاوه بر مراجعه به یادداشت ۱ سنوال ۱ و پاسخ ۱ یادداشت ۳ به گزارش بارتولمه در (NSL (1931 فصل ۱۸ ص ۳۶ مراجعه نمایید.

passox 31, cont'd.

8. duxt-i ayōkēn ān bavēd.ka mard frāz ravēd.uš zan
pādixšāihā nēst.ēvāz duxt ēd hast.ān duxt ēd ayōkēn-i
pidar.
9. agar xvahar.kē brād ēd.brād frāz ravēd.uš zan ud
frazand pādixšāihā pus-i padīriftag ud stūr kardag nēst.
ēvāz ēn xvahar ēd hast.ayōkēn brād bavēd.
10. ēd ān duxt bayaspān čand ēvēnag bavēd.
11. ēd ēvēnag.ka pid duxt ayāb brād xvahar-ē pad pādixšā
zanīh.be ō mard-ē dahēd.uš be xānag-i šōy āyēd.ka im
duxt az xānag-i pid.ayāb im xvahar az xānag-i brād.ō
xānag-i šōy šavēd.bayaspān bavēd.
12. ēvēnag ēd.ān ka.duxt-ē ayāb xvahar-ē.abēdastvarīhā-i
pid brād.pas az pānzdah-sālagīh.xvad kāmagīhā.az xānag-i
pid ud brad bēron šavēd.hamē gādār girēd.pid ayāb brād
jutdādestānīh.pahikār pad-š nē kunēd.ka ō nazdīk-i gādār
šavēd bayaspān bavēd.

ادامه پاسخ ۳۱

- ۸- دختر «ایوکن» کسی است که وقتی پدری فوت نماید و «پادشازنی» هم نداشته باشد و اولادش، فقط یک دختر باشد، آن وقت آن دختر «ایوکن» پدر خواهد شد.
- ۹- اگر دختری خواهر منحصر بفرد برادری باشد و آن برادر فوت نماید و «پادشازن»^۱ فرزندان و یا فرزندخوانده‌ای^۲ و یا قیمی نداشته باشد در آن صورت آن خواهر «ایوکن» برادر می‌شود.
- ۱۰- در مورد دختر «بی‌اسپان»^۳، انواع مختلف است.
- ۱۱- یکی این که وقتی پدری دخترش را به عنوان «پادشازن» شوهر می‌دهد و یا برادری خواهرش را به همان عنوان شوهر می‌دهد و او به خانه آن شوهر می‌رود. از زمانی که این دختر خانه پدر و یا برادر را به قصد خانه شوهر ترک می‌نماید به رده اجتماعی «بی‌اسپان» در می‌آید.
- ۱۲- نوع دیگر این است که وقتی این دختر یا خواهر، بدون اجازه پدر یا برادر و پس از رسیدن به سن ۱۵ سالگی، از خانه پدر یا برادر بیرون رود و برای خود مردی را انتخاب نماید و پدر و برادر با وجود عدم رضایتشان معذالک مانع او نشوند در این صورت آن دختر «بی‌اسپان» نامیده می‌شود.

۱. رک: C, Bartholomae, NSL (1931) XVIII, 36

۲. رک: پاسخ یک بخش ۲ یادداشت

۳ Bayaspān

passox 31, cont'd.

13. ēvēnag ēd.ān-i ka akāmegihā pid ud brād bērōn šavēd.
pid brād.az ō bērōn šudan windēdan nē tuvān.ka bērōn
šavēd.uš gādār gīrēd.bayaspān bavēd. ēn-iz ēdōn bavēd
čiyōn ka pānzdah sālāg bavēd.
14. ēvēnag ēd.ān-i ka pānzdah sālāg bavēd.uš šōy abāyēd.
uš pid brād awiš ō šōy nē dahēnd.pad nē dādan andar-š
wināhkār bavēnd.ud pas gādār ēd frāz gīrēd.bayaspān.
bavēd.

ادامه پاسخ ۳۱

۱۳- نوع دیگر این است که دختری که خلاف خواست و رضایت پدر یا برادر، خانه آنها را ترک می‌نماید و پدر و برادر قادر به ممانعت او نشده باشند و او رفته برای خود مردی را انتخاب نموده، آن دختر «بی اسپان» محسوب می‌شود.

۱۴- نوع دیگر این است که دختری به سن ۱۵ سالگی رسیده و لازم است که شوهر نماید ولی پدر و برادر او را شوهر نداده‌اند. همین قدر که آنها کوتاهی نموده و او را شوهر نداده‌اند خود گناهکارند و هرگاه تحت شرط موجود دختر، مردی را برای خود پیدا کند، «بی اسپان» محسوب خواهد شد.

pursišn 32

1. zan-ē.kē nasā bavēd pēš az čehel rōz.pāk bavēd. pādixšā
ka be šōyēd.agar.pēš az čehel rōz.be šōyēd.pas az šustan
gumānīg' bavēd.ēg-š dādestān čē.

پرسش ۳۲

- ۱- زنی که به علّت ترشحات^۱ [رحمی] ناپاک گردیده آیا تا قبل از ۴۰ روز
پاک می‌گردد؟ آیا غسل برای او مجاز خواهد بود؟ اگر قبل از ۴۰ روز
غسل نماید اما بعد از آن تردیدی پیش آید حکم شرعی چه خواهد بود؟

۱. منظور زایمان است. رک به:

K.J. "Further to Emēt-i Ašavahištan" *Münchener Studien zur Sprachwissenschaft*,
(München, 1972), Heft 30, p.72

passox 32

2. pad-š nigerēd.zan-i nasā.pas az sē rōz-i naxust.andar
ham rōz naxust.hamē ka pāk bavēd.pādixšā šustan.
3. pas az sūstan.andar dvāzdah rōz.ka-š čiš-ē az tan be
āyēd.agar ēvar paydāg kū nē az nasā.ēg-š pad pēšag abāz
šōyišn.
4. pas az dvāzdah rōz ka-š čiš-ē az tan be āyēd.bē ka ēvar
paydāg kū az nasā.ēg-š.nē pad nasā bē pad daštān.dārišn.
bē ka ēvar paydāg kū nē pad daštān.pad any wēmārih
dārišn.i-š pahrēz-i az-š naxust abāyēd.

پاسخ ۳۲

- ۲- باید توجه داشت زنی که به علت ترشحات رحمی [زایمان] ناپاک گردیده پس از سه روز و حتی در همان روز اول هر زمان که خون و ترشح بند آمد پاک خواهد بود و می تواند شستشو و غسل نماید.
- ۳- پس از غسل اگر در حین ۱۲ روز ترشحات دیده شود اگر کاملاً معلوم باشد که نفاس نیست در آن صورت باید طبق آیین شرعی^۱ دوباره غسل نماید.
- ۴- اگر پس از ۱۲ روز هنوز ترشحاتی غیر از نفاس واضح وجود داشته باشد در آن صورت ترشح حیض به حساب می آید. اما اگر ثابت شود که قاعدگی نیست و چیز دیگری غیر نفاس و حیض است آن وقت باید نوعی مرض محسوب شود و احتیاط های لازمه به عمل آید.

۱. J. (J. ۱۰۰) را K.J. در صفحه ۶۶ از مقاله مذکور در پرسش ۳۲، Pixāk خوانده و ترجمه نموده: «او باید به روش غسل با چوب، غسل داده شود» و مراجعی که او را به این خواندن واداشته ذکر نموده، همچنین به پاسخ ۱۹ بند ۷ مراجعه نمایند.

pursiśn 33

1. zan daštān.kē-š nō rōz az daštān šud būd.pāk be bavēd.
tāig abāyed-š gīrft āyāb nē.ud šāyēd ka be šōyēd ud tāig
nē gīrēd.jāmag-i daštānig.pēš kū vārān bavēd.abganēd.
nigeriśnfigihē uš vārān pad-š be āyēd.šāyēd ayāb nē.agar
šāyēd.pas be dastāōy abāyēd kardan ayāb nē.

پرسش ۳۳

۱- هر گاه ۹ روز از شروع حیض زنی بگذرد آیا او پاک محسوب می شود؟ آیا لازم است که برای احتیاط، سُنّت تائیک^۱ را رعایت نماید یا خیر؟ آیا جایز خواهد بود که غسل نماید و تائیک را رعایت نکند؟ هر گاه البسه دوران حیض را بیرون و در هوای آزاد گذاشته باشد و سپس باران بیاید و آنها در زیر باران قرار گیرند آیا کار خلاف شرع محسوب می شود. اگر چنین است آیا ضرورت خواهد داشت که مراسم دستشوی^۲ صورت گیرد یا خیر؟

۱. م مدرو به نظر می رسد اصطلاحی است که برای یک روز احتیاط اضافه، قبل از غسل برای اطمینان خاطر از بند آمدن کامل ترشحات بکار می رود. در همه فرهنگ های لغتی که در دسترس داشته ام نتوانستم تعریفی برای این لغت پیدا نمایم اما از فحوای متن «یک روز احتیاطی» مناسب به نظر می رسد.

۲. رک: آداب غسل با ادرار گاو R.HF.PP.211-18

passox 33

2. zan az nazdist rōz ka-š daštān nīšast.pas az nō rōz
šabān.hamē ka pāk bavēd.zamānīg be pādixšā šustan.
3. pas az nō rōz šabān.ka nōg daštān bavēd.tāīg nē abāyēd
griftan.
4. jāmag-i daštānīg.ka xōnīh ud hixrōmandīh nasā-ē paydāg
pad-š nēst.peš az wārān.pad gyāg-ē i hušk ud xānagīg
nīgerēd.
5. ka wārān ēdōn pad-š be bavēd hamāg be xwēsēd ud tar be
bavēd.šāyēd.
6. uš dastšōy nē abāyēd.pad āb-i xānīg ud rōdīg.be pādixšā
šustan.
7. agar gabāg ō wārān abganēd.nē šāyēd.wināh pad-š.čē tōg
ī azērēn ēdōn bavēd čīyōn ka-š āb avīš rasēd.

پاسخ ۳۳

- ۲- پس از ۹ شبانروز از زمانی که زنی خود را در قرنطینه (دشتان نشستن)^۱ دوران حیض می‌گذارد دیگر ترشهی مشاهده نکند می‌تواند شستشو و غسل کامل نماید.
- ۳- در صورتی که ۹ شبانروز از شروع حیض بگذرد نیازی به مراعات احتیاط روز تائیک نیست.
- ۴- البسه حیض که به لکه خون یا مدفوع و یا سایر ترشحات آلوده نشده باشد باید قبل از اینکه باران بیاید به محل خشکی در داخل خانه برده شود.
- ۵- اگر احیاناً آنها زیر باران قرار گیرند و خیس و مرطوب شوند، خطایی نشده است.
- ۶- در آن صورت نیازی به انجام مراسم دستشوی نیست و کافایت که با آب چشمه یا رودخانه شسته شوند.
- ۷- جایز نیست که لباس دوران حیض را در معرض باران قرارداد. چنین کاری گناه محسوب می‌شود. زیرا قسمت تحتانی آن که مماس با زمین است آب باران را به خود خواهد کشید.

۱. «در دوران حیض، زن باید جایی بنشیند که ۱۵ قدم، که هر قدم آن سه پا باشد، دور از آب و ۱۵ قدم دور از آتش و ۱۵ قدم دور از «برسم» (گیاه مقدس که برای روشن کردن آتش مقدس بکار می‌رود) و سه قدم دور از مرد روحانی باشد» R.HF.P.217

passox 33, cont'd.

8. jāmag-i daštān kē xōnīh ud hīxr paydāgīg pad-š. ud az-š
pad dastšōy pāk nē kunēd ud ō wārān abganēd. ēg-š wīnāh-i
hīxr ō āb burdan ō bun.
9. ēn. pēš az wārān. gyāg-ē abganēd tā-š wāran pad-š be āyēd.
ān šāyēd. ka-š hīxrōmandīh ēvāz az hamkarzagīh-i zan-i
daštān. ēg-iz. kas kē pad pēšag abāyēd šustan. uš hīxrīh-ē
paydāgīg pad-š nēst. ēd tōg abganēd. čīyōn čādur ud sarband
ud wāšmag.

ادامه پاسخ ۳۳

۸- اگر البسه دوران حیض که علناً لکه خون و یا مدفوع روی آن است و حتی با آداب شستشو با دست شوی هم نتوان آن را پاک ساخت، در معرض باران قرار گیرد گناه آلوده ساختن آب [به علت تماس لکه ها با آب و زمین] موجب عذاب روح آن کسی خواهد شد که آنها را در معرض باران قرار داده است.

۹- و اما در مورد البسه دوران حیض که در هوای آزاد قبل از ریزش باران گذاشته شده، و بعداً باران روی آنها آمده نکاتی که باید رعایت شود از این قرار است: اگر ناپاک بودن آنها فقط به علت تماس مستقیم با زن حائضه بوده در آن صورت باید توسط رختشوی حرفه ای شرعی طبق موازین تطهیری شسته شود. وقتی آن لکه ها دیگر کاملاً از بین رفت به عنوان چادر، چهار قد و یا واشمگ که نوعی روسری است می توان از آنها استفاده نمود^۱.

۱. اصطلاح Pak tōg abganēd معنی لغوی آن روی چیزی دراز کشیدن یا چیزی را روی چیز دیگری انداختن می باشد.

pursiān 34

1. mard-ē ēd kē rēman bavēd bē šōyēd.nō šabag ēk be dārēd.
 ān-i dudīgar tā dah roz nē kunēd.ka kunēd.har dō ke
 mānd ēstēd.pad ēk ēd rōz pādixšāihā kardan.ayāb as-š
 sē šabag mayān abāyēd kardan.agar zan bavēd.uš daštān
 rāy nō šabag be spōxtēd.dō pad ēk ēn pādixšā kardan ayāb
 nē.

به علت فحوای خاص این فصل مؤبد دستور میرزا استاد دانشگاه بمبئی بزرگوارانه تقبل فرمودند که شخصاً تمامی آن راز پهلوی بزبان انگلیسی ترجمه فرمایند. در اینجا من ترجمه ایشان را بفارسی برگردانده‌ام.

پرسش ۳۴

- ۱- مردی که ناپاک است غسل می‌نماید. از یک دوران پرهیز ۹ شبه، او یک دوران سه شبه را که دوران مقدس است رعایت می‌کند و تا روز دهم هیچ تجربه معمول را انجام نمی‌دهد. زمانی که انجام می‌دهد آیا مجاز خواهد بود که هر دو غسلی را که باقی مانده در یک روز بجا آورد یا باید یک فاصله سه شبه بین دو غسل باقی مانده رعایت شود. اگر آن فرد زن باشد، با در نظر گرفتن دوران حیضش ۹ شب که گذشت آیا مجاز خواهد بود دو غسل باقی مانده را در یک روز انجام دهد؟

passox 34

2. nō šabag dāštan sāmēn ēn kū pas az šustan ī-š pad pēšaḡ
sē rōz šabān tāh-ā-tāh¹ be pāyišn. ud ēk bār be šōyišn.
3. agar pad ham padisār. tā har sē šōyišn. hamē tāīg az ān
hangām kunēd. ka-š nō šabag dāšt ud ka-š har sē pad ēn
ēwēnag šust tā ān be spōzīhēd. hamē ka be šōyēd. a-š az
ān hangām ka šōyēd. uš tāīg tā ān-ī did kunišn. uš sē rōz
tāh-ā-tāh be pāyišn ud pas šōyišn.
4. dō pad ēk hangām nē pādixša šustan. ud agar-iz rōzgārān
was spōzīhēd.
5. ān-iz-ī zanān hamgōnag.
6. ud ka nō rōz ayāb wēš pad dāštān nišast. hamē ka pad
gōmēz-ī gāv ud āb šōyēd. ā-š nō šabag ēk-ē dāšt bavēd.

۱- tāh-ā-tāh به معنی تیکه به تیکه، یکی یکی، به طور واحد. وندیداد ۵:۲

پاسخ ۳۴

- ۲- محدودیت پرهیز ۹ شب عبارت است از: بعد از انجام غسل که آداب خاصی دارد و سه روز یکی پس از دیگری باید پرهیز کرده شود [بین دو غسل] آن وقت باید یک بار غسل نمود.
- ۳- اگر آغاز یکی باشد، تا سه غسل از تاریخ شروع پرهیز ۹ شبه وقتی هریک از سه غسل را انجام داد تا این که دوران پرهیز سپری شود، هر بار که چنین غسل نمودنی را رعایت نماید تا آن دوره طی شود و هر زمان کسی این چنین غسل بنماید و زمان سه شبه را یکی پس از دیگری رعایت نماید، آن وقت می تواند غسل نهایی را انجام دهد.
- ۴- انجام دو غسل در یک موقع جایز نیست حتی وقتی روزهای بیشتری [از سه روز هم] سپری شده باشد.
- ۵- حتی در مورد خانم ها هم حکم عیناً همین است.
- ۶- اگر زنی مدت ۹ روز یا بیشتر در حیض باشد وقتی غسل با آب و ادرار گاو انجام داد باید پرهیز یک شبه [۱ شب از ۹ شب] را رعایت نماید.

passox 34, cont'd.

7. ud dō pad ēk hangām nē pādixšā šustan.čē hamē ka
šoyēd.aš sē šabag-ē tāh-ā-tāh mayān abāyēd hištan.

ادامه پاسخ ۳۴

۷- دو غسل در یک موقع جایز نیست زیرا هر بار که غسلی انجام شود یک دوران سه شبه یکی پس از دیگری باید بین هر غسل سپری شود.

یادداشت: در مراسم برش‌نوم [Baršnūm] بعد از غسل آغازی شخص باید ۹ شب عزلت نشیند. در آن دوران ۹ شبه باید سه بار به فواصل سه شب در میان غسل نماید یعنی شب سوم، ششم و نهم. مسئله این است که باید مراسم برش‌نوم برای یک دوره سه شبه عزلت نشینی رعایت شود و نمی‌توان ۲ غسل اضافی را در یک موقع [یعنی روز چهارم] انجام داد.

pursiān 35

1. zan-ē kē frazand sāyēd.us̄ barūj¹ tā dō māh ayāb vēš
az-š pāk nē bavēd.az ān-i hast ō vattar-rōn ne gardēd.
ku-š gumānigīh daštān abar oftēd.pad mehmānīh abar āb
ud ītaš ud xvarišn ud dārišn ud pādyābīh pādixšā ka
šavēd.ayāb čiyōn.

- ۱- خواندن و بالطبع آوانویسی این کلمه فرضی است. ریشه لغت یا جوهی دیگر از آن
و یا تکرار صورت موجود آن را در هیچ منبعی نیافتم.

پرسش ۳۵

- ۱- زنی که زایمان کرده پس از حدود دو ماه ترشحات بعد زایمانی او نه به
کلی قطع می‌شود نه بدتر می‌شود تا جایی که شک حیض می‌برد. آیا
تحت چنین شرطی جایز خواهد بود که حین برخورد های اجتماعی
[میهمانی دادن و رفتن] به آب و آتش و غذا و آذوقه نزدیک شود و یا در
مراسم غسل های آیینی شرکت نماید حکم شرعی در این باره چیست؟

passox 35

2. hangirdīg ēn.kū zan-ē nōg zādag.tā čehel rōz.har ān
i az-š āyēd.bē agar ēvar paydāg kū daštān.tā pad ān
dārišn.pas az čehel rōz bē agar ēvar paydāg kū ān.tā
pad daštān dārišn.
3. hamē ka ēvar dānist kū nē az daštān.pad any¹ wimāmrīh
dārišn.pādixšā ka čiš-iz nē pahrēzēd.us rāyinišn čiyōn
pāk dārišn.
4. garāyīh daštān rāy saxttar nigerišt.kā hambun-iz
gumānīg pad-š bawēd.čiyōn ān i garīh² ō pahrēzišn.

۱- انکلساریا خوانده.hān.

۲- رک. ترجمه یادداشت ۱.

پاسخ ۳۵

- ۲- خلاصه مطلب این است که پس از زایمان (Nogzādag: تازه‌زا) تا چهل روز ترشحات زن را باید نفاس محسوب داشت مگر اینکه به وضوح بر حیض دلالت کند. بعد از ۴۰ روز اگر مسجل شود که نفاس نیست باید به عنوان حیض تلقی شود.
- ۳- به محض این که زن متوجه شد که ترشحات از حیض نیست لازم است که آن را نوعی مرض تصوّر نماید که در آن صورت عدم رعایت قرنطینه و پرهیز جایز است. دستورات همانند دوران پاکی است.
- ۴- حیض را باید همانند «گری» سخت رعایت نمود حتی اگر تردیدی در ذهنش باشد باید فوراً قرنطینه و پرهیز را رعایت نماید همان گونه که برای گری این رعایت لازم است.

۱. کلمه ژاسر را انکلساریا gerāyihی خوانده K.J. در «Furthur to Ēmet-i Ašvahištān»,
münchener studien zur sprachwissenschaft, (Munchen 1972), P.67,
 مانند انکلساریا خوانده و «سخت و شدید» ترجمه نموده. همچنین استاد بیشاپ از
 دانشگاه کلمبیا هم عقیده آنها است. به نظر من garīh همان معنی گری که امروزه هم در
 فارسی آمده و دلالت بر یک نوع مرض پوستی [که هم در حیوانات و هم در انسان پیدا
 می‌شود] دارد مضافاً این کلمه در پاسخ ۳۷ نیز بکار رفته که بسیار دور از ذهن خواهد بود
 اگر به معنی سخت و شدید ترجمه شود. برای ریشه فارسی‌گری به فرهنگ اوستایی
 بار تولمه ستون ۵۱۵، و نندیداد ۵۷-۷ و یشت ۱۳۱-۱۳ برای مقایسه اوستایی garenav و
 ترجمه پهلوی آن و توضیح (āšnag) که دالّ بر شناخته بودن این کلمه در زبان پهلوی
 می‌باشد، رجوع فرمایید.

pursiśn 36

1. mard-ē.ēd i akdēn čāh rōftan rāy.tan ō čēh barēd.ka
abar āyēd.uš rēš-ē abar handām paydāg bavēd.
dādestān-i ān čāh čē.agar nē dānēd kū ān rēš uš čē
čiš pad-š bavēd.ayāb andar čāh.čiš-iz juttar bavēd
ayāb nē.

پرسش ۳۶

۱- مقنّی زرتشتی ای برای لایروبی کردن چاهی که متعلّق به مسلمانی است به داخل چاه می‌رود. هنگام بیرون آمدن از چاه متوجه یک خراشیدگی بارزی می‌شود.

حکم شرعی درباره آن چاه چیست؟ اگر او از علّت آن خراش بی‌اطلاع باشد و نداند که حتماً در آن چاه این زخم را برداشته یا نه آیا از نظر شرعی قضیه تفاوتی می‌کند یا خیر؟

passox 36

2. agar čiyōn abar nibišt.ēn-iz abāyēd nigerīdan kū rēš.
ud xōn az-š āyēd.ayāb nē.
3. agar xōn az-š nē āyēd.ka-iz āyēd nasā nē šud ēstēd.
pad im wināhkārīh ēd rēmanīh ēd čāh nēst.
4. ud agar nasā az-š šud ēstēd.pad im čāh ayāb bērōn
gumānīg.kam wattar.
5. agar pad im čāh rēšēnidan¹ ēvar.nasā az-š šud ēstēd
gumānīg.čāh pad nasā-pāk dārišn.az āb az-š wēxt ō
pahrezišn.tā ān kū sāl dranāy pad-š uzīhēd.

۱- در BTE لوس حدود ۱۱۱ آمده انکلساریا آن را rēsihastan خوانده اما ذکر مینماید که در TD بصورت لوس ۱۱۱ هست. به نظر من تحریف نوشتاری لوس ۱۱۱/۱۱۲ است.

پاسخ ۳۶

- ۲- در مورد فوق الذکر باید بررسی کامل شود که آیا از خراش خون هم آمده یا خیر؟
- ۳- اگر خون نیامده باشد یا حتی اگر هم آمده باشد اما اگر ترشحات چرکین از آن خارج نشده باشد با این که نفس عمل [جراحت برداشتن] گناه است ولی موجب آلودگی آب چاه نخواهد شد.
- ۴- اگر ترشحات چرکین خارج شده باشد اما مسلم نداند که آیا در چاه زخم برداشته یا در خارج از آن، مسئله کم اهمیت تر خواهد بود.
- ۵- اگر مسلم گردد که در داخل چاه زخم برداشته و احتمالاً^۱ ترشحات چرکین خارج گشته در آن صورت مراسم «نسا پاک» *nasā-pāk* برای این چاه باید برگزار شود پرهیز از مصرف آب آن چاه باید تا یک سال تمام رعایت شود.

۱. معنی لغوی این اصطلاح «سوزاندن جسم» است [Pāk از مصدر Poxtan]. در اینجا مراسم نسا پاک اشاره به مراسم تطهیر جهت کفاره این گناه است. در دین زرتشتی سوزاندن نسوج بی جان بدن انسان از بدترین گناهان محسوب می شود.

pursišn 37

1. pōst kē az dast ud abārīg handām bē šavēd. az-š ēč nam
pad-š nē bavēd. hušk. rēš nē gīrēd. nasā bavēd ayāb nē.
pad āb aviš burdan rēmanīh bavēd ayāb nē. agar hušk. rēš
gīrēd. az ān ka nē gīrēd. čis-iz juttar bavēd ayāb nē.

پرسش ۳۷

- ۱- اگر پوست دست یا سایر جوارح کنده شود اما به صورت خشک بدون خونابه و بدون زخم آیا می‌بایست همانند آلودگی محسوب شود؟ اگر آن موضع در معرض آب قرار گیرد آیا آب را آلوده خواهد ساخت یا خیر؟ اگر [آن موضع] خشک و بی‌زخم باشد آیا با آنی که زخم دارد فرقی خواهد داشت؟

passox 37

2. pōst az dast pad ēn ēvōnag savēd kū hušk.rēš-iz nē
gīrēd.ōg-š nē nasā hast nē-iz garīh.
3. ud pad āb awiš burdan dādestān čiyōn pas ud pēš ud
pēš az āb awiš barišnīh.pad dastšōy be kunišn.
4. ān i hušk.rēš gīrēd.pad hixrōmand-ē garīh dārišn.pad
dastšōy šōyišn.tan rēmanīh ne bavēd.

پاسخ ۳۷

- ۲- پوست دست که به صورت خشکه کنده شود طوری که حتی ایجاد زخمی ننماید، آلوده محسوب نمی شود و گری هم بشمار نمی آید.
- ۳- جایز خواهد بود که به آب دست بزند مشروط بر این که قبل و بعد از تماس با آب، آداب دستشوی را مراعات نماید.
- ۴- آن پوسته‌کنندنی که موجب خون آمدن شود، باید مانند آلودگی گری انگاشته شود و تطهیر دستشوی بر او انجام گیرد و نیازی به اجرای مراسم تن‌ریمان tan rēman نیست.

۱. کلمه پهلوی ریمان (ریم) در اوستایی از ریشه *rim* بمعنی آب پس دادن زخم، چرک،

pursišn 38

1. kas kē ārd hamē srišēd.ka dast az ārd abar awurēd.
 ēg-š pōst az dast šud ēstēd.ēdōn kū-š andar handām nam
 abar nē paydāg bavēd.dādestān-i mard ud ārd čē.agar
 ān ārd be nān kunēd.pas pad ān gyāg kū-š pōst az-š
 šud ēstēd hušk.rēš nē gīrēd.dādestān be vardēd ayāb
 nē.

پرسش ۳۸

- ۱- کسی که خمیر می‌نماید وقتی دستش را از آرد بیرون می‌آورد تعدادی پوسته تاول از دستش می‌افتد طوری که هیچ آثار رطوبت یا زخم آبه در موضع مربوطه دیده نمی‌شود. حکم شرعی درباره این شخص و همچنین آردی که به آن دست زده چیست؟
 اگر از آن آرد نان بپزد و بعداً آن موضع از دستش که پوست داده بوده به صورت زخم در نیاید آیا در نحوه قضاوت تغییری می‌دهد یا خیر؟

→ کثافت آمده. برای تطهیر اشخاص ۴ مرحله است. rēman , pādyāb , nāhm , baršnūm. رک به:

J, modi, *Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*, (bombay, PP. 87-154, 1922)

passox 38

2. pad-š nigerēd. pad ārd ī srištāg nasā pāyīh ēd nēst. ārd-ī sriš az rēmanīh abēzār.
3. ud ārd-ī asrištāg. bē agar im pōst pad-š paydāgīhēd. az srištāg paydāgīhēd. ēg-š srištāg hamāg pad hixrōmand dārišn. ō ātaxš nē barišn. ud pad xvarišn sag ud vāy šāyēd. pad ān-ī mardomān hixrōmandīh rāy. nē šāyēd.

پاسخ ۳۸

- ۲- باید توجه داشت که نیازی به احتیاط از آلودگی خمیر نیست. خمیر از هر نوع آلودگی برکنار است.
- ۳- اما در مورد آرد خمیر نشده، اگر این پوسته کنده شده در آرد دیده شود، در آن صورت تمامی آن آرد باید آلوده محسوب شود و بنابراین نباید برای پختن در تنور [آتش] برده شود. آن را باید برای تغذیه پرنده‌ها و سگ‌ها مصرف نمود زیرا به علت آلوده بودنش مناسب تغذیه انسان نیست.

passox 38, cont'd.

4. ka.nān kardan rāy.be ō ātaxš barēd.vīnāh-iz hixr ō
 ātaxš burdan bavēd.ka-iz nān be kard.ēg-iz az
 hixrōmandīh nē abēzār ud pad xvarišn-i vehān nē šāyēd.
5. hušk.rēš pad-š bavišnīh rāy.dādestān im abar nibišt

ادامه پاسخ ۳۸

۴- از آنجا که لازمه پختن نان قرار دادن خمیر در معرض آتش است، پس گناه آلودگی رابه آتش بردن شامل آن خواهد شد و حتی آن نان هم از آلودگی برکنار نخواهد بود و به این جهت برای خوراک زرتشتیان مناسب نیست.

۵- و اما راجع به زخم خشک شده حکم عیناً همانی است که در فوق مذکور افتاد.

۱. معنی لغوی کلمه «Wehān» نیکان است. از آنجایی که «Weh-dēn» [دین نیکو] اصطلاحی است که زرتشتیان به دین خود اطلاق می نمایند لهذا در اینجا احتمالاً منظور از نیکان همان پیروان دین زرتشتی است.

pursiśn 39

1. ěn.ku.mardōm.ka wīdarān bavēnd.us-ān tā rōz-i ristāxēz.
dādestān čiyōn bavēd.
2. ka-sān.pad ōš-i sēdīgar. āmār kunēnd.az kirbag.kē-sān
az wīdarīšnīh frāz kunēnd.sūd cē bavēd.
3. petītīgīh pad gōwīšn.ka kunēnd rāh ō dušox bandēd ayāb
nē.

پرسش ۳۹

- ۱- پرسش این است که وقتی انسان‌ها می‌میرند تا روز رستاخیز اوضاع آنها چگونه است؟
- ۲- از آنجا که سحرگاه روز سوم پس از فوت زمانی است که بنابر اعتقادات دین زرتشتی انسان‌ها ارزش‌یابی می‌شوند، خیرات و کارهای ثوابی که از جانب آنها پس از فوتشان انجام شود چه بهره‌ای به روح آنها خواهد رساند؟
- ۳- توبه‌های^۱ لفظی که اشخاص بجا می‌آورند آیا راه جهنم را برایشان مسدود می‌سازد یا خیر؟

۱. توبه لفظی «Petit» در دین زرتشتی بسیار حائز اهمیت است و اجرای روزانه آن جهت رهایی روح از عذاب، یک فریضه مسلم است. «اگر فردی نتواند که هر روز توبه لفظی را اجرا نماید در آن صورت باید از کس دیگری بخواهد که آن را از جانب او انجام دهد.» ←

→

اینکه شخص خودش توبه لفظی را انجام دهد یا کسی از جانب او آن را انجام دهد تفاوتی در ثمر بخشی آن برای آمرزش روح نخواهد داشت و عیناً مانند آنی است که شخص خودش آن را انجام داده باشد. اگر در دوران حیات این فرض دینی انجام نگیرد در آن صورت باید در حین سه شب بعد از فوت شخص انجام گیرد. ارزش هر دوره توبه لفظی برای سه روز دوام دارد، از این رو هر گاه کسی در خلال آن سه روز فوت نماید عیناً مانند آن خواهد بود که در هنگام مرگ توبه لفظی را انجام داده باشد. R.HF.P.32-3

«انجام توبه لفظی فقط ارزش اخروی دارد. انجام آن باعث جلوگیری از مجازات گناهکار در آن دنیا می شود اما در مجازات گناهانش در این دنیا اثری نخواهد داشت. آن توبه او را در پیشگاه خداوند رستگار می سازد اما نه در برابر انسانها».

Introduction to VD.V,p.c.SBE vol.4.tr.Darmesteter.Also.op.cit.3.sec.20 and 9, sec.49-50

کوتاه ترین فرمول توبه لفظی که هر روز باید گفته شود این است: «من متأسف و نادم هستم و ترک می کنم هر گناهی که لفظاً یا عملاً مرتکب شده ام و با از خاطر من خطور کرده و من آنها را نادیده گرفتم». R.HF.P.32

برای توضیحات بیشتر رک به:

J.P.Asmussen, *Xwāstvānift*, Acta Theologica Danica, Copenhagen, 1965 PP.40-90

pursišn 39, cont'd.

4. ud agar bandēd ēg-šān gāh kū gyāg bavēd.
5. ruwān-i wināhkārān.kē be ō dušox šavēd pēš az tan-i pasēn.
az dušox rastār bavēnd ayāb nē.
6. ka-šān petītīg nē kard.uš wināh nē puhlēnēd.ēg-š andar
dušox kār čiyōn bavēd.
7. ruwān-i šudagān andar dušox kē pāyēd.
8. kē-š kirbag wināh rāst.ān kē-š kam ud vēš bavēd.
dādestān čē.
9. ruwān-i widardagān.pēš az tan-i pasēn.ēk ōy-i did wēnēnd.
u-šān mihr dōšāram ud āšnāgīh bavēd ayāb nē.
10. hangird.andar ēn dar pursišn čand ast.vizīr ēk ēk
vizīdarter šāyēd šnaxtan.ud ka ēk-iz ēk paydāg niwisīhēnd.
pad nō brīn kardan.har ēk.čiyōn az veh dēn paydāg. passox
abar azabarnibišt.

ادامه پرسش ۳۹

- ۴- و اگر راه جهنم را مسدود می‌سازد در آن صورت جایگاه آنها [توبه کنندگان] کجا خواهد بود؟
 - ۵- آیا روح گناهکارانی که روانه جهنم است می‌تواند قبل از «تن پسین»^۱ آمرزیده شود یا خیر؟
 - ۶- وضع آنهایی که در جهنم هستند و توبه ننموده و برای گناهانشان کفاره نداده‌اند چه خواهد بود؟
 - ۷- چه کسی در دوزخ روح درگذشتگان را پناه می‌بخشد؟
 - ۸- حکم دینی در مورد کسانی که اعمال خیرشان برابر گناهانشان است چیست و همچنین در مورد کسانی که نسبت عمل خیرشان در برابر گناهانشان بیشتر و یا کمتر است؟
 - ۹- ارواح گذشتگان قبل از «تن پسین» یکدیگر را ملاقات می‌نمایند؟ آیا احساس محبت، عاطفه و شناسایی خواهند داشت؟
 - ۱۰- خلاصه این که در این فصل چندین پرسش مطرح شده - حکم درباره هر یک دقیقاً مشروح و مکتوب گردیده. کلیه فصل به ۹ بخش تقسیم می‌شود که پاسخ هر بخشی در ذیل پرسش همان بخش آمده
- (Passox abar azabar nibišt)

۱. تن پسین عبارت است از صورت نهایی موجودات پس از خاتمه دوران جاری عالم، به عبارت دیگر انسانها در یوم الحشر.

passox 39

ān i fradom¹

11. ēn.ku.mardōm ka wīdarīšn bavēnd ēg-sān tā rōz ristāxiz.
dādestān čiyōn bavēd wīzīrīdan framāyēd.pad yazdān kām.

۱- در نسخه خطی TD2 بخش های جداگانه ای را که انکلساریا در BTE ترتیب داده وجود ندارد و بخش ها بطور توالی در پی هم می آیند. تنها کلمات "پاسخ" ها با مرکب قرمز نوشته شده اند و از بخش ششم به بعد شماره بخش ها هم با مرکب قرمز نوشته شده.

پاسخ ۳۹

اول

۱۱- از وقتی انسانها می‌میرند تا روز رستاخیز چه به سر آنها می‌آید؟ به خواست ایزدان ، توضیح فرمایید.

passox 39, cont'd.

12. dādestān-sān ēdōn bawēd kū tan-sān abar zamīg.ast-ē
ō āb.ud ast-ē o urvar.ast-ē ō vād gumēzēd.
13. ruwān ō mēnōgān āmār i pad stōš ō činwadpuhl rasēd.
ka-s āmār-i pad stōš pad-s bawēd.agar ahlaw.abar frāx
činwadpuhl.urwāhmīhā widarēd.ud ast ō garodmān.ast ō
wahišt.ast ō hammistagān franavēd.agar druwand.az mayān
tēz bārīg puhl frahist bīmīhā ō ērang dušox oftēd.

dudigar

14. ēn.kū ka-sān.pad ōšbām-i sēdīgar.āmār kunēnd.az kirbag.
kē-sān az widarišnīh frāz kunēnd.sūd čē bawēd.

ادامه پاسخ ۳۹

۱۲- وضع آنها از این قرار خواهد بود: جسم آنها روی زمین باقی خواهد ماند، بخشی از آن مخلوط با آب می شود. بخش دیگر بانیاتات و بخش دیگر در هوا.

۱۳- روح انسان ها برای داوری الهی که در پل چینوت «Činwad»^۲ در روز چهارم پس از فوت صورت می گیرد به ملکوت می رود. اگر روح متقی و پرهیزکار باشد در نهایت خوشی و راحتی از روی پل عریض چینوت می گذرد سپس یا به گرودمان «Garodmān» که بالاترین بخش آسمان هاست می رود و یا به بهشت و یا به همیستگان «Hamistagān» که جایگاهی است میان دوزخ و بهشت. اگر روح گناهکار باشد، از میان پل تیز و باریک، با ترس فراوان به اعماق جهنم فرو خواهد افتاد.

دوم

۱۴- از آنجا که حسابرسی الهی در سحرگاه سومین روز پس از مرگ صورت می گیرد. خیرات و اعمال ثوابی که به نیابت از او بجا آورند برای روح او چه بهره ای خواهد داشت.

۱. Jast-ē. K.J. ترجمه نموده (either) رک به:

K.J. «Ēmēt-i Ašvahištān», *Kurus Mem.vol.* (Bambay, 1974)

۲. پل چینوت یا پل تقسیم کننده، پلی است که ارواح پاکان از روی آن به آسانی می گذرد و ارواح خبیثان از آنجا به قعر جهنم می افتند.

passox 39, cont'd.

passox

15. sūd-sān wuzurg ōwōn bawēd kū-sān pad sasāgihā paywand.
kū.kirbag.kē-sān frāz az widarišnīh kunēnd.andāzag ud
paymānag čand ān čand sālān i was.tā-iz madan-i sošyans.
kunīhēd.hamāg andar āmār-i stōš ōh āmār gīrēnd.ud ast
i-s pādīfrāh kāhēnēd.ud ast i-s az wināh i kard
hangārīhēd.ast i-s urwāhm mehgāh-i ruwān abzāyēd bawēd.
ka-s ruwān pad-s bōzīhēd.ō ān-i pahlom axwān rasēd.
16. az im čim.kirbag-i.pas az be widarišnīh-i kas kardan
rāy.frayād ast-ē ō ruwān-i widardagān.mayān ān-i mard
andar zīwēndagīh xwad kunēd ayāb ō kas framāyēd.tā ān
i pas az be widarišnīh.ēn hast kū ān-i andar zīwēndagīh
hamē kunīhēd.a-s hamē rawēd.nōg nōg ēk abar did.hamē
abzāyēd.ud ān i pas az be widarišnīh ān and bawēd čand
kunīhēd.ā-s ēdōn nē rawēd.

ادامه پاسخ ۳۹

۱۵- بهره آن برای روح در گذشته بسیار خواهد بود به این نحو که از طریق این ارتباط ثوابی، تمام اعمال نیکی که بازماندگان به نیابت از متوفی انجام دهند ثوابش در روز دادگاه ستوش به حساب متوفی محسوب خواهد شد به هر اندازه و مقدار و در طی هر چند سال که این اعمال انجام پذیرد، حتی تا روز ظهور سوشیانس. آن خیرات باعث کاهش مکافات او خواهد شد، گناهانش با رحم بیشتری ارزش یابی خواهد شد، باعث ازدیاد شادی و بزرگداشت روح می شود. روحی که این چنین آمرزیده شود متعالی خواهد گردید.

۱۶- به این دلایل اعمال نیکی که پس از درگذشت کسی برای او انجام گیرد بهره فراوانی برای روح در گذشته خواهد داشت. تفاوت بین اعمال نیکی که شخص در دوران حیاتش انجام دهد و آنهایی که به دیگران وا گذاشته که برای او پس از مرگش انجام دهند این است که آنهایی که در حین حیاتش انجام داده یکی پس از دیگری به او برمی گردد و هر کدام به بعدی اضافه می شود. اما آنهایی که پس از فوت او صورت می گیرد هر تعداد که باشد به روند مذکور به او برنخواهد گشت.

passox 39, cont'd.

sēdīgar

17. ēn kū.pētītīgīh.i pad gōwišn ka gōwēnd.rāh ō dušox
bandēd ayāb nē.
18. agar bandēd.ēg-sān gāh kū gyāg bawēd.
19. passōx ēn dō andar ēk.
20. pētītīgīh-i pad gōwišn gōwēnd.ka menišnīgīhā.abartar
ān i pēš abēzag rāst andar dastvarān andar dēnāgāhān.
tōzišn-i vināh ud čandīh kirbag šnāsān¹ gōwīhēd.ud ān
i-š ēd abēzagān gōwēnd niyōxšēd kār uš kunēd.azēr saxt
bandēd rāh-i dušox.
21. agar kas-ē pad ān ēwēnag nē mad ēstēd.pēš-i wehān mad
ēstēd.menišnīgīhā ud ruwān dōstīhā vināh dušmenīh gōwēd.
hamgōnag pad bandīšn-i ān dušwīdarag rāh meh frayād.²

۱- انکلساریا آن را šnāsān خوانده. رک. صفحه مقایسه نسخه‌های خطی.

۲- انکلساریا آن را frahixt خوانده. همچنین ک. ج در مقاله "Emēt-i Ašavahištān" در

ادامه پاسخ ۳۹

سوم

- ۱۷- آیا توبه لفظی راه دوزخ را سد می نماید یا خیر؟
- ۱۸- اگر مسدود می نماید جایگاه توبه کنندگان کجا قرار خواهد داشت؟
- ۱۹- پاسخ این دو سؤال یکی و همانند است.
- ۲۰- توبه لفظی اگر با توجه کامل مخصوصاً آن که در برابر مرجع روحانی و مقدس و دیندارانی که از انواع گناه و کفاره های آنها اطلاعات کافی دارند ادا شود و شخص [توبه کننده] گوش فرا دهد و لفظاً طبق آنچه آن قدیسین ذکر می کنند تکرار نماید و از گناه خود توبه کند مسلماً راه دوزخ برایش مسدود می شود. [به عبارت دیگر اگر دقیقاً و با توجه کامل عین آن فرمول توبه ای را که مرجع روحانی می گوید او هم تکرار نماید از آتش جهنم بری خواهد شد].
- ۲۱- اگر مرجع مقدس روحانی در دسترس نبود شخص باید با خلوص نیت و از ته قلب انصرافش را از گناه، و حرمتش را به روح، در برابر معتقدین و دینداران زرتشتی اذعان نماید. از این طریق کمک بزرگی به بستن آن راه شیطانی نموده است.

passox 39, cont'd.

22. ud ka-š gōvišnīg rāh bast.pad ān-i abardom.ayāb ān-i
nidom.pāyag-i az kirbag wināh čiyōn-š handōxt ēstēd uš
hast.ōg-š pad stōš āmār pad-š bavēd.uš gāh-ē ruwān.kirbag
pad sazāgīhā.ast i hammistagān.ast i wahištīg.ast i
grōdmānīg.

čahārom

23. ēn.kū ruwān-i wināhkārān kē be ō dušox šavēd.pēš az tan-i
pasēn.az dušox rāstār šāyēd bavēd ayāb nē.

passox

24. ruwān-i druvandān vēš wināhān.ka ō dušox ōbast hēnd.tā
tan-i pasēn uš rāstār nē bavēnd.

panjom

25. ēn.kū.ka-š pētītīgih nē kard.uš wināh nē purr.a-š andar
dušox kār čiyōn.

ادامه پاسخ ۳۹

۲۲- وقتی از طریق ادا نمودن آن کلمات راه دوزخ مسدود گردید دیگر چه در بالاترین و چه در پایین ترین مکان، جایگاه روح او بر حسب مجموع ثواب‌ها و یا گناهان او که در مرحله ارزش‌یابی سومین سحر پس از درگذشتش، محاسبه می‌شود در مقامی بین دوزخ و بهشت و یا در بهشت و یا در عالی‌ترین مکان در بهشت خواهد بود.

چهارم

۲۳- ارواح گناهکارانی که به دوزخ می‌روند آیا تا قبل از «تن‌پسین» آمرزیده می‌شوند یا خیر؟

۲۴- روح بدکاران و گناهکارانی که بدوزخ می‌رود، قبل از زمان «تن‌پسین» آمرزیده نخواهد شد.

پنجم

۲۵- کسی که توبه ننموده و در عین حال گناهش گناه عمیقی نبوده باشد، جایگاه او در دوزخ چگونه خواهد بود؟

passox 39, cont'd

passox

26. har ān kē ō dušox ōbast.ēg-š andar dušox pādīfrāh pad
ān andāzag bavēd ke-š vināh kard ēstēd.ka-š pad ān
andāzag abar mad.ēg-š andar dušox ēwāz pīm-i az gyāg
bavēd.pādīfrāh nē.

šasom

27. ēn.kū.ruvān-i šudagān andar dušox kē pāyēd.

passox

28. ruvān-i šudagān i mēnōg-i dādestān pāyēd.dādār abar-š
xvēš dāmān vistardag.uš amāvandīh ud ōzōmandīh har
gyāg rasišnīg.az ān-i azērīgdom dušox tā ān-i abardom
garōdmān.ōwōn ōzōmand ud amāvand i-š.az hamāg gyāg.har
kas must ud adādīh abāz dāštan ud spōxtan tuwān.

ادامهٔ پاسخ ۳۹

۲۶- هر کسی که به دوزخ رود مجازاتش در آنجا متناسب با گناهانش خواهد بود. وقتی این تعادل اجرا شد آن وقت تنها ناراحتی، همان بودن در دوزخ خواهد بود. مجازات اضافی دیگری اعمال نخواهد شد.

ششم

۲۷- چه کسی روح دوزخ رفته‌ها را حمایت خواهد کرد؟

۲۸- روح در گذشتگان توسط «جوهر عدالت» که آفریدگار در سرتاسر خلقتش قرار داده حمایت می‌شود. و او با نیرومندی و شدت تمام به همه جا راه دارد، از اعماق دوزخ گرفته تا متعالی‌ترین جایگاه بهشت. چنان قدر تمند و محتشم است که می‌تواند هر عذاب و بی‌عدالتی را نسبت به هر کس مهار نموده و یا از وی دور سازد.

passox 39, cont'd.

29. ēn-iz.kū.ruvān-i widardagān druvandān ham ruvān-i mardōm
 kē dādār-i veh āfrīd ēstēd.usān bun gōhr veh ud
 yazdānīg pad-š.ud vahištāgīh-i az rāh-i yazdān ud
 aburdframānīh ud wadkunišnīh-i xvēš rāy. ā-šān ruvān ō
 dušox mad estēd.usān az nēmag-i yazdān ōd ōzōmandīh
 pad-š be mānēd kū dēvān. andar dušōx frāy az wināh i-šān
 kard ēstēd.pādīfrāh pad-š ā-šān kardan nē tuvān.ud dēvān
 rāy xwad ān nērōgōmandīh nēst.i-šān dādestān juttarīnīdan.
 kam ud vēš pad-š kardan.nē tuvān.
30. ēn-iz.kū hamāg ruvānān.hangirdīgīha nērog-i az ummēd
 ristāxēs ud tan-i pasēn.āmurzišn-ē az yazdān abdom pad-š
 šān hast.dēvān ān-iz i xwad abesihišn ud apaydāgīh i-šān
 abdom pad-š bavēd.mālēnd.us-ān ān rāy nērōg kāstag.

ادامه پاسخ ۳۹

۲۹- به این نکته باید توجه داشت که روح گناهکاران هرچه باشد روح انسان هاست که آفریدگار مهربان آفریده و ذاتاً نیکو، الهی و آسمانی است. به خاطر سرپیچی از راه ایزدان و عدم فرمانبرداری و اعمال شیطانی، روح ایشان به دوزخ راه یافته. در جهان ایزدان این نیرو درید قدرت آنهاست: شیاطین دوزخ نمی‌توانند به آن گناهکاران آسیبی بیش از آنچه سزاوار گناهانشان است برسانند زیرا شیاطین آن‌چنان قدرتی ندارند که بتوانند عدالت الهی را اندک تغییری دهند. نه می‌توانند ذره‌ای از آن عدالت بکاهند نه بر آن بیفزایند.

۳۰- این نکته نیز شایان تذکر است که: همه ارواح به روز رستاخیز و «تن‌پسین» و آمرزش نهایی ایزدان امید بسته‌اند. شیاطین نیز به خاطر پیش‌بینی که از اضمحلال و نابودی^۱ نهایشان شده، به یکدیگر حمله می‌نمایند و این جدال متداوم فی‌مابین خودشان باعث ضعف قدرت پلید آنها خواهد بود.

۱. در بندهشن فصل ۲۸ درباره اعمال پلید اهریمن و شیاطین همان اعتقاد دین زرتشتی مجدداً تشریح گردیده که: «لشکر اهریمن محکوم به فناست زیرا دیو آذبخاطر حرص و شهوت سیری‌ناپذیر همه چیز را می‌بلعد و چون چیزی باقی نماند خود را نیز نابود می‌سازد.» SBE.V,P.110 tr. West

passox 39, cont'd.

31. ēn-iz.kū.dušox andar zamīg hast-i ohrmazd dād.ud agar-iz.
ōh kū.pad meh dādestānīh gyāg-i ganāgmēnōg ud dēwān būd
ēstēd.ēg-iz uš ān nērōgmandīh hast kū-š dēwān az pādīfrāh
i nē abāyēd kardan abāz dāstan tuvān.ud ān rāy.ka-šān.
pad tan-i pasēn. rastār bavēd.az nigeriśn ān abartarān
wuzurg zōhrān yazdān nē brahnag hēnd.
32. ud ruvān-i dušoxīgān andar dušox ēg-šān pānāg ud pādār
pad ān ēvēnag hast-i čiyōn abar nibišt paydāgēnēd.

haftom

33. ēn-iz.kū.kē-š kirbag vināh rāst.ān kē-š kam ud vēš bavēd.
dādestān čē.

passox

34. kē-š kirbag vināh rāst.ēg-š dādestān ēn kū hammistagān.
kē-š kirbag vēš kū vināh.ā-š ruvān pad ān-i pāhlom axwān.
pāyag passazagiāh.kē vināh vēš az kirbag dušoxīg.

ادامه پاسخ ۳۹

- ۳۱- این نکته نیز باید یادآوری شود که دوزخ در زمینی قرار دارد که آفریده اهورامزدا است و اگر هم بنابر خرد صحیح [الهی] چنین باشد که شیاطین در آنجا قرار داشته باشند مع ذالک قدرت اهورامزدا چنان است که به راحتی می‌تواند شیاطین را از وارد آوردن آزارهای ناروا مانع شود. بنابراین [به اعتبار شریعت] آنهایی که [در دوزخ مجازات شده‌اند و] در روز «تن‌پسین» آمرزیده می‌شوند گواه بر این است که آنها از نظارت و مراقبت دقیق ایزدان پر قدرت و متعالی محروم نبوده‌اند.
- ۳۲- از این قرار، با توجه به آنچه در بالا گذشت روح افرادی که به دوزخ می‌روند هم تحت محافظت و مراقبت قرار دارد.

هفتم

۳۳- اما این نکته که حکم درباره کسانی که اعمال خیرشان با کفّه گناهانشان مساوی می‌گردد و آنهایی که ثواب کارهایشان بیشتر یا کمتر از گناهانشان است.

۳۴- حکم درباره کسانی که ثواب و گناهانشان برابر است جایگاهشان در همیستگان [بین دوزخ و بهشت] خواهد بود. کسی که ثواب‌هایش بیش از گناهانش باشد جایگاه روحش چنانچه سزاوارش است در بهترین مقام یعنی در بهشت می‌باشد. کسی که گناهش بیش از ثوابش باشد جایگاهی [به نسبت گناهانش] در دوزخ خواهد داشت.

passox 39, cont'd.

hastom

35. ěn.kũ.ruvãn-i wıdardagãn.pěš az tan-i pasẽn.ĕk ōy i did
wẽnẽnd.us-ãn mihr dõšãram ud ĩšnãgĩh bavẽd ayãb nẽ.

passox

36. ěn.kũ.ruvãn-i ahlavãn.i ĕk ōy did wẽnẽnd.hamayār hẽnd.
us-ãn mehr ud dõšãram ĕk abãz ōy-i did bowandagĩhã.
37. ãn-i druwandãn ĕk ōy-i did nẽ wẽnẽnd har ĕk andar dušox
õwõn menẽnd ċiyõn pad tan ěd hẽ.ud kas pad jud az ōy pad
dušox nẽst.
38. abar dušoxigãn garãntom ċiš ěd ěwtãgĩh hast.

ادامه پاسخ ۳۹

هشتم

۳۵- این که آیا ارواح درگذشتگان قبل از «تن‌پسین» یکدیگر را ملاقات

می‌کنند و آیا احساس محبت و عاطفه و شناسایی می‌نمایند یا خیر؟

۳۶- ارواح پرهیزگاران یکدیگر را ملاقات می‌نمایند و همدیگر را کمک و

یاری می‌نمایند. محبت و عواطف آنها نسبت به یکدیگر کامل و عالی

خواهد بود.

۳۷- ارواح گناهکاران همدیگر را ملاقات نمی‌کنند. هریک از آنها تصوّر

می‌کند که او در دوزخ تک و تنهاست و هیچ کسی را در آنجا ندارد.

۳۸- سخت‌ترین عذاب برای دوزخیان همان احساس تنهایی‌شان است.

pursišn 40

1. čiš-i gētīg pad brēh ayāb pad kunišn.
2. kirbag varzīdārīh ud wināh kunišnīh kē mardomān kunēnd.
az baḡōbaxt ayāb az hāzišn yazdān ud tomīgān.
3. kē-š xwāstag-ē ayāb any nēkīh baxt ēstēd.uš pad-š
nē tuxšēd.ā-š aviš rasēd ayāb nē.
4. baxt ud spihr har dō ēk. ušān nērōg az rošnān ayāb az
tomīgān.ud agar az rošnān.čē rāy petyāragīh baxšēnd.
ud agar az tomīgān.nēkīh čiyōn baxšēnd.
5. ud zamān ud brīn ud astānag pad panāhīh šāyēd spōxt
ayāb nē.
6. Wināh ud kirbag varzīdan abāg kunišn ud brēhīnišn ayār
ayāb nē.

پرسش ۴۰

- ۱- آیا مسائل دنیایی را تقدیر می‌گرداند یا کردار؟
- ۲- آیا قدرت الهی محرک اعمال نیک و همچنین گناهان افراد است یا انگیزش ایزدان و یا نفوذ ساکنین دنیای تاریک؟
- ۳- کسی که ثروت و یا مزایایی به او اختصاص یافته ولی او در اکتساب آنها اندک زحمتی به خود راه نداده آیا [واقعا] آنها به او می‌رسد یا نه؟
- ۴- آیا تقدیر و اقبال یکی است؟ آیا منشاء نیروی آنها از دنیای نورانی [خدای متعال اهورامزدا] است یا از دنیای تاریکی [اهریمن]؟ اگر از دنیای نور است چرا فلاکت و ادبار را تقدیر می‌نمایند و اگر از دنیای تاریکی است چگونه احسان و التفات را رقم می‌زنند؟
- ۵- آیا زمان، تقدیر و یا بدبختی را می‌توان به وسیله پشتیبانی [قدرت] تغییر مسیر داد؟
- ۶- آیا اجرای اعمال نیک و یا گناه مرتبط به کردار و تقدیر است یا خیر؟

۱. tomigān «دنیای تاریکی» عطف به قدرت شیطانی است. در دین زرتشتی بنابر استناد بندهشن فصل ۱، اهورامزدا [خدای متعال] نیرو و نور لایتناهی است در برابر نیروی شیطانی که فناپذیر و محدود به دنیای تاریکی است.

passox 40

7. ēn šaš brīn hast.ka passox-i ān ēk ēk judāg bavēd
paydāgtar.

fradom

8. ēn.kū.čīš-i gētīg pad brēh ayāb pad kunišn.

passox

9. ast-ē pad brēh.ud astfēl pad kunišn.astfēl pad nērōg
har dō pad-š paydāgihēd.

dudīgar

10. ēn.kū.kirbag varzīdārīh wināh varzīdārīh kē mardom
kunēnd.az bašōbaxt ayāb az hāzišn-i yazdān ud tomīgān.

passox

11. kirbag varzīdārīh ud wināh varzīdārīh kē mardom kunēnd.
az kardārīh-i ān mardōm kē kunēnd.usān.ēd rāy.pad
kirbag pēdišn ud pad wināh pazd abar bavēd.ud agar az
bašōbaxt hē.ēg-sān pad kirbag mīzd xvēšīh.ud pad wināh
pazd.abar kunišnīh,nē dādestānīg hē.

پاسخ ۴۰

۷- این پرسش شامل ۶ بخش است که به منظور روشن شدن کامل مطلب، هر بخش را پاسخ جداگانه لازم است.

اول

۸- آیا مسائل دنیایی در ید تقدیراند یا نیروی اراده؟

۹- تا حدّی بستگی دارد به تقدیر و تا حدّی به اراده و در مواردی به نظر می‌رسد هر دو نیرو در کار می‌باشند.

دوم

۱۰- اینکه عمل گناه یا ثواب افراد در اثر قدرت الهی است یا انگیزش ایزدان و یا ساکنان دنیای تاریکی؟

۱۱- عمل ثواب یا گناه که از افراد سر می‌زند به طور تمام و کمال به عهده خود فرد است. و از همین روست که اجر و پاداش در مقابل ثواب، و کیفر و مکافات در برابر گناهشان دریافت می‌دارند. اگر تقدیر الهی بود دیگر پاداش و مکافات برای اعمالی که از حیطه اختیار آنها خارج بود عادلانه نمی‌بود و بی‌عدالتی در جوهر قدرت الهی نیست.

passox 40, cont'd.

12. az wehdēn ēn-iz paydāg.kū yazdān ud dēwān mēnōgihā ō
menišn-i mardōm ōh rasēnd.ušān yazdān ō kirbag.
warzīdārīh ud dēwān ō wināh kardan ō hāzēnd.

sēdīgar

13. ēn.kū.kē-š xwāstag ayāb nēkīh-ē baxt ēstēd.uš pad-š
nē toxšēd.aš awiš rasēd ayāb nē.

passox

14. az weh dēn paydāg.ku. ān i baxt ēstēd.hast frārōn
tuxšāgīh rāy zūdtar rasēd.hast wināhkārīh rāy az-š
appār bēd.

čahārom

15. ēn.ku.baxt spīhr har dō ēk.uš-ān nērōg az rōšnān ayāb
az tomigān.agar az rōšnān.čē rāy petyāragīh baxšēnd.agar
az tomigān.čīm nēkīh baxšēnd.

ادامه پاسخ ۴۰

۱۲- این مسئله در دین زرتشتی آمده که هم ایزدان و هم شیاطین توأماً به ذهن و فکر انسان‌ها نفوذ می‌نمایند طوری که همگام با ایزدان که تشویق به اعمال نیک می‌نمایند شیاطین نیز وسوسه به گناه می‌کنند.

سوم

۱۳- اینکه ثروت و امتیازاتی به کسی اختصاص یافته ولی در کسب آنها کمترین کوششی ننموده، آیا آن نعمات از آن او خواهد بود یا خیر؟
۱۴- در دین زرتشتی اعتقاد بر این است که آنچه به فردی اختصاص یافته به اعتبار نیات خیرش ممکن است در اسرع وقت به او برسد و چه بسا که به علت گناهانش از او گرفته شود.

چهارم

۱۵- اینکه آیا تقدیر و اقبال یکی است و آیا منشاء قدرت آنها از نور اعظم است یا از دنیای تاریکی؟ و اگر از نور اعظم است چرا پریشانی و فلاکت می‌گستراند و اگر از دنیای تاریکی است چرا احسان و التفات رقم می‌زند؟

Answer 40, cont'd.

16. ēn saxvan šebišnīg.čē.ast-ē pursišnīg.ast-ē wizīrīg.
hangirdīg passox.ēn.kū.baxt spihr har dō nē ēk.čē.
baxt ān i brēhēnišnīg.ud spihr ān i kunišnīg.az-iz
ēn paydāg kū dō hast.uš-ān jud jud nērōg az rōšnān
az tomigān bavēd.ān i az rōšnān bavēd petyārag nē
baxšēd.ud ān i az tomigān bavēd nēkīh nē baxšēd.

panjom

17. ēn.ku.zamān ud brīn ud astānag pad panāhīh šāyēd
spōxtan ayāb nē.

passox

18. ēn.kū.zamān ud brīn bē pad dādār nērōg any spōxtan nē
šāyēd.
19. pad hast hangām kē-š mēh sūdīh-i veh dām rāy.hast ka-š
brīn zamān sportan.az veh dēn paydāg.ēn ēwāzīgīhā.nē
amargānīgīhā.

ادامه پاسخ ۴۰

۱۶- این مطلب درهم و برهمی است زیرا قسمتی از آن پرسش است و قسمتی تعبیر و تفسیر. پاسخ بطور اجمال این است که تقدیر و اقبال یکی نیستند. زیرا تقدیر (بخت) سرنوشت رقم زده شده است اما اقبال به اعمال انسانها بستگی دارد. بنابراین واضح است که اینها دو نیروی متفاوت هستند که جدا جدا نیرویشان از نور اعظم و از دنیای تاریکی است. آن که منشعب از نور اعظم است هرگز فلاکت و ادبار نمی آورد و آن که از دنیای تاریکی است هرگز احسان و التفات نمی بخشد.

پنجم

۱۷- اینکه آیا می توان زمان، تقدیر و بدبختی را به وسیله پشتیبانی [قدرت] تغییر مسیر داد یا نه؟

۱۸- زمان و تقدیر بر نمی گردد مگر با مشیت الهی.

۱۹- در دین زرتشتی اعتقاد بر این است که جهت بیشتر بهره رساندن به مخلوقات نیک و لایق، خداوند گاهی زمان و مقدر را برمی گرداند. این البته استثنایی است و قاعده کلی نیست.

passox 40, cont'd.

20. astānag pad ayārīh ud pānagīh abarag¹ yazdān ī spōzīhēd
ud nē rasēd.

šasom

21. šn.kū.kirbag ud wināh varzīdan abāg kunišn ud
brēhēnišn ayār ayāb nē.

passox

22. hangirdīg.kū.wināh ud kirbag har dō pad kunišn bawēd.
ud brēhēnišnīg čīš az yazdān az-iz dēwān bawēd.
23. ud yazdān ō kirbakkārān ud kirbakkārān ō yazdan
ayār hēnd.bazakkārān ō dēwān.dēwan pad-iz bazakkārān
anāgīh kardār.a-šān ōh pazd ud pādīfrāh rasēnīdār hēnd.

۱- ۳۳۳- را انکلساریا abārig خوانده همچنین ک.ج در مقاله پیشگفته، ص ۱۷۴
آن را abārig خوانده و بر طبق همان هم ترجمه نموده. م. ف. کانگا در ترجمه همان
پرسش (منتشره در بمبی سال ۱۹۷۵) همان گونه خوانده، به نظر من باید تحریف
نوشتاری از مرح-لو باشد و گرنه مفهوم صحیح نخواهد بود.

ادامه پاسخ ۴۰

۲۰- بدبختی را می‌توان با استعانت و حمایت ایزدان والامقام، متوقف ساخته، برگردانید.

ششم

۲۱- اینکه آیا انجام اعمال ثواب یا گناه وابسته به نیروی اراده است یا تقدیر؟

۲۲- بطور خلاصه: انجام گناه یا ثواب هر دو ربط مستقیم با اراده شخص دارد.

اما مسائل مربوط به تقدیر و مقدر مربوط می‌شود هم به ایزدان و هم به شیاطین.

۲۳- ایزدان در ارتباط با نیکوکاران‌اند و بالعکس شیاطین در ارتباط با گناهکاران. بنابراین آن شیاطین هستند که حامل مجازات و کیفر گناهکارانند.

pursišn 41

1. winšhīhā-i nāmčist.čiyōn dastānmarz ud kūnmarz ud
jehmarz.abārīg winšhīhā.i har ēn zamān nibišt.vizārišn
tōzišn gētīg framāyēd nibištān.
2. kadār kirbag kē ēn winšhīhā be rōbēd.vizārišn šnāyišnīh¹
bavēd.

۱- ۳۵ و ۳۷ راهم انکلساریا و هم ک.ج در مقاله پیشگفته، ص ۱۷۶ šoyišnih
خوانده و طهارت معنی کرده‌اند. بنظر من تحریف نوشتاری ۳۵ و ۳۷ است که
معنی را صحیح میسازد.

پرسش ۴۱

- ۱- لطفاً درباره کفار و بعضی گناهان دنیایی مانند هم خوابگی در دوران حیض، عمل لواط، فحشا و گناهانی از این قبیل که تابحال ضبط شده‌اند توضیحاتی بفرمایید تا در ذیل مکتوب گردد.
- ۲- چه ثوابی می‌تواند گناه این اعمال را پاک سازد؟ توضیحات آن جناب مفتنم خواهد بود.

passox 41

3. kūnmarz wināhīhā margarzānīh.uš gētīgīha tozišn ōzadan.
4. daštānmarz wināh ēd ī abēr garāy.bē nē margarzān.uš
tōzišnīh andar veh dēn paydāg ēstēd.uš gōkān and drang.
5. jehmarz vas ēvēnag hast grāntar.
6. ān-i kam wināhtar ān ka-š.andar ham daštān māh.marzišn
ī az any mard pad-š nē būd ēstēd.ud im jeh nē ābus az
any mard.uš šōy nēst.ka-š.az ēn sē ēk-iz pad-š nēst.ka
marzēd.marzīdār šast stīr wināh.
7. čē.agar-š.andar ham daštān māh. any mard marzēd az ān
marzišn.marzīdār kamest tanāpuhl ēd wināh.
8. agar-š ābusīh bavēd.uš any mard marzēd.az ān marzišn
ābusīh tabāhēd.marzīdār margarzān.
9. agar zamānīg ābusīh nē tabāhēd.bē-š wizend abar rasēd.
ēg-š dō tanāpuhl wināh.

پاسخ ۴۱

- ۳- گناه لواط سزایش مرگ است. کفاره دنیایی این گناه آن است که گناهکار به قتل برسد.
- ۴- گناه هم خوابگی در دوران حیض گناه بزرگی است اما سزاوار مرگ نیست. کفاره دنیایی آن هم به تفصیل در دین زرتشتی آمده.
- ۵- فحشا انواع گوناگونی دارد. بعضی از انواع از بعض دیگر بدتراند.
- ۶- آن نوع از فحشا که گناهش از همه کمتر است این است که اگر زن در حین حیض با مردی هم خوابگی نکرده، از مردی حامله نشده و شوهر هم نداشته، اگر این سه شرط مراعات شده اما در عین حال با مردی هم خوابگی کرده، کفاره چنین گناهی ۶ ستیر [stir] است.
- ۷- اگر با مردی در حین حیض هم خوابگی نموده باشد حداقل این گناه برای آن مرد گناه تناپو هل خواهد بود.
- ۸- اگر حامله بوده مع ذالک با مرد دیگری هم خوابگی نموده و در اثر آن سقط جنین اتفاق افتاده در آن صورت مرد گناهکار سزاوار مرگ است.
- ۹- اگر سقط جنین رخ ندهد ولی جراحت وارد آمده باشد در آن صورت ۲ گناه تناپو هل برای آن مرد گناهکار محاسبه خواهد شد.

passox 41, cont'd.

10. ud agar frazand zāyēd.uš.ān marzišn rāy apādyāvandih
kamih abar tan-i im zāyišn mad ēstēd.agar.az ān mēh
apādyāvandih.tā čehel rōz pad-š wardēd.mīrēd.marzīdār
margerzān bavēd.andar im zāyišn hamēmālomand.
11. ud agar im jeh šōy hast.marzīdār andar šōy jeh pad si
sad stīr tozišnōmand.
12. abārīg wināhihā pad ham hangōšīdag gōkān and drang.ka
pursēd.tozišn čiyōn az dēn paydāg.nivēsēm.

ادامه پاسخ ۴۱

- ۱۰- هرگاه فرزندی به دنیا آورد و به علت آن هم خوابگی نقص یا ضعفی در نوزاد مشاهده شود و پس از ۴۰ روز آن نوزاد به علت آن نقص و مرض فوت نماید در آن صورت گناهکار، سزاوار مرگ است چرا که باعث مرگ نوزاد گردیده است.
- ۱۱- اگر این زن بدکاره شوهری دارد مرد گناهکار باید سیصد ستیر به آن شوهر پرداخت نماید.
- ۱۲- در مورد سایر گناهان و كفاره آنها هر زمان که خواسته باشید به تفصیل بیان خواهم نمود.

pursišn 42

1. kē-š wināh-ē abag zan-ē akdēn gādan jahēd.ud az ān
gādan frazand andar aškamb frāz bavēd.ēg-š wināh čē.ud
agar nē bavēd wināh čand.ud agar ān zan šōyindag.ud ān
frazand ō frazām rasēd.uš pad akdēnīh parwarēnd.ud agar
ān frazand andar aškamb ayāb bērōn ōzenēnd.agar ān zan
dōšīzag.ud agar ān zan veh dēn.eg-šān dādestān ēk ēk čē.

پرسش ۴۲

- ۱- هر گاه مرد [زرتشتی] مرتکب گناه هم‌خوابگی با زن مسلمانی شود و ثمره آن بسته شدن نطفه‌ای در رحم باشد در آن صورت میزان این گناه چه اندازه است؟ و اگر نطفه‌ای بسته نشد آن وقت حدّ گناه چه خواهد بود؟ هر گاه آن زن ازدواج نماید و آن فرزند به دنیا آید و مسلمان پرورش یابد آن وقت حدّ آن گناه چه خواهد بود؟ اگر آن فرزند چه در رحم و چه در خارج بمیرد آن وقت حدّ گناه چه خواهد بود؟ اگر آن زن، باکره و یا زرتشتی بوده باشد در هر یک از این موارد حکم شرعی چه خواهد بود؟

passox 42

2. agar-š čiš andar nēst. 1 ān rāy juttar. weh dēn mard kē
zan-1 akdēn gāyēd. az im gādan ābust ān bawēd. ēg-š frazand
ō akdēn dādan rāy. zamānīg tanāpuhl wināh.
3. ud agar frazand zāyēd. ayāb andar ēškamb-1 im zan mīrēd
ud nasā kunēd. har wināh. 1 andar akdēnīh pad-š kunīhēd.
ō bun. ud andar ēn was ēwēnag wināh-1 čand-iz marzišn
šāyēd būd.
4. ud agar frazand be ō pānzdah sālāg rasēd. ud pad akdēnīh
ēstēd. 1-š. pad akdēnīh ēstādan rāy. gādār margarzān.
5. ud agar ziyānag šōyīnīg. andar šōy pad-iz gādan tāwān
tōzišnōmand. ud gādan nō sad stīr bawēd pad hamēmālān ¹
wināh.
6. zan dōšīzag dōšīzagīh burdan rāy. tanāpuhl ēd wināh.
7. ud agar weh dēn hast gādan rāy tāwān ō šōy ayāb sālār-1
ziyānag kunišn. tōzišn dōšīzagīh ham andar šōy ayāb sālār
i ziyānag kunišn.

۱- سه نوع گناه وجود دارد: گناه روان، گناه همی مالان، گناه عبور از پل (که به ترتیب تلفظ پهلوی آنها wināh-i ō puhl šawēd , wināh-i hamēmālān , wināh-i ruwānīg میباشد) گناه همی مالان گناهی است که در این دنیا شاکی برای آن وجود دارد و کفاره‌ای برای آن به شاکی باید پرداخت گردد.

پاسخ ۴۲

- ۲- اگر نکته تلویحی دیگری در این پرسش نیست، مرد زرتشتی که با زن مسلمان هم‌خوابگی نماید و به علت این هم‌خوابگی آن زن حامله شود در دم گناه ایجاد فرزند در رحم زن مسلمان از جانب مرد زرتشتی، گناه «تناپوهل» محسوب می‌شود.
- ۳- اگر این فرزند بدنیا آید و یا در رحم درگذرد و ایجاد نفاس نماید، هر گناهی که در اسلام برای اینگونه معصیت قائلند به روح مرد زرتشتی خواهد رسید. شمول این مقوله گناهان، زناهای گوناگون خواهد بود.
- ۴- اگر آن فرزند به سن ۱۵ سالگی برسد و همچنان مسلمان باقی بماند گناه نطفه گذارنده او «مرگ ارزان» است.
- ۵- اگر آن زن شوهر داشته آن وقت آن مرد زناکار باید به شوهر او به خاطر این زناکاری کفاره دهد. کفاره چنین زنایی نهصد ستیر است، برابر با کفاره گناه «همی مالان».
- ۶- و اما در مورد زن باکره، ازاله بکارت گناه «تناپوهل» است.
- ۷- اگر زن زرتشتی بوده است، کفاره این زناکاری باید به شوهر یا سرپرست آن زن داده شود. کفاره ازاله بکارت نیز باید به همسر یا سرپرست دختر داده شود.

۱. در دین زرتشتی گناهان به سه دسته تقسیم‌بندی شده‌اند که شمول هر دسته، انواع گناه را دربردارد. گناهی که روان را می‌آزارد (Wināh-i ruwānīg) گناهی که با کفاره از بین می‌رود (Wināh-i ō puhl šawēd) و گناه Hamēmālān. گناه اخیر گناهی است که در این دنیا برای آن شاکی وجود دارد و برای رفع آن باید گناهکار به شاکی جریمه بپردازد.

passox 42, cont'd.

8. ēn ēdōn ka. andar ham daštān mēh. any mard marzišnīh. ud
 abārīg. i čiyōn andar any dar i abar nibišt. pad-š nēst.

ادامه پاسخ ۴۲

- ۸- توضیحاً: آنچه در فصل گذشته راجع به هم خوابگی در دوران حیض و گناهان دیگر که در آن فصل شرح دادیم با مطالبی که در این فصل به شرح آنها پرداختیم کاملاً متفاوت اند.

pursišn 43

1. ¹
ān i pursēd.kū xwasrāyēn az ayōkēn pad čē juttar.ud
jud jud wizārišn čē čiyōn.

۱- رک به مقاله پریخانیاں "on Some Pahlavi Legal Terms" در

R.HF و همچنین به W. B. Henning Mem. Vol. (London, 1970) ص ۵۱-۳۴۹

صفحات ۱۹۶، ۱۹۸، ۲۰۰.

پرسش ۴۳

- ۱- این سؤال مطرح شده که «تفاوت بین زن «ایوکن» و زن خوشراین (xwasrāyēn) چیست و خصوصیات هر کدام از چه قرار است؟»

passox 43

2. xwasrāyēn wizārīhēd jūd āyōzišn.ud ān bawēd ka mard
duxt ēd i purnāy hast.uš pid pad ān abar dāštan
wināhkār.ud ziyānag.jud az dastvarīh-i pid.sālār ēd
frāz gīrēd.u-š zan bawēd.ān zan xwasrāyēn xwānīhēd.kār
kunišn i-š bawēd sālār.ziyānag-iz nē xvēš xvarišn ud
vistarag az-š stānēd pādixšā.ud pus-ē zāyēd.ō burnāyīh
rasēd.ziyānag sālār ān i-š kunēd.ka pus-ē zāyēd.ō
burnāyīh mad.ziyānag sālārīh andar ān mard.pad pādixšāīhā
zanīh ōy be pādixšā bawēd. pus [ud] duxt andar pānzdah
sāl ān pus zāyēnd hamāg pus duxt-i ān pus bawēnd.ān pus
pusarīh-i kas nēst.

پاسخ ۴۳

۲- زن «خوسراین» از زن «ایوکن» به کلی متفاوت است. خصوصیت خوسراینی این است که وقتی پدری دختر بالغی داشته باشد و در صدد شوهر دادن او بر نیاید، پدر گناهکار محسوب می‌شود. هرگاه دختر در این مورد بدون تأیید پدر، مردی را انتخاب نماید چنین دختری «خوسرای» نامیده می‌شود و آن مرد سرپرست او می‌گردد. حتی اگر این دختر لباس و غذا از شوهرش دریافت ننماید جایز خواهد بود. بر فرض این که فرزند پسری بدنیا آورد و آن پسر به سن بلوغ برسد، و مسئولیت مادرش به عهده او قرار گیرد اگر آن مادر پسر دیگری نیز بدنیا آورد و او نیز به سن بلوغ رسید، مادر که تحت مسئولیت پسر بزرگتر قرار دارد قانوناً به «پادشازنی» شوهر در خواهد آمد. اگر دختر یا پسری در حین آن ۱۵ سال پسر اول بدنیا آیند آنها به منزله پسر و دختر آن پسر بزرگتر محسوب خواهند شد. آن پسر اولی نمی‌تواند پسر خوانده کسی شود.

puršišn ۴۴

1. ayōkēn kadār bavēd.

پرسش ۴۴

۱- «ایوکن» کیست؟

passox

2. ayōkēn ān bawēd.ka mard-ē be widarān bawēd.us̄ zan
frazand pādixšāihā ud pus padīraftag.bē duxt-ē kē-s̄
šōy nē kard ēstēd.ēg-s̄ nēst.u-s̄ stūr-i kardag ud brād-i
hambāy nēst.ān duxt ayōkēn pid ōwōn bawēd čiyōn ka
pādixšā zan-i pid hē.
3. kas pad pādixšāihā zanīh griftan ud dāstan nē pādixšā.
pus ud duxt i-s̄ az-s̄ zāyēnd pādixšāihā frazand-i pidar
hēnd.

پاسخ ۴۴

- ۲- «ایوکن» دختری است که وقتی مردی فوت می‌نماید و زن اصلی یا
فرزندانی و یا پسرخوانده و یا قَیم و یا برادر شریکی ندارد به جز یک
دختر که او هم ازدواج نکرده است، آن وقت آن دختر «ایوکن» پدرش
می‌شود و همان مزایای حقوقی را خواهد داشت که اگر پدرش
«پادشازنی» می‌داشت.
- ۳- در این صورت هیچ مردی نمی‌تواند او را به عنوان «پادشازن» به
همسری درآورد. پسر و دخترهایی که او به دنیا آورد شرعاً متعلق به
پدرش می‌باشد.

مقایسه برخی از قرائت‌های نسخه انکلساریا و نسخه خطی

| شماره پرسش یا پاسخ | شماره صفحه BTE | نسخه خطی |
|--------------------|----------------|----------|
| پاسخ ۱ | ۴. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۳ | ۷. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۳ | ۷. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۴ | ۱۱. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۵ | ۱۷. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۵ | ۲۲. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۷ | ۲۴. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۹ | ۳۲. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۹ | ۳۲. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۱۰ | ۳۶. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۱۶ | ۴۹. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۱۷ | ۵۳. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۱۷ | ۵۸. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۱۷ | ۶۰. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۱۷ | ۶۲. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پرسش ۱۹ | ۷۸. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۲۷ | ۱۰۵ | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۳۰ | ۱۲۵. | ۱۱۴۵۵۵ |
| پاسخ ۳۹ | ۱۳۷. | ۱۱۴۵۵۵ |
| چپ ۱۲۳ | | |
| چپ ۱۲۴ | | |
| چپ ۱۲۴ | | |
| چپ ۱۲۵ | | |
| راست ۱۲۷ | | |
| چپ ۱۲۸ | | |
| راست ۱۲۹ | | |
| راست ۱۳۱ | | |
| راست ۱۳۱ | | |
| راست ۱۳۲ | | |
| راست ۱۳۵ | | |
| چپ ۱۳۶ | | |
| چپ ۱۳۷ | | |
| راست ۱۳۸ | | |
| چپ ۱۳۸ | | |
| راست ۱۴۳ | | |
| راست ۱۵۰ | | |
| راست ۱۵۵ | | |
| راست ۱۵۷ | | |

منابع

متنهای پهلوی و ترجمه‌ها

Anklesaria, B.T. *The Pahlavi Rivāyat of Ātūr-Farnbag and Farnbag-Srōš*, 2vols. Bombay, 1969, text with English transl., edited posthumously by K.M. Jamasp Asa.

Anklesaria, T. D., ed. *The Dāristān-i Dinik*, Part I , Pursišm I-XL , text, no date.

. *The Matikān-i Hazār Dāristān*, text with intro. by J. J. Modi , Bombay , 1912.

. *Rivāyat-i Hēmit-i Āsawahištan* , text with transliteration with intro. by C. Tarapore. Bombay, 1962

. *Bundihšn*, facsimile ed. of the Ms. TDI, text with intro. Bonyād-i Farhang-i Iran. Teheran, 1970.

Asmussen, J.P. *xvastvānift*, transcription and transl. Prostant aupd Munksgaard, Copenhagen, 1965.

Bartholomae, C. "Notes on Sarsanian Law," transl. by L. Bogdanov, with text, transc. and transl. from Matikān-i Hazār Dātistān. *Journal of Cama Oriental Institute, Bombay* , vols. XVIII, 1931, PP. 1-67 ; XXVI , 1934 ,PP, 1-80 ; XXX, 1963 , P. 103; XLI, 1967, PP. 1-94.

Bulsara, S.J. *The Laws of the Ancient Persians as Found in " Matikān-i Hazar Dātistān, "* with intro. and transliteration and transl. of the entire *Mh.D.* Bombay, 1937.

Jamasp, D.H., ed. *Vendidād.* Avestan text with Pahlavi transl. Bombay, 1907.

JamaspAsa, K.M. " Emēt-i Ašavahištān " [transcription and transl. of passages from *BTE.*]. *Monumentum H. B. Nyberg*, Brill , Leiden, 1975, pp. 435-43.

..... " Aspects of Kirpak in Zoroastrian Religion " [transcription and transl. Passages from *BTE.*]. *Memorial Jean De Manasce.* Louvain, 1974, pp. 237-50.

..... " Further to Emēt-i Ašavahištān " [transc. and transl. passages *BTE.*]. *Munchener Studien zur Sprachwissenschaft. Hft.30.* Munchen, 1972, pp. 65-72.

..... " on the Ēmēt-i Ašavahištān " [transc. and transl. passages BTE.]. *Cama Oriental Institute Golden Jubilee vol.* Bombay , 1969, pp. 37-44.

Jamasp Asa, K.M " Eēmēt-i Ašavahištān " [transc. and transl. Passages BTE.]. *Kuruš mem. vol.* Bombay, 1974 , pp. 167-79.

JamaspAsana, H.D., ed. *Škand Gumānig vičār*, Pahlavi- Pazand, with intro. Bombay, 1884.

Madan, M., ed. *Dēnkard*, text vols. 3 , 4 , 7 , 8 . Bombay , 1911.

Marzpan, Faretūn, MS. *Rivāyat Hēmī-i Ašawahīstan*. C. 1620 A.D. Molla Firōz Library . Bombay.

Menasce, J. " Problemes des Mazdéens dans l'Iran Musulmān " [transl. passages BTE.]. *Festchrift fur Wilhelm Eilers*, otto Harrassowitz. Weisbaden, 1967, pp. 220-30.

..... " La Rivāyat d'Ēmēt i Ašavahištān " [transl. Passages BTE.]. *Revue de l'Histoire des Religions*. Press Universitaires de France. Paris, 1962., pp. 69-88.

. *Feux et Fondations Pieuses dans le droit Sassanide* [with transl. passages *BT.*]. Paris, 1964.

West, E.W. *Šāyast-lā-Šāyast* , English transl. *SBE*. Vol. V. *Datistān-i Dinik*, English transl. *SBE*. vol. XVIII. *Dinkard*, Book V,VII, English transl. *SBE*. vol. XLVII. *Dinkard*, Book VIII, English transl. *SBE*. vol. XXXVII. *Škand Gumānik vīgar*, English trans. *SBE*. vol. XXIV.

متنهای اوستایی و ترجمه‌ها

Āsi Yašt Text, ed. K. F. Geldner, Stuttgart, 1886-96. Text and Persian transl. ed. Pourdawood, *Yašt-hā*, Bombay , 1927.

Transcription and notes, ed. Richelt, *Avesta Reader*, Berlin, 1968. Translation, darmester, *SBE*. rep. Motilal Banarsidass, Delhi, 1965.

Ardivisūr Yašt Text, ed. K. F. Geldner, Stuttgart, 1886-96. Transcription and notes, ed. Richelt, *Avesta Reader*, Berlin, 1968.

- Hōm Yašt* Text, ed. K. F. Geldner, Stuttgart, 1886-96.
Transcription and notes, ed. Richelt, *Avesta Reader*, Berlin, 1968.
J. M. Unvala, *Neryosangh's Sanskrit version of Hōm Yašt* with text transc. transl. commentary and glossary, Bombay, 1924.
- Mīhr Yašt* Text, ed. K. F. Geldner.
Transcription and translation, Gershevitch, *Hymn to Mīhura*, Cambridge, 1959.
- Rāšn Yašt* Text, ed. K. F. Geldner.
Text and transl. ed. Pourdawood, *yašt-hā* Bombay, 1927. Transl. Darmester, *SBE*. rep. Motilal Banarsidass, Delhi, 1965.
- Srōš Yašt* Text, ed. K. F. Geldner.
Text and transl.ed.Pourdawood, *Yašt-hā*, Bombay, 1927. Translation, Darmester, *SBE*. rep. Motilal Banarsidass, Delhi, 1965.
- Yasna* Text with Persian transl., ed . Pourdawood.
Transcription and translation, s. Insler, *The Gathas of Zarathushtra*, Brill, Leiden, 1975.

M. W. Smith, *Studies in Gathic Syntax*, Kraus Reprint Corp., New York, 1966.

Vendidād Transl., J. Darmester, *SBE*. vol. IV. Avestan text and Pahlavi transl., ed. D. H. Jamasp, Bombay, 1907.

فارسی کهن (از سنگ نبشته‌ها)

Kent, R. G. *Old Persian Grammar*, text with English transl. American Oriental Society. New Haven, Conn., 1953.

Sharp, R. N. *Farmānhāy-i Šāhanšāhān-i Haxāmanišy*, text, Persian transliteration and transl. Pahlavi University Press. Shirāz, 1965.

مراجع مرتبط

Asmussen, J. P. *Manichean Literature: Representative Texts Chiefly from Middle Persian and Parthians*. Delmar. New York, 1975.

Baily, H. W. *The Persian Language*, ed. A. Arbery, *Legacy of Persia*. Clarendon. Oxford, 1953.

Bartholomae, C. " Woman in Sasanian" Law transl. L.Bogdanov.
Bulletin of Iran League. Bombay, 1929.

Bernard, F. *The First year of Roman Law.* Oxford University` press. New
york , 1906.

Boyce, M. " Middle Persian Literature, " *Handbuch der Orientalistik,*
1968.

..... *Letter of Tansar.* UNESCO Pub., 1968.

Browne, E. G. *A Literary History of Persia,* 4 vols. Cambridge University
Press, 1969.

Brunner, C. The Middle Persian Inscription of the Priest Kirdēr at
nagš-i Rustann. *Near Eastern Numismatic, Iconography and History*
Studies, ed. D. Kouymjian, 1974.

..... Middle Persian Syntax. Delmar. New york, 1977.

Christensen A. *L'Empire des Sassanid.* Kobenhaven, 1907.

..... *Le règne du Roi Kawādh et le communism Mazdakite.*
Kobenhaven, 1925.

Colledge, A. R. *The Parthians*. Thames & Hudson. London, 1967.

Desai, S. F. " Some Ancient Societal Laws, " *Kuruš Mem. vol.* Iran Culture House. Bombay, 1974.

Dhabhar, B. N. *Persian Rivāyats of Hormazyār Framarz and Others*. English transl. with adapted text and translation of Dd. and Saddar Bundihisn . Cama Oriental Institute. Bombay, 1932.

Dhala, H. " Women in Ancient Iran and India." *Kuruš Mem. vol.* Iran Culture House. Bombay, 1974, pp. 37-50.

Driver, G. R. *Aramaic Documents of the 5th Century*. Clarendon. London, 1954.

Duchesne - Guillemin, J. *La religion de l'Iran ancien.*, transl. K. M. JamaspAsa. Tata Press, Bombay, 1973.

Frye, R. *The Heritage of Persia*. Weidenfeld and Nicolson. London, 1965.

Gershevitch, I. " Iranian Literature. " *Literature of the East*. Grove press. New york, 1959.

Ghilain, A. *Essai sur la langue parth.* Institut Orientaliste. Louvin, 1939.

Harlez, C. *Manuel de la langue pehlevie.* Paris, 1880.

Henning, W. B. " An Astronomical Chapter of Bundihišn. " *JRAS.*
London, 1942.

Hastings Kelke, W. H. *An Epitom of Roman Law.* Sweet and Maxwell
Ltd. London, 1901.

Jamaspji, D. H. *Ardavirāf nāmeḥ*, revised Pahlavi text with M. Haug's
transl. 1872.

Junker, F. J. " The origin of the Avestan Alphabet. " *Modi Mem. vol.*
Bombay, 1930, pp. 766 - 74.

Lord Mackenzie. *Studies in Roman Law*, 5th ed., rev. W. Blackwood &
Sons. London, 1880.

Mirza, H. K. "Sogdian Plural Suffix in Pahlavi. " 26th *International
Congress of Orientalists*, vol. II, 1968.

..... *Outline of Parsi History.* Bombay, 1974.

Modi, J. J. " The Evolution of Iranian Law. " *Jackson Mem. vol.*
Bombay, 1954.

Modi, J. J. " The Mobadān Mobad Omid bin Ashavst, Referred to by
Hamza Isphahāni," *Studia Indo Iranica*. Liepzig, 1931, pp. 274-88.

. *The Religious Ceremonies and Customs of the Parsees*. Bombay,
1922.

Mojtaba, Minovi, ed. *Nāmeḥ-i Tansar*. Kharazmie Pub. Teheran, 1975.

Molé, M. " Le Problem zurvanite. " *Journal Asiatique*, 1959 vol. 247, pp.
431-69.

Muirhead, J. *Historical Introduction to the private Law of Rome*. Adam
& Charles Black. Edinburgh, 1886.

Perikhanian, A. " on Some Pahlavi Legal Terms. " *W.B. Hennings Mem.*
vol. Lund Humpheries. London, 1970 pp. 349-57.

Salemann, C. *A Middle Persian Grammar*, transl. L. Bogdanov. British
India Press. Bombay, 1930.

Sykes , P. *A History of Persia*, 2 vols. Macmillan. London, 1963.

Unvala, J.M. *Observations on the Religion of the Parthians*. Bombay, 1925.

Widengren, G. *Mani and Manichaeism*. Weidenfeld and Nicolson.
London, 1965.

Zaehner, R. C. *Zurvan: A Zoroastrian Dilemma*. Biblo and Tannen .
New york, 1972.

..... *The Dawn and the Twilight of Zoroastrianism*. Weidenfeld and
Nicolson. London, 1961.

..... *Teaching of the Magi*. Oxford University Press. London, 1955.

فرهنگها

Abrahamian. *Pahlavi Dictionary*, with English, Russian, Armenian and Persian transl. Yerevān, 1965.

Bahar , M. *Bundihisn Glossary*. Bonyād-i Farhang-i Iran. Teheran, 1967.

. *Vīcitakihā - i Zādspram Glossary*. Bonyād-i Farhang-i Iran. Teheran, 1973.

Bartholomae, C. *Altiranisches Worterbuch*. Berlin, 1961.

Dhabhar, B. N., ed. *Pahlavi Yasna Visperad*, with glossary and intro. Bombay, 1949.

Faravashi, B. *Farhang-i Pahlavi*, 2nd ed. Teheran University Press. Teheran, 1974.

Junker, F. J. *Farhang-i Pahlavik* , ed. and intro. Heidelberg, 1912.

. *Farhang-i Pahlavik*, in Zeichengemässer Anordnung. Otto Harrassovitz. Leipzig, 1955.

Kapadia, D. *Glossary of Pahlavi Vendidad*. Poona, 1953.

Mackenzie, D. N. *A Concise Pahlavi Dictionary*. Oxford University Press.
London, 1971.

Mashkūr, M. J. *Farhang-i huzvarāshāyi pahlavi*. Bonyād-i Farhang-i Iran.
Teheran, 1968.

Nyberg, H. S. *A Manual of Pahlavi*, 2 vols. Otto Harrassovitz.
Weisbaden, 1964.

Tafazzoli, A. *Glossary of Mēnōg-i xrad*. Bonyad-i Farhang-i Iran.
Teheran, 1969.

واژه‌نامه

بعضی اصطلاحات دینی - حقوقی زرتشتی

اصطلاحات زیرین در دین زرتشتی حائز اهمیت بسیاری هستند. آنها که شماره در پی دارند در صفحات آوانویسی کتاب حاضر بکار رفته‌اند. آنها که شماره در پی ندارند فقط به خاطر اهمیت آنها، که در سایر متون دینی زرتشتی آمده‌اند، در اینجا نیز ذکر گردیده‌اند هر چند که در متن کتاب حاضر اشاره‌ای به آنها نشده‌است.

الف

آتش (Ataš) اوستائی Atar در دین زرتشتی آتش بالاخص از حرمت خاصی برخوردار است و به عنوان نشانه درخشش اهورامزدا محترم شمرده می‌شود. در اوستا آتش، ایزد پر جلال و شفا دهنده خطاب شده (نیایش ۵-۶)، آتش ولی نعمت خانه نامیده شده (یسن ۱۱-۱۷) آتش فرزند اهورامزدا شناخته شده (یسن ۷-۲۵ و ۱۰-۷۱). آتش نماینده اهورامزدا است. حضور آتش در تمام مراسم زرتشتی حتمیت دارد. آتش معزز و مقدس است. به آتش نیایش می‌کنند. مؤمنین امید و آرزو دارند که توسط آتش به اهورامزدا تقرب یابند. پنج نوع آتش:

بنابر اوستا (یسن ۱۱-۱۷) پنج نوع آتش مرئی و غیر مرئی وجود دارد:
۱- ātar berzi-savah در پهلوی ātaš-i buland sūd (آتش پرثمر)
آتشی است که تنها سوخت می‌گیرد بدون آب. این آتش همیشه

مشتعل، آتش بهرام است. آتش بهرام آتشی است که باید در هر جا که زرتشتی سکونت دارد برقرار باشد. اعتقاد بر این است که بدون حمایت و قدرت آتش بهرام هیچ فرد زرتشتی نمی‌تواند در دنیا زندگی نماید. برای برپا نمودن این آتش باید از ۱۰۰۱ آتش طبق موازین دقیق آداب دینی جمع‌آوری شود.

۲- ātar vohu-Frayāna در پهلوی ātaš-i weh Franaftār (آتش ساطع نیکوییها) این آتش در وجود انسانها و حیوانها موجود است. این آتش آب و تغذیه می‌گیرد.

۳- ātar Urvāzišta در پهلوی ātaš-i frāx ziwišn (آتش زندگانی خجسته) این آتش در گیاهان است و تنها آب می‌گیرد بدون غذا.

۴- ātar vāzišta در پهلوی ātaš-i vāzišt (تندروترین آتش) این آتش در ابرها، در فضا، در زمین و در کوه‌هاست. این آتش به تغذیه و آب نیازی ندارد.

۵- ātar spiništa در پهلوی ātaš-i abzōnīg (آتش فراوانی و برکت) این آتش فروزانی است که در ملکوت اعلی در برابر اهورامزدا است. توصیف آتش‌های فوق‌الذکر اندکی متفاوت از توصیفی است که در بندهشن آمده. در آنجا آتش فروزان ملکوت اعلی، آتش بهرام نامیده شده. به جز این در سایر موارد اوصاف یکی است. (اقتباس از OPH.)

در مورد بنای آتشکده مقدس: پنج آتشکده هست که مقدس‌ترین، مکرم‌ترین و معظم‌ترین می‌باشند: آتش بهرام، آتش برزین مهر، آتش آذران، آتش گشنسپ و آتش فرنبنگ.

آتش بهرام جهت برپاساختن آن از هزار و یک آتش، باید ماده اصلی آن را جمع‌آوری نمود. هر جا که زرتشتیان زندگی می‌کنند باید آتش بهرام را برپا سازند. هیچ کس سوای دستور و هیربد اجازه نظاره بر آن

آتش برزین مهر اعتقاد بر این است که این آتش را حضرت زرتشت به شخصه در آتشدانی از بارگاه اهورامزدا آورده است. R.HF.P.72
آتش آذران در هر محله‌ای که ده خانواده زرتشتی سکونت دارد این آتش باید برپا شود و نگهبان همیشگی با حقوق و مواجب برای آن گمارده شود. سالی یک بار این آتش باید جمع‌آوری شده و در کنار آتش بهرام قرار داده شود طوری که در مقابل آتش بهرام خاموش گردد.

آتش گشنسپ بقایای این آتشکده که از دوران ساسانیان است در تخت سلیمان آذربایجان ایران واقع است در میان آتشکده‌های باستانی و آتشکده‌های جدید این تنها آتشکده‌ای است که آتش مقدس در مکانی شبیه به اطاق شعله‌ور است و زیارت‌کنندگان در نهایت تعظیم و تکریم همان گونه که در برابر سلطانی شرف حضور یافته‌باشند، می‌توانند به ساحت آن راه یابند نه مانند روش معمول که از یک در باید وارد شد و از دیگر خارج. در عین حال در تمامی دوران زیارت، آتش از خطر آلوده شدن حفاظت می‌گردد. (اقتباس از M.Boyce, "On

Zoroastrian Temple Cult of Fire" *JAOS*, 1975, P.465

آتش فرنیغ اساس این آتش همانند آتش برزین مهر و آتش گشنسپ در دوران ساسانی بر مبنای این عقیده که جوهر جهان از آن است برپا گردیده بود که متأسفانه بنای آن در غبار داستان‌ها محو گردیده است.

M.Boyce, *op.cit.* P. 459

آتش به منزله داور الهی

ایزد آتش در شعله سرخ آتش قرار دارد و نظاره می‌کند. هم او به عنوان داور الهی در روز قیامت داوری خواهد کرد در اوستا از آتش به عنوان داور الهی، بکرات و در جنبه‌های گوناگون ذکر آمده. او عدالت را از طریق حرارت و آتش به وجوه فلزات، فلز مذاب، و فلز درخشان اجرا

می‌نماید (یسن ۳-۳۱، ۴-۳۴، ۲-۳۶، ۶-۴۷، ۱۹-۳۱، ۹-۵۱، ۴-۴۳، ۷-۳۰، ۷-۳۲، ۹-۵۱ اقتباس از OPH)

آش (Aša) مفهوم راستی و درستی در دین زرتشتی تنها لفظی و یا اصول اخلاقی نیست بلکه شامل نظام جهانی و کیهانی نیز می‌گردد. آش به حقیقت، تقوی، تقدس و فا و نظم اطلاق می‌گردد.

اکدین (akdēn) غیر زرتشتی، معمولاً "به زرتشتیانی اطلاق می‌شد که از دین زرتشتی به اسلام گراییده بودند ص ۲، ۱۵، ۱۶، ۱۳۲، ۱۳۴

امشاسپند (Amahraspanda) اوستایی Aməša Spənta فرشتگان نگهبان که حافظ مخلوقات مادی و کیفیات معنوی می‌باشند.

اهلوداد (Ahlawdād) مقرری‌ای که به صورت نقدینه یا جنس به روحانیون دین زرتشتی داده می‌شود تا یا آن حمایت مالی، زندگی ایشان تأمین گردد و بتوانند بی‌دغدغه خاطر به انجام وظایف و مسؤولیتهایی که دارند برسند و برای تأمین معاش در پی کار دیگری نروند. ص ۴۲ و ۷۰

ایوکن دختری که پدر یا برادرش در گذشته باشند و آنها پادشازن و یا فرزندان و یا فرزندخوانده و یا قیم تعیین شده‌ای نداشته باشند آن وقت آن دختر ایوکن برادر یا پدر متوفی خود می‌شود. به عبارت دیگر صاحب امتیازاتی می‌شود عیناً همان امتیازاتی که اگر آن پدر یا برادر، پادشازن داشتند دارای امتیازاتی می‌بود. قانوناً هیچ کس نمی‌تواند به عنوان زن اصلی او را به همسری اختیار نماید. پسر یا دخترهایی که از او زاده شوند قانوناً فرزندان پدر یا برادر در گذشته می‌باشند. ص ۲، ۴، ۹، ۱۲۸، ۱۵۰، ۱۵۲، ۱۵۸، ۱۶۰، ۱۸۹، ۲۶۳، ۲۶۶، ۲۶۷

ایوکن ستور دختری که تحت شرایط فوق‌الذکر سرپرست خانواده شود. ص ۲، ۴، ۹

ب

بخت تقدیر، مفهومی است که چندان در دین زرتشتی طرفداری نمی‌شود. زیرا بنابر علم اخلاق دینی آنها، نیروی اراده شخصی هر فرد است که سرنوشت ساز زندگی اوست. اهورامزدا هرگز کسی را از ازل خوشبخت یا بدبخت به این دنیا نمی‌آورد.

برش‌نوم (baršnūm) آداب غسل شرعی است که باید تحت نظر استاد آداب تطهیر صورت پذیرد. و دارای مراسم طولانی است که عبارت است از بیست و یک بار شستشوی تن با ادرار گاو و خشک نمودن آن با خاک و دوباره شستن آن با آب تمیز. در هریک از این مراحل دعا‌های خاصی توسط استاد تطهیر و شخص غسل‌شونده توأماً ذکر می‌گردد. بعد از آن یک عزلت ۹ شبه باید رعایت شود سپس پس از گذشت سه شب آن شخص [زن یا مرد] باید سر و تنش با ادرار گاو و آب تحت آداب و موازین دقیق شرعی و تحت نظارت استاد تطهیر، شستشو شود.

صفحات ۷۴، ۲۰۸، ۲۱۸

بی‌اسپان این اصطلاح معرّف دختری است که بدون مشورت و تأیید پدر یا بزرگتر یا صاحب‌نظر، همسری برای خود اختیار نماید. بنابر نظر خانم پریخانیان این لغت وجه دیگری از خوش‌سرای (خودسر) ازدواج نمودن است که اساس آن با بی‌اسپان یکی است. ص ۱۹۲

پ

پادشازن زن اصلی، که کاملاً مستقل و نسبت به فرزندان اختیار تام و تمام دارد. همسرش وظیفه دارد که غذا، لباس و سایر هزینه‌های او را تأمین نماید. او می‌تواند پس از درگذشت شوهرش سرپرست خانواده شود. ۴، ۹، ۴۴، ۱۳۰، ۱۹۲، ۲۶۴

پتیت پدگوشن توبه لفظی، مسئله توبه در دین زرتشتی حائز اهمیت بسیار است اگر زرتشتی ای مرتکب گناهی شد چه لفظی چه عملی، باید او را وادار به توبه کرد. فرمان کیفر متناسب با گناه باید از جانب دستور صادر شود. اگر دستور بیش از حد گناه کیفر صادر نماید در آن صورت دستور گناهکار می گردد. ذکر توبه ای باید هر روز گفته شود. اگر فردی نتواند خود آن را انجام دهد باید کس دیگری را بگمارد تا از جانب او آن ذکر را بگوید. واجب ترین ذکر آنست که جهت توبه هر روز باید گفته شود عبارت است از: «متأسفم از، و توبه نموده ترک می نمایم، هر گناهی را که بر زبان رانده یا عملاً انجام داده ام و یا از خاطر خطور نموده.» ص ۲۲۲

پدپیشگ شستن یکی از معانی پیشگ (Pesağ) گره چوب است که در این مورد خاص به کل قطعه چوب اطلاق می شود. کل این اصطلاح معرّف آیین تطهیر پس از آلودگی می باشد که نیاز به مصرف ادرار گاو است. معمولاً در مورد آلودگی هایی است که در امر تماس با جسد مرده روی می دهد. ابزار خاصّ این تطهیر عبارت است از یک پیشگ که دارای ۹ گره است و یک ملاقه مانند سربی یا آهنی به سر آن وصل است که با آن گومز (ادرار تقدیس یافته گاو) را به روی شخص آلوده می ریزند. این غسل مشابه غسل برش نوم است. (اقتباس از لغت نامه وندیداد، از دستور کاپادیا بمبی ۱۹۵۳ ص ۴۶) ص ۱۳۴، ۱۹۶

پندرد اوستایی Paiti-raēwa آلودگی غیر مستقیم. ص ۸۱
پل چینوت پلی است که روح پرهیزکاران به راحتی از آن عبور می نماید [و به بهشت می رود] روح بزه کاران هنگام عبور به دوزخ می افتد. صفحه ۲۲۸

پشوریا دامنان یک اصطلاح اوستایی که معرّف اولین مخلوق است. در این متن و یا بنابر توضیح امید اشوهیستان منظور افراد بدوی هستند که از قانون طبیعت پیروی می نمایند که هر کس هر چه را

اول بدست آورد صاحب آن خواهد بود. ص ۱۶، ۱۶۸

ت

تائیک اصطلاحی که به یک روز احتیاط اضافی که زنی برای اطمینان قبل از انجام غسل حیض مراعات می نماید. ص ۱۹۸، ۲۰۰
 تنابوئل گناهی که مانع عبور گناهگار از پل چینوت خواهد شد. کفاره آن ۳۰۰ ستیر است. ص ۱۶، ۶، ۳۰، ۴۴، ۱۴۱، ۱۶۸، ۱۹۰، ۲۰۶، ۲۶۰
 تن پسن شکل نهایی که به موجودات پس از خاتمه دوران این عالم هستی داده خواهد شد. ص ۲۲۴، ۲۴۰
 تن ریمن آداب مذهبی خاصی که به مناسبت انجام غسل و تطهیر جسم و روح به جا آورده می شود چهار نوع تطهیر متناسب با شدت و ضعف آلودگی جسم و روح وجود دارد که عبارتند از: پادیاب، ناہم، تن ریمن، و برش نوم. ص ۲۱۷

ج

جزیه پس از شکست ایران از اعراب، جزیه یک نوع مالیاتی بود که می بایست هر غیر مسلمان به حکومت اسلامی بدهد.
 چه فاحشه ۷۲، ۳۶، ۳۷، ۳۸

چ

چگرزن اگر زنی ازدواج نموده و شوهرش درگذرد و او دوباره ازدواج نماید امتیازات اجتماعی - ازدواجی او پایین تر از امتیازات پادشازن خواهد بود. یعنی اختیار تام و تمام فرزندان را نخواهد داشت. همسر او وظیفه ندارد که غذا و لباس او را تأمین نماید. او هنوز متعلق به همسر درگذشته اش است و فرزندی که از همسر جدیدش

بدنیا آورده [از لحاظ وظایف فرزندی - شرعی] به همسر در گذشته
تعلق می‌گیرد. ۶، ۴۲، ۴۸، ۱۴۸، ۱۶۰، ۱۸۹، ۱۹۰

خ

خِشَوُش منگهو «کار شش ماهه». هر گاه نسج بافته شده‌ای آلوده گردد
باید شش بار با ادرار گاو شسته شود، شش بار خاک مالیده شود و
شش بار با آب پاک شسته شود آن وقت در کنار پنجره‌ای از خانه، برای
مدت شش ماه در معرض هوا قرار گیرد. ص ۸۴

خوب مرحله‌ای از تبخّر در انجام مراسم دینی. رسیدن به این مرحله
نیاز به کارآموزی خاص دارد. دو نوع خوب هست: خوب بزرگ و
خوب کوچک. مجتهدی که به مرحله خوب بزرگ رسید می‌تواند
مراسم عالی‌تر آداب نیایشی را انجام دهد. ص ۷۹ یادداشت ۲

خودرای - زن خو سرای دختری که بدون رضایت و تصویب والدین
یا شخص صلاحیت‌دار ازدواج نماید. در چنین موقعیتی آن مرد به
سرپرستی او در خواهد آمد. اما ملزم به برآوردن تمام هزینه‌های او
نمی‌باشد. اگر فرزند پسر بدنیا آورد، پس از این که او به سن ۱۵ سالگی
رسید آن وقت آن زن به منزلت پادشازنی آن شوهر در خواهد آمد.
ص ۲۶۳، ۲۶۴

خوی توداه ازدواج با محرم. گفته شده دین زرتشتی از آن حمایت و
مثمر ثواب‌های بسیار شمرده شده است. ولی چنین به نظر می‌رسد که
این عمل در میان زرتشتیان متأخر نه تنها منسوخ گردیده بلکه مورد
انکار مطلق آنها نیز می‌باشد.

ص ۱۸۰، ۱۸۲، ۱۸۴، ۱۸۸

دروج جوهر ناراستی و دروغ، ابلیس آشفتگی و ناموزونی، متضاد
آش. ص ۲۸۵

درهم سکه نقره‌ای به ارزش ۲ پنس استرلینگ (هنگام چاپ پهلوی
کتاب ۱۹۶۲) ص ۱۱۸، ۱۲۲، ۱۶۲

دستشوی اصطلاح شرعی معرّف آداب غسل با ادرار گاو و آب
مقدس. ص ۷۶، ۲۱۹، ۲۱۷، ۲۰۰

دستور مرجع عالی روحانی که دارای مقام ارشد و رهبر سایر روحانیون
که هر یک مسؤول حوزه‌ای هستند، می‌باشد. (اقتباس از OPH)

دشتان نشستن یا دشتان نشستن قرنطینه دوران حیض. اگر زنی حیض شده
باید مکانی برای او اختصاص یابد که سی قدم دور از جایی که «برسم»
(گیاه مقدس) نگهداری می‌شود باشد و سی قدم دور از مکان مقدس
(جایگاه آتش) و سی قدم دور از مرد مذهبی باشد. او نباید در آن
دوران با هیچ مرد مذهبی حرف بزند و همچنین نباید به آتش و
خورشید نگاه کند. غذا باید در ظروف فلزی و همچنین با کاسه‌ای پر
از ادرار گاو و کاسه‌ای پر از آب تمیز و دستکش مخصوص کفّی پیش
او برده شود. قبل از شروع به خوردن باید سه بار دست و صورتش را با
ادرار گاو بشوید و سه بار با آب و سپس دستکش‌ها را بدست کرده و
غذا را به دهان ببرد طوری که دستش به غذا نخورد این عزلت‌گیری
باید ۹ شب ادامه یابد. (اقتباس از R.HF) ص ۲۰۰

دودک کدک باتو بانوی اوّل خانواده. منزلتی که به شخص اختیار تام و
تمام در امورات خانوادگی می‌دهد. ص ۱۱، ۶۹

دودک سالار اصطلاحی که شمول آن عبارت است از:

— بزرگ خانواده بودن

— حق تصمیم‌گیری به اسم پدر فامیل در موارد غیاب او. در واقع

حق اختیاراتی مشابه اختیارات یک قیم. ص ۲۰، ۲۲
 دوازده - هوماست یک آیین دینی که برای بزرگداشت خانمی (در
 قید حیات یا متوفی) انجام گیرد. ص ۱۰۴

ر

رستاخیز حشر، روز قیامت. ص ۲۳۸
 روایت کلمه روایت Rivāyat در متون پهلوی نیامده. چنین به نظر
 می‌رسد که این کلمه به نوع خاصی از نوشته‌های به زبان پهلوی در
 دوران اخیرتر اطلاق گردیده. همچنین به نظر می‌رسد که این کلمه
 ترکیبی از لغت عربی - فارسی است. ترکیبی که می‌توان ریشه آن را از
 رواگ «rawāg» پهلوی که در فارسی «روا» به معنی جاری، متداول، آن
 چه که عمل می‌شود، و در عربی Riwāya به معنی گزارش و شرح آمده
 ردیابی کرد.
 در قرون اخیر این کلمه در زبان پهلوی و فارسی به نوع ادبیات
 خاصی که شامل شرح و تفسیر قوانین و شرعیات دین به صورت
 مکالمه (پرسش و پاسخ) که از مراجع عالیقدر دینی استفسار شده،
 اطلاق می‌گردد.
 روسپی زن بدکار. ۳۷، ۳۸

ز

زمانگ واحد زمانی (یک سال) که در طی آن باید قیمی برای
 خانواده‌ای که پدر را از دست داده، تعیین شود. ص ۱۲
 زیانگ معنی اصلی آن «زن جوان» است اما در اصطلاح قانونی چنانچه
 بارتلومه توجیه کرده به معنی زن غیر عقدی می‌باشد. ص ۴۴، ۱۵۰

س

سپناگ مینو در اوستایی *spənta mainyū* جوهر بخشندگی، نیروی سازنده جهان. در متون متأخر اوستایی و پهلوی سپناگ مینو و اهورامزدا یک ماهیت شناخته شده‌اند. ص ۷۰، ۱۰۲

سپهر فلک، چرخ زمانه، تقدیر، آسمان دوار. برخی اعتقادات دینی بر این است که سپهر گرداننده مقدرات انسان‌هاست. این اعتقاد در دین زرتشتی به کلی مطرود است. در دین زرتشتی نیروی اراده هر فرد مسؤول و کارساز سرنوشت اوست. ص ۲۴۴

ستور یک اصطلاح حقوقی است که شمول اطلاق آن بسیار گسترده است از قبیل: قیم، سرپرست، پسرخوانده که نهایتاً به عنوان قیم درخواهد آمد، متصدی امور مالی و سپرده خانواده. ص ۲، ۴، ۱۰، ۱۱۸، ۱۵۸، ۱۶۰

ستوربودک وقتی پدر خانواده در می‌گذرد، پسر او که از لحاظ عقلی سالم باشد و به سن ۱۵ سالگی هم رسیده باشد به عنوان قیم خانواده انتخاب خواهد شد از لحاظ سنگینی مسئولیت بین ستور و دودک سالار تفاوت فاحش نیست و سه اصطلاح بودک، کردک و گماردگ با اندک فرق جزئی به هر دو اطلاق می‌شود. ص ۵، ۲۲

ستورکردک قیمی که طبق موازین شرعی و در زمان حیات پدر خانواده تعیین می‌شود. شرایط این مقام عبارت است از: عقل سالم، داشتن حداقل ۱۵ سال سن، و فرزند ذکور خانواده بودن. ص ۴

ستورگماردگ پس از درگذشت پدر خانواده، واجد شرط‌ترین فرد خانواده، با تایید و تصویب افراد صلاحیت‌دار، به مقام قیمی خانواده تعیین می‌شود. ص ۴

ستوش روز چهارم پس از مرگ. در دین زرتشتی اعتقاد بر این است که در این روز اعمال انسان‌ها بررسی و قضاوت می‌گردد. لهذا استغاثه

به درگاه خدا و طلب مغفرت و رحم باری تعالی از جانب فامیل و دوستان متوفی در این روز و ساعت بخصوص، ثواب بسیاری دربر خواهد داشت. ص ۱۷۲، ۱۸۴، ۲۳۰

ستیر واحد وزنی ۶/۵ درهم که هر درهمی یک سکه نقره‌ای است که تقریباً دوپنی استرلینگ ارزش دارد. ص ۱۲، ۷۰، ۱۲۲، ۲۵۶
سوشیانس منجی بشریت که برکت و اصلاحات نهایی را خواهد آورد. ص ۲۵۱

سی گام «سه قدم» حداقل فاصله مجاز برای هر جسم آلوده که در نزدیکی «آتش»، «آب» و «برسم» (ساقه‌های مقدس که در آیین دینی بکار می‌رود) قرار بگیرد. ص ۷۸

سینگ مسای بازامسای در اوستایی *bāzu* , *sraoni masanghem*
stavaghem که ترجمه آزاد آن می‌شود در حد بخور و نمیر.
ص ۲۸، ۱۲۴، ۱۴۸

ف

فرشکرد رستاخیز، روزی که شکست نهایی ابلیس ناراستی، در دو دست نیروی راستی، صورت می‌گیرد (یسن ۸-۳۰ و ۲-۴۸) این مفهوم به کزات در اوستا آمده. چند نمونه آن موارد زیر است: یسن ۹-۳۰، ۱۵-۳۴، ۵۵-۶، و یشت ۸۹-۱۹ (اقتباس از OPH) ص ۱۹۰
بند ۳

ک

کدک خُودای منزلتی مشابه دودک سالار. ص ۲۸، ۲۹۰، ۱۲

گ

گادار اصطلاحی که معرف شوهر موقت، دوست مرد شرعی با روابط جنسی، است. ص ۳۲، ۳۶، ۳۷، ۲۶۰

گاهان بار به اوستایی (yearly) yāirya، جشنهای موسمی. در هر سالی ۶ گاهان بار هست که برای هر کدام ۵ روز جشن گرفته می شود.

۱- maidyōzareṃ = جشن نیمه بهار

۲- maidyōshahem = جشن نیمه تابستان

۳- paitishahem = جشن خرمن

۴- ayāthrem = جشن رسیدن فصل زمستان

۵- maidyārem = جشن نیمه زمستان

۶- hamaspathmaedem = جشن یکسانی شب و روز (اقتباس از

OPH) ص ۱۰۵ یادداشت ۳

گرزمان ملکوت اعلی. ص ۲۲۸

گنگا مینو اوستایی Angra Mainyū نیروی مخرب در دنیا (ابلیس). در متون پهلوی اهریمن نیز نامیده شده. ص ۷۱ یادداشت ۲

گناه همی مالان در دین زرتشتی سه نوع گناه است: گناه روان (گناهی که پس از مرگ جسمانی، باعث آزار روح می شود) گناه به پل رفتن (گناهی که سرنوشت عبور فرد را از روی پل چینوت در روز داوری نهایی معین می سازد) و گناه همی مالان (که ارتکاب آن در این دنیا ایجاد شاک می نماید و جریمه آن گناه باید به شاک می پرداخت شود). دو گروه دیگر گناهان نیز هر یک کفارهایی دارند که انجام آنها، آن گناه را پاک خواهد ساخت مگر در موارد خاصی که کفاره آنها فقط مرگ است و بس. ص ۲۶۰

گومز ادرار گاو که در مراحل اولیه غسل ها و مراسم تطهیر جهت شستشو بکار می رود. ص ۲۰۶، ۷۶

م

مرگ ارزان گناهی که کفاره آن فقط مرگ است.

ص ۶، ۱۶، ۳۰، ۵۸، ۱۹۰، ۲۶۰

موبد مرجع روحانی، پیشوا و پیش نماز دین زرتشتی

موبدان مؤبد بالاترین مقام روحانیت که اختیاراتی برابر اختیارات شاه دارد القاب گوناگونی در دین زرتشتی وجود دارد که هر یک معرف مقام خاص روحانی می باشد. هر چند معانی خاص و کاربرد اولیه آنها امروزه در دست نیست مع ذلک اصطلاحات زیر در زبان روزمره برای القاب و مراسم دینی بکار می رود:

— آشرو: آخوند، یک عضو جامعه روحانیت.

— به دین: زرتشتی، عضو روحانی غیر حرفه ای جامعه زرتشتی.

— خورد: خورد کوچک و بزرگ. این اصطلاح در مورد اطفالی است (چه دختر و چه پسر) که از والدین زرتشتی می باشند اما هنوز شرعاً به دین زرتشتی در نیامده اند بلکه پس از انجام مراسم «نوجوت» رسماً یک زرتشتی کامل می گردند. این آیین نوجوت وقتی طفل به سن ۷ سالگی کامل رسید تا قبل از بلوغ باید انجام شود.

مهرگان جشن آفتاب که در روز ۱۶ از ماه هفتم (اولین ماه تقویم زرتشتی در اول فروردین که مصادف با ۲۱ مارس می باشد آغاز می گردد) برپا می شود. تاریخ این جشن با یک واقعه اسطوره ای توأم است. عقیده بر این است که اولین شاه تاریخ، فریدون، ضحاک را که تجلی نیروی ابلیسی بود در آن روز به بند درآورده محبوس ساخت و خود در همان روز به تخت سلطنت ایران جلوس نمود.

ن

نوروز سال نو. اعتقاد بر این است که جمشید از خاندان پیشدادیان

اولین فردی بود که آن روز را جشن گرفت و آغاز سال تعیین کرد. شاهان ساسانی در این روز بار عام می دادند. این روز که آغاز سال ایرانی است با تقویم گرگوری که تقویم رسمی جهانی است انطباق دقیقی ندارد ولی حدود روز ۲۱ مارس می باشد.

نوگ ناوَر مراسم تشرف طلبه به مقام روحانیت. ص ۱۰۴

۹

وه دین «دین نیکو» اصطلاحی که زرتشتیان به دین خود اطلاق می نمایند. ص ۲، ۱۳۲، ۲۲۱

۵

هاوِشت طلبه دینی - کسی که برای نیل به روحانیت تعلیم می یابد.

هَسَر واحد اندازه که سه وجه دارد:

هَسَر بزرگ که ۱۲ هزارپا است

هسر کوچک که ۶ الی ۸ هزارپا است

هسر میانه که ده هزارپا است. ص ۷۳، ۷۴

همرید اوستایی ham raēwa آلودگی مستقیم. ص ۸۰، ۸۱

همیستگان جایگاهی بین بهشت و دوزخ. ص ۱۷۴، ۲۴۰

هیغز آنچه از بدن جداشدنی است، مانند استخوان، گوشت، پوست، خون، چرک، مو، ناخن، منی، ترشحات رحمی و عرق

همرید مرجع دینی - روحانی، آموزگار شرعیات و دین زرتشتی ۵۲، ۵۸، ۶۰، ۶۴، ۶۶، ۷۶

هوخت گفتار نیک

هوخت پندار نیک (اصول دین و مبنای قوانین شرعی زرتشتی).

هوورشت کردار نیک

ی

یشت‌ها مجموعه دعا‌هایی که هریک از آنها به ایزد خاصی اختصاص دارد. مصدر یشتن موارد مصرف متعددی دارد مانند: دعا کردن، پرستش نمودن، تبرک کردن، وادای اوراد مذهبی. ص ۷۹ یادداشت ۱
یشت ویراست آیین مذهبی که توسط روحانیون به منظور ارتقاء به مقام عالی‌تر روحانی، «خوب بزرگ» انجام می‌یابد که پس از آن مجاز خواهد بود آداب دینی مسئولیت‌دارتری را انجام دهند.

ص ۷۹ یادداشت ۲

یوژدَهرگر مجری مراسم تطهیر طبق موازین شرعی ص ۵۶، ۶۸

Rivāyat-i Hēmit-i Āsawahistān
A Study in Zoroastrian Law

Edition, Transcription
and
Translation

by
Nezhat Safa-Isfehani

first edition 1998



all rights reserved for
Nashr-e Markaz publishing Co.
Tehran P.O.Box 14155-5541
ISBN : 964-305-338-5

printed in Iran